

مبارک
۹۷
نوروز

مجله اجتماعی-فرهنگی گیلان فردا
سال دوم-شماره هفتم
زمستان ۹۶
۵۰۰۰ تومان

گیلان فردا

Guilanfarda.ir



گفت و گوی گیلان فردا با «بابک زرین» آهنگساز موفق گیلاتی

فوت آخر من پودر ماندگاری است

جایزه ویژه ترانه‌ی
افشین یداللهی

نخستین جایزه ویژه ترانه‌ی
افشین یداللهی



- هیچ استانی برای اشتغالزایی ظرفیت گیلان را ندارد
- جمع آوری سله‌های بی آر تی، اقدام لازم جهت حفظ جان و ایجاد امنیت
- پیش‌بینی برای ورود ۸۳۸ هزار نفر جدید به بازار کار
- نداشتن متخصص حقوق فناوری برای حوزه علم و فناوری
- چرا کاهش رشد تورم در سفره ما محسوس نیست
- مدیران مانند انرژی اند
- مادران هیچ حقی ندارند

گنجینه شهر فرخ خراز

بزرگترین مجموعه فرش، لوازم خانگی و مبلمان



جایزه ویژه

استگاه
ویلا

۳۰ سکه
بهار آزادی

 Ganjineh_Shahr_Farsh_Khazar

 @Ganjineh_Shahr_Farsh_Khazar

رشت، گلزار، بین صابرین و شهید قلی پور ۱۱۶ ۱۱۶ ۳۳

مجله اجتماعی

فهرست:

مدیرمسئول

۵

فرهنگ-اجتماع-گردشگری

۲۹-۶

علم، فناوری-عمرانه-شهری

۵۰-۳۰

اجتماع-توسعه-اقتصادی

۶۵-۵۱

خبرونظر

۶۸



عکس جلد از: سعید عبداللهی

مجله اجتماعی - فرهنگی گیلان فردا

سال دوم، شماره هفتم، زمستان ۹۶

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: رقیه ابراهیم زاده اصلی

مدیر شورای سیاست گذاری: محمدکاظم شکوهی راد

مدیر تحریریه: سارا فرزانه

مدیر داخلی: ساناز فرزانه

مدیر پشتیبانی: محمد علی فرزانه

کارشناس عکس: علیرضا عزتی

گرافیک: ماهن خوش رفتار

صفحه آرا: سعیده موسوی

تایپ: سمیرا بشارت، میترا مکرمی

ویراستار: فرشته فتوحی

چاپ و لیتوگرافی: شاهد

پشتیبانی سایت: شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات بیدستان

نشانی: رشت، چهارراه میکائیل، پشت بانک بانک مسکن مرکزی، پلاک ۱۰۵

کد پستی: ۴۱۸۴۹۱۳۷۳۷۶۶

تلفن: ۰۹۱۱۱۴۹۳۲۰۹

پست الکترونیک: guilanfarda94@gmail.com

سایت: guilanfarda.ir

اینستاگرام: GUILANFARD94

همکاران این شماره:

آقایان دکتر متقی طلب، دکتر مویدی، دکتر نصرتی، دکتر مهرپور، دکتر محمدی، دکتر هودنه، دکتر بلغاری، مهندس فیروزی، مهندس ساسانیان، مهندس صبوری، شکوهی، سقا، خانم قدیمی و ...

سال نو مبارک



يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْإِبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ
يَا مُحَوِّلَ الْحَوَالِ وَ الْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ

تحويل سال ۱۳۹۷ در ایران

سه شنبه ۲۹ اسفند ۱۳۹۶ هجری شمسی

مطابق با ۲ رجب ۱۴۳۹ هجری قمری و ۲۰ مارس ۲۰۱۸ میلادی

ساعت ۷ و ۴۵ دقیقه و ۲۸ ثانیه بعد از ظهر

مدیران و مسئولان: مدیران و مسئولان پیگیر باشند

دارد. فرهنگ غنی دارد. کوه و دشت و دریا و کویر و تالاب دارد. و صد البته انسان های توانمند، غیور و پاک نهاد. به نظر می رسد برای ساختن فردایی بهتر باید فرصت حضور به همه بدهیم و جوان ها را دریابیم.

اما یک نکته خیلی جالب است و آن این که مدیران و مسئولان ارجمند مدام در صحبت ها و سخنرانی های خود مدیران و مسئولان را خطاب قرار می دهند که به مسایل رسیدگی کنند!! ما بالاخره نفهمیدیم منظورشان کدام مدیران است؟! از سوی دیگر کاش این همه مدیران نازنین به هنگام صحبت و سخنرانی به تکرار حرف های تکراری مشغول نباشند. تکرار قصه مشکلات و کمبودهایی که گریبان مردم را گرفتار است آیا مشکلی از آن ها حل می کند؟! اگر قرار باشد که شخص مدیر و مسئول و کارشناس و نماینده و شهردار و فرماندار و استاندار و ... بیایند فقط مشکلات را دوباره و چند باره واگویه کنند و فقط وانمود شود که مشکلات را می دانند که کاری انجام نداده اند. این عزیزان باید در مقام صاحب نظر و با بهره گیری از کارشناسان مجرب و توانمند و متخصص در حوزه های مختلف راهکار ارائه دهند که قابلیت اجرایی داشته باشد، وگرنه بجز دریافت حقوق و مزایا و حق ماموریت های آنجنانی چه فرقی با یک شهروند عادی دارند؟؟؟

بهتر است از گفتن باید بشودها کم کرده و آنچه را که انجام شده است اطلاع رسانی کنیم. کاش چه در زندگی شخصی و چه در زندگی اجتماعی و همچنین در برنامه ریزی ها و تصمیم سازی ها افق دیدمان را بازتر کرده و فکرمان را پرواز دهیم. و خود را در هر جایگاهی که هستیم هم نسبت به خودمان و هم نسبت به اطرافیان و هم جامعه به معنای واقعی مسئول بدانیم.

حیف است این همه منابع طبیعی و انسانی خارق العاده هرز روند و در غنچه پژمرده شوند. انشالله سال نو سکه خوشبختی، سلامتی و سرافرازی همه ی ما طلایی باشد و خوش بدرخشد.

مدیرمسئول

گیلان فردا- در یک چشم بر هم زدن گذشت، یک سال گذشت با همه فراز و فرودش، با همه شادی ها، غم ها، حسرت ها و البته امیدها...

سانچی در میان دریایی از آب سوخت! زمین زیر پای مردم کرمانشاه لرزید! بال پرواز مسافران یاسوج شکست، تعدادی از کودکان که غنچه های سرزمین مان بودند به دست دژخیمان سفاک پرپر شدند و ... و از آن ها تنها خاطره ای ماند... گرانی بیداد کرد و برنامه کار و زندگی خیلی ها دچار تزلزل شد. و آن ضرب المثل عامیانه به معنای واقعی نمود پیدا کرد و بیکارانی که تا ظهر بیکار بودند، بعدازظهر به کارهای صبح رسیدگی کردند!!!

اگر از پیامدهای بیشمار و پنهان و آشکار بیکاری بگذریم که در چند جمله قابل وصف و موشکافی نیست باید بگوییم بخشی از جامعه حتی توان شنیدن انتقادات را هم نداشتند و گفتند اغتشاش! بی شک قسمتی از حرف های آن بخش از جامعه که توان شنیدن هیچ گله ای را ندارند درست است، چون زمان انتقاد بهترین فرصت است که مغتشش هم وارد صحنه شده و ابراز وجود کند! ولی تمام بخش های جامعه خوب می دانند که این گله مندی ها از سوی همین مردمی بوده است که در بسیاری مواقع عزیز شمرده می شوند، در بسیاری مواقع در صحنه بوده اند و هستند، مردمی که هیچگاه حاضر نشده و نمی شوند و نخواهند شد که یک وجب از خاکشان به دست دشمن بیفتد، مردمی که همیشه پله های ترقی آن بخش دیگر از جامعه را ساخته اند و مردمی که شریفند و حرمت و احترامشان واجب است...

بی شک مردم حق دارند از سیاست زدگی، از بی برنامهگی، از حیف و میل بیت المال، از حق کشی، از رانت خواری و سهم خواهی، از دزدی ها و اختلاس های کلان سیستمی و ... گله مند باشند.

اما باید صدای افکار عمومی را با گوش جان شنید و فرصت جبران را تا دیر نشده از دست نداد. ایران کشور بزرگ و پهناوری است. مملو از ذخایر و منابع طبیعی است. چشم اندازهای بی نظیر طبیعی اش شهره عام و خاص هست. تاریخ کهن



نوروز فرصتی برای شاد بودن



گیلان فردا- نوروز تنها یک سنت اجتماعی و رویداد فرهنگی نیست بلکه می تواند برای جامعه در حال گسست و لغزنده امروز ما سکوی پرتابی رو به مطلوب باشد. هر چند در طی زمان تغییرات بسیاری در کیفیت و نحوه برگزاری این سنت بزرگ و دیرینه تاریخی به وجود آمده است و نگاه تجملاتی به این مقوله ی اجتماعی افزایش استرس بر خانواده ها را به همراه داشته است ولی با این همه نمی توان کارکردهای مثبت جشن عید نوروز ندیده گرفت. در ادامه این مقاله برآنیم تا عید نوروز را به عنوان یک سنت فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی و کنکاش قراردسیم و با کارکردهای اجتماعی آن در جامعه به صورت مختصر آشنا شویم:

۱- ایجاد، تقویت و حفظ وجدان جمعی

دورکیم (جامعه شناس فرانسوی) وجدان جمعی را مجموعه ای از باورها و احساسات جمعی می داند. به نظر او وجدان جمع یا «روح جمع» دلیل تداوم جامعه و پیوند نسل ها در خلال اعصار و قرون است و خوبی و بدی عمل یا نیک برشمردن آن تابع وجدان جمع است. نوروز با توجه به ویژگی ها و نحوه برگزاری گامی بلند برای تقویت وجدان جمعی و اجتماعی محسوب می شود، گامی که نقطه اتصال نسل های مختلف جامعه و پرتنگ تر شدن هنجارها و ارزش ها است.

۲- ایجاد، تقویت، توسعه و حفظ روابط اجتماعی بین بستگان، دوستان، آشنایان و همسایگان:

فرد گرایی یکی از پیامدهای نه چندان مطلوب حرکت از سنت به مدرنیته است. جامعه به ظاهر در حال مدرن شدن ما بسیار در گرداب فردیت دچار است و این مهم به گسست روابط بین افراد دامن زده است.

هرچند تغییر در سبک زندگی و همچنین گسترش رسانه های ارتباط جمعی و فضای مجازی نیز تاثیر بسیاری بر این گسست دارند. کم کم عناوینی چون دایی، خاله، عمه و عمو در جامعه رو به فراموشی است و یا در این بین حتی پدربزرگ ها و مادر بزرگ ها نیز ممکن است به فراموشی سپرده شوند. در زندگی مدرن، افراد جامعه زمان کافی و همچنین علاقه ای برای گسترش روابط ندارند و این روابط به درون خانواده منتهی می شود، که البته آن هم به گرمی قبل ترها صورت نمی گیرد. نوروز با دید و بازدیدها و همنشینی های متعدد که به صورت خواه و ناخواه و برانگیختن حس ناسیونالیستی و مذهبی ما صورت می گیرد می تواند به ترمیم روابط فراموش شده کمک کند.

۳- ایجاد، تقویت، حفظ و گسترش انسجام فرهنگی، همبستگی قومی-اجتماعی و وفاق ملی

کشور ما متشکل از اقوام مختلف و اقلیت های گوناگون با فرهنگ های متعدد است. اما طی سالیان اخیر شکاف و مشکلات بسیاری در میان این گروه های مختلف جامعه به وجود آمده است که متاثر از تبعیض در رسیدگی به امور آنان است.

عید نوروز به عنوان یک سنت ملی و فراگیر در کشور می تواند تمامی اقوام و گروه های گوناگون را با هر فرهنگ و اندیشه ای به زیر یک پرچم گردیم آورد. این امر سبب تقویت همبستگی بین قومی و همچنین انسجام فرهنگی ملی در کشور و در میان افراد جامعه می شود. بسیاری از تنازعات و تعارضات در جوامع و کشورهای مختلف ریشه در ناهمگونی جوامع از لحاظ فرهنگی و اجتماعی

دارد. اقوام مختلف، زبان مختلف، دین و مذهب مختلف، نژاد مختلف و نابرابری های متفاوت و متعدد اقتصادی و اجتماعی راه را بروی وفاق و وحدت ملی حتی در یک جغرافیای مشخص و واحدی بنام کشور، می بندد. اما سنت هایی فرهنگی اجتماعی چون نوروز که ریشه در تاریخ طولانی یک کشور دارد می تواند تمامی اقوام و گروه های مختلف را به عنوان یک ملت واحد در کنار یکدیگر جمع کند و موجبات وفاق ملی را به وجود آورد.

۴- ایجاد حس جامعه پذیری در فرزندان خانواده ها از طریق فراگیری ارزش ها، هنجارها و آیین های اجتماعی و فرهنگی

خانواده اولین رکن در جامعه پذیری افراد است. کودکان در خانواده با ابتدایی ترین اصول جامعه پذیری آشنا می شوند و به نحوی آمادگی ورود به آن را کسب می کنند. اما خانواده امروز به سبب سبک جدید زندگی و عموماً شاغل بودن والدین به مقدار قابل توجهی در این زمینه عقب مانده است. مناسبت هایی همچون نوروز بهترین فرصت برای جبران عقب ماندگی خانواده ها در این مهم است. کودکان در دید و بازدیدها و آداب معاشرت با دیگران ارزش ها و هنجارهای بسیاری را فرامی گیرند و همچنین در کنار آن با سنت ها و آیین های اجتماعی و ملی سرزمین خود آشنا می شوند. نوروز می تواند فرصتی باشد برای بیشتر با هم بودن و خروج از دیواری که انسان اجتماعی امروز به اطراف خود کشیده است.



۵- ایجاد حس تعلقات اجتماعی و فرهنگی بین نسل های مختلف اجتماعی

در زمانه ای زندگی می کنیم که هر نسل که می آید با نسل های قبل تر از خود احساس غریبی بیشتری می کند، هر جا که پای درد دل هم نسل هایمان می نشینیم از تفاوت های بیشمار دوران کودکی شان با کودکان شان می گویند. این نسل، نسل رسانه و اینترنت است! تفاوت ها به اینجا ختم نمی شود، بنیان های ارزشی هم در حال تغییر هستند، دیگر ارزش های نسل های گذشته کم کم دارند برای نسل های جدید به ضد ارزش تبدیل می شوند و گاه ضد ارزش های نسل های گذشته ارزش های مورد پسند قاطبه جوانان و نوجوانان عصر حاضر می شود! از نوع لباس پوشیدن گرفته تا موسیقی و ادبیات گفتاری، احترام به بزرگترها گاه کم رنگ می شود. اختلاف نظر و تفاوت نگرش موجود بین فرزندان و والدین در خانواده ها که بخشی از این اختلاف نظرها به توقعات دو طرف باز می گردد بیشتر نمود پیدا می کند. به گفته کارشناسان این توقعات باعث چالش بین دو طرف می شود و این پدیده، عاملی برای ایجاد شکاف بین نسل ها می شود.

مجله اجتماعی - فرهنگی گیلان فردا | شماره هفتم - زمستان ۱۳۹۶

قانون ۱۵ دقیقه چیست؟

این قانون به قدرت تغییرات کوچک اشاره دارد!



ساموئل اسمایلز، مولف کتاب اخلاق و اعتماد به نفس، بر این اعتقاد است که تکرار کارهای کوچک نه تنها شخصیت انسان را میسازد بلکه شخصیت ملت ها را تعیین می کند.

۱- اگر روزی ۱۵ دقیقه را صرف خودسازی کنید در پایان یک سال، تغییر ایجاد شده در خویش را به خوبی احساس خواهید کرد.

۲- اگر روزی ۱۵ دقیقه از کارهای بی اهمیت خویش بکاهید، ظرف چند سال موفقیت نصیبتان خواهد شد.

۳- اگر روزی ۱۵ دقیقه را به فراگیری زبان اختصاص دهید از هفته ای یک بار کلاس زبان رفتن بهتر است.

۴- اگر روزی ۱۵ دقیقه را به پیاده روی سریع اختصاص دهید از هفته ای چند بار به باشگاه ورزشی رفتن، نتیجه ی بهتری خواهید گرفت.

۵- اگر روزی ۱۵ دقیقه مطالعه و سلول های خاکستری خویش را درگیر کنید؛ به پیشرفت های عظیم یادگیری دست خواهید یافت.

زیبایی روش یا قانون ۱۵ دقیقه در این است که آنقدر کوتاه است که هیچ وقت به بهانه ی این که وقت ندارید آن را به تاخیر نمی اندازد. جالبتر اینکه، کشور ژاپن امروزه موفقیت خود را مدیون این قانون است

عنوان فرهنگ و رسوم یاد می شود، به فراموشی سپرده شود و همین امر منجر به ایجاد شکاف عمیق "بین نسلی" شده است. حال مناسبت ها و آیین هایی چون نوروز می تواند با زنده نگه داشتن و ترویج فرهنگ نیاکان و گذشتگان و نهادینه ساختن آن بر جوانان زمینه را برای کاهش این شکاف عظیم میان نسلی فراهم کند. فرهنگ هایی از قبیل بازی های محلی، نوع پوشش مناسب، آداب معاشرت، احترام به والدین و بزرگتر ها و ... که می تواند جوان امروز را به خودباوری نزدیک تر کند....

۶- حفظ اصالت و هویت ملی و فرهنگی ریشه دار و تاریخی

جوان ایرانی بیش از هر زمانی در بحرانی از هویت گرفتار شده است. گسترش رسانه، تکنولوژی و فضای مجازی در کنار پدید آمدن مدها و اندیشه های جدید باعث شده است تا نوجوان و جوان ایرانی در تعلق به هویت ملی و فرهنگی خود دچار تردید شود. در این میان نباید از کم کاری و غفلت نهادهای فرهنگی کشور در این راستا نیز چشم پوشی کرد. مسئله ای که حائز اهمیت است این مهم است که در میان تهاجم های فرهنگی بسیاری که همواره از خارج کشور مورد توجه جوانان ما بوده

است و هویت های مختلفی که در دهکده جهانی صورت پذیرفته است انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر می تواند تاثیر بسزایی در برجسته کردن هویت ملی خود داشته باشد. انتقال فرهنگی که از طریق مناسبت ها و سنت های فرهنگی که ریشه تاریخی قدرتمندی دارند به خوبی قابل انجام است. با بها دادن به سنت نوروز و اعمال و ویژگی هایی که در آن صورت می پذیرد می توان هویت ایرانی را به جوان ایرانی منتقل کرد و از این راه اصالت و فرهنگ یک جامعه را تداوم بخشید.

۷- ایجاد فضای شاد و فرح انگیز در جامعه و افزایش فضای نشاط و شادابی در جامعه و خانواده

در ماه های اخیر حوادث ناگواری در کشور به وقوع پیوست. حادثه هایی همچون ساختمان پلاسکو، کشتی سانچی، هواپیمای تهران-یاسوج و موارد بسیاری از این قبیل که هرکدام به نحوی روح اجتماعی کشور را خدشه دار و جسم بیمار آن را مورد تاثیر قرار داده و از طرفی مشکلات اجتماعی، بیکاری و گرانی احساس یاس و ناامیدی و غم و اندوه را در میان جامعه افزایش می دهد و در دراز مدت می تواند سلامت اجتماعی جامعه را به خطر بیندازد. مسئله مهم آن است که در این زمان و در مقابل یک جامعه غم زده و اندوهگین ایجاد فضای شاد و تقویت نشاط اجتماعی امری ضروری است.

این نشاط و تزیین شادابی از راه های گوناگونی قابل دسترسی است که یکی از آن ها می تواند مناسبت ها و آیین ها در کشور باشد. نوروز به همراه تمامی کارکردهای اجتماعی اش قابلیت ایجاد نشاط اجتماعی و نو شدن را به صورت ملموس دارا است. از همنا شدن با طبیعت تا همراه شدن با آشنایان و بستگان و مواردی از این قبیل که همه و همه می تواند در زدودن غم و اندوه از چهره تک تک افراد این جامعه موثر باشد.

نوروز یک سنت دیرینه است، یک جشن به وسعت ایران و یک فرهنگ به وسعت تاریخ، تداوم این سنت و برگزاری مطلوب آن نتایج و ثمره های بسیاری برای افراد و در نهایت جامعه به همراه خواهد داشت، افزایش اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی که یکی از مولفه های برجسته در هر جامعه ای است، می تواند در آغوش پاسداشت چنین سنت های بخشنده ای به وجود آیند.

اما تغییر سبک برگزاری نوروز و تجملاتی کردن آن آفتی است که در سال های اخیر به جان این آیین ملی افتاده است، نوروز تبدیل به فرصتی برای نمایش شده است، نمایش لباس های متعدد و گران قیمت در یک روز و ولخرجی های نامتعارف که با اصول و قواعد نوروز تفاوت و تناقض های بسیاری دارد، با تجملاتی و مادی ساختن نوروز طعم شیرین این سنت زیبا را به کام یکدیگر تلخ نکنیم باشد که نوروز سکوی پرتابی باشد رو به مطلوب، برای جامعه در حال گسست و غمگین و پر خاشاک....

حسین جمشیدی





آوای نوروزی



در سال‌های نه‌چندان دور آیین نوروز خوانی در شهرها و روستاهای کشور خیلی پررنگ صورت می‌گرفت و نوروز خوانان طبق یک آیین سنتی ویژه نوروز فرارسیدن بهار را نوید میدادند. چندسالی است که فرهنگ نوروز خوانی و سنت‌های دیگر ویژه نوروز کم رنگ شده گویا کم‌کم به فراموشی سپرده می‌شوند. لذا فرهنگ‌دوستان و دلسوزان فرهنگی از جمله شعرا با سروده‌های خود در تلاشند که این فرهنگ سنتی را احیاء و زنده نگه دارند. حاج هوشنگ سقا فرهنگی خوش ذوق گیلانی درباره نوروز خوانی و آیین‌های مربوط به عید به زبان گیلکی و با نام آوای نوروز شعری سرودند که تقدور شما گیلانیان عزیز می‌شود.

آوای نوروز (چهارشنبه سوری)

مناجات قشنگی از خواجه عبدالله انصاری



بارالها...
از کوی تو بیرون نشود
پای خیالم
نکند فرق به حالم...
چه برانی،
چه بخوانی...
چه به اوجم برسانی
چه به خاکم بکشانی...
نه من آنم که برنجم
نه تو آنی که برانی...
نه من آنم که ز فیض نگهت چشم بپوشم
نه تو آنی که گدا را ننازی به نگاهی
در اگر باز نگردد...
نروم باز به جایی
پشت دیوار نشینم چو گدا بر سر راهی
کس به غیر از تو نخواهم
چه بخواهی چه نخواهی
باز کن در که جز این خانه مرا نیست پناهی

نزدیک عید چادر بسر
نظافت و جارو کودی خو در سر

قاشق زنی کوچه میان
سال دیگر خوینخته سر

اسپنددانه، سنجد و تخمه محلی

مردم کنار همدیگر غلغله بو بازار سر

پُشته کُلولوش یک در میان آتش زدید
نکبت بشه شوکت بایه خنده و شادی سر بیه

رویه سیاه با دلی شاد و هَلْ هَلْ
صدای دلنواز او لبخند داشتی لبخند سر

امسال سال نو خواخور شادی و نوجوانیه
آ فرهنگ جان * بداری تی چومه سر

کاسبی و رونق کسب کار بیه
دشمن و دین مملکت جمله فنا و سربسر
نزدیک سال نو برار دعا فراموشه بیه
خواخور دعا فراموشه بیه

اؤرسم روزانه به خیر
هرکه خوخانه و مَحَل
همه فراموش بُبُسته
جه خاطرات رخت دَبُسته
ا دختراَن دَم بَخْت
با نیت پاک دیل مین
همه فراموش بُبُسته
جه خاطرات رخت دَبُسته
یاداوری بازار چهارشنبه سوری

عاطله کُن باطله کُن جاذبه داشتی مشتری
همه فراموش بُبُسته
جه خاطرات رخت دَبُسته
مَحَلّه و کوچه میان مردم کنار همدیگر
دسته جمعی واز کوددید با هم گوفتید
همه فراموش بُبُسته
جه خاطرات رخت دَبُسته
حاجی نوروزم تره یاد دره
نوی او حاجی نوروزم ساله یک روزم
همه فراموش بُبُسته

جه خاطرات رخت دَبُسته
امسال سال نوبرار زندگیه بهاریه
یادش بخیر او قدیمان سنت هر ایرانیه
همه فراموش بُبُسته
جه خاطرات رخت دَبُسته
امسال عید، شادی و دلخوشی بیه
امنیت و سلامتی برای هر ایرانی بیه
قرآن بدست
دست نیاز نزدیک سال نو

در این سال نو سلامتی و تندرستی، شادی و نیکبختی را برای همه ایرانیان از جمله گیلانیان عزیز از خداوند عزیز مسالت دارم.





آشنایی با آداب و رسوم کهن مردم گیلان در ایام نوروز:

یعنی: عاقل و باطلش کن و چشم زخم را از وجودها دور ساز. مادر شوهرت را بیرون کن. اسپند دود کن تا چاووش بیاید. تا مادر شوهرت به هوش بیاید. علاوه بر این به نیت این که دختران به زودی به خانه شوی بروند، دختران دم بخت را چند ساعتی از خانه بیرون و خانه تکانی می کردند. شکستن کاسه و کوزه و ظروف کهنه به علامت دور ساختن نفرت و رفع قضا و بلا از دیگر آداب این روز به شمار می رفت. مراسم چهارشنبه سوری در نواحی مختلف گیلان با تفاوتی اندک اما شبیه به هم اجرا می شد و گاه شلیک تیر و ترکاندن ترقه نیز در برنامه جای داشت. گاه نیز به نیت برکت، یکی از اهالی با تبر به سمت درختی که بار نمی داد می رفت اما با ضمانت دیگران برای بار آوردن درخت در سال بعد، شخص تبر به دست از قصد خود منصرف می شد.

فالگوش ایستادن:

فالگوش ایستادن نیز از دیگر برنامه های چهارشنبه سوری است. برای این کار، در گذرگاه ها می ایستادند و با شنیدن پنهانی نخستین کلمات عابری، مفهوم آن را حمل بر توفیق یا ناکامی خود در سال آتی می شمردند.

قاشق زنی:

از دیگر رسوم اجرایی این شب بود که معمولاً جوانان و بیشتر دختران به در خانه همسایه ها می رفتند و با پنهان کردن روی خود و بدون دادن آشنایی، خواستار هدیه می شدند. نقل و نبات و تنقلات از عمده ترین چیزهایی بود که در کاسه قاشق زنان جای می گرفت.

شال اندازی:

در مناطق روستایی کوهستانی از رسوم شایع چهارشنبه سوری بود و گاه حالت نوعی خواستگاری از دختر صاحب خانه را داشت. معمولاً به گوشه شال اینان مقداری شیرینی و آجیل به عنوان هدیه صاحب خانه بسته می شد و شال اندازان بدون مشخص کرن هویت خویش به خانه فرد دیگری می رفتند.

سبزه سال:

آخرین مراسم نوروز، سبزه سال است. در این روز مردم گیلان بیشتر به کنار رودخانه ها و در دل جنگل ها می روند و به صورت گروهی، آخرین روز نوروز را گرامی می دارند. دختران گیلانی در این روز سبزه گره می زنند. این مراسم معمولاً با بندبازی، کشتی گپله مردی و نواختن ساز و نقاره همراه است.

نوروز خوانی

نوروز خوانی از مراسم آخر هر سال در گیلان است. نوروزخوانی که هم اکنون نیز کم و بیش رواج دارد، در گیلان نماد ورود بهار و خیر و برکت است

عروس گوله

نمایش عروس گوله نیز از دیگر مراسم قبل از حلول سال نو به شمار می رفت. این نمایش همراه با آواز ریتیمیک دارای مفاهیم اخلاقی و آیینی خاصی بود. بازیگران این نمایش معمولاً سه نفر بودند و به نقش غول، پیربابو و نازخانم ظاهر می شدند. نقش نازخانم را بیشتر مواقع پسر جوانی که لباس زنانه پوشیده بود اجرا می کرد.

این گروه به منازل مختلف رفته، به ایفای نقش خود می پرداختند و در ازای تهنیت گویی خویش و آرزوی سالی پربرکت و پر یمن برای صاحبخانه، از او هدایایی دریافت می کردند. گاه نقش یک شخصیت دیگر به اسم کاس خانم نیز به این جمع اضافه می شد.

گل گل چهارشنبه:

از دیگر مراسم کهن ایرانیان که در گیلان هم با بعضی تغییرات جزئی به آن می پردازند، چهارشنبه سوری است که در غروب آخرین سه شنبه سال و در شب چهارشنبه انجام می شود.

به این منظور خار، بوته، گون و گاه جمع آوری می شد و با درست کردن پشته هایی که معمولاً رو به سمت قبله می نهادند و سپس آتش زدن آنها، از روی آتش می پریدند و هنگام پریدن با خوشحالی می خواندند:

گل گل چهارشنبه به حق پنج شنبه

زردی بشه، سرخی بایه نکبت بشه، دولت بایه

یعنی: ای شعله آتش چهارشنبه، به حق پنج شنبه، زردی و ضعف و بیماری رخت بر بندد و نوبت سرخی و نشاط و خرمی فرا رسد. دوره نکبت و ناکامی به سر آید و دولت و اقبال روی نماید.

این سنت که از روزگار زرتشت و حتی جلوتر بر جای مانده، در دوران اسلامی با اعتقادات مردم در هم آمیخته و رنگ و بویی دینی گرفته است. دود کردن اسپند هم از این رسوم است که سعی می شد از سادات خریداری شود و به هنگام دود کردن آن زمزمه می کردند:

عاطیل کن، باطل کن تی مرده ماره بیرون کن

اسفند دوکن چاووش بایه مردمار به هوش بایه



فرار مغزها به زودی



سفر نوروزی خوشی داشته باشید



عیدی ما کو!



حس ترنم بهار در موزه میراث روستایی گیلان

گیلان فردا - سال قبل در ویژه نامه نوروزی مجله گیلان فردا به شما خوانندگان عزیز توصیه کردیم که حتماً از موزه میراث روستایی دیدن کنید و از زیبایی و سرسبزی اش لذت ببرید. موزه ای که برشی از فرهنگ معماری و خانه سازی روستایی گیلان را به تصویر کشیده و با ارایه تعدادی از اشیای قدیمی نحوه زندگی، کشاورزی و ارتباطات مردم گیلان زمین را به شما نشان می دهد. امسال هم به شما سفارش می کنیم حتماً زمان دیدار از موزه میراث روستایی گیلان را در برنامه تعطیلات خود بگنجانید. موزه ای که در پارک

جنگلی سراوان رشت واقع است و به معنی واقعی زندگی در آن جریان دارد. از توضیحات خوب و جامع راهنمایان گردشگری استفاده کنید. لحظاتی را فارغ از دغدغه های روزمره با آواها، ترانه ها و آهنگ های زیبای گیلانی ترنم بهار را حس کنید و با بازی ها و رسوم قدیمی گیلان آشنا شوید. یک استکان کمر باریک از چای خوش عطر و بوی لاهیجان بنوشید. کلوچه فومن بخورید و نان های محلی را که با دستن هنرمند زنان روستایی پخته می شوند را نوش جان کنید. البته خرید سوغات و یادگاری را هم فراموش نکنید. ترشی ها، شیرینی ها و حلواهای محلی، تنقلات محلی، درار (نمک سبز) که طرفداران زیادی هم دارند همگی منتظرند تا برایتان خاطراتی از طعم و مزه بسازند. اما برای این که این همه تلاش و زحمت و هزینه که برای برپایی چنین موزه زیبایی که به گفته مسئولین در خاورمیانه بی نظیر است به معنی واقعی جلوه گر شود باید به کارکنان و راهنمایان گردشگری موزه انگیزه و امید داد تا از دل و جان پذیرای مهمانان و گردشگران بوده و آن ها را در حد توان و اطلاعات به تاریخچه و فرهنگ موزه آشنا کنند. به نظر می رسد مسئولین مربوطه بیش از

پیش باید به این انگیزه دادن بها دهند و نیروهای زحمتکش موزه را دلسرد نکنند. در ماه های گذشته دو بار پای درد دل راهنمایان گردشگری نشستیم و حتی در اواسط اسفند دوباره از وضعیت شان پرس و جو کردیم اما دلخوری ها باقیست و انگیزه ها رو به کاهش. حیف است این نیروهای زحمتکش را به حال خود رها کردن، درد دل شان را بشنویم و کاری نکنیم...
جمعی از راهنمایان گردشگری در پاسخ به سوالات گیلان فردا به اختصار به نکاتی اشاره کردند که می خوانید:

درد دل جمعی از راهنمایان گردشگری در موزه میراث روستایی گیلان

موزه میراث روستایی پانزده تا راهنما داره که هشت نفر ثابت هستن. کارفرما هم سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان گیلان هستش. ولی متاسفانه ما قرارداد نداریم. و میگن تاخیر حقوق به خاطر اینه که عنوان راهنمای موزه در وزارت کار تعریف شده نیست. بیمه هم میگه به دلیل این که عنوان راهنما تعریف شده نیست کاری نمیتونیم بکنیم. به کرار درخواست هامونو گفتیم ولی کسی جوابگو نیست. بازدید موزه فصلی هستش ولی در شش ماهه اول ماهی حدود ده هزار بازدید کننده داریم؛ در تعطیلات نوروز، روزی دو الی سه هزار بازدید کننده داریم. که البته ورودی هم گرفته می شه. مشکل موزه بیشتر برای حق و حقوق همکاران است که زحمت می کشند ولی

درختایی که اونجاست اجازه ندارن به بخش خصوصی بدن، یعنی به جور ناهماهنگی و نداشتن تعامل بین سازمانست و ادیگه بن که در ایران معمولاً کسی پیشنهاد بده کسی به حرف هاش گوش نمیده و شخص هم سریع مایوس میشه. بودجه هم معمولاً در سال دوبار میاد برای سازمان که رقم خیلی بالایی هست و شنیده میشه که نزدیک به بیلیارده، به اسم سال مالی که یکیش آذر ماهه و یکیش تیر ماه، که باز از اون پول کلان هم حقوق کارکنانو کارگری که غیر مستقیم با سازمان در ارتباط چیزی بهشون نمی رسه مثل ما راهنماها. متاسفانه هنوز مشکل حقوق ما حل نشده، اتفاقاً تو این مدت ما پیش اشخاص زیادی رفتیم از جمله مهندس علیزاده رییس

سازمان، آقای احمدی رییس کل دیوان محاسبات گیلان، آقای شعبان پور معاون استاندار و آقای تاجیک معاون سیاسی استاندار تا بتونیم کاری کنیم که بشه حقوق ما از یه منبع مختص به خودمون بیاد یعنی ثبت بشیم یا قراردادی باهامون ببندن ولی هیچ اتفاقی نیوفتاده و ما هنوز طلب هشت ماهه خودمونمونگرفتیم. فقط بهمون گفتن یه روزنه ای تو دیوان محاسبات باز شده ولی عملاً ما چیزی نمیبینیم حتی به خود استاندارم نامه زدیم. ولی متاسفانه تا الان کسی به درد دل ما گوش نداده. کاش باطن موزه مثل ظاهر آن زیبا بود...



در رشت به من خیلی خوش گذشت



گیلان فردا، ساناز فرزانه - چندی پیش که با اتوبوس از تهران به رشت برمی گشتم با خانمی همسفر شدم که سال‌هاست ساکن اروپاست. چیزی که نظرم را جلب کرد این بود که چند بروشور و نقشه از گیلان و رشت در دستش می دیدم و این بهانه ای شد که از او بپرسم آیا مسافر است و یا من می توانم کمکی به او بکنم. و این طور شد که با ایشان هم کلام شدم. می گفت سال ها پیش شاید حدود پنجاه سال پیش که بچه بوده به اتفاق خانواده سفر چند روزه ای برای گردش به گیلان و مازندران از جمله شهر رشت داشته اند. صحبت ابتدایی ما زمانی گل انداخت که برای صرف شام اتوبوس جلوی یکی از رستوران ها توقف کرد. وما به جای شام به خوردن یک بستنی قناعت کردیم و من ترجیح دادم مصاحبه ای با ایشان داشته باشم. این بود که شنونده خاطرات، دلنگی ها و انتقادات خانم امیدوار، که دارای مدرک دکترا هستند و به گفته خودشان سال ها کارهای تحقیقی و پژوهشی داشته اند شدم. جالب این که وقتی به هنگام پرسش ایشان را خانم دکتر خطاب می کردم، معترض می شد و می گفت فقط اسمم را بگویید کافی است. و ادامه می داد «آنجا اصلا این طور نیست که مدام افراد را دکتر یا مهندس خطاب کنند. هر کس اسمی دارد و به همان اسمش خطاب می شود، و فقط زمانی اسم کسی را نمی گویند که شخص از نظر جایگاه علمی بسیار بالا باشد و او را پروفیسور خطاب کنند...»

مجله اجتماعی - فرهنگی گیلان فردا | شماره هفتم - زمستان ۱۳۹۶

آیا هر سال برای مسافرت به ایران می آید؟

من چند سال بعد از دیپلم که البته شاغل هم بودم برای ادامه تحصیل به خارج رفتم. اما در حدود ۱۵ سال پیش به خاطر مسایلی از جمله بیماری مادرم بعد از مدت‌ها به ایران آمدم. چندین سال اول طبیعتا به صورت مهمان بودم و خیلی با پذیرایی گرم روبه‌رو می شدم. بنابراین مسایلی را که درد جامعه است و افراد با پوست و گوشت‌شان درک نمیکنند متوجه نمیشدم چون مهمان بودم و برداشت‌ها سطحی بود. ولی من چون علاقه‌مند بودم بعد از بازنشستگی به ایران بیایم و وقت بیشتری را برای مملکت‌م و آشنا شدن دوباره با طبیعت و فرهنگ و روابط انسانی و ... جامعه داشته باشم با یک روحیه مثبت، سعی می کردم بیشتر در جامعه باشم و بیشتر در روابط انسانی، مدنی اجتماعی وارد بشوم، فقط به این قصد که بتوانم راحت‌تر اینجا زندگی کنم. چون تا آدم روانشناسی جامعه دستش نیاید و متوجه چگونگی ارتباط در جامعه نباشد نمیتواند راحت زندگی کند. و برای احترام به تمامی افرادی که میتوانستیم با آن‌ها تماس داشته باشم در سال‌های چهارم و پنجم تا الان که حدود پانزده سال شده هر سال حداقل یک بار و گاه دوبار به ایران می‌آمدم و برای مدت سه تا هفت هفته اینجا میماندم و به مرور که کارهای زندگی را طی زمان بیماری مادر و همچنین بعد از فوت ایشان پیش آمد انجام دادم.

پس سال‌ها از کشور دور بودید. ولی در سال‌های اخیر که هر سال به

ایران آمدید، چه چیزهایی در این سفرها نظرتان را بیشتر جلب کرد؟

خب متأسفانه خیلی از مسایل باعث شد تا آن روبا یا برداشتی را که آدم از زمان قبل و زمان جوانی داشته و خاطرات خوشی از دوران بچگی و جوانی و کار بعد از دیپلم داشته، به مرور آن برداشت‌های خوب تبدیل به خاطرات بد بشود. از جمله یکی از بدترین چیزهایی که انسان در اینجا میببیند یا حداقل من لمس میکردم این بود که چون در مواجهه با مردم ضمن رعایت کامل ادب و نزاکت راحت برخورد میکردم و به عنوان یک زن با این که به لحاظ پوشش همه چیز را رعایت میکردم و در واقع صفات اخلاقی که نخست در خانواده و پس از آن سال‌ها در خارج یاد گرفته بودم که چه‌طور باید در برخورد با دیگران درست رفتار کرد، انجام میدادم و خواهش کنم که احترام مرا هم همان‌طور که برای یک مرد قایل هستند حفظ کنند، اما متوجه شدم به عنوان یک زن، آدم خیلی صدمات روحی می‌خورد. و اگر زنی تنها در جامعه باشید خیلی بدتر است. اگر با مردی هستید، مشکلات کمتر است. اگر چه حتی وقتی کنار یک مرد هم هستید باز هم هنگام خرید، یا در یک مجلس و مهمانی همیشه روی صحبت به طرف آقایان است و انتظار دارند همیشه جواب اصلی را آقایان بدهند و حتی ممکن است روی شما حساب نشود. در واقع روی صحبت با یا همسران است یا پدرتان یا برادران. در حالی که در بسیاری از امور از جمله تصمیم‌گیری یا خرید و فروش و یا نظایر آن، خود یک زن هم تعیین‌کننده است. خب این یکی از مسایلی است که روحیه کسی را که شصت سال عمر کرده و تمام مدت در جامعه تحصیل و کار میکرده، چه زمانی که در کشور بوده و چه زمانی که خارج از کشور بوده و در واقع استقلال داشته دچار خدشه می‌کند. و یا هنگام کمک به مادر نقش داشته پس هیچ فرقی نباید داشته باشد. ولی متأسفانه مدام باید باز با تلفن از افراد مرد خانواده و فامیل درخواست کمک بکنید تا کار به آخر برسد. و این یکی از چیزهایی بود که روحيات مرا متاثر کرده و میکند و هنوز هم وقتی من به کشورم می‌آیم از همان لحظه اولی که وارد کشور میشوم اگر چه می‌خواهم از حضور در کشور لذت ببرم ولی احساس میکنم با یک غم درونی وارد میشوم. و در واقع احساس میکنم باید با یک چهره غمناک وارد شوم تا کسی چیزی نگوید، اما وقتی وارد کشور دیگری میشوم احساس میکنم



سفر خوبی به رشت
داشتیم و در رشت خیلی
به من خوش گذشت.





حال رانندگی است رد بشود، ندارند. پس سعی میکنید از مکانی رد بشوید که ترافیک کمتری دارد که البته شرایط و امنیت خودش را دارد. یا حرف‌های بد میزنند یا الکی بوق میزنند.

مثلا من خودم به شخصه سعی کردم همیشه خط کشی را چه هنگام پیاده‌روی و چه رانندگی رعایت کنم. متاسفانه اینجا اصلا به خط عابر پیاده اهمیت نمیدهند. برای خودم بارها اتفاق افتاده که وقتی می‌خواستم اینجا پیاده از عرض خیابان عبور کنم و می‌دیدم ماشینی به سرعت و بی توجه به عابر و خط عابر دارد رد می‌شود دست نگه داشتم و گفتم «آقای محترم این خط عابر هست!» اما به جای این که به من بگوید «بله، ببخشید» با حرف زننده و با سرعت بیشتر رد شدند و این فرهنگ خیلی دردناک هست. یعنی فرهنگ اجتماعی رانندگی هم کمتر دیده میشود. اگر حرف مرا قبول نداشتان امتحان کنید و برخورد رانندگانی را که بیتوجه به حضور عابر با سرعت زیاد از خط عابر رد میشوند ببینید. خب این سوال برایم پیش می‌آید که به این افراد اصلا به عنوان راننده چه چیزی یاد داده شده، چه فرهنگی داده شده، یا چنین افرادی چطور تصدیق گرفته‌اند؟!.

یادم است یک روز صبح زود با دوتا از دوستانم برای زیارت حرم امام رضا(ع) میرفتیم (البته باید یادآوری کنم که من از شهر مشهد می‌آیم) و ما ساعت پنج صبح بعد از نماز حرکت کردیم و ماشین را نزدیک یکی از خیابان‌های مشرف به حرم نگه داشتیم و پیاده شدیم که از خط عابر پیاده رد بشویم که همسر یکی از دوستانم دید ماشین می‌آید دستش را به علامت این که توقف کند تا ما رد شویم نگه داشت. اما آقای راننده با داد و بیداد و بداخلاقی وسط خط عابر پیاده نگه داشت و با پرخاش گفت: «اگر تو میخواهی رد بشی پس من کی رد بشم» یعنی تازه معترض بود! یعنی اصلا نمیفهمید خط عابر پیاده چیست. درست است که در مواقع تخلف رانندگی جرمه وجود دارد ولی به نظرم آن‌طور که باید رسیدگی نمیشود. توجه به خط عابر پیاده اصلا اولین و ساده‌ترین و ضرورت‌ترین نکته در رانندگی هست، وقتی به این موضوع ساده اما مهم توجه نمی‌شود دیگر چه می‌توان گفت! ...

در خیلی از کشورها به این نکات توجه ویژه‌ای میشود. حتی در بعضی از کشورها مثل آلمان شرقی، رانندگان باید نزدیک خط عابر پیاده کمتر از ۳۰ کیلومتر سرعت داشته باشند و توقف کنند، حتی اگر کسی نباشد. چون در غیر این صورت جرمه میشوند. زیرا احتمال این که حتی اگر یک نفر هم یهو پیدا شد و پرید آن

«آنجا اصلا این طور نیست که مدام افراد را دکتر یا مهندس خطاب کنند. هر کس اسمی دارد و به همان اسمش خطاب می‌شود، و فقط زمانی اسم کسی را نمی‌گویند که شخص از نظر جایگاه علمی بسیار بالا باشد و او را پروفیسور خطاب کنند...»



باید با لبخند وارد آنجا شوم و این اثر عجیبی روی من گذاشته است. چون در جامعه به عنوان یک زن زیاد نباید بخندید و یا اگر بخندید متاسفانه افراد دیگر (مردان) در هر جایگاه و سطحی که باشند به خودشان اجازه میدهند که برخوردی با آدم بکنند، یعنی بعضیها حد و حدود خودشان را نمیدانند حتی در این سن. یعنی آن آزادی را که فکر میکردم به عنوان یک انسان دارم، به عنوان یک زن احساس نمی‌کردم.

■ آیا نکات دیگری هم توجه شما را جلب کرد؟

بعد از آن هم بحث پوشش بود که برایم قابل احترام بود و هست چون خواسته مملکت خودم است. ولی متاسفانه میدیدم از طرف بعضی از خود زنان برخوردهای زننده تری پیش می‌آید! مثلا من در این سن و سال و به خاطر مشکل پا و رگ‌ها و واریس باید جوراب‌های بلند و کلفت مخصوص درمان واریس را بپوشم. ولی وقتی حتی این جوراب‌های کلفت را با مانتوی بلند می‌پوشیدم از طرف برخی از خود خانم‌ها در مکان‌های زیادی (مخصوصا از شهر مذهبی که من می‌آیم) اصلا جور خاصی برخورد میکردند و این خیلی مشکل است که مجبور میشدم

سلامتی خودم را به خطر بیندازم و آن جوراب‌ها را نپوشم، با این که مانتوی کاملا بلند داشتم. غیر از آن یکی از مشکلات دیگر در اینجا این بود که قبل از این که هوا تاریک شود در خانه باشم و برای همین خیلی از کارهایی که باید انجام می‌دادم به تعویق می‌افتاد در حالی که آنجا حتی دیروقت، وقتی با تاکسی که از یک مرکز کرایه می‌کنید با اطمینان شما را به مقصد می‌رسانند. حال اگر بخواهم مقایسه کنم میگویند شما آنجا مالیات میدهید و از این حرف‌ها، بله، آنجا واقعا آدم برای کشور خرج میکند ولی با آن پولی که آدم میدهد سرویس خوب و مجهزی هم به آدم ارایه میشود. البته اتفاق زیاد می‌افتد، همه‌جا، ولی من به عنوان شخصی که تنها زندگی میکنم، با آرامش زندگی میکنم و اگر احیانا اتفاقی آنجا بیفتد، دنبال میشود و مسایل نتیجه‌گیری میشود و به حال خود رها نمیشود. ولی متاسفانه اینجا

مواردی دیدم که ناراحت شدم. مثلا چندی پیش کیف دو تا از دوستانم را که کنار خیابان بودند و همهی حقوقشان را از بانک گرفته بودند زدند، ولی این‌ها نتوانستند سارق را پیدا کنند و بالاخره به نتیجه‌ای برسند. در طی این سال‌ها و سفرها من با علاقه به حرف‌ها و درد دل‌های اطرافیانم از جمله دوستان، آشنایان و فامیل گوش میکردم. دوستان و آشنایانی که به‌ر حال از امکانات کمتری برخوردار بودند و یا مثلا خودشان ماشین نداشتند این مشکلات برایشان بود. یعنی در سطوح پایین‌تر مشکلات بیشتر میشود. به عبارت دیگر میزان امکاناتی که افراد دارند در زندگی‌شان نقش دارد. دوستان من که کیفشان را دزد زده بود هنوز دچار دپرس هستند و هیچ کاری هم برایشان نشده، یعنی پول حقوق خودش و همسرش را دزدیدند. و حالا تمام مدت خودشان را با قرص آرام‌بخش نگه می‌دارند. این‌طور مسایل نه تنها من را خیلی متأثر می‌کرده بلکه در من نوعی ترس ایجاد کرده که از بین نرفته است.

■ پس مشکلات زنان خیلی نظرتان را جلب کرد.

ببینید مشکلات همه جا هست ولی خب این خیلی تأثرآمیز هست که آدم به عنوان یک زن احساس آرامش نکند و حتما باید مردی کنارش باشد. با وجودی که من کار میکردم و تازه بازنشست شدم ولی چون شوهرم فوت شده میخواهم تنها زندگی کنم. اما متاسفانه در این شرایط هیچ اطمینان اجتماعی برای شخص وجود ندارد.

■ در شهر دیگر چه چیزهایی نظرتان را جلب کرد؟

خب به نظرم نوع قوانین و اجرای آن در مملکت ما تا حدی مشکل دارد. به عنوان مثال قانون راهنمایی و رانندگی، اولاً که خیابان‌ها آن امکانات لازم را که کسی که در





وسط امنیت داشته باشد. در بیشتر کشورهای اروپایی این نکات رعایت می شود. در آلمان غربی کمی تندتر میروند اما خیلی رعایت میکنند. ولی به نظرم قانون راهنمایی و رانندگی در اینجا صفر است. چه در مورد سرعت، چه سبقت و مسایل دیگر.

■ احساس می کنم بیشتر با موضوعات منفی برخورد داشتید.

موضوعات مثبت هم بوده. مثل مهمان نوازی و یا طبیعت زیبای ایران. به عنوان مثال ماه پیش یک هفته رشت بودم که خیلی خوب بود. همان موقع به اتفاق خانم و آقای صاحبخانه و پسرشان که تازه ازدواج کرده و نو عروس به بام لاهیجان رفتیم. خیلی خوش گذشت. به رستورانی هم در آنجا رفتیم که فضای خیلی خوبی داشت و غذایش هم مناسب بود. اما همان روز عصر به اتفاق دوستانم که اخیرا اگر زیبایی طبیعی و چشم انداز زیبای آنجا را بگذارم کنار دو نکته خیلی اساسی آنجا نظرم را جلب کرد که کاملا با فرهنگ مهمان نوازی و گردشگری در تضاد است. اول این که به محض ورود به محوطه بام سبز خانمی چادر مشکی به سر و دستکش مشکی به دست با قیافه ای پرخاش گونه جلوی عروس و داماد جدید را گرفتند و گفتند کجا می روید و چه نسبتی با هم دارید؟! جوان ترها که چند قدم جلوتر از ما راه می رفتند توقف کردند و مشغول صحبت با آن خانم و همکارش شدند و گفتند که زن و شوهر هستند. اما آن ها قبول نکردند! عروس داماد جدید ما شانس آورده بودند که پدر و مادرشان همراه

ما بودند. و وقتی والدین شان شاکی شدند که این چه رفتار زننده ای است که شما دارید، یکی از خانم ها گفت به ما گفته اند و ما به وظیفه خود عمل می کنیم!! خب این رفتار خیلی زشت و نا درست است. جالب این که وقتی دست از سر ما برداشتند چشم شان به یک زوج جوان دیگر افتاد و رفتند سراغ آن ها!! نکته دیگر این که وقتی پس از گردش کوتاه خواستیم در یکی از آلاچیق هایی که آنجا هست چای بخوریم بعد از این که چند دقیقه معطل شدیم چند استکان چای جوشیده بد رنگ نیم گرم آوردند گذاشتند جلوی ما! خب خیلی بد است که در شهر چای باشید با اما با چنین چایی پذیرایی شوید. و وقتی از صاحب آلاچیق گله کردیم گفت که آنجا مشکل کمبود آب دارند و مجبورند با دبه های بزرگ آب بیاورند. خب آیا با چنین وضعیتی می توان گردشگرپذیر بود؟! **■ بجز رشت و لاهیجان به جاهای دیگر گیلان هم رفتید؟**

بله دوستانم زحمت کشیدند و مرا به ماسوله و انزلی هم بردند. ماسوله را تاکنون ندیده بودم.

اینجا در یک مجلس و مهمانی همیشه روی صحبت به طرف آقایان است و انتظار دارند همیشه جواب اصلی را آقایان بدهند و حتی ممکن است روی شما حساب نشود. در واقع روی صحبت یا با همسر تان است یا پدر تان یا برادر تان. در حالی که در بسیاری از امور از جمله تصمیم گیری یا خرید و فروش و یا نظایر آن، خود یک زن هم تعیین کننده است

خیلی برایم جالب و زیبا بود. هم معماری اش و هم صنایع دستی اش. البته جای تاسف است که صنایع دستی چین هم به وفور آنجا پیدا می شد. به منطقه آزاد انزلی هم رفتیم. آنجا هم قشنگ بود.

■ طبیعتا در یک هفته ای که رشت بودید در شهر گردش هم داشتید. نظراتان چیست؟ بله، البته چون در بچگی به رشت سفر کرده بودم نمی توانم مقایسه ای داشته باشم. اما دوستم مرا به پیاده روی فرهنگی شهر رشت که گویا تازه ساخته شده است برد که به نظرم خیلی قشنگ و خوب بود. ولی فکر می کنم هنوز کامل نشده. در خیلی از کشورهای دیگر هم در مرکز شهر چنین پیاده راه هایی هست. یک روز هم به میدان تره بار شما رفتیم که خیلی خوب بود. من کلی فیلم از آنجا گرفتم تا وقتی برگشتم به همکاران و دوستانم نشان بدهم (با خنده- پز بدهم) در چند تا از خیابان های رشت از جمله گلسار، منظره و یک خیابان دیگر که اسمش یادم رفت پیاده روی کردم. خیلی خوب بود و به من خوش گذشت.

■ و دیگر چه خاطره ای دارید؟ (با خنده) نکته مثبت دیگر این که امروز اتوبوس ما خیلی خوب و تمیز و شیک است و رستوران بین راهی هم که الان هستیم خیلی خوب است. و کاش من وقت داشتم چند روز دیگر در رشت می ماندم. چون دو هفته پیش سفر به گیلان خیلی به من خوش گذشت. اما حیف که باید زود برگردم چون قصد دارم با تور به تبریز هم سفری داشته باشم.

■ قصد ندارید در ایران ماندگار شوید؟ راستش از چند سال پیش همین قصد را هم داشتم. می خواستم خانه کوچکی بخرم که وقتی به ایران می آیم در خانه خودم باشم. ولی شما نمی دانید این بنگاهی ها چه کارهایی کردند. انگار تمام مدت می خواهند سر آدم را کلاه بگذارند. حتی من با دو نفر از مردهای خانواده و فامیل برای یافتن یک خانه خوب کوچک مناسب اقدام کردم ولی متاسفانه فقط رندی دیدم. یعنی نمی شود به کسی اطمینان کرد. حتی با آن که دایی و برادرزاده ام همراه من بودند ولی باز بدقولی و دروغگویی می کردند و خانه را بیش از ارزش واقعی اش می خواستند به من بفروشند. و این باعث شد اصلا از خرید خانه منصرف شوم.

■ زیاد خسته تان نمی کنم. اگر خودتان حرف دیگری دارید بفرمایید. من باید از شما تشکر کنم که وقت گذاشتید و با من مصاحبه کردید. راستش نکته دیگر توقعاتی است که برخی از افراد فامیل یا خانواده دارند. فکر می کنند من می توانم بچه های آن ها را ببرم آنجا و یا کارهای صنایع دستی فرزندانشان را ببرم آنجا بفروشم. فکر نمی کنند که هر کاری برای خودش اصولی دارد و یا کننده همان کار را می خواهد.





معلمانی که پای تخته سیاه می خوابند

گیلان فردا- تعطیلات نوروز نزدیک است و فصل سفر در پیش، دوست دارید به هنگام تعطیلات در اتاق محل کار و اداره خود اطراق کنید و تعطیلات را با لذت بگذرانید؟...

مزایای سفرهای تفریحی

سفر دارای ابعاد مختلفی است و سفرهای تفریحی را می توان یکی از تفریحات سالم بشر در همه اعصار و دوره ها نامید. چرا که مزایا و اهدافی را که برای این گونه سفرها تعریف کرده اند، با روحیات بشر سازگار است و منجر به بهبود حال عمومی انسان می شود. کاهش استرس، تنوع در زندگی هر چند به مدت محدود، استفاده از هوای آزاد، رهایی از تعلقات زندگی و محیط کاری، رویارویی با حوادث و اتفاقات غیر منتظره و جدید، زندگی در لحظه، امکان مطالعه و ورزش بیشتر، درک بیشتر تفاوت ها و مقایسه شرایط، آشنایی با زندگی و روحیات دیگران و ... از مزایای سفر کردن است که بدون شک این موارد در زندگی روزمره انسان تاثیر مثبت خواهند داشت.

چالش های سفر

با وجود مزایای بی شمار سفر و نقش آن در تخلیه هیجانات و اضطراب دنیای حاضر، گاهی اوقات چالش های موجود در جامعه مانع از تحقق اهداف سفر می شود. بحث هزینه های سفر، خطرات احتمالی، بیماری و ... از جمله چالش هایی هستند که گاهی اوقات افراد را در تصمیم گیری برای انجام مسافرت مردد می سازند.

اقامت در سفر

یکی دیگر از چالش هایی که گاهی اوقات مانع اصلی بستن بار سفر می شود، محل اسکان یا اقامت در طول سفر است. بدون شک امنیت فیزیکی و روانی در محل اسکان یکی از دغدغه های اساسی افراد در طول مسافرت محسوب می شود. در بیشتر کشورهای دنیا مکان های اقامتی با شرایط و امکانات متفاوتی وجود دارند که مسافران با توجه به شرایط مالی و نیاز خانوادگی نسبت به انتخاب و اقامت در آن ها تصمیم گیری می کنند: هتل، هتل بوتیک، هتل آپارتمان، متل، هاستل، مسافرخانه یا مهمانپذیر، مهمانسرا، مجتمع توریستی، اردوگاه جهانگردی، بنگالو، شاله، پانسیون، پانسیون خانگی، ویلا یا آپارتمان شخصی (خانه دوم)، ویلاهای خصوصی و اقامتگاه های آزاد که هر کدام دارای مختصات، امکانات و ویژگی های جداگانه ای هستند و بالتبع هزینه اقامت در آن ها نیز متفاوت است.

اقامت مسافر در ایران

هر چند در کشور ما نیز در بحث اقامت مسافران اقدامات زیادی صورت گرفته است ولی با توجه به میزان کم درآمد سرانه خانوارها و قیمت بالای مکان های اقامتی بیشتر افراد سعی می کنند در منزل دوستان و آشنایان، مکان های اقامتی با قیمت پایین تر و چادر های مسافرتی اقامت کنند. بدون شک اکثر خانواده های ایرانی توان پرداخت هزینه های چند صد هزار تومانی یا حتی یکی دو میلیون تومانی برای اقامت یک شب در هتل را ندارند. هر چند هتل با قیمت های پایین تر هم وجود دارد ولی در مجموع اقامت در هتل با درآمد بیشتر خانواده های ایرانی همخوانی ندارد.

اسکان فرهنگیان و بازتاب ملی آن در صدا و سیما

با وجود این که بیشتر ادارات و نهادها جهت رفاه کارمندان خود در ایام نوروز و تابستان

برنامه ها و شرایط ویژه ای را تدارک می بینند تا آن ها بتوانند ایامی به یاد ماندنی و دلپذیر در کنار خانواده خود در محیطی امن و استاندارد نظیر هتل، مجتمع های رفاهی و نظایر آن ها داشته باشند، آموزش و پرورش اسکان فرهنگیان را در مدارس در دستور کار خود قرار داده است. همه ساله چندین میلیون نفر از فرهنگیان به همراه خانواده های خود در کلاس های درسی که به چند متر موقت، چند تخته پتو و بالشت و تجهیز شده اند اسکان داده می شوند. البته همین امکانات درجه بندی شده اند و در کلاس هایی یخچال و تلویزیون تعبیه شده است و برای اسکان نیز باید از چند هفته زود تر ثبت نام اینترنتی کرد و وجه را پرداخت کرد! صدا و سیما نیز که گویی انتشار بعضی اخبار مختص فرهنگیان را از اوجب واجبات می داند، همه ساله آمار اسکان فرهنگیان را با آب و تاب فراوان در رسانه ملی بازتاب می دهد و شور و نشاط را در بین فرهنگیان به تصویر می کشد! برخی سایت ها نیز در این بین به انتشار لحظه به لحظه به آمار اسکان فرهنگیان در مدارس می پردازند که در نوع خود جالب و قابل تامل است!

جالب تر اینجاست که رسانه ملی و سایر نشریات و جراید هیچگاه از اسکان سایر کارمندان این مملکت، خبر یا گزارشی منتشر نمی کنند! و این شبهه در ذهن افراد متبادر می شود که آیا سایر کارمندان در طول نوروز و تابستان به سفر نمی روند یا اقامت در کلاس های درس و چادر زدن در حیاط مدارس این قدر مهم است که صدا و سیما به گزارش جامع در خصوص آن می پردازد؟!

سخن پایانی

هر چند با شرایط و برنامه های اعلامی موجود توان و اراده ای را سخ برای پرداختن ریشه ای به دغدغه های فرهنگیان مشاهده نمی شود و بیشتر طرح ها و ایده های مطروحه در این وزارت خانه عریض و طویل، عمدتاً کاغذی، کلیشه ای و جشنواره ای هستند و امیدی به بهبود اوضاع در معیشت فرهنگیان و تغییر نگاه به مقوله آموزش و پرورش نیست، ولی ای کاش دوستان در ستاد بازاری و نوسازی مدارس در هنگام ساخت مدارس جدید چند واحد به صورت سونیت در طبقه فوقانی یا زیر زمین ساختمان مدارس جدید ساز تعبیه کنند تا لاقول در زمان اسکان معلمان در مدارس، شان و منزلت آنها حفظ شود و مجبور نباشند برای چادر زدن در حیاط مدرسه از اداره متبوع نامه بیاورند و یا برای جلوگیری از باز شدن درب کلاس به هنگام خواب، میز معلم را پشت در بگذارند!

وحید حاج سعیدی



چرا صدا و سیما از محل

اسکان کارمندان سایر

نهادهای و ادارات گزارش

منتشر نمی کند



نرم افزار معرفی زن خوب

انشاء یک دانش آموز دبستانی با موضوع

"آیا تلگرام خوب است؟"

به نظر من تلگرام چیز خوبی است. در تلگرام همه آدم ها خوبند. همه چیزهای خوب و با مزه مینویسند. من فامیل های تلگرامی خود را بیشتر از فامیل های واقعی ام دوست دارم.

مثلا دایی عزت که به قول بابایم اخلاقش خیلی گند است و زورکی جواب سلام ما را میدهد کلی جوک های خنده دار در تلگرام میگذارد و ما را میخنداند یا عمه اقدس که چشم دیدن هیچکدام ما را ندارد یک پا شاعر شده است و مرتب از مهربانی و گذشت حرف میزند. من نوشته های عمه اقدس را خیلی دوست دارم.

زن عمو خدیجه همش از طبیعت و حفظ اون میگه اما مامانم میگه پس چرا پوست پفک رو تو خیابون میندازه!! دایی محسن هم حرفای قشنگ واسه حیوونا میزنه و میگه باید به اونها غذا بدیم و نازشون کنیم.. اما خودم دیدم با لگد یه گربه رو زد. زهرا خانم همسایه بالاییمون خانم جلسه ایه و حدیث و دعاهاش خوبی توی تلگرام میذاره و همش از خدا تشکر میکنه اما پیش مامانم که میاد همش شوهرشو نفرین میکنه و غیبتشو میکنه.

به نظر من بهشت جایی مثل تلگرام است همه با هم خوبند و حرف های خوب میزنند. وقتی بزرگ شدم میخوام با یکی در تلگرام عروسی کنم و صبح تا شب با او در تلگرام زندگی کنم. ای کاش همه بتوانیم با هم در جایی مثل تلگرام زندگی کنیم...

این بود انشای من درباره تلگرام



توسط دستان توانمند و خلاق، نرم افزارهای کاربردی انتخاب همسر، قابل دسترس تمامی مجردین عزیز قرار گیرد...

احتمالا این نرم افزار کاربردی قابل نصب بر روی گوشی های هوشمند خواهد بود که به منظور ایجاد شرایط مناسب برای جستجو و انتخاب همسر متناسب با افکار، عقاید و سلیقه مختلف پایه ریزی شده و دارای سیستم جستجوی آنلاین پیشرفته به تفکیک تمامی شهرهای کشور است. کار با این نرم افزار بسیار آسان و راحت خواهد بود، شما با مراجعه به اپ استورها و دانلود این نرم افزار و نصبش بر روی گوشی خود از امکانات بی نظیرش بهره مند می شوید. شاید این نرم افزار جدید، نرم افزار کاربردی همسر خوب نام بگیرد. به یاد داشته باشید که یک تیم متخصص و حرفه ای تحت عنوان گل های خندان، این نرم افزار را بی نقص و قابل رقابت با برنامه های مشابه آماده و عرضه خواهند کرد. این نرم افزار، دست شما را برای انتخاب باز گذاشته و اطلاعاتی از قبیل سن، رنگ چشم، شماره کفش، قد، تحصیلات، پولدار بودن، اسم، شغل، تعداد فالورها، تعداد عضویت در کانال های تلگرامی را در اختیار شما گذاشته و حتی زن خوب را به شما معرفی می کند! با دانلود و نصب این نرم افزار، رویای ازدواج با خانوم یا آقای ایکس، دیگر رویا نیست! احتمالا این نرم افزار دارای بانک اطلاعات کامل و جامعی از دختران و پسران دم بخت و نوبخت و همچنین آخرین نمونه سوالات جدید و قدیم از بهترین مراسم های خواستگاری، ضرب المثل و دانستنی های ازدواج، معرفی و دانلود کتاب های معروف دنیا، نظیر (هری پاتر و ازدواج، خاطرات آن ازدواج، در جست و جوی ازدواج از دست رفته، ازدواج ها برای که به صدا در می آیند، جویندگان ازدواج) سرگذشت ازدواج های مشاهیر و انسان های موفق و معروف، برگزاری آزمون های هوش، شخصیت شناسی، مشاوره گرفتن از زنده ترین اساتید برجسته دانشگاهی در امور خانواده و ازدواج است. اما از امکانات جالب و مهیج این برنامه در بخش های مختلف می توانید استفاده کنید. یادتان باشد پس از انتخاب گزینه مورد نظر، نرم افزار یک کد پیگیری به همراه آدرس نزدیک ترین بنگاه ازدواج، به موبایلتان ارسال می کند. این کد پیگیری، به منزله تایید شخص مورد نظر شما و انجام مقدمات ازدواج است، پس در حفظ و نگهداری آن دقت کافی و لازم را داشته باشید. به زودی امکانات جدید مانند انتقال کارت به کارت، پرداخت قبوض خدماتی، خرید شارژ نیز به آن اضافه خواهد شد. نرم افزار کاربردی همسر خوب به شما کمک می کند تا علی رغم گم کردن زندگی واقعی همچنان در دنیای مجاز سیر کنید و به فردا های بهتر ببینید...

حسین زبردست



گیلان فردا - ازدواج در لغت نامه دهخدا به معنای جفت شدن و جفت گرفتن، و تنظیم دو به دوی اشیا است. در تعریف اصطلاحی ازدواج آمده است: ازدواج پدیده ای است که طی آن به منظور تشکیل و ادامه زندگی زناشویی بین زن و مرد پیوندی صورت می گیرد که از یک سو متکی بر نیازهای طبیعی است و از سوی دیگر در قالب اجتماعی خانواده است که امروز نیز از مقدس ترین نهاد های اجتماعی به شمار می رود. البته در اعتقادات ایرانی تشکیل خانواده به صورت تکلیفی دینی در آمده است. در زمان های گذشته که زن ربایی و حتی خرید زن در میان بسیاری از ملل و اقوام هند و اروپایی معمول و متداول بود، ازدواج ایرانی در سایه نظم و نسقی که آیین زرتشت آورده بودند نتیجه عقد بود. به نظر ایرانیان ازدواج نتیجه راضی شدن زن و مرد بود و این ازدواج در آن واحد که معنی مذهبی و اجتماعی داشت، از لحاظ اجتماعی نیز از اهمیت والایی برخوردار بود، به طوری که در زمان ساسانیان، شاهنشاهان به عنوان نمایندگان راستین اهورا مزدا در روی زمین از ازدواج مردم حمایت می کردند. اما جدا از وجه اجتماعی و عاطفی ازدواج، مقوله ازدواج به طریقی راه خود را به اشعار شعرای کهن فارسی نیز پیدا کرده و نمونه های مرتبط زیادی مهم بودن این امر را گواهی می دهد. حتی مهم بودن این موضوع از چشمان تیزبین فیلسوفان و نویسندگان بزرگ پنهان نمانده است. به عنوان مثال .

ازدواج کتابی است که فصل اول آن به نظم است و بقیه فصول به نثر. (پورلی نیکولاس)

تحت هر شرایطی ازدواج کن: اگر زن خوبی گیرت بیاید سعادت مند خواهی شد، اگر زن بدی گیرت بیاید، فیلسوف خواهی شد. (سقراط) و اما ازدواج در ایران دارای رسوم و قواعدی است که برخی از آن ها منحصر به فرهنگ ایرانی است. البته این رسوم در طول تاریخ به دفعات تغییر کرده اند و در میان اقوام، ادیان و مذاهب و حتی طبقات اجتماعی گوناگون به فراخور متفاوت هستند. ولی متأسفانه آمارها و تحلیل گران، خبر از افزایش میانگین سنی ازدواج و تاخیر در ازدواج جوانان می دهد. به راستی ازدواجی که مایه خوشبختی و سعادت فرد و جامعه می شود، چگونه این طور بی رغبت از کنارش عبور می کنیم؟ آیا اختلاف در سلیقه ها و علایق دو طرف و یا مسائل اقتصادی و مسکن و تامین مایحتاج زندگی، این معضل را تشدید کرده است؟ آیا حضور و نقش پر رنگ فضای مجازی و شبکه های ماهواره ای را می توان دلیلی برای پاسخ به این سوال دانست؟ و یا ...

به نظر می رسد زندگی در دنیای سرشار از تکنولوژی و تنیده شده با دنیای اینترنتی و مجازی برای تشویق به ازدواج راهکارهای مدل خود را داشته باشد. شاید پر بیراه نباشد اگر بگوییم ممکن است به زودی



هنر معاصر، در دوگانگی مفهوم مد و مدگرایی

* محمدتقی مرتاض هجری

این روزها کمتر کسی را می‌توان سراغ گرفت که از ناهنجاری‌ها و رفتارهای نه‌چندان مناسب بخشی از افراد در عدم پایبندی به قانونمند بودن و الزامات جامعه گله و شکایت نداشته باشد. این عده بر این باورند که جامعه از هم‌آوایی و همگرایی گذشته خود دور شده و به سمتی می‌رود که چشم‌انداز روشنی برای آن متصور نیست. آن‌چه بیشتر از هر چیز تکرر خاطر این گروه افراد را فراهم ساخته و بر نگرانی آن‌ها دامن می‌زند، نه فقط رفتارهای خارج از مناسبات فردی و جمعی است که بیشتر فاصله گرفتن آنان از معیارها و ارزش‌های جامعه است. به رغم این عده افراد بهم خوردن مناسبات اجتماعی در سال‌های اخیر همراه با ترک برداشتن پندارها و باورهای دیرینه، کم بها دادن به اخلاق و رفتار جمعی را از عمده مواردی می‌دانند که زندگی امروزی را با چالش روبه‌رو ساخته است. طبیعی است که در چنین شرایطی دانش و فرهنگ، اقتصاد و هنر دیگر هم‌چون گذشته به‌روال همیشگی خود مطرح نگردد. تلاش هر کس معطوف به ساختن جهان خود در قلمروی کوچک و محدود خواهد بود. جهانی که هویت جمعی و شناخته شده در آن کمتر به چشم می‌آید.

اما آن‌چه بیش از هر چیز در این شرایط قابل تامل است، نگاه سطحی به رویدادها و پدیده‌های امروزی است که در یک فضای احساسی و به دور از منطق است که روز به روز بیشتر توسعه پیدا می‌کند تا هرگونه اندیشه ساختارمند را در هاله‌ای از شک و تردید قرار دهد. اما کم نیستند افرادی که بنا به ضرورت تحول و تغییرات بنیادی دنیای معاصر، همگام با امکانات فراهم شده در سال‌های اخیر تلاش می‌کنند هرچه بیشتر خود را با شرایط موجود هماهنگ سازند و همزمان با آن پیش روند. از جمله گرایش به باب روز شدن و مد و مدگرایی در فرهنگ امروزی است که اتفاقاً از استقبال عامه مردم برخوردار است و می‌رود که در عصر دنیای مجازی و رسانه‌ای بدل به یک پدیده همگانی شود.

اصولاً مد (سبک روز) اصطلاحی است که در جوامع شهری کاربرد پیدا می‌کند. شیوه‌ای است در مناسبات اجتماعی مصرف‌گرا، برای نشان دادن نوعی ارزش‌های اعتباری باب روز که بالطبع طرفداران خود را هم دارد. مدگرایی ضمن این که به عنوان یک پدیده در جوامع امروزی مطرح است، در ذات خود با معانی متضاد روبه‌رو است. از یک طرف مورد پذیرش و استقبال افراد قرار می‌گیرد و از طرف دیگر بار نکوهش و سرزنش و نوعی سردرگمی را به دنبال دارد. این دوگانه بودن ارزشی به‌گونه‌ای است که ضمن

ایجاد کشش وابستگی در عرصه نوآوری، همزمان فاصله گرفتن و دوری خود را از آن هم نشان می‌دهد. ناگفته نماند که دوپهلوی سخن گفتن از مد، به نوعی ایهام را هم تداعی می‌کند آن‌گونه که از طرفی افراد خود را مشتاق فراورده‌های جامعه مدرن می‌بینند و در پی به‌روز بودن آن نهایت سعی و تلاش را به‌کار می‌برند. از طرف دیگر طراحان و مصرف‌کنندگان آن را، مورد سرزنش قرار می‌دهند و همه نابسامانی جامعه را ناشی از تقلید چشم بسته به این نوع فراورده‌ها و محصولات می‌دانند.

مد و مدگرایی فقط در لباس و البسه بسنده نمی‌شود که در همه ارکان زندگی، حتی در باورهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری نیز می‌توان آن را به وضوح مشاهده کرد. از یاد نبریم که مدگرایی منحصر به جوامع خاص نیست که در جهان امروز هر کشوری که مصرف آن بر پایه تولید و اقتصاد جهانی، استوار است، مد هم جزء لاینفک این نوع گرایشات محسوب می‌شود. اما آن‌چه قابل تامل است گسترش چنین پدیده‌ای در کشورهای در حال گذار و یا کمتر صنعتی و غیرتولیدی است که با اما و اگرهایی روبه‌روست. چه، مد و مدگرایی در سیستم اقتصاد صنعتی و تولید انبوه یکی از راه‌کارهای مصرف بوده و امر عادی به‌شمار می‌رود. از طرفی مقتضیات امروزی به‌گونه‌ای است که افراد زندگی را آن‌طور که خود می‌پسندند انتخاب نمایند تا سلیقه‌های مورد نظر خود را به نمایش بگذارند. سلیقه‌هایی که گاه با تقلید و تکرار و یا با هنر باسماهی و کلیشه‌های شکل می‌گیرد. از این نظر دور از انتظار نیست که در چنین جوامعی فرهنگ و هنر هم جزئی از کالاهای مصرفی و همپای مد و مدگرایی باب روز گردد. از این روی بی‌سبب نخواهد بود که در پی شناخت وجوه مختلف هنر معاصر و چگونگی پدیده مدگرایی بانگاه جامعه‌شناسی و با تحلیل زیباشناسی امروزی بدان پرداخته شود و از زوایای دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

اگر روزگاری هنر در خدمت اهداف خاص سیاسی و ایدئولوژی و یا در راستای منافع و نیازهای طبقاتی مورد استفاده قرار می‌گرفت، بی‌شک در دوران معاصر و در عرصه پسامدرن چنین نگاهی کمتر محلی از اعراب دارد. چه در دنیای اقتصاد چند ملیتی، جهان بدون پول و سرمایه، جهانی خالی از همه چیز خواهد بود. به ویژه که سلیقه‌های عمومی هم در چارچوب این نوع خواسته‌ها و نیازها شکل داده می‌شود تا از آن به عنوان یک واقعیت دنیای امروز پذیرفته شود و مد و مدگرایی بخشی از الزامات جامعه محسوب شود و گریزی هم از آن نیست.

*هنرمند و بازنشسته فرهنگی



تابغه هایه کده

کودن شمرده می شدند

۱. **آلبرت انیشتین:** در کودکی دچار بیماری دیسلسیک بود. یعنی معنی و مفهوم کلمات و عبارات را درست تشخیص نمی‌داد. معلم آلبرت انیشتین او را عقب مانده ذهنی، غیر اجتماعی و همیشه غرق در رویاهای احمقانه توصیف می‌کرد، ضمناً وی دوبار در امتحانات کنکور دانشگاه پلی تکنیک زوریخ مردود شد!!

۲. **توماس ادیسون:** که معلمانش از آموزش او در مدرسه عاجز مانده بودند در تمام طول تحصیل کم‌ترین نمره‌ها را از درس فیزیک می‌گرفت ولی همین شخص بعدها موفق شد بیش از هزار و صد و پنجاه اختراع به جامعه بشریت عرضه کند که بیشتر آن‌ها در زمینه علم فیزیک بوده است!!

۳. **بتیهون:** معلم او می‌گفت در طول زندگی‌اش "او چیزی یاد نخواهد گرفت"

۴. **پیکاسو:** یکی از معروفترین نقاشان جهان بدون کمک و حضور پدرش که در زمان امتحانات کنارش می‌نشست نمی‌توانست در درس هایش نمره قبولی کسب کند!!

۵. **هیلتون:** که مالک بیش از ۳۰۰ هتل در سرتاسر دنیاست در دوران کودکی برای گذران زندگی مجبور بود کف سالن‌ها و هتل‌ها را طی بکشد!!

۷. **جیمز وات:** که مخترع ماشین بخار بود فردی کودن توصیفش می‌کردند!!

۸. **امیل زولا:** نویسنده بزرگ فرانسوی دانش آموزی تنبل بود که در مدرسه از درس ادبیات معمولاً نمره صفر می‌گرفت!

۹. **ناپلئون بنا پارت:** مدرسه خود را با رتبه ۴۲ به عنوان یک دانش آموز غیر ممتاز ترک کرد!!

۱۰. **لویی پاستور:** در مدرسه یک محصل متوسط بود و در دوره لیسانس در درس شیمی بین ۲۲ نفر رتبه ۲۲ را کسب کرد!

کنترل رویا در خواب

هرچند خیلی از افراد به دنیای خواب و رویا هیچ اعتقادی ندارند ولی از طرفی بسیاری از ابناء بشر کلاً در عالم خواب و رویا به سر می برند. اصلاً یک عده به امید دیدن خواب های شفاف و با کیفیت، از هر موقعیتی برای خوابیدن استفاده می کنند. از جمله همین عمو سیفی خودمان (سرایدار مخمخ مدرسه) که فکر کنیم هر شب یک دی وی کامل خواب می ببیند! ایشان چند روز قبل تعریف می کرد که خواب دیده یک مازراتی زرشکی، تودوزی ابریشمی، رینگ اسپرت، بیمه بدنه کامل و ... سوار شده و در جاده های شمال در حال رانندگی است. اما داخل مازراتی شبیه به پژو ۲۰۶ بود. وی معتقد است چون تا به حال سوار مازراتی نشده است، ضمیر ناخودآگاه وی نیز تصویری از داخل مازراتی ندارد، بنابراین در رویا تصویر پژو ۲۰۶ پخش می کرده است!

البته الان با اختراع جدید دوستان پژوهشگر به نوعی مشکل کیفیت خواب های مبهم، سیاه و سفید و ۸ میلی متری حل شده است و علاوه بر این که می توان خواب هایی با کیفیت اچ دی و وضوح بالا دید، کنترل خواب هم ممکن شده است! سند معتبر به نقل جراید همیشه بیدار ...

« پژوهشگران هد بند جدیدی ساخته اند که می تواند با اندازه گیری فعالیت حرکات چشم، به کاربر در کنترل رویاهای خود کمک کند. کارکرد این سربند این گونه است که با اندازه گیری امواج مغزی و فعالیت حرکات چشم، زمانی را که فرد وارد مرحله ای از خواب موسوم به REM می شود، شناسایی می کند. سپس این دستگاه یک سری نور متساطع می کند که در این حالت کاربران می توانند وارد وضعیت رویای واضح و شفاف شوند و رویاهای خود را کنترل کنند. این سربند می تواند به افراد در دیدن خواب های شفاف و واضح نیز یاری برساند.» (روزنامه حمایت) حقیقتاً دست مملی ... یعنی این یارانه، کارانه، سید کالا، عیدی و پاداش و ۱۰ درصد افزایش حقوق ناز شست این دانشمندان و پژوهشگران ... از شیر بدون پالم مادر حلال تر... یعنی دیگر موسم خواب های پریشان و برفکی و سیاه و سفید و کابوس های هولناک به پایان رسیده است و موقع دیدن خواب های هدفمند و کنترل شده فرا رسیده است.

این طوری که این دوستان محقق و پژوهشگر در حال پیشروی هستند به نظر می رسد تا چند وقت دیگر «دستگاه رویا ساز» هم تولید کنند با انواع آپشن ها و قابلیت رویت خواب در باب موضوعات مختلف نظیر: مسافرت های هوایی، اقامت در هتل های آنچنانی، خرید خانه و خودرو، تفریحات مهیج، وام ازدواج، مسکن مهر، خرید خودروی ارزان قیمت، دریافت وام کم بهره، دریافت سید کالا و ... یعنی در آینده کافی است قبل از خواب مواردی را که دوست دارید خواب ببینید با مدت زمان مشخص و رعایت موازین اخلاقی و شرعی از منوی دستگاه انتخاب کنید و به خواب بروید. البته این دستگاه قطعاً هوشمند ساخته می شود و در صورت نیاز مدت زمان برخی خواب ها را تمدید و صحنه های ملال آور نظیر ایستادن در صف، تاخیر هواپیما و قطار، پیدا کردن ضامن معتبر، تلفن از بانک بابت تاخیر در پرداخت قسط و ... را خود به خود حذف می کند!

در ضمن با این سیستم پیشرفته حتی می توان برخی امورات را که سال ها به طول انجامیده است یک شبه راست و ریست کرد و به سرانجام رساند. مثلاً تکلیف بابت زنجانی و رویاهایش را یکسره کرد؛ یا خاوری را در گونی کرد و مقابل میز قاضی گذاشت. حقوق های نجومی را به خزانه برگرداند، تحقیق و تفحص از صندوق ذخیره فرهنگیان را به سرانجام رساند، عزیزی را که ده سال از خدمات دولتی منع شده ولی دوباره خانم ابتکار سر کار آورده، دوباره برکنار کرد و خیلی از کارهای دیگر را که مشمول مرور زمان شده اند یک شبه اجرایی کرد...

وحید حاج سعیدی



زندگی ادامه دارد...

رقیه ابراهیم زاده اصلی



به یاد دوران کودکی، گلبرگ‌های بهارنارنج را با سوزن به نخ می‌کشم و سپس رشته‌ای از گردن‌بند بهارنارنج را به گردن می‌آویزم و از رایحه آن مست می‌شوم. همانطور که مشغول تماشای این گردن‌بند هستم و مشامم را از بوی خوش آن لبریز کرده‌ام بی‌اختیار به دوران کودکی سفر می‌کنم. بازی‌های ساده و بچه‌گانه و دل‌خوشی‌های کوچک و شیرین را به یاد می‌آورم. بازی با دوستان در حیاط خانه‌ای که با گل‌ها، باغچه‌ها و درختان جلوه خاصی داشت و در دنیای کودکی بسیار بزرگ به نظر می‌آمد. یادش به خیر، بازی‌هایمان ساده اما دلچسب و پرتحرک بود. لی‌لی بازی، قایم باشک، گرگم به هوا، هفت سنگ، آباربازی، آغوزبازی، فندق بازی، توپ‌بازی، وسطی یا توپ، مجسمانه، فرقه‌بازی، بادبادک هواکردن و ... بازی‌هایی که یا به وسیله‌ای احتیاج نداشت و یا با حداقل وسایل روزمره قابل انجام بود.

بوی بهار نارنج تمام فضای خانه را گرفته. اطرافیان وقتی می‌بینند گردن‌بندی از بهارنارنج به گردن آویخته‌ام لبخندی می‌زنند. انگار می‌گویند «چیه بچه شدی!» و من با لبخندی که از اعماق وجودم سرچشمه می‌گیرد با سکوت می‌گویم «آره، بچه شدم».

سقف سفالین خانه پدری و بخش‌هایی از اتاق‌ها و ایوان با ستون‌های چوبی بیشتر مرا به دوران کودکی فرا می‌خواند. به روزهایی که کودک خردسالی بودم و با دو گیس بافته در کنار بچه‌های هم سن و سال در کوچه مشغول بازی هفت سنگ می‌شدم و در همان حین مرد قصاب محله از کنارمان رد می‌شد و خطاب به من می‌گفت «اگه راست می‌گی بگو شش صد و شصت و شش» چون می‌دانست که من خواهم گفت «شص صد و سصت و سس». و بعد از خاطرات خردسالی، خاطرات دوران مدرسه و سنین راهنمایی تحصیلی از خاطرم عبور می‌کنند. روزهایی که جامعه لبریز از سادگی و صمیمیت بود. روزهایی که هنوز در دنیای بچگی و نوجوانی سیر می‌کردیم.

گردن‌بند بهارنارنج را به بینی‌ام نزدیک می‌کنم و با نفسی عمیق بوی دلنشین آن را تا اعماق جان فرو می‌برم و به ستون‌های چوبی و قدیمی ایوان خانه پدری تکیه می‌دهم. هرچند که در حیاط باقیمانده‌ی خانه پدری دیگر خبری از درختان سیب، آلبالو، هلو، انجیر، گلابی و آلو نیست و گل‌های زیبای یاس زرد دگمه‌ای، درختچه گل ارغوانی، انواع گل‌های محمدی در رنگ‌های مختلف، انواع شمشادها، گلابیل، زنبق، نرگس شهلا، هورتانزیا، گاردانیا و ... وجود ندارند اما هنوز در بخش‌هایی از حیاط گل‌های کاملیا، مگنولیا، کاج، سیکاس، یخ، کاکتوس، شمعدانی و رازقی به چشم می‌خورند و در کنار ساختمانی که حدود ۳۵ سال پیش در حیاط خانه و در کنار خانه قدیمی ساخته شده بود، بخش‌هایی از خانه قدیمی و سفالی با قدمتی حدود ۶۰ سال به شکر خدا پابرجاست. و من ناخودآگاه به یاد تمام کلمات گیلکی می‌افتم که آن زمان در گفت و گوی روزانه به کار می‌بردیم. یک کلمه، کلمه بعدی را به ذهنم می‌آورد و من کنجکاوانه و با ولع خاصی به دنبال کلمه گیلکی دیگری در ذهنم می‌گردم. کلماتی مانند ایوان، ستون، نال، دوچوبه، طاقچه، رف، حصیر، دولچه، قاپدان، دلو، خندق، سنگفرش، پلکوبی، چی چی نی، پیچا، گرزک، پوتال و ... که البته بعضی از آن‌ها در فارسی هم کاربرد دارند و با بعضی ریشه در زبان روسی دارند.

خلاصه آنقدر در افکارم غرق می‌شوم که صدای پدر در گوشم می‌پیچد. پدری که سال‌هاست به دیار باقی شتافته. ولی مهربانی‌ها و محبت‌هایش پیوسته در خاطرم زنده است. و صدای نهنم بارانی که تازه شروع به باریدن کرده خیالات و خاطراتم را زنده‌تر می‌کند. به یاد اولین سال دبستان می‌افتم که در آخرین درس فارسی که مضمونی از سیاست‌گذاری



خداوند داشت، معلم‌مان خانم واحدی، به درست خواندن جمله و لحظه‌ای مکث برای خواندن جمله بعدی سفارش می‌کرد. کلاس دوم ابتدایی را به یاد می‌آورم که معلم‌مان، خانم انشایی یاد داده بود در قسمت‌هایی از کلمه چطور دندان‌های حروف را قوس بدهیم و به یاد معلم سوم ابتدایی خانم فرهدی می‌افتم که پس از سال‌ها وقتی سال گذشته در خیابان از کنارش عبور می‌کردم مرا شناخت. آن هم درست زمانی که به خاطر سرماخوردگی دهان و بینی‌ام را بسته بودم. تعجب می‌کردم که چگونه از پس این همه سال او مرا شناخته و با همان مهر و محبت همیشگی جویای احوالمن شده و ...

از کنار ستون برمی‌خیزم و به در و دیوارهای قدیمی چشم می‌دوزم. به پارچه‌های توری پشت شیشه پنجره مانند در اتاق‌ها خیره می‌شوم و تصویرم را در آینه قدیمی کارشده در دیوار اتاق که چند دهه قدمت دارد می‌نگرم. هنوز هم اگرچند قدم از این آینه دور شویم صورتمان را موج‌دار نشان می‌دهد. یادش به خیر بچه که بودم چقدر قبل‌بندی می‌کردم تا بتوانم در این آینه نگاه کنم اما نمی‌شد.

هوس می‌کنم تا در این سیر آفاق و انفس (به قول کتاب‌های فارسی) یک استکان چای بنوشم. اما قبل از این که یک استکان چای برای خودم بریزم، به مادر نازنینم که به خاطر بیماری قادر به حرکت نیست سر می‌زنم تا مطمئن شوم که خوابیده است. آن وقت استکان چای را برمی‌دارم و به یاد شکلات و بیسکوییتی که پدر هر شب برایم می‌خرید و من آن را بخودجوش و بدون هیچ توصیه‌ای به طور مساوی بین تمام اعضای خانواده تقسیم می‌کردم می‌افتم. واقعا یادش به خیر. چه ایامی بود!

خانه پدری معمولاً برای همه لبریز از خاطرات گوناگون است. طفلکی کودکان و نوجوانان الان، که خیلی‌هایشان به واسطه جایجایی‌های سالانه و اثاث‌کشی پی در پی از این خانه به آن خانه نمی‌دانند بالاخره خانه پدری کدام یک است!

هنوز یکی دو جرعه از چای نوشیده‌ام که مادر صدایم می‌کند و من به سرعت یک جت و در یک چشم به هم زدن خود را از حیاط به کنار تخت او می‌رسانم. آخر او خیلی دل‌نازک و دلتنگ شده است و همیشه باید حداقل دو نفر کنارش باشند.

چون نمی‌تواند حرکت کند و از سوی دیگر عوارض کهولت سن و بیماری گاه حافظه‌اش را تا حدی دچار نقصان می‌کند و گاه دلتنگی و کسالت و ناتوانی‌اش را به رخ می‌کشد. و



ما با تمام تلاشی که داریم و سعی می‌کنیم دست و پای او باشیم ولی باز نمی‌شود و از پس یک عمر کار و تلاش و فعالیت و بزرگ کردن بچه‌های قد و نیم قد، گاه فراموش می‌کند که به خاطر افتادن و شکسته شدن لگن و عمل جراحی و پوکی استخوان قادر نیست راه برود و هزارچندگاهی می‌پرسد «آخر چرا، به کدام گناه بیماریش طولانی شده است و چرا نمی‌تواند حرکت کند و راه برود؟» و از آن‌جا که همیشه علاقمند به مباحث علمی بوده است و به حرف پزشکان زمان خود ایمان داشته و بدون تجویز پزشک قرصی نمی‌خورده است می‌گویم «مادر جان اولش که جایگاه مادرانی مثل تو بالاتر از فرشته‌هاست از سوی دیگر تو خود زن آگاه و فهمیده‌ای هستی، تو که می‌دانی بدن ما از سلول ساخته شده و سلول‌ها هم به مرور ضعیف می‌شوند و ... بالاخره آدم یک روز سالم است و یک روز مریض و این برای همه‌ی ما هست». به دقت به حرف‌هایم گوش می‌کند. و من در ادامه به او امیدواری می‌دهم و تلاش می‌کنم تا آرامش نسبی به دست آورد. و به بهانه تمرین تقویت حافظه کلمات زیادی به او می‌گویم و می‌خواهم که مخالف آن کلمات را به من بگوید و او کاملاً درست جواب می‌دهد. سپس تسبیح را به دستش می‌دهم و می‌گویم «اگر دعا کنی و ذکر بگویی خیلی خوب است. چون هم آرامت می‌کند و هم حافظه و مغزت را فعال نگاه می‌دارد».

چون نمی‌تواند حرکت کند و از سوی دیگر عوارض کپه‌ولت سن و بیماری گاه حافظه‌اش را تا حدی دچار نقصان می‌کند و گاه دلتنگی و کسالت و ناتوانی‌اش را به رخ می‌کشد. و ما با تمام تلاشی که داریم و سعی می‌کنیم دست و پای او باشیم ولی باز نمی‌شود و او از پس یک عمر کار و تلاش و فعالیت و بزرگ کردن بچه‌های قد و نیم قد، گاه فراموش می‌کند که به خاطر افتادن و شکسته شدن لگن و عمل جراحی و پوکی استخوان قادر نیست راه برود و هزارچندگاهی می‌پرسد «آخر چرا، به کدام گناه بیماریش طولانی شده است و چرا نمی‌تواند حرکت کند و راه برود؟» و از آن‌جا که همیشه علاقمند به مباحث علمی بوده است و به حرف پزشکان زمان خود ایمان داشته و بدون تجویز پزشک قرصی نمی‌خورده است می‌گویم «مادر جان اولش که جایگاه مادرانی مثل تو بالاتر از فرشته‌هاست از سوی دیگر تو خود زن آگاه و فهمیده‌ای هستی، تو که می‌دانی بدن ما از سلول ساخته شده و سلول‌ها هم به مرور ضعیف می‌شوند و ... بالاخره آدم یک روز سالم است و یک روز مریض و این برای همه‌ی ما هست». به دقت به حرف‌هایم گوش می‌کند. و من در ادامه به او امیدواری می‌دهم و تلاش می‌کنم تا آرامش نسبی به دست آورد. و به بهانه تمرین تقویت حافظه کلمات زیادی به او می‌گویم و می‌خواهم که مخالف آن کلمات را به من بگوید و او کاملاً درست جواب می‌دهد. سپس تسبیح را به دستش می‌دهم و می‌گویم «اگر دعا کنی و ذکر بگویی خیلی خوب است. چون هم آرامت می‌کند و هم حافظه و مغزت را فعال نگاه می‌دارد».

و مادر پس از دقایقی مرا به اسم می‌خواند. از من می‌خواهد که یک کتاب فارسی اول ابتدایی را برایش پیدا کنم و به او درس بدهم. و من که بارها این تقاضای او را شنیده‌ام تمام وجودم از این همه عشق به یادگیری، خواندن و نوشتن داغ می‌شود. به او یادآوری می‌کنم که تا کلاس پنجم درس خوانده است. اما او می‌گوید: «چه فایده که الان نمی‌توانم کتاب یا روزنامه بخوانم...». به او قول می‌دهم که کتاب کلاس اول را برایش تهیه کنم. و به انگشتانش که دیگر حتی توان نگه داشتن مداد را هم ندارند خیره می‌شوم. می‌دانم که در طول تمام زندگیش آرزویش این بوده که بخواند و بنویسد ولی به خاطر مسئولیت زیاد در زندگی و تربیت فرزندان و از سوی دیگر جو حاکم در زمان کودکی و جوانی‌اش نتوانسته به موقع به این خواسته خود برسد. و اکنون نیز به خاطر بیماری و ناتوانی قادر نیست درس‌های فارسی را که در بزرگسالی آموخته بود به یاد بیاورد. اما این عشق به یادگرفتن آن هم در آستانه ۸۴-۸۵ سالگی واقعا برایم ستودنی، مقدس و جالب است. وقتی خوب فکر می‌کنم به یاد می‌آورم تنها چیزی که در طول بیماری پنج، شش ساله اخیرش از من یا دیگر فرزندانم خواسته، همین کتاب اول ابتدایی بوده است. کم‌کم غروب می‌شود و من شام مادر را که حاوی یک استکان شیر و یک تکه نان است آماده می‌کنم تا پس از خوردن آن دارویش را نیز بخورد. تلویزیون را روشن می‌کنم تا در همان حین به اخبار هم گوش دهیم. و مادر با چشمانی که ترس در آن دیده می‌شود می‌گوید: «چرا همه جا جنگ است...» می‌گویم «توی کشور ما جنگ نیست و این اخبار مربوط به فلسطین و اسرائیل است.» و مادر که گاه بسیاری از وقایع روزمره و نزدیک را فراموش می‌کند با تکیه بر حافظه دورش می‌گوید: «آخر پنجاه سال است که آنها با هم جنگ دارند، چرا صلح نمی‌کنند، چرا در تمام اخبار از جنگ و دعوا و تصادف و مرگ و میر حرف می‌زنند، چرا آدم‌ها این طوری شده‌اند؟» می‌خواهم چیزی بگویم ولی او به حرفش ادامه می‌دهد و مثل همیشه از مواضع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی‌اش دفاع می‌کند و برای اثبات نظر و دیدگاهش نیز نمونه‌هایی را برمی‌شمرد که می‌بینم به راستی حق با اوست. سعی می‌کنم همانطور که نان را برایش به تکه‌های کوچک‌تری تقسیم می‌کنم موضوع صحبت را عوض کنم. به همین خاطر می‌گویم «مادر جان همه چیز عوض شده، دنیا تغییر کرده...» او می‌گوید «دنیا عوض شده ولی

آیا حرمت و ارزش آدم‌ها هم عوض شده؟» برای این که خیلی افکارش درگیر مسایل جنگ و نظایر آن نشود کانال تلویزیون را تغییر می‌دهم.

شام مادر که تمام می‌شود گردن‌بند بهارنارنج را از گردنم درمی‌آورم و به میخی که بر دیوار خوندنمایی می‌کند می‌آویزم. و کم‌کم حاضر می‌شوم به خانه برگردم. اما مادر مثل همه‌ی دفعات پیش می‌گوید «نمی‌شود امشب را اینجا بمانی؟» و من که حالا خود مادر هشتم به خوبی احساسش را درک کرده و به سختی او را قانع می‌کنم که می‌روم اما فرداروز باز به دیدنش خواهیم آمد. باران هم دیگر بند آمده و هوا تمیز و مطبوع به نظر می‌رسد. از مادر خداحافظی می‌کنم و آماده رفتن می‌شوم. وقتی در خانه را باز می‌کنم بی‌اختیار یاد در چوبی خانه می‌افتم که وقتی بچه و نوجوان بودم چقدر دوست داشتم در چوبی خانه با در آهنی عوض شود. آن وقت‌ها نمی‌فهمیدم که آن در چوبی زیبا چه هویتی برای من و اهالی خانه و خود خانه به همراه دارد و فکر می‌کردم چون در قدیمی شده است باید حتما عوض شود. غافل از این که اشیای قدیمی خاطرات ما را در خود جای می‌دهند و جزئی از زندگی و هویت ما هستند. این که بیش از بیست سال از تعویض در می‌گذرد اما خاطره‌ای از این در آهنی در ذهن ندارم. بلکه برعکس یاد می‌آید که چطور روی پله در چوبی قدیمی با دوستانم می‌نشستیم و معلم بازی می‌کردیم و از حاشیه دو طرف در که به اندازه قد بچه‌گانه ما میمان شده بود به عنوان تخته کلاس استفاده می‌کردیم و با گچ، آن هم گچ‌های رنگی که برای خود دنیایی داشت روی آن می‌نوشتیم. کوبه‌ی روی در و میله آهنی نسبتاً ضخیم پشت در که آخر شب برای حفاظت بیشتر در قلابش قرار می‌گرفت هنوز از یادم نرفته است. خلاصه غرق در این افکار و هنوز چند قدم از در خانه دور نشده و به وسط کوچه نرسیده یکی دیگر از برادرانم را می‌بینم که وارد کوچه می‌شود تا به قولی شیفت را از من تحویل بگیرد و در کنار اهالی منزل، دست و پای مادر باشد. چرا که مادر چشم و چراغ خانه پدری است و خانه بدون وجود او هیچ صفایی نخواهد داشت.

و من در مسیر رسیدن به خانه با یادی از سهراب سپهری این شعر را زیر لب زمزمه می‌کنم:

نه تو می‌مانی و نه هیچ یک از مردم این آبادی

به حباب نگران لب یک رود قسم

و به زیبایی آن لحظه شادی که گذشت

غصه‌ام می‌گذرد، آنچنان که فقط خاطره‌ای خواهد ماند

لحظه‌ها عریانند بر تن لحظه عریان خویش

جامه اندوه می‌پوشان هرگز

(سه سال از آن زمان گذشته است و خاطرات آن روزها هر لحظه همراه من است. مادر دیگر نیست اما یادش همراهم هست. آری مادر که می‌میرد دیگر هرگز نمی‌میرد... اما زندگی از پس هزاران سال ادامه دارد و خواهد داشت...)





لیلی گلستان:

نباید از زندگی طلبکار باشیم

گیلان فردا- لیلی گلستان دختر ابراهیم گلستان در تداکس تهران گفت: تمام کودکی و نوجوانی‌ام را با بغض صبح‌گاهی از خواب بیدار شدم. بعدها وقتی بزرگتر شدم فهمیدم که این‌ها به خاطر پدر بداخلاق، سلطه‌جو، تحقیرکننده و زورگو بود و ...

لیلی گلستان (مترجم و گالری‌دار) و دختر ابراهیم گلستان چندی پیش بر سکوی «تداکس تهران» سخن‌هایی بی‌برده راجع به زندگی شخصی‌اش گفت. او سخنانش را از دوران کودکی‌اش آغاز کرد و گفت: تمام کودکی و نوجوانی‌ام را با بغض صبح‌گاهی از خواب بیدار شدم. بعدها وقتی بزرگتر شدم فهمیدم که این‌ها به خاطر پدر بداخلاق، سلطه‌جو، تحقیرکننده و زورگو بود. کم‌کم درس خواندم و کار کردم. سر کار با شوهرم آشنا شدم، عاشقش شدم، با هم ازدواج کردیم، و هم‌چنان این نگاه سلطه‌جویی که پدرم به همه داشت، و به من هم داشت ادامه پیدا کرد، و من نمی‌توانستم از زیر سایه این نگاه در آییم. بعد از گذشت شش سال از ازدوایم، از جایی متوجه شدم که من مادر با سه بچه‌ام یک طرفیم، و شوهرم یک مرد مجرد بدون هیچ تعهد و مسئولیتی، در طرف دیگر. پس تصمیم گرفتم که این رابطه را با تمام عشقی که به او داشتم پایان دهم.

گلستان ادامه داد: وقتی از شوهرم جدا شدم، یک زن تنها بودم که بولی برای گذران زندگی نداشتم. پس تصمیم گرفتم گاراژ خانه‌مان را کتابفروشی کنم. از سال ۶۰ تا ۶۶ تنها کتابفروش منطقه دروس بودم. با مشکلاتی که در بازار کتاب به وجود آمد، تصمیم گرفتم کارم را تغییر دهم. فکر کردم که من هنر خوانده‌ام، پدرم هم مجموعه‌دار است و با تمام نقاشان معاصر آشناست، پس گالری گلستان را تأسیس کردم. گالری‌ام را با نقاشی‌های سهراب سپهری خانواده خودمان شروع کردم، و حالا با تمام سختی‌هایی که در این راه کشیده‌ام، ۲۸ سال است که گالری دارم.

من با مشکلات عدیده‌ای در زندگی مواجه بوده‌ام، ولی حالا جوان‌ها را می‌بینم که با کوچکترین مشکلات غر می‌زنند. غیر از مرگ و مرض، همه چیز زندگی قابل حل است. من برادر نازنینم را در جنگ مزخرف عراق و آمریکا از دست دادم، مادرم که بعد از مرگ برادرم خم به ابرو نیاورد، همیشه دل‌داری‌ام می‌داد تا ذره ذره آب شد و او هم رفت. شوهرم را از دست دادم که هیچ‌وقت قدر خود را ندانست. رنج با ما عجین شده است، ولی ما باید صبوری کنیم. ما نباید از زندگی طلبکار باشیم، ما به زندگی بدهکاریم و باید از آن نگهداری کنیم، و به آن بیفزاییم.

مجله اجتماعی - فرهنگ گیلان فردا | شماره هفتم - زمستان ۱۳۹۶

لیلی گلستان:

نمی‌خواهم جایم را به دیگری واگذار کنم



گیلان فردا- انتشار فیلم سخنرانی لیلی گلستان در تداکس تهران و حرف‌هایی که او درمورد ابراهیم گلستان زد، بحث‌های زیادی را در فضای مجازی (و در بین اهالی ادبیات) برانگیخت. از همین رو، بد ندیدیم که برای آشنایی بیشتر مخاطبان با زندگی و زمانه‌ی این فعال فرهنگی مصاحبه‌ی سمیه مهرگان را که چندی پیش در روزنامه آرمان منتشر شد، بازنشر نماییم:



مقدمه - اول باری که به او در هیات یک نام برخوردیم، در راسته دست‌فروش‌های کتاب‌های دست دوم انقلاب بود. پیاده‌روهایی پر از ممنوعه. «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» اوربانا فالاجی را از روی زمین برداشتم. اسم «لی لی گلستان» روی جلدش بود. آن وقت‌ها هنوز نمی‌دانستم لی لی گلستان دختر ابراهیم گلستان است. شاید مهم هم نبود. شاید باید همان نام را در هیات یک نام و انسانی مستقل می‌دیدم.

بعدش از همان راسته، «میرا»ی کریستوفر فرانک را گرفتم و خواندم. اما یکی از بهترین ترجمه‌های ایشان (لااقل برای من) «شبی از شب‌های زمستان مسافری» بود که بعدترها با «زندگی در پیش روی»ی رومن گاری، «بیگانه» کامو و «مردی که همه چیز همه چیز داشت» آستوریاس، کامل شد. هر چند کودکی و نوجوانی‌ام با خوانش «تبیستوی سبزانگشتی» همراه نبود، اما با تصویر دختر چهارساله‌ای در کافه نادری در دهه ۳۰ که می‌شود همراهی کرد: «بچه که بدم صادق هدایت پرتراهم را روی کاغذهایی که در کافه‌ها و رستوران‌ها زیر بشقاب‌ها می‌گذارند، کشید. آن زمان با پدرم به کافه نادری می‌رفتم و در یکی از این رفت‌وآمدها هدایت آن پرتره را کشید. البته من یک کودک چهار ساله بودم و اصلاً متوجه قضایا نبودم. فکر نمی‌کنم کسی آن نقاشی را برداشته باشد، چون من هیچ‌وقت در خانه‌مان این نقاشی را ندیدم... و شاید همین پرتره بود که بعدها با لی لی گلستان در هیات «گالری گلستان» نمودار می‌شود. اما یکی از ترجمه‌های لی لی گلستان که زندگی باهوش‌ترین مرد قرن بیستم، آن‌طور آندره برتون می‌گوید، را روایت می‌کند مارسل دوشان است: «پنجره‌ای گشوده بر چیزی دیگر».

کتاب مجموعه گفت‌وگوهای پیر کابان با مارسل دوشان است. یک جایی کابان از دوشان می‌پرسد: «آقای دوشان، ما در سال ۱۹۶۶ هستیم، چندماه دیگر شما هشتادساله می‌شوید. وقتی به پشت سر و به کل زندگی‌تان نگاه می‌کنید، اولین دلیل رضایت‌تان چیست؟» دوشان پاسخ می‌دهد: «پیش از هر چیز، داشتن بخت. چون در واقع هرگز برای گذران زندگی کار نکرده‌ام. به نظر من، از نقطه نظر اقتصادی، کار کردن برای گذران زندگی کمی احمقانه است...»

هرگز بدبختی بزرگ، غم، و ضعف اعصاب نداشته‌ام. همچنین، با کوشش برای تولید هم آشنا نشدم. نقاشی برای من یک راه تخلیه، با یک احتیاج مقاومت‌ناپذیر برای خودرا بیان کردن بود. هرگز این نوع احتیاج‌ها را حس نکرده‌ام که از صبح تا شب نقاشی کنم یا تمام اوقات نقاشی یا طراحی کنم. بیش از این چه بگویم، پشیمان نیستم. مگر نه این که خوشبختی نصیب آن کسی است که با سرگرمی‌اش، زندگی‌اش هم می‌چرخد. خوشبخت کسی است که شغلش چیزی است که دوست دارد.

به نظر می‌آید این بهترین تعریف خوشبختی است. و حالا از این منظر وقتی از لیلی گلستان می‌پرسم، آیا شما هم از جمله سعادت‌مندترین مردم جهان‌اید؟ و شما در ۲۲ تیر، هفتادوسه ساله می‌شوید، وقتی به پشت سر و به کل زندگی‌تان نگاه می‌کنید، اولین دلیل رضایت‌تان از این زندگی هفتادوسه ساله چیست؟ پاسخ او چنین است: «دلیل رضایت من از زندگی. اول از همه به این برمی‌گردد که من از زندگی هرگز توقع زیادی نداشته‌ام و همیشه گفته‌ام که وقتی دنیا آمد کسی به من قول نداد که از صبح تا شب به من خوش خواهد گذشت! زحمت کشیدم، کار کردم، انضباط داشتم، برنامه، هدف و انگیزه داشتم. مثبت بودم و خوش‌بین.

در شرایط سخت زندگی (که از این دست شرایط سخت و اوضاع نابسامان زیاد در زندگی‌ام داشتم) غر نرادم و ناله نکردم و فقط سعی کردم مسائل را حل کنم و بر سختی‌ها فائق شوم. گاهی موفق شدم و گاهی هم نشدم. اما سعی‌ام را کردم. و ندادم. و ندادم. همین.»

■ شما را در وهله اول به نام دختر ابراهیم گلستان و فخری گلستان می‌شناسند. این را از این بابت گفتم که آقای گلستان هم پیش از نوشتن داستان، مترجم بودند، و شاید خیلی از نویسنده‌های آن زمان با همین ترجمه‌ها بوده که داستان نوشته‌اند. یادتان می‌آید اول بار ترجمه‌های ایشان را خواندید یا مترجم‌های دیگر را؟ و نظر‌تان چه بود؟

ترجمه‌های پدرم را همراه با ترجمه دیگران خواندم. فکر می‌کنم نخستین کتاب‌هایی که از ترجمه‌های ایشان خواندم، «هکلبری‌فین» و «زندگی خوش و کوتاه فرنیسیس مکومبر» بود. هر دو کتاب را دوست داشتم. به خصوص «هکلبری‌فین». را. من هنوز هم عاشق این کتابم. یکی از شیرین‌ترین کتاب‌هایی است که تا به حال خوانده‌ام.

■ پدر شما آدم سرشناسی در دهه‌های چهل و پنجاه بود و قاعدتاً شما هم خواسته یا ناخواسته در این مسیر قرار می‌گرفتید. هر چند به گمانم در آن زمان بیشتر در خارج از ایران بودید. در آن زمان وسوسه نشدید به شعر یا داستان روی بیاورید؟

نه. بیشتر می‌خواندم و در فکر نوشتن نبودم. بیشتر ادبیات و شعرهای کلاسیک فرانسه را می‌خواندم چون در کلاس‌های آزاد سوربن همین درس را می‌خواندم. شعر فرانسه را زیاد می‌خواندم و باید از حفظ می‌کردیم و سر کلاس می‌خواندیم. ژرار دو نروال را انتخاب کرده بودم و همه‌اش را خواندم. بودلر هم که جای خود داشت و به خصوص پل ورلن را بیش از همه دوست داشتم.

■ در آن دوره، هر چند شما در سنین کم به فرانسه رفتید، اما با این حال، شعرها و داستان‌های چهره‌های برجسته آن زمان را دنبال می‌کردید؟ (ایران منظورم است) و نظر‌تان در آن زمان درباره شعرها و داستان‌های معاصر چه بود؟

کتاب زیاد می‌خواندم. آل‌احمدها را می‌خواندم و خیلی دوست داشتم. شعرهای اخوان‌ثالث و نصرت رحمانی را دوست داشتم و ادبیات ایران را به طور جدی دنبال می‌کردم.

■ روزی که هدایت خودکشی کرد هفت ساله بودید. از کی هدایت برای شما آن‌طور که برای انسان ایرانی در گذار زمان، چهره دست‌نایافتنی شد، روشن‌فکر شد، الگو شد، و در نهایت ممنوع، و به راسته دست‌فروش‌های انقلاب راه یافت، شکل گرفت و

سراغ داستان‌هایش رفتید؟ نظر‌تان چه بود؟
وقتی از پاریس برگشتم و درس تمام شده بود تصمیم گرفتم نویسنده به نویسندگی بخوانم. یعنی تمام آثار هدایت را ظرف یکی - دو ماه پشت سر هم خواندم یا آل‌احمد را یا کتاب‌های اخوان و دیگران را هم همین‌طور.

■ زمانی که فروغ طی یک تصادف کشته می‌شود، ۲۰ سالتان بود. چیزی را به خاطر می‌آورید؟ چقدر فروغ را در آن زمان می‌شناختید؟ یا اگر بعدها این تصویر در ذهن شما ایجاد شده، نظر‌تان درباره شعر فروغ به عنوان یک شاعر زن چیست؟

بله بیست‌ودو - سه سالم بود. فروغ فرخزاد را در استودیو گلستان فیلم گاهی می‌دیدم و گاهی هم توی میهمانی‌ها. شعرهای «تولد دیگر» را به باقی شعرهایش ترجیح می‌دادم، اما هیچ‌وقت شاعر محبوبم نبود. در بین شاعرهای زن، سیمین بهبهانی را بیشتر ترجیح می‌دادم.

■ مرگ فروغ برای پدرتان دردناک بود، چیزی که کاوه هم به آن اشاره مستقیم دارد. این تاثیر در خانواده شما، چگونه بود؟ و اکنون بعد از نیم قرن، این حضور به چه شکل است؟

تاثیرش مثل تاثیر مرگ هر آدم جوانی بود. دردناک بود. خیلی جوان بود. حالا نگاهم به قضیه فرق کرده است. با سعه‌صدر بیشتری به این قضیه نگاه می‌کنم.

■ فکر نمی‌کنید مرگ فروغ در زندگی خانوادگی شما تاثیر زیادی گذاشته باشد؟

هر مرگی بالاخره تاثیر بد خودش را می‌گذارد. خیلی برای مردن جوان بود. خیلی. مادرم خیلی برایش دل می‌سوزاند و از مردنش ناراحت شد.

■ سه سال بعد از مرگ فروغ، جلال آل‌احمد که از چهره‌های تاثیرگذار آن زمان بود فوت می‌کنند. طبیعی است در آن زمان سیمین دانشور را هم شما می‌شناختید، به ویژه که پدر شما هم ارادت خاصی به ایشان دارند. از مرگ جلال بگوئید و آشنایی و ارتباط‌تان با سیمین دانشور. نظر‌تان درباره داستان‌های این دو چیست؟

جلال عشق دوران نوجوانی من بود. مردی بالابند با گونه‌های استخوانی و صدایی زیبا و حرکاتی عصبی و تند و تیز. مدام صدایش بالا بود و در حال اعتراض کردن. مرگش بسیار بسیار



یادم می‌آید خانه‌مان یک

خانه نقلی با یک حیاط نقلی‌تر

در مقصودبیک بود. یادم می‌آید

پدرم با عجله آمد خانه و وسایلی

عکاسی‌اش را برداشت و گفت

مصدق گیر افتاده و رفت برای

عکاسی. مادرم هم ما بچه‌ها را

برداشت و رفتیم تماشای مردم

توی خیابان.

من در این مورد چیزی نمی‌دانم.

■ **یادم هست تقوایی، به گمانم در موسسه کارنامه در یک دیدار حضوری که با او داشتیم، اشاره کرد که گویا گلستان در اواسط دهه پنجاه زندانی شدند و همین یکی از دلایل خروجش از ایران بوده. چیزی یادتان می‌آید از این اتفاق و خروج پدرتان از ایران؟**

پس از اکران و پایین کشیدن فیلم «سراسر گنج دره جنی» آمدند خانه و پدرم را بردند. سه - چهار روزی بازداشتش طول کشید. بعد چون این بازداشت برایش گران آمده بود برای مدتی از ایران رفت و بعد هم رفت که رفت.

■ **شما چرا نرفتید؟ چرا در ایران ماندنی شدید؟**

من چرا باید می‌رفتم؟ مملکت بود و دوستش داشتم و دارم. اصولاً اهل جاخالی دادن نیستم. نخواستم جایم را به کس دیگری واگذار کنم! ماندم، سختی هم کشیدم و ساختم. این سازندگی را دوست دارم.

■ **چرا ما وقتی درباره ابراهیم گلستان حرف می‌زنیم، فقط درباره ابراهیم گلستان پیش از انقلاب حرف می‌زنیم؟ این را در چه می‌بینید خانم گلستان؟ آیا ابراهیم گلستان بعد از اواسط دهه پنجاه تمام شده بود؟**

نه، ابراهیم گلستان تمام نشده بود، بلکه سر جای خودش دیگر نبود. کدام یک از هنرمندان را می‌شناسید که رفتند و هنرمند باقی ماندند و کارشان را ادامه دادند به همان خوبی سابق؟ این رفتن کار همه را خراب کرد. از امیر نادری بگیر تا سهراب شهید ثالث تا اسماعیل خوبی تا گلستان تا خیلی‌ها...

■ **آیا شده کارهای ابراهیم گلستان را نقد کنید به ویژه گفت‌وگوهای تند با لحن تند ایشان؟ این نوع لحن را می‌پسندید؟**

نه اصلاً نمی‌پسندم. همیشه همین‌طور بود، البته ملایم‌تر. رک و راست بود. اما این لحن از همین بازندگی در رفتن و در غیبت از اینجا می‌آید. عصبانی است. از دست خودش عصبانی است و سر دیگران خالی می‌کند. اشتباه کرد.

■ **نظرتان راجع به مجموعه داستان «تابستان همان سال» تقوایی چیست؟ آن هم وقتی حدود نیم قرن از نشر آن می‌گذرد. جالب این که ناصر تقوایی هم به نوعی با ابراهیم گلستان در یک چیز وجه اشتراک دارند: این که ایشان هم حدود ۱۵ سال می‌شود که عملاً حضور سینمایی یا ادبی ندارند.**

تقوایی با خودش درست رفتار نکرد. حرمت استعداد و حساسیتش را نگاه نداشت. به قول شیرازی‌ها «زد به دره جیمبولو!» آدم بسیار مهربان و شریفی است. حیف شد. فیلمساز بهتری بود تا نویسنده خوبی. فیلم «کاغذ بی‌خط» اش را خیلی دوست داشتم.

■ **الان که مجدد «خروس» را می‌خوانید، و «خشت و آینه» را می‌بینید، به عنوان یک منتقد نظرتان چیست درباره این رمان کوتاه و این فیلم؟**

«خروس» یک شاهکار مطلق است. بی‌نظیر است و واقعا همتا ندارد. اما «خشت و آینه» برای من به بخش‌های زیادی تبدیل می‌شود که بعضی از بخش‌ها خیلی خوب درآمده، مثل بخش درون پرورشگاه و بچه‌ها یا بخش کافه و جلال مقدم.

■ **پیش از انقلاب، که نام پدرتان، موجب رفت و آمد چهره‌های سرشناس به زندگی خانوادگی شما می‌شود، بعد از انقلاب هم شما به نوعی جای پدرتان را به شکلی دیگر پر کردید. انگار در خون خانواده گلستان است که همگی در حوزه هنر و ادبیات به صورت جدی فعالیت داشته باشند.**

غریب است اگر جز این می‌بود. فرزند خلف یک پدر ناخلفم.

■ **از ارتباط با چهره‌های برجسته فرهنگی، به ویژه در کتابفروشی گلستان، تشویق نشدید به نوشتن**

زیاد روی من اثر گذاشت و ماه‌ها گریه می‌کردم. سیمین خانم و جلال من را مثل بچه‌شان دوست داشتند و من را به گردش و پارک می‌بردند. هر دو بسیار مهربان بودند. «خسی در میقات» و «مدیر مدرسه» را از جلال و «سووشون» را از سیمین به باقی کتاب‌هایشان ترجیح می‌دادم.

■ **از مرگ مصدق چیزی را به خاطر می‌آورید؟ در آن زمان مصدق برای تان چگونه تصویر می‌شد؟**

یادم می‌آید خانه‌مان یک خانه نقلی با یک حیاط نقلی تر در مقصودبیک بود. یادم می‌آید پدرم با عجله آمد خانه و وسایل عکاسی‌اش را برداشت و گفت مصدق گیر افتاده و رفت برای عکاسی. مادرم هم ما بچه‌ها را برداشت و رفتیم تماشای مردم توی خیابان.

■ **بزرگ شدن در آن خانواده که مشهور بود، (و البته متمول)، برای شما چطور بود؟ این را از این بابت پرسیدیم که شما بخشی از شخصیت پدرتان و بخشی را هم از مادرتان وام گرفته‌اید و در نهایت لی لی گلستان مترجم و گالری‌دار شدید.**

متمول که هیچ‌وقت نبودیم. درس را که آن وقت ده درس بود انتخاب کردیم برای زندگی، چون جایی پرت و همه‌اش مزرعه گندم بود و به دلیل ارزانی زمین‌هایش تصمیم به ساختن خانه گرفتیم. بعدها شناس آوردیم و درس گران شد و خانه ما افتاد وسط یک محله مرفه. نه آب داشتیم نه گرما. اما خوش بودیم. نه حمام داشتیم و نه یخچال. به جای یخچال، یخدان داشتیم. اما یک قنات داشتیم که شب‌های تابستان در آن حمام می‌کردیم. بر و بیابان بود. زمستان‌ها هم می‌رفتیم حمام سر خیابان دولت. من در آن خانه خوش بودم.

■ **اول باری که تصمیم گرفتید ترجمه کنید کی بود؟ و مشوق تان چه کسی بود؟ کتاب «چطور بچه به دنیا میاد» را مادرم به سیروس طاهباز که در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کار می‌کرد داد و او هم از من پرسید می‌خواهی ترجمه‌اش کنی؟ و مترجم شدم!**

■ **نخستین باز خوردها درباره ترجمه‌هایتان چه بود و از چه کسانی بود؟** از همان اول کتاب «چطور بچه به دنیا میاد؟» خیلی سروصدا کرد و بعد «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» حسایی معروف شد و معروف کرد! و بعد حواسم را جمع کردم که درست انتخاب کنم و بهتر ترجمه کنم و خودم را هم گم نکنم. که خدا را شکر تمام این‌ها عملی شد. من فقط ۲۳ سال داشتم و می‌شد که به بیراهه بروم.

■ **دیدن گدار و تروفو یا تارکوفسکی شما را سوق نداد به سوی فیلم‌سازی؟** نه، متأسفانه با وجود علاقه فراوانم به سینما، نشد که وارد این حیطه بشوم.

■ **از کارگردان‌ها و فیلم‌هایی که این علاقه را در شما برانگیخت، می‌توانید نام ببرید؟**

سینما را دوست داشتم و فیلم دیدن یکی از لذت‌های زندگی‌ام بود و هست. بیلی وایلد، استنلی کوبریک، ویتوریو دسیکا، آنتونیونی، فلیتی و گدار... همه این‌ها را دوست داشتم.

■ **ناصر تقوایی برای شما چگونه تصویر می‌شود؟ خاطره‌ای از ایشان دارید؟** تقوایی را بار اول در همان دهه ۴۰ در استودیوی پدرم دیدم. و بعد در تلویزیون همکار شدیم و بعد هر کدام ازدواج کردیم و بنای معاشرت گذاشتیم.

■ **از سال‌های ۴۲ که تقوایی در کارگاه فیلم گلستان حضور پیدا می‌کند و با گروه فنی سازنده فیلم «خشت و آینه» همکاری می‌کند، تا اینجای کار همه چیز خوب است، اما بعدها به ویژه طی دو گفت‌وگوی پدرتان با پرویز جاهد و مهدی بزدانی خرم، اختلافات، خود را بروز می‌دهد. به نظر تان این اختلاف ریشه در چه دارد؟**





داستان؟

از بچگی همه این هنرمندان

به خانه ما رفت‌وآمد می‌کردند. اما بعد از مصاحبه من در کتاب «تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران» که گفت‌وگویی پرچنجال شد، خیلی‌ها به من گفتند بنویس. شاید روزی این کار را کردم. نمی‌دانم.

چالش و شادی ترجمه برای شما چگونه است؟

خیلی زیاد از این کار لذت می‌برم و متأسفم که کار زیاد گالری‌داری گاهی مانع می‌شود. وقتی کتاب تازه‌ای از من منتشر می‌شود هنوز مثل کتاب اولم خوشحال می‌شوم و به هیجان می‌آیم.

چطور این شادی را با مدیریت گالری گلستان تقسیم می‌کنید؟

کار گالری هم شادمانی‌ها و رضایت‌خاطر خودش را دارد. وقتی جوان هنرمند ناشناخته‌ای را معرفی و معروف می‌کنم یا یک فروش عالی، خیلی لذت‌بخش است. اما کار وقت‌گیر و سختی است. مثل ترجمه نیست. گالری‌داری بیشتر کار جسمانی و سنگینی است.

شما را بیشتر با این‌ها می‌شناسیم (با لاقل من با این‌ها شما را می‌شناسم): «زندگی در پیش رو» (رومن گاری)، «میرا» (کریستوفر فرانک)، «اگر شبی از شب‌های زمستان مسافری» (کالوینو)، «گزارش یک مرگ» (مارکز)، «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» (فالاجی) و در نهایت این اواخر «بیگانه» (کامو). خودتان اگر بخواهید انتخاب کنید کدام‌ها را گزینش می‌کنید؟

همه را کمی بالاتر کمی پایین‌تر. «شبی از شب‌های زمستان مسافری» کار مشکلی بود و «بیگانه» هم. اما واقعا همه‌شان را دوست دارم. از هر کدام خاطره دارم.

از برخی خاطره‌ها و حس و حال مواقع ترجمه برخی از این آثار که برای تان زنده است بگویید؟

موقع ترجمه «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» برای ویت‌کنگ‌ها گریهام گرفت. وقت ترجمه «زندگی در پیش رو» برای مادام روزا وقتی آلزایمر گرفته بود به شدت دلم سوخت. در کتاب «سقراط» از اینکه فهمیده نمی‌شد، بدجوری عصبانی می‌شدم! و «میرا» از اول تا آخر در حال مقایسه بودم و شباهت‌ها؛ اذیتم می‌کرد.

نظر تان راجع به ترجمه از زبان واسطه چیست؟ (چون در کارنامه شما، نویسندگان ایتالیایی، اسپانیایی‌زبان، انگلیسی و حتی یونانی هم دیده می‌شود) این را از این بابت پرسیدم که شما به عنوان یک مترجم زبان فرانسه، نشان شوالیه ادب و هنر فرانسه را هم در سال ۹۳ دریافت کردید.

چاره‌ای نیست. کتابی یا نویسنده‌ای مهم‌اند. اما زبانشان را کسی نمی‌داند. خوب باید مردم با این‌ها آشنا شوند. در مورد ترجمه زبان واسطه بهتر است اصل کتاب را به زبان اصلی پیدا کنیم و از کسانی که این زبان را می‌دانند اما اهل ادب نیستند که ترجمه‌اش کنند کمک بگیریم و پرسش‌هایمان را در جاهایی که برایمان ابهام دارد بپرسیم.

گفت‌وگو با احمد محمود از کجا شکل گرفت؟ و چرا سراغ ایشان رفتید؟

من نوشته‌های احمد محمود را بسیار دوست دارم و بعد از خواندن «مدار صفر درجه» تصمیم گرفتم با او گفت‌وگو کنم. اول قبول نکرد و بعد از چند ماه بالاخره پذیرفت. کتاب خیلی خوبی شد.

خاطره خاصی از این گفت‌وگو دارید که برای تان جالب بوده باشد؟ نقدی، جدلی...

نه نقد و جدل نبود. همه‌اش همدلی و همراهی و مهربانی احمد محمود بود. همان‌طور که در مقدمه گفته‌ام به من خیلی خوش گذشت. کلی از او چیز یاد گرفتم؛ از سعه صدری که داشت. از نجابت و شرافتی که داشت. از ظرفیت بالایش و خودش را گم‌نکردن و بسیاری دیگر. یکی از افراد نازنین زندگی من بود.

به جایزه ادبی ابراهیم گلستان فکر کردید؟ (چون جایزه عکس کاوه گلستان را راه انداخته‌اید) در کل، جوایز ادبی داخلی را چطور می‌بینید؟

نه فکر نکردم. همان یک‌بار برای هفت پشتم کافی بود! فقط جایزه گلشنی معتبر بود که آن هم تعطیل شد و من بسیار متأسف شدم. اما می‌دانم که این‌جور کارهای مستقل پیامد دارد و دیگر همه‌اش چانه‌زنی و درگیری است و لذت فراموش می‌شود. اما درباره جوایز ادبی، اگر کسانی که مجری و برگزارکننده‌اند درست رفتار کنند و ضوابط را به روابط ترجیح دهند و معیارهای درستی برای گزینش و قضاوت داشته باشند، می‌تواند روی ادبیات معاصر ما تاثیر مثبتی بگذارد. الان جایزه «کتاب فرشته» دارد یا می‌گیرد و درست رفتار می‌کند و اگر همین‌طور پیش برود می‌تواند مهم شود و تاثیر گذار.

ادبیات امروز ایران را پیگیری می‌کنید؟ هستند نویسنده‌هایی که بخواهید از آنها نام ببرید و کارشان را تایید یا دنبال کنید؟

بله، بدجوری دنبال می‌کنم و تازگی‌ها بدجوری سرخورده شده‌ام. از جوان‌ترها حسین سناپور

و مهسا محب‌علی و سارا سالار و سینا دادخواه را دوست دارم.

نظر تان درباره نویسنده‌های زن تقریباً نزدیک به نسل شما و نسل بعد از شما چطور است؟ مثلاً منیر و روانی پور، شهرنوش پارس‌پور، غزاله علیزاده، گلی ترقی یا نویسنده‌های دیگری که شما مدنظر تان است.

غزاله علیزاده را به دلیل فارسی شسته و زفته‌اش خیلی دوست دارم و تصاویری که به دست می‌دهد و فضایی که می‌سازد، حیف شد رفت، خیلی حیف شد. گلی ترقی را به خاطر ظرافت‌ها و شیطنت‌هایش و انسجام قرص و محکم قصه‌هایش. قصه‌های کوتاه منیر و روانی پور را به داستان بلندش ترجیح می‌دهم. اداهای پارس‌پور را خیلی بر نمی‌تابم و نوشته‌هایش خیلی به دلم نمی‌نشیند.

چرا به عکس ادبیات کهن‌مان، ادبیات معاصرمان آن‌طور که باید در جهان دیده نمی‌شود. این را در چه می‌بینید؟

در مدیریت بد دولت و اهمیت‌ندادن به شناساندن هنرمندانمان (در هر حیطة‌ای) به دنیا.

یا متأسفانه آثار شاخص فارسی ترجمه نمی‌شود.

اما این که ترجمه نمی‌شوند، حرفی است که همیشه دغدغه اهالی فرهنگ بوده است. این کار، یک دولت منصف و دلسوز فرهنگ است که متأسفانه یافت می‌نشود!

از آثار مترجم‌های دیگر هم می‌خوانید؟

بله می‌خوانم. (البته تازگی‌ها بیشتر کتاب تالیفی خوانده‌ام.) ولی ترجمه‌های محمود حسینی‌زاد را می‌خوانم. هم در گزینش باسلیقه است و هم مترجم خیلی خوبی است. ترجمه‌های اشعار سپانو و احمد پوری و فواد نظیری را دوست دارم و ترجمه‌های مزده دقیقی را.

کتاب‌هایی بوده که دوست داشته باشید ترجمه کنید، و نکردید؟

بله. «دن کیشوت» یا «شازده کوچولو». و چند تای دیگر. «بیگانه» را سال‌ها دوست داشتم ترجمه کنم که بالاخره به تشویق آقای رضائی مدیر نشر مرکز این کار را کردم. و خیلی راضی هستم.

بالاخره هر زبانی در بازه زمانی ۱۰ تا ۳۰ سال متحول می‌شود و این تحول نیازمند باز ترجمه هر اثر ادبی است. بیش از دو سه دهه نیز از ترجمه قاضی می‌گذرد، شاید نیاز باشد مجدد ترجمه شود.

انگار خواندم کاوه میرعباسی «دن کیشوت» را دارد باز ترجمه می‌کند. چه خوب اگر این اتفاق بیفتد.

کتاب‌هایی که دوست داشتید بخوانید و هنوز نخوانده‌اید، چه کتاب‌هایی هستند؟ خنده‌دار است اگر بگویم هنوز مورا کامی و اورهان پاموک را نخوانده‌ام. باید بخوانم. هر تا مولر را هم دوست دارم بخوانم.

در آستانه هفتاد و دوسه سالگی، کارنامه لی‌لی گلستان را با رویاها و حسرت‌ها و افسوس‌هایش به عنوان یک زن ایرانی موفق و فعال در حوزه اجتماعی، هنری و ادبی چگونه بررسی می‌کنید؟ از رویاها بتان بگویید. از حسرت‌ها و افسوس‌ها.

رویاهایم را سعی کردم به واقعیت درآورم و خوشبختانه مقدار زیادی در این کار موفق شدم. حسرت‌ها و افسوس‌هایم بیشتر جنبه عام و همگانی دارد و به مملکت و جامعه مربوط می‌شود که حل‌کردنش فقط دست من نیست. به خیلی عوامل بستگی دارد. حالا امید جرقه زده که امیدوارم به آتش و گرما تبدیل شود. ما با امید زنده‌ایم. خوشبختانه افسوس و حسرت در زندگی خصوصاً کم داشته‌ام و این یکی از بخت‌های من است. هرچند فکر می‌کنم اگر این چنین است ۸۰ درصد آن به خودم و عملکردم در زندگی برمی‌گردد و نه فقط به بخت خوب.

اگر به عقب برگردیم، دوباره از همین‌جا شروع می‌کردید؟ از همین خانواده، همین ترجمه، همین گالری؟ به سرتان زده بود مثل خیلی از نویسندگان و هنرمندان از آن خانه بزیند بیرون و راهی دیگر از راه پدرتان و مادرتان بروید؟

بله همین مسیر را طی می‌کردم. شاید برای نوشتن و تالیف، بیشتر فکر و کار می‌کردم. شاید.

تجربه «زن» بودن در این گذار هفت دهه (قبل و بعد انقلاب)، آن هم در حوزه هنر و ادبیات برای تان سخت نبوده؟ چون بر اساس آن‌چه که خودتان هم در همین مصاحبه گفتید، ماندید، سختی کشیدید، اما باز هم ماندید. ماندید برخلاف سایه سنگین «پدر»ی که رفته بود. تجربه زیست این «زن» بدون این «سایه» و در نهایت به نظر «حذف» آن، سخت است. نیست؟

تجربه زن‌بودن تجربه جالبی است، اما سخت نیست. اگر سختی‌هایی کشیدم، سختی‌هایی عمومی و منتشر بود و نه به دلیل زن‌بودنم. طبیعی است که زندگی در چنین وضعیتی سخت است و چالش بیشتری را می‌طلبد. حالا چه زن باشی و چه مرد. اما مانندم چون مملکت بود و اصلاً آدم جهان‌وطنی نیستم! جای من اینجاست و نسبت به اینجا تعهد و مسئولیت دارم. * تداکس یعنی ایده‌هایی که ارزش گسترش دارند و با این هدف کار می‌کنند که ایده‌های نو که به

سرانجام رسیده‌اند بازگو شوند تا جرقه‌های ایده‌سازی در ذهن دیگران نیز زده شود.



... در کوچه پس کوچه های آبکنار بندرانزلی

باز دارد می رود
طوفان و بوران زمستان
گام های شک و تردید
رهروان خسته از پای خزان
نییم نگاهی بی رمق
سرد و دمق
آفتاب بی سخاوت
عاری از جود و کرم
دست ها در جیب نهران
چشم ها در انتظار
و! چه زیبا می رسد بانگ قناری
باز دارد می رود
کینه ها با اشک باران
بغض با لیخند یاران
کاروان خسته از جور زمان
می رود اخم زمستان لنگ لنگان
و! چه نیکو
می رسد پیک بهاران
باز کن پنجره را
نوروز به راه افتاده است
از شهر شقایق ها
با عطر خوش نرگس و سوسن
ما را به هم آمیخته
همهمه این پیک بهاری
دلجویی مشتاقان
شوقی دگر دارد
چشم و دل ما روشن
نوروز مبارک بادا

زنده یاد استاد عبدالله ملت
پرست «آهنگساز و سرپرست گروه
موسیقی عشاق گیلان»

در دل کوچه پس کوچه های تنگ و به هم پیوسته آبکنارم، همان جای دوست داشتنی ای که از دیرباز و دوران کودکی، بابا ما را دسته جمعی از بندرانزلی به آنجا می برد و به ویژه سر زمین هندوانه آقای حسین قوامی آبکناری - خواننده گیلکی - و بالای کومه درون زمین کلی آوازخوانی و موسیقی و خاطره قشنگ و دلنشین داشتیم و وقت بدرو، کلی هندوانه را می زاشتیم صندوق عقب هیلمن و راهی بندرانزلی می شدیم - از تولید به مصرف - -!!!!... یادش بخیر

... در آبکنارم اول جاده ماهروزه خروجی کوچه نرگس و مقابل ژاندارمری... در روستایی که می روم و می آیم و رفته ام و آمده ام بارها... به ظاهر روابط میان مردم که خوب است، همه با هم در تعاملند، در سلام و احوال پرسی از هم سبقت می گیرند و طبیعت و آب و هوا و گیاهان نیز که همه جوهره با آنهایند و سود دهنده و در بهسازی روحی - فیزیکی شان و نیل به یک زندگی سالم تر و نه مرفه تر، بسیار مفیدند... حال برای من سوال اصلی این است که چرا و... صد هزاران مرتبه دیگر چرا وقتی این طبیعت غنی به عنوان ریشه و رکن اساسی و بی بدیل، برای زندگی سالم موجود است و حیات اجتماعی تا این حد در گرو طبیعت ناب و امکانات طبیعی ایده آل، جلوه خوب دارد، مسئولان و دست اندرکاران، دلسوزی و تعهدی به خرج نمی دهند و خود را موظف به سر و سامان دادن به چنین مناطق خوش آب و هوا و با صفایی نمی کنند تا جوانان و نیروی کار و سرمایه های اجتماعی به جای مهاجرت اجباری به اقصی نقاط کشور، قطعاً با تعلق خاطر بسیار زیاد، در همین آبکنار مانده و به کار و تلاش در عرصه های گوناگون اهتمام ورزند؟ و چرا مسئولان نمی آیند به سر و شکل دادن موسسات و نهادهای آموزشی - پژوهشی و تحقیقاتی در سطح چنین مناطقی همت گمارند تا رفته رفته با تعامل هر چه بیشتر و افزایش درک متقابل میان جمعیت بومی آبکنار و صد البته رشد درک و شناخت فکری و فرهنگی شان، بتوان رشد و توسعه پایدار را در چنین قلمروهایی عینیت بخشید...!

از یاد نبریم که توسعه بومی و درون زا هیچ بدل و مابه ازایی نداشته و نخواهد داشت.

بنده به عنوان شخصی که سال هاست در ارتباط با سازمان ها و ادارات پایتخت هستم، بسیار مشتاق ساخته و پرداخته شدن جامعه روستایی و یا هر جامعه ای هستم که مبانی و خواسته های بومی - اقلیمی آن نسبت به علایق و جهت گیری های صرفاً مادی و سیاسی و... فزونتر است...
زنده باد طبیعت که نقش مهمی در خلق چنین جماعات و جوامعی سالم و اخلاقی مدار دارد.

سروش ملت پرست

از یاد نبریم که توسعه بومی
و درون زا هیچ بدل و مابه
ازایی نداشته و نخواهد
داشت



یاد و خاطره



به نقل از زنده یاد دکتر ابریشم چیان خیر بزرگ گیلانی

عاشق زادگاهم هستم

گیلان فردا - یادش بخیر و خدایش ببارزد... زنده یاد دکتر ابریشم چیان خیر بزرگ گیلانی عاشق زادگاهش بود. بارها در مجالس و همایش هایی که حضور داشت، شنونده حرف هایش بودم. آنقدر با عشق و علاقه حرف می زد که اشک در چشمانم جمع می شد. می گفت: «عاشق زادگاهم هستم و می خواهم مهر کاری برای توسعه و ارتقای گیلان و رشت انجام دهم». می گفت: «عاشق جوان ها و دانشجویان هستم. و آرزویم این است که در همین دانشگاه دانشجویان روی سنگ قبر من بنشینند، صحبت کنند، تخمه بخورند و روزی برای این سرزمین مفید فایده باشند»...

زندگینامه دکتر میر جعفر ابریشم چیان لنگرودی به قلم خودشان

من میر جعفر ابریشم چیان لنگرودی (ملقب به میر منصور) فرزند سید احمد ابریشم چیان لنگرودی و خانم ایمن نقشی میباشم. در ۲۰ خرداد ۱۳۰۹ از خانواده ای لنگرودی در محله سوخته تکیه رشت به دنیا آمدم.

در کودکی پدر را از دست دادم و در دامان پر مهر مادر و نیز برادرانش بزرگ شدم. شغل خانواده مادریم فروش دارو و اداره داروخانه شرق رشت بود. زمان کودکی را در محله سوخته تکیه و ساغریسازان که خانواده مادریم در آنجا ساکن بودند گذراندم و تا سال سوم ابتدایی در دبستان هفدهم دی درس خواندم و بعد در دبستان فارابی به مدیریت آقای راعی به تحصیل مشغول گشتم. دوره اول و ابتدای دوره دوم دبیرستان را در دبیرستان شاهپور (شهید بهشتی امروز) درس خواندم و دوره دوم را در دبیرستان تربیت که ریاست آن ها با آقایان سید علی مستشاری و سید محمد باقر غروی بود به پایان رساندم.

از دوران دبیرستان در کار حسابداری داروخانه و نیز تلاش جهت اخذ نمایندگی از شرکت های دارویی برای استان گیلان فعالیت می کردم. در زمان حکومت دکتر محمد مصدق که در غنواں شایب بودم به تهران رفتم زمانی کوتاه در دانشگاه تهران گذراندم و سپس تحصیلات خود را در دانشگاه بر دو فرانسه (Faculte' De Pharmacie De L' Universite' De Bordeaux, France) به پایان رساندم و با ارائه تز "تأثیر املاح حیوانی بر روی مشروبات الکلی تخمیری" موفق به اخذ پایان نامه تحصیلی شدم.

وزارت علوم و تعلیمات عالی آن زمان میزان تحصیلات مرا با درجه معادل دکترای شیمی و دارو سازی ارزیابی کرد من در سال ۱۳۳۶ عضو اتاق بازرگانی تهران شدم و در زمینه نمایندگی انحصاری شرکتهای دارو سازی دنیا و واردات مواد شیمیایی و دارویی فعالیت داشتم ام.

زادگاهم را همیشه دوست داشتم و دارم و از زمان کودکی عهد کردم که اگر روزی قدرت مادی یا معنوی من طوری باشد که بتوانم خدمتی به زادگاهم داشته باشم دریغ نوزم. روزهای نو جوانی و جوانی گذشت، عهدهم در مقابل زادگاهم فراموش شد و طراوت جوانی نگذاشت که آن را به یاد داشته باشم. زمانه بیادام آورد که من در مقابل شهر و دیارم تعهدی دارم و حال که می توانم آن را انجام دهم چرا غفلت جوانی را جبران نکنم. قبل از انقلاب بنا به توصیه مرحوم مسیو آرسن میناسیان و آقای دکتر حکیم زاده، به خواست خودم و به نام مادرم مرحومه ایمن نقشی

ساختمانی به مساحت حدود ۲ هزار متر مربع در محوطه مؤسسه معلولین رشت ساختم که در حال حاضر مورد استفاده معلولین قرار دارد.

در همین راستا چندسال پیش موضوع را با استاد عزیز و ارجمندم جناب آقای جعفر خمایی زاده در میان گذاشتم. ایشان با سعه صدر و بزرگواری و تشویق خود مرا واداشتند تا به انجام چنین خدمتی در دانشگاه گیلان همت گمارم و در این زمینه یاریم کردند که منجر به ساخت مجموعه پنج ساختمان به مساحت ۷۳۰۰ متر مربع برای دانشکده علوم انسانی و حقوق گردید و من و همسرم جایگاه ابدی خود را در حیاط این مجموعه زیر قدمهای فرزندانمان که دانشجویان این کشورند انتخاب کردیم. ضمناً کتابخانه شخصی ام را نیز که افزون بر چندین هزار مجلد کتاب های مختلف در زمینه های جامعه شناسی، پزشکی، ادبیات شرق و غرب، دیوان شعرا و نویسندگان، عرفان، سیاست، تصوف و غیره است به کتابخانه دانشکده علوم انسانی و حقوق دانشگاه گیلان اهدا نمودم.

اگر سال هشتاد و دو که از ساختمان ها بازدید می کردم گروهی از دانشجویان دختر و پسر پیرامونم حلقه زدند و پرسیدند انگیزه این عمل چه بوده است. عرض کردم من به شهر و زادگاهم عشق می ورزم و عاشقم آدم عاشق به مو و ابرو توجهی ندارد. آن طره طرار مو و اشارت های ابرو است که آدم عاشق را دیوانه می کند.

به فرزندانم علی، محمد رضا و مریم وصیت می کنم و انتظار دارم که راه پدر را ادامه دهند و همیشه خود را مدیون زادگاه پدر بدانند و از همکاری ایشان در این امر صمیمانه تشکر می کنم. از همشهریان عزیزم و گیلانیان ارجمند چه در داخل و چه در خارج از کشور تقاضا و انتظار بذل توجه و عنایت دارم تا استان گیلان را که زمانی بعد از تهران دومین استان کشور بوده و امروزه به قول نویسنده گیلانی آخرین استان می باشد دوباره به جایگاه راستین خود برگردانیم:

دست از کرم به عذر تنگ مایگی مدار

یک برگ روی آب کشتی صد مور میشود

کمک و معاضدت همسرم را در این چندین دهه زندگانی فراموش نمی کنم. در تمام امور خیر مرا یار و یاور بوده است.

مکتب من یکتا شناسی از طریق عرفان و اشراق است.

میر جعفر ابریشم چیان

این خیر گیلانی روز پنج شنبه هفدهم اسفند ۹۶ به دیار باقی شتافتند و مراسم تدفین ایشان صبح روز شنبه نوزدهم اسفند ۹۶ با حضور جمع زیادی از مردم و مسئولین و دانشگاهیان بعد از برپایی نماز میت توسط حضرت آیت الله رودباری در محوطه بیرونی ساختمان قدیمی شهرداری رشت به دانشگاه گیلان انتقال پیدا کرد، تا بنا به خواست خودشان در آرامگاهشان در دانشکده علوم انسانی به خاک سپرده شوند. روحشان شاد و یادشان گرامی.



"مهمترین
درسی که از پدرم
گرفتم این بود: "درخت
هر چه پر بارتر افتاده تر"
محمد رضا ابریشم چیان

"پدرم
همیشه متذکر
می شد که مهمترین عامل
استقلال یک مملکت فرهنگ
آن است و باید در حفظ آن
تلاش فراوان کرد."
علی ابریشم چیان

"پدرم
همیشه دو چیز را
به ما تاکید می کردند،
یکی تحصیل و دیگری
کمک به دیگران"
مریم ابریشم چیان

"این
عمل پدر بزرگم
معرف این واقعیت است که
بدترین نوع فقر، فقر فرهنگ نیست
پس برای کمک به اجتماع باید سعی
در ریشه کن کردن آن نمود."
مانی ابریشم چیان

"از
پدر بزرگم یاد
گرفتم که برای کمک به
یک نیازمند به او ماهی ندهم
ماهگیری به او یاد دهم."
مزدا ابریشم چیان



در مراسم تجلیل از استاد جکتاجی عنوان شد:

استاد جکتاجی به مثابه فرهنگ گیلان

گیلان فردا - تقریباً غیر ممکن است گیلانی باشید و با او فارسی صحبت کنید و او گیلکی جواب ندهد. آنقدر که وادار تان خواهد کرد اگر رشتی هستید شما هم گیلکی جواب دهید. یاد نمی آید که اولین بار در کدام برنامه و مجلس استاد جکتاجی را دیدم ولی یادم هست سال ها پیش روزی که از کنار یکی از کیوسک های مطبوعاتی سبزه میدان رد می شدم اسم مجله ای به نام «گیله وا» توجه ام را جلب کرد. البته آن روز مجله را نخریدم، فقط تا چند قدم که از کیوسک مطبوعاتی دور می شدم چندین بار توی ذهنم اسم مجله را تکرار کردم. گیله وا - گیله وا - گیله وا



از شما چه پنهان اسم و فامیل خود آقای جکتاجی و آن مدل خلاصه نویسی هم برایم آن اوایل تازگی داشت. کم کم با مجله گیله وا آشنا شدم. اما نمی دانم چه شد که ایشان جزء معدود روزنامه نگاران و نویسندگانی بودند که در طی فعالیت رسانه ایم از سال ۸۱ تا کنون هر از گاه به دیدن ایشان می رفتم به همان کتابخانه گیلکان، معمولاً کار خاصی هم نداشتم، و بیشتر به رسم ادب و احوالپرسی می رفتم، که ایشان هم با روی باز به من خوشامد می گفتند و گاه شماره ای از مجله را هم به من می دادند. تا رسیدیم به آنجا که به عنوان یک شاگرد کوچک من هم به خود اجازه دادم مجله جدید و نوپای «گیلان فردا» را به ایشان تقدیم کردم. چندی پیش آیین نکوداشت گیلان شناس، روزنامه نگار و شاعر گیلانی استاد محمد تقی پور احمد جکتاجی به همت پژوهشکده گیلان شناسی دانشگاه گیلان و با همکاری مجمع اسلامی فرهنگیان گیلان و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان، در تالار اجتماعات پژوهشکده برگزار شد. مجلس حسابی شلوغ بود و فرهیختگان، نویسندگان، اساتید، شعرا، برخی از مدیران و علاقمندان زیادی در این مراسم شرکت کرده بودند. مجموعه «گیلان فردا» هم مانند دکتر یوسف پور برای استاد جکتاجی در دهه های آینده چون امروز، مانایی، پرتحرکی و احساس تعهد و عشق آرزو می کند. گزارشی از این مراسم را در ادامه بخوانید:

در ابتدای برنامه مستندی با موضوع سال های انتشار مجله گیله وا پخش شد که در آن پژوهشگران و شاعران گیلانی پیرامون گیله وا صحبت کردند. در ادامه دکتر سید هاشم موسوی، رییس پژوهشکده گیلان شناسی دانشگاه گیلان، ضمن خیر مقدم به مدعوین برنامه، جکتاجی را نمونه ای خالص از عشق به گیلان و فرهنگ و زبان گیلکی معرفی نمود که هیچ گاه از مهر گیلان و گیلان دوستی فاصله نگرفته است.

در ادامه دکتر سروش اکبرزاده رییس مجمع اسلامی فرهنگیان گیلان نیز گفت: استاد جکتاجی متولی فرهنگ این شهر بوده است و به تنهایی، سختی های بسیاری را بر خود تحمیل کرده است تا حافظ معرفت، فرهنگ و روح کتاب و نشر باشد. او با اشاره به اینکه استاد جکتاجی به منزله اداره و خانه ادبیات و فرهنگ این خطه است افزود: ما افتخار می کنیم که فرزند شهری هستیم که در آن افرادی چون جکتاجی نفس می کشند و حرکت می کنند.

در ادامه دکتر یوسف پور، عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان نیز ضمن خیرمقدم به میهمانان و تشکر از بانیان این برنامه، غزلی از حافظ را قرائت و آن را به استاد جکتاجی تقدیم نمود.

او با اشاره به این مهم که استاد جکتاجی دشوارترین حرفه یعنی مطبوعات را برگزیده است افزود: این عشق است که او را در این کار زنده و پویا قرار داده است. دکتر یوسف پور با اشاره به بیت معروف "ما زنده برآنیم که آرام نگیریم/ موجیم که آسودگی ما عدم ماست" برای استاد جکتاجی در دهه های آینده چون امروز، مانایی، پرتحرکی و احساس تعهد و عشق آرزو کرد

او با اشاره به این مهم که استاد جکتاجی دشوارترین حرفه یعنی مطبوعات را برگزیده است افزود: این عشق است که او را در این کار زنده و پویا قرار داده است. دکتر یوسف پور با اشاره به بیت معروف "ما زنده برآنیم که آرام نگیریم/ موجیم که آسودگی ما عدم ماست" برای استاد جکتاجی در دهه های آینده چون امروز، مانایی، پرتحرکی و احساس تعهد و عشق آرزو کرد

او با اشاره به این مهم که استاد جکتاجی دشوارترین حرفه یعنی مطبوعات را برگزیده است افزود: این عشق است که او را در این کار زنده و پویا قرار داده است. دکتر یوسف پور با اشاره به بیت معروف "ما زنده برآنیم که آرام نگیریم/ موجیم که آسودگی ما عدم ماست" برای استاد جکتاجی در دهه های آینده چون امروز، مانایی، پرتحرکی و احساس تعهد و عشق آرزو کرد

در ادامه پروفیسور گارنیک آساطوریان، استاد دانشگاه ارمنستان گفت: گیله وا نه تنها در گیلان، بلکه در ایران دوست داشتنی است و ایران شناسان ارمنستان نیز آن را می شناسند و دوست دارند.

وی در خصوص آشنایی با استاد جکتاجی گفت: جکتاجی را ۱۳ سال پیش در اولین همایش تالش شناسی در ایروان دیدم و با او آشنا شدم. از آن زمان بود که شیفته گیلان شناسان و فرهیختگان گیلان شدم. استاد جکتاجی با عزمی راسخ در راه میراث فرهنگی و ادبیات گیلان و ایران کار میکند.

در قسمت بعدی برنامه دکتر موسوی پیامی از گیلان شناس برجسته، پروفیسور بروم برژو استاد دانشگاه اکسان پرووانس فرانسه قرائت نمود. بروم برژو در بخش هایی از این پیام اظهار داشت: «مایلم دوستی ام را با آقای جکتاجی ابراز کنم و بگویم تا چه میزان کارهای او را تحسین می کنم...»

سخنران بعدی، رحیم چراغی، شاعر و مؤلف کتاب جشن نامه جکتاجی گفت: در آماده کردن کتاب هایی چون جشن نامه، همیشه همگرایی و یاری فرهیختگان گیلان وجود دارد اما این مرحله چاپ کتاب است که چون دیوار چین سخت به نظر میرسد، ولی اگر همراهی در چاپ چنین کتاب هایی باشد، بی شک برای بسیاری از بزرگان این خطه این مهم انجام می پذیرد او ضمن پرداختن به چند خاطره از استاد جکتاجی و مجله گیله وا، به اهمیت و نقش پررنگ ایشان در ترویج خط و زبان گیلکی اشاره کرد.

در ادامه، مسعود پورهادی، به عنوان عضو خانه فرهنگ گیلان، متنی را از طرف اعضای خانه فرهنگ قرائت کرد و گفت: استاد جکتاجی عزیز دست مرزاد بر شما که عمری را در راه فرهنگ گیلان سپری کردید، ما اهالی خانه فرهنگ گیلان به تجربه دریافتیم در سخت ترین شرایط همراه ما هستید و پشتیبان فرهنگ و انسانیت. حضور همواره موثرتان را در مدیریت خانه فرهنگ گیلان و جدیت شما را در ۱۴۰ شماره از گیله وا به عنوان کار پژوهشی ارج می نهمیم.

در انتها استاد پوراحمد جکتاجی به جایگاه آمد و ضمن تشکر از تمامی عوامل و بانیان این برنامه آرزو کرد که همواره فعالیت هایش در راستای فرهنگ و زبان گیلکی مستمر باشد.

وی همچنین از همراهی مخاطبان و خوانندگان مجله گیله وا و دلسوزان زبان گیلکی سپاسگزاری کرد.

مجله اجتماعی - فرهنگ گیلان فردا | شماره هفتم - زمستان ۱۳۹۶





گفت و گوی گیلان فردا با «بابک زرین» آهنگساز موفق گیلانی مجموعه معمای شاه

فوت آخر من پودر ماندگاری است

گیلان فردا، سارا فرزانه- آهنگساز مجموعه های موفق "معمای شاه"، "تبریز در مه"، این اواخر سریال «عاشقانه» و بسیاری از تیتراژها و ترانه های محبوبی که



توسط بهترین و معروفترین خوانندگان تاکنون اجرا شده است کسی نیست جز هنرمند محبوب و البته همشهری، آقای بابک زرین. متولد ۸ مرداد ۱۳۵۷ در شهر رشت بوده و موسیقی را در کنسرواتور تهران آموخته است. سالهاست فعالیت موسیقایی خود را در تهران ادامه داده و جزء موفق ترین و حرفه ای ترین های این عرصه به شمار می رود. صادقانه بگویم از مصاحبت و گفت و گو با چنین همشهری خوش برخورد، مهربان و هنرمندی بسیار لذت بردم. برایم جالب بود که در پاسخ به سوال آخرم که پرسپولیسی هستید یا استقلال؟ (البته محض شوخی) رک و سریع پاسخ دادند: سپیدرود گیلان!
"برنده بهترین آهنگساز جشن سالانه موسیقی ما، جشنواره حافظ و جشنواره ای ایران".
برایشان سلامتی و موفقیت های روز افزون را آرزو می کنم و ممنون از ایشان که به گرمی و صمیمانه پذیرای مصاحبه ما بودند.





■ به عنوان اولین سوال از شروع فعالیت کاری خود بفرمایید و اینکه چطور شد به پایتخت نقل مکان کردید؟

من در سال ۷۹ دانشکده کنسرواتور موسیقی پذیرفته شدم. البته قبل از آن هم در رشت زیر نظر اساتیدی همچون سرکار خانم پوریبیرام و آقای سهراب فلک انگیز آموزش میدیدم. اما بعد از قبولی در کنکور کنسرواتور به تهران نقل مکان کردم. شروع کارم با تئاتر و اولین کار رسمی من در سال ۸۰ موسیقی متن و تیتراژ سریال مهمانپذیر طوبی به کارگردانی آقای کیومرث پوراحمد بود که آن زمان ۲۳ سال داشتم. به جهت کار در تئاتر شهر، روابط عمومی خوبی که داشتم و اینکه به موسیقی من علاقه نشان می دادند، ارتباطات کاری خوبی شکل گرفت و همیشه اتفاقات مثبتی برابرم رقم می خورد.

من آن زمان در تئاتر شهر در بخش انجمن موسیقی تدریس سولفژ و آواز را نیز بر عهده داشتم چون فارغ التحصیل آواز کلاسیک و مبانی آهنگسازی هم بودم. سال ۸۳ موسیقی متن و تیتراژ سریال مردان کوچک را کار کردم که خواننده آن حمید حامی بود. در آن میان مشغول آهنگسازی آلبوم های مختلف هنرمندانی همچون چنگیز حبیبیان، حمید حامی، مانی رهنما و دوستان دیگر بودم. همچنین موسیقی متن برخی برنامه های ترکیبی تلویزیون را هم انجام می دادم که بیشتر همکاری در زمینه اشعار با زنده یاد آفرین بدالهی بود.

تا سال ۸۸ که موسیقی سریال تبریز در مه و پس از آن معماری شاه به کارگردانی آقای محمدرضا ورزی را کار کردم که با صدای آقای سالار عقیلی که از دوست های خوب بنده هستند پخش شد که با هم کارهای زیادی منتشر کردیم همینطور کارهایی در آینده خواهیم داشت.

■ جایی خواندم ویژگی خاص آثار شما وجود ملودی آرام و سرشار از احساس است که به سلیقه مردم هم بسیار نزدیک می باشد... در واقع موسیقی رفاقت و آرامش و البته عاشقانه... نظر خودتان در این باره چیست؟

من تقریباً همه جور سبکی را تجربه کردم. پاپ، سنتی، ایرانی... با هومن جاوید آلبوم شاه ماهی را پاپ راک کار کردم. کارهای مختلفی انجام دادم و از دید خودم آهسته و پیوسته جلو می روم. در این بین بعضی خوانندگان مثل موجی می آیند و میروند، کنسرت های مکرر و مدام، اما به یکباره کم کار می شوند و شاید دیگر خبری هم از آنها نشود. دلیل بزرگ این است که بسیاری از خوانندگان به دنبال کارهایی هستند که همین حالا به اصطلاح بگیرد و سر و صدا به پا کند. در واقع کارهای تاریخ مصرف دار! و یک ماه دیگر آن کار فراموش می شود و باید کار جدید تاریخ مصرف دار دیگری تولید شود. دوست خبرنگاری به من می گفت تو انگار به آثارت چیزی اضافه می کنی مثل آشپزها، پودری چیزی... من هم در جواب گفتم فوت آخر من پودر ماندگاری است. من همیشه در لحظه آخر به این فکر می کنم که حالا برای ماندگاری بیشتر اثر چه می توان کرد. که البته این بخش قضیه، کار کاملاً دلی، احساسی و شخصی می شود.

من کارهای اکتیو هم انجام داده ام که ملودی های ماندگاری داشته اند. مهم برای من این بوده که بشود ریتم را در سالهای مختلف بر طبق زمان تغییر داد. اما ملودی ها و اشعار باید قابل تحسین باشند. مصداق حرفم اینکه دو سال پیاپی در جشن حافظ، ترانه "ایران" و امسال "خون غزل" اول شد و این نشان دهنده این است که هم مردم و هم کارشناسان موسیقی کار را پسندیدند. خون غزل تیتراژ دوم معماری شاه با صدای سالار عقیلی بود. من راه خود را اینگونه انتخاب کردم و برخی راه و هدف خود را در کنسرت ها و اجراها و... می یابند. در هر حال به نظرم همه بچه های موسیقی تلاش خود را انجام می دهند و خوب کار می کنند.

■ کمی به سوال اول و شهر خودمان برگردیم... این مهاجرت به پایتخت صرفاً برای پیشرفت کاری بود؟ یعنی بستر رشد در رشت فراهم نبود؟

به هیچ عنوان! قطعاً برای پیشرفت کاری به تهران آمدم. آن هدفی که به دنبالش بودم در رشت قابل دستیابی نبود. مناسفانه صدا و سیمای گیلان حمایتی از هنرمندانش نمی کند. من یکی از انتقاداتم در مصاحبه شما به هیچ کجا نیست الا صدا و سیمای گیلان، که باعث میشود بسیاری از استعدادها به تهران مهاجرت کنند. حتی من آن زمان در رشت ۳، ۴ کار هم ارائه دادم که هیچ گاه پخش نشد.

■ انگار هیچوقت بودجه ندارند! بنده خودم به عنوان یکی از علاقه مندان ترانه زمانی که در رشت بودم و در جلسات خانه ترانه رشت شرکت می کردم شاهد بودم ترانه سرایان فعال و بااستعداد گیلان حتی با مشکل نبود سالن ثابتی برای جلسات خوانش و نقد ترانه روبه رو هستند و کماکان این مشکل با شدت بیشتری در رشت وجود دارد و این عدم حمایت ها جای تعجب و دلزدگی فراوان دارد.

بله و همین موارد و محدودیت ها دست به دست هم داد تا من نتوانم در رشت بمانم و فرار کردم!

■ یعنی این عدم توجه و عدم حمایت ها عمدی است؟ یا توان و پتانسیل شان در همین حد است؟!

نه، نمی خواهند! یعنی هیچ بودجه ای در این همه سال به صدا و سیمای گیلان تزریق نشده! نمیدانم عمدی هست یا نه. ولی چیزی که می دانم این است که صدا و سیمای گیلان یا هر صدا و سیمایی باید از هنرمندانش حمایت کند که برای پیشرفت، راهی جایی دیگر نشوند. من به خاطر می آورم اوایل در رشت وقتی می خواستم فارسی کار کنم اجازه نمی دادند... می خواستم موسیقی بی کلام ضبط کنم گیرهای الکی می دادند. ناگفته نماند من در همان سنین نوجوانی از طریق یکی از دوستان پدرم به نام آقای علی سهراب (که از خوانندگان قدیمی بود و با آقای بابک بیات همکاری داشت)، با استاد بیات در ارتباط بودم و از ایشان بسیار آموختم. من در تهران بیشتر رفیق دارم تا در شهر خودم. همشهری های خودمان هوای همدیگر را ندارند!

■ به نظر شما مافیای موسیقی ایران وجود دارد؟ در خواندن تیتراژها... کنسرت ها و...؟

نه. من مافیای رو میتوانم تیم کاری عنوان کنم. منکرش نمی شوم. خود بنده با یک عده همیشه خوبم و با هم همکاری می کنیم. در بحث تیتراژها هم همینطور... در این چند سال اخیر کارهای زیادی توسط آدمهای جدید منتشر شده است.

■ بله منتشر شده اما به نظرم بیشترش با ارتباطات بوده..

این موضوع همیشه از گذشته ها هم بوده. آقای اردلان سرفراز و آقای زلاند، آقای جنتی عطایی و آقای بابک بیات یا آقای شهیار قنبری و آقای واروژان با هم تیم بوده اند. و این طبیعت کار بوده برای کسی که تلاش می کند. من وارد این جزئیات نمی شوم چون در این سالها نام اشخاص جدید را در تیتراژها به عنوان شاعر زیاد دیده ام. پس اینگونه نباید قضاوت کرد. اما نکته ای که به شاعرهای جدید می گویم این است که خودشان مقصر هستند اگر وارد گود نشده اند. به عنوان مثال وقتی ترانه سرایی که ممکن است کارش را دوست نداشته باشم دیگر به من پیام ندهد و کوششی برای بهتر شدن نکند یعنی کار و تلاش او در همان حد بوده است.

■ پس چرا بعضاً میبینیم کارهای ضعیف تر در آلبوم ها و کنسرت ها خوانده می شود؟

من در مورد خودم صحبت می کنم و خوب ببینید جواب آن شاعر در پاسخ به عدم تمایل من به ترانه اش این بود:

ولی خیلیا اینو دوست داشتن آقای زرین!

منم گفتم مرسی به همون خیلی ها بسپرد... خداحافظ!

در واقع میخوام بگویم طرف اصلاً نحوه دیالوگ و برقراری ارتباط را بلد نیست. مثل این میماند که من بروم پیش آقای بیات (البته دارم مقایسه می کنم چون من همیشه به پیشکسوت هایم سر تعظیم فرود می آورم. برای کسانی که کنارشان یاد گرفته ام و دوستانشان دارم همیشه احترام خاصی قائل بوده و هستم). یک ملودی بزنم و ایشان بگویند خوب نیست و من بگویم خیلی ها دوست داشتند، شما دوست نداشتید!

یعنی چه؟ تو هم دوست داری از محضرشان یاد بگیری هم به قول معروف شاخی! پس در این حالت بیخیال آن آدم میشوم. من مایلیم با کسی کار کنم که ارتباط ذهنی و حسی مان یکی باشد و درک زیادی داشته باشد.

■ سال گذشته شما دبیر ارشد موسیقی هشتمین جشنواره تخصصی وزارت بهداشت بودید کمی در این باره بر ایمان بگویید؟

بله، من به همراه آقایان مجید انتظامی و فریدون شهبازبان سه عضو شورای تخصصی موسیقی بودیم. انتخاب هیات داوران، ارائه راهکار برای افزایش کیفیت اجرایی هشتمین جشنواره فرهنگی وزارت بهداشت و تعیین شاخص های دوری وظیفه این شورا است. هشتمین جشنواره فرهنگی وزارت بهداشت در ۵ بخش فیلم، تئاتر، ادبی، موسیقی و هنرهای تجسمی امسال نیز کار خود را آغاز خواهد کرد.

■ خودتان هم خوانندگی را تجربه کرده اید؟ چقدر جدی به آن می پردازید؟

بیشتر دلمشغولی های من است که گهگاهی در اینترنت منتشر می کنم.

■ یعنی قصد اجرای صحنه ای ندارید؟

تا کنون که خیر، برنامه ای برای آن ندارم زیرا فرصتش را هم ندارم. از سال ۹۰ به این طرف حدود ۱۰، ۱۱ کار از بنده منتشر شده است.

■ یک سوال مهم این که موسیقی ما در جهان شناخته شده نیست، موسیقی هندی، عربی، ترکی کاملاً شناخته شده است ولی موسیقی ایرانی هیچ کجای جشنواره های خارج از کشور قرار ندارد... در این زمینه چه باید کرد؟ و موسیقی ما را با کدام سبک می توانند بشناسند؟

این سیاست گذاری آقایان است که فیلم های ما به جشنواره های مهم و معتبر جهانی و اسکار راه می یابد و صادر می شود و اتفاقاً افتخار آفرین می شود اما موسیقی ما هیچ وقت به جشنواره های گرمی و... راه پیدا نکرده است. موسیقی ایرانی را می توانند با سبک پاپ، کلاسیک و تلفیقی به خوبی بشناسند. ما می توانیم عرض اندام کنیم حتی اگر حذف شویم. اما لاقلاً حضور داشته



باشیم. اکنون موسیقی "وطنم" و "ایران من" (که با ۴۰ نوازنده ارکستر بزرگ است) میتواند به جشنواره هاراها پیدا کند. منتقدین میتوانند روی هارمونی هایی که نوشتیم امتیاز دهند... به خوانندگی سالار عقیلی همینطور... متن شعر را به انگلیسی ترجمه می کنند و شعر میتواند امتیاز بیاورد. ما اگر بتوانیم وارد فضای رقابت جهانی بشویم به شما قول می دهم هنرمندان موسیقی ما همگی امتیاز می آورند. تا این حد من به موسیقی ایران اعتماد و امیدواری دارم.

■ شما با محمدرضا فروتن در آلبومشان همکاری داشتید از نتیجه راضی بودید؟ و کی منتشر شد؟

بله راضی بودیم. البته چندسال به طول انجامید ولی در کل حال و هوای آلبوم بسیار شخصی و خاص است و اول اسفند ۹۵ منتشر شد درست دو هفته قبل از فوت افشین!

■ بله زنده یاد دکتر افشین یداللهی که رفتنش برای هیچ کدامان باور پذیر نیست... از ایشان بگویید؟

افشین یداللهی یکی از بهترین رفقای من بود. یکی از حیف های زندگی ام. ما ۹ سال با هم کار کردیم خیلی دوست بودیم. تا زمانی که زنده ام خواهیم گفت که او یکی از حیف های زندگی من بود. ما با هم کارهای متفاوت و موفق زیادی داشتیم و هر سال هم این همکاری اتفاق می افتاد.

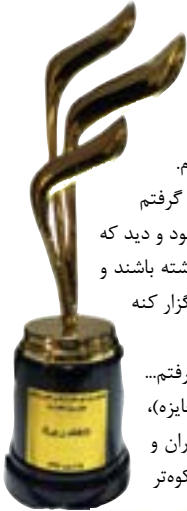
■ کارهای نیمه تمام هم با ایشان دارید؟ و آیا منتشر می کنید؟

بله، به زودی

■ و حرف آخر؟

مرسی از مجله شما... ممنون.. مصاحبه خوبی بود.

سه شنبه ۱۵ اسفند ۱۳۹۶



خوشحالم که در اولین دوره جایزه ترانه افشین یداللهی عزیز که به همت دوستان خانه ترانه و انتشارات نگاه برگزار شد تندیس ویژه خانه ترانه رو به واسطه ساخت آثارم که اکثرشون هم با ترانه افشین یداللهی نازنین بوده دریافت نمودم. احساسم اینه که این تندیس رو از دست افشین یداللهی عزیزم گرفتم چون در ساخت تمام آثاری که با ترانه خودش بوده کنار من بود و دید که چقد زحمت کشیدیم برای ساخت این آثار تا مردم دوس داشته باشند و موندگار بشن و میدونم که دوس داشت چنین مراسمی رو برگزار کنه که مرگ امان نداد...

مطمئنم اگر که زنده بود از دستان خودش این جایزه رو میگرفتم... ممنون از دوستان عزیزم در خانه ترانه، روزبه بمانی (دبیر جایزه)، مهدی ایوبی، حمیدرضا صمدی، حسن علیشیری و هیات داوران و کلیه دوستانی که زحمت کشیدند تا این جشن هر چه با شکوه تر برگزار بشه.



موسیقی ایرانی را

می توانند با سبک پاپ،

کلاسیک و تلفیقی به خوبی

بشناسند. ما می توانیم

عرض اندام کنیم حتی

اگر حذف شویم. اما لااقل

حضور داشته باشیم.

گفت و گوی گیلان فردا با دکتر مجید متقی طلب، رییس پارک علم و فناوری گیلان:

باید برای حوزه علم و فناوری متخصص حقوق فناوری داشته باشیم که نداریم



گیلان فردا، ساناز فرزانه - علم، دانش، فناوری، نوآوری، خلاقیت و توانمندی واژه های مهم و با ارزشی هستند که برای به بار نشستن و عملیاتی شدن آن ها باید دلسوز بود و آگاه، متعهد بود و مسئول، دیدگاه باز و صد البته سرمایه و با مهمتر از آن ارتباط درست و قدرت چانه زنی برای جذب سرمایه داشت تا بتوان طرح های نوآور را به تولید انبوه رساند و کمتر نیازمند این و آن بود. یکی از مراکزی که در این راستا از نوآوران و صاحبان فناوری حمایت می کند پارک علم و فناوری است.

پارک علم و فناوری استان گیلان نیز به ریاست دکتر مجید متقی طلب در دهه اخیر توانست گام های خوبی در این حوزه بردارد. هرچند راضی کردن تمامی فعالین و مراجعان به پارک علم مقدور نبوده و نیست اما باید اذعان داشت که فعالیت های پارک علم و فناوری گیلان به گونه ای بوده است که توانسته هم سطح با چند پارک علم و فناوری قوی در کشور کار کند و ضمن عقد قراردادهای مختلف کاری مسئولیت های متنوع را پذیرفته و به خوبی از پس آن ها بر آید.

از جمله مسئولیت های پارک علم و فناوری گیلان عبارتند از: ریاست کمیته راهبری خدمات الکترونیکی استان گیلان، ریاست شورای اجرایی و مسئول دبیرخانه فن بازار جمهوری اسلامی ایران و برگزاری چند فن بازار تاکنون، استقرار دبیرخانه شبکه پارک های علم و فناوری کشورهای اسلامی، میزبان جلسه مجمع عمومی دبیرخانه شبکه پارک های علم و فناوری کشورهای اسلامی، ریاست دبیرخانه هیات اجرایی منابع انسانی اعضای غیر هیات علمی پارک های علم و فناوری مناطق (۳ و ۵ کشور، تدوین سند راهبردی فناوری اطلاعات و ارتباطات استان گیلان، مطالعه طرح راه اندازی فن بازار جمهوری اسلامی ایران، همکاری با سازمان های اجرایی و شرکت های دولتی در رابطه با اجرای طرح های تحقیقاتی مورد نیاز آنان، برگزاری نمایشگاه هفته پژوهش و فناوری به صورت سراسری به نمایندگی از وزارتخانه در تهران.

و اما به غیر از این مسئولیت ها پارک علم و فناوری گیلان با همت رییس، معاونین، کارشناسان و کارکنان توانسته از شرکت های دانش بنیان و فناوری زیادی را نیز در راستای ترویج اقتصاد مقاومتی و تولید بومی بر مبنای استاندارد جهانی حمایت کند.

در اوایل اسفند ۹۶ با دکتر متقی طلب گفت و گو کردیم تا ضمن جویا شدن نظر ایشان در خصوص برنامه ششم توسعه در ارتباط با علم و فناوری از زمره هایی که در مورد تغییر مدیریت شنیده می شود نیز با خبر شویم. وی با بیان این که آیا مجاز هستیم الان که وارد چهلمین سال پیروزی انقلاب شدیم باز با آزمون و خطا کار کنیم یا باید با یک آینده پژوهی و دوراندیشی مناسب ببینیم کجا هستیم، کجا می خواهیم باشیم و کجا باید باشیم و مهم تر این که الان چه طور باید حرکت کنیم، معتقد است که برخی ها آگاهانه یا ناآگاهانه ظرفیت های استان را می سوزانند. این گفت و گو را در ادامه بخوانید:

■ در بخش‌هایی از برنامه ششم به علم و فناوری است اشاره شده. وضعیت فعلی استان و چشم‌اندازی که در این حوزه برای استان دیده شده چیست؟

در پاسخ به این سوال و این که الان در موارد توسعه‌ای در کجا هستیم باید اول اشاره و تاکید کنم که در جهان، امروزه دانش را به عنوان یک کالا در نظر می‌گیرند و این کالا ارزش دارد و مراکز بین‌المللی تحقیقاتی به عنوان مراکز تولید دانش هستند. درست مثل یک کارخانه، یعنی مراکز علمی و دانشگاهی باید به عنوان مراکز تولید باشند و این تولید باید قابلیت ارایه به بازار را داشته باشد. حال باید بررسی بکنیم ببینیم مجموعه سامانه علم و فناوری استان گیلان از این نظر در چه موقعیتی قرار دارد؟ به عبارت دیگر آیا مجموعه دانشگاه‌ها و مراکز علمی-فناوری-تحقیقاتی ما به نسل‌های دو و سه ورود کرده‌اند؟ یعنی کارآفرین و ارزش آفرین شده‌اند یا نه؟

■ از نظر خودتان این سوال چه پاسخی دارد و همچنین فکر می‌کنید منتقدین از این وضعیت چه ارزیابی دارند؟

در حال حاضر آنچه که مطرح می‌شود مجموعه مراکز علم و فناوری و دانشگاهی به آن شکل که ورود کرده باشند به دانشگاه‌های نسل دوم و سوم و چهارم، آثار خیلی روشنی از این‌ها نشان ندارم. چون اگر بگوییم به دانشگاه نسل سوم رسیده‌ایم بایستی یک تعادلی بین خروجی دانشگاه و نیازهای جامعه محسوس باشد، که نمی‌بینیم و این نقص باید رفع بشود. یعنی این تعادل وجود ندارد پس باید در مورد این قضیه تجدیدنظر شود یا به‌طور جد به موارد ضروری و مرتبط اعم از مراکز دانشگاهی، تحقیقاتی و علمی و فناوری ورود بشود. یعنی این مراکز علمی باید تقاضامحور باشند و بدانند جامعه چه نیاز دارد و آن نیازها را رفع بکنند و چرخه به حرکت درآید. یعنی بایستی چرخه علم و فناوری و نظام ملی نوآوری به معنی واقعی در کشور و به تبع آن در استان شکل بگیرد.

■ آیا الان به نظر تان این چرخه اصلا وجود دارد؟

خیر، به همین علت است که در مباحث توسعه خیلی پیشرفت چشمگیر نداشتیم. شما اگر به تاریخچه شکل‌گیری واژه توسعه توجه کنید اولین بار در سال ۱۹۸۷ ادبیات «توسعه پایدار» مطرح شد که در گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست آمده بود «توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای جامعه امروز را بدون لطمه زدن به نیازهای نسل آینده تامین بکند» خوب آیا ما چنین چیزی را در کشور داریم؟ طبیعتا نه و این موضوع حتی با یک نگاه سطحی هم در پیرامونمان محسوس است چون حالیه برای تامین خیلی از نیازهای خودمان هم مشکل داریم. بسیاری از ما گرفتار روزمرگی هستیم. در حالی که این یک نگاه علمی نیست. «دانش در این قرن و سال‌های آتی به عنوان یک ابزار قدرت است» اگر در قدیم جهان را به جهان اول و دوم و سوم تقسیم می‌کردند الان دیگر می‌گویند جهان دانشی - جهان مصرف‌کننده یا جهان مبتنی بر علم و فناوری - جهان عقب‌افتاده از علم و فناوری، البته با یک نگاه جزئی می‌بینیم ما خودمان در آموزه‌هایمان چنین چیزی داشته‌ایم. از قدیم می‌گفتند «العلم و السلطان» یعنی علم قدرت و توانمندی است. خوب برای رسیدن به چنین چیزی مهمی باید تمام تصمیمات و برنامه‌هایمان مبتنی بر علم و دانش باشد تا یک جامعه دانش‌بنیان داشته باشیم.

■ آیا در جامعه دانش بنیان لزوما همه باید اهل دانش و علم باشند؟

خیر، جامعه دانش بنیان، جامعه‌ای است که تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و اجرا در همه‌ی موضوعات مبتنی بر دانش باشد، نه این که همه‌ی مردمش دانشمند باشند، چنین چیزی نه عقلایی است، نه منطقی و نه ممکن است. با توجه به این نکات برخی از برنامه‌های ششم تدوین شده است. به عنوان مثال در ماده چهارم برنامه ششم اشاره شده که حداقل ۲/۸ درصد از رشد ۸ درصدی اقتصاد باید از محل ارتقای بهره‌وری باشد و این که سرمایه‌گذاری برای این موضوع هرساله باید ۱/۲۴ درصد باشد. حال سوال این است که بهره‌وری از چه طریقی باید حاصل شود؟ آیا با روش‌های سنتی و معمولی مرسوم می‌توانیم به این بهره‌وری برسیم؟ مثلا در بخش کشاورزی استان آیا با روش‌های سنتی می‌توانیم به سهم‌مان در این میزان بهره‌وری برسیم؟ مشخص است که نه، آیا ما با این روش جاری و صناعی که الان داریم می‌توانیم به این

رشد برسیم؟ یعنی با صناعی که مصرف‌کننده انرژی است و یا از نیروی انسانی استفاده‌های غیربهره‌ورانه می‌کند، آیا امکان پذیر است که به چنین چیزی برسیم؟ معلوم است که نه.

■ البته رسیدن به آن رشد هشت درصد اولیه هم پاینده و نماینده‌های خود را دارد.

بله، درست است ولی فرض محال که محال نیست. فرض می‌کنیم به آن رشد هشت درصد برسیم. اما رسیدن به این رشد ۲/۵ درصد از محل ارتقای بهره‌وری فقط یک راه دارد و آن از طریق نفوذ فناوری است. ما طی چند سال اخیر در هفته پژوهش هم در این نکته تاکید داشتیم که فقط توجه به سطح آمادگی فناوری کفایت نمی‌کند. بلکه باید از یک طرف دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و علمی و فناوری تقاضامحور باشند و نیازهای جامعه را شناسند و از طرف دیگر ارتباط قوی با صنعت داشته باشند.

■ به نظر تان زمینه این کار فراهم است؟

بله، زمینه اولیه فراهم است. مشکلی که وجود دارد مشکل فرهنگی است یعنی آن ارتباطات و تعاملات لازم وجود ندارد.

مدل «دانشگاه - صنعت - دولت» از چند دهه قبل مورد توجه کارشناسان و صاحب‌نظران قرار گرفته. الان مدل چند وجهی به عنوان یک ساختار قابل قبول هست. یعنی این‌طور نیست که دولت دستور بدهد و دانشگاه اجرا کند. یا دانشگاه چیزی را مطالعه بکند بدون این که نیاز جامعه باشد. یعنی دانشگاه - صنعت - دولت باید با هم لینک باشند. در کشور ما، یک ساختار اولیه و تمهیداتی ارایه شد ولی این سه ضلع باید با هم ارتباط بیشتری داشته باشند و آنچه ما در طی این سال‌ها در پارک علم و فناوری انجام دادیم تکیه بر همین نکات بوده است. بنابراین از نظر علمی و توانمندی این زمینه را داریم چون همین نیروهای انسانی توانمند ما وقتی به خارج از کشور می‌روند که به قول شما زمینه فراهم است شق القمر می‌کنند. اما سوال اینجاست که آنجا چه زمینه‌ای فراهم است؟

■ خوب طبیعتا وقتی آنها بیرون می‌روند که فردی دارای خلاقیت و توانمندی و نوآوری است کارش را دنبال می‌کند و او را به حال خودش رها نمی‌کنند.

درست است. اما اینجا فرد توانمند و نوآور وقتی می‌خواهد طرح و ایده خودش را عملیاتی بکند و می‌رود مثلا پیش فلان مسوول، یا فلان دستگاه تولیدی، صنعتی، کشاورزی، خدماتی یا هر جای دیگر تازه باید ببیند آیا ساختار موجود او را می‌پذیرد یا نه؟

در چنین حالتی ما شاخص سطح آمادگی فناوری را لحاظ کردیم. اما وقتی سطح آمادگی فناوری را مطرح می‌کنیم، سپس باید سطح آمادگی تولید و ساخت (سطح آمادگی صنعتی) را نیز مطرح کنیم و پس از آن البته سطح آمادگی سرمایه‌گذار را.

■ بله، سطح آمادگی سرمایه‌گذاری بسیار مهم است. آیا مراکز ما آمادگی سرمایه‌گذاری در حوزه علم و فناوری را دارند؟

وقتی به این بخش می‌رسیم می‌بینیم بنا به دلایل مختلف سرمایه‌گذاران مطرح می‌کنند که ما ترجیح می‌دهیم آزمون و خطا نکنیم و اسم این کار را می‌گذارند «هزینه» نمی‌گویند «سرمایه‌گذاری» و این یکی از بزرگ‌ترین خطاهایی است که داریم می‌کنیم ما طی این چند سال چنین تجربه‌ای را همین‌جا در پارک علم و فناوری داشتیم. مثلا زمانی قرار بود ما یک صنعتی را به‌طور کامل وارد کنیم ولی وقتی به شرایط تحریم و وضعیت ارزی برخوردیم، مراجعه کردیم به کسی که می‌توانست ابتکار و طراحی کار را انجام بدهد و او هم انجام داد. هرچند کمی به سختی برخورد ولی کامل انجام داد و به بیان دیگر چیزی را که قرار بود به‌طور کامل از خارج وارد کنیم خودمان طراحی کردیم و ساختیم و الان دانش فنی‌کار را داریم و حتی می‌توانیم صادر بکنیم. بنابراین هم سطح آمادگی فناوری نیاز داریم، هم سطح آمادگی صنعتی و هم سطح آمادگی سرمایه‌گذاری و و این‌ها همه در راستای اقتصاد مقاومتی است.

■ پس در برنامه ششم به تولید دانش در کشور بیشتر توجه شده که امیدواریم در عمل هم اتفاق بیفتد.

در بخش اول در این ماده به تولید دانش داخلی توجه شده و در بخش دوم به انتقال دانش و فناوری. یعنی بله، در برنامه ششم ماده چهارم بند «پ» آمده که در ارتباط با بحث سیاست



خارجی کشور، هدف جذب نوآوری و جذب دانش از کشورهای صاحب فناوری باشد.

■ خوب به چه صورت باید فناوری و دانش به کشور انتقال پیدا کند

طبیعتا این کار باید با برنامه‌ریزی انجام شود. نه این که فقط یک سری چیزهای آماده‌ای را بگیریم و بیاوریم بدون این که دانشی منتقل بشود. البته چنین موضوعی را نیز ما همین‌جا در پارک علم و فناوری تجربه کردیم یعنی وقتی ورود کردیم به موضوع برایشان شرط گذاشتیم که دانش فنی باید منتقل بشود (البته با حفظ حق و حقوق‌شان). اما تا جایی که مقدور باشد ابزار و وسایلی که قابل ساخت در کشور هست در کشور خودمان ساخته بشود. یعنی ما نباید همیشه نیازمند آن‌ها باشیم و باید با برنامه‌ریزی و هدفمند در این مورد اقدام کنیم. در استان نیز در حوزه کشاورزی و صنعت باید مطالعه کنیم که برای رسیدن به آن ۲/۸ درصد ارتقای فناوری نیاز به چه دانشی و چه فناوری داریم و این دانش تا چه حد در استان موجود است و چه میزان باید دانش فنی را با انتقال وارد استان بکنیم؟ که این‌ها همه برنامه می‌خواهد. بنابراین استفاده از توانمندی‌های داخلی و بعد هم انتقال دانش فنی از خارج مد نظر است اما نکته سوم که جزو بند «ز» ماده چهارم است اصلاح تعرفه‌هاست. وقتی یک محقق و نوآور ما در کشور زحمت می‌کشد چیزی را طراحی می‌کند نیاز دارد طرحش را به کرسی بنشاند. ولی ما نباید با وضع تعرفه‌های نابجا از نظر میزان، طوری عمل کنیم که چنین فردی اصلا قدرت عمل نداشته باشد، چون این کار هیچ نفعی برایمان نخواهد داشت. ما در استان گیلان بحث کشورهای حاشیه دریای خزر را داریم. بحث کریدور شمال و جنوب را داریم. سوال من این است که مسوولین محترم استان برای کریدور شمال جنوب که ظرف سال‌های آینده خواه ناخواه اجرایی خواهد شد الان چه برنامه‌ی مشخصی دارند. الان ما چکار باید بکنیم تا از آن ظرفیت درست استفاده کنیم؟

چندی پیش یکی از دوستان مطرح کرد که اگر کریدور راه‌اندازی بشود و دیگران بخواهند زمین‌های کشاورزی مناطق مرتبط باشند چکار باید بکنیم. چون پرداخت چندصد میلیون دلار بابت خرید زمین رقیمی برای آن‌ها نیست. الان در هر روستایی پرده زده‌اند که فلان زمین فروشی است و این در حالی است که تا سال ۲۰۵۰ جمعیت دنیا به ۹ میلیارد نفر می‌رسد و به شدت یکی از چالش‌های اساسی در ارتباط با این موضوع چالش آب و غذا خواهد بود...

■ البته برای کشور ما نیز با توجه به وضعیت فعلی، خشکسالی و بی‌آبی در دهه‌های آتی بیش‌بینی می‌شود

در استان خود ما نیز بحث خشکسالی و کمبود آب مطرح است و همین امسال نگرانی‌هایی در این مورد ایجاد شد. خوب با وجود جمع این مسایل ما چه برنامه مشخصی برای آینده داریم؟ آیا فقط به این فکر می‌کنیم که چند سالی مسوولیتی داشته باشیم و بگذرد! متأسفانه جنبه‌های سیاسی و حاشیه‌ای مسایل بر متن موضوعات و مسایل غالب شده است.

■ خوب آقای دکتر با توجه به این‌که چنین دیدگاهی دارید آیا حوزه پارک علم و فناوری گیلان برای پنج سال یا ده سال آینده برنامه‌ریزی کرده است و آیا خودتان طبق برنامه عمل می‌کنید؟

بله، ما برنامه مدون پنج ساله‌مان را تنظیم کردیم و چهارشنبه گذشته جلسه هیات امنا را داشتیم با دستور گزارش برش یک ساله همان برنامه

■ این برنامه پنج ساله از چه سالی شروع شده یا می‌شود؟

از سال قبل شروع شده و تا سال ۱۴۰۰ در قالب یک برنامه پنج ساله تدوین شده است.

■ آیا اهدافی که برای این برش یک ساله در نظر گرفته بودید محقق کردید؟

بله، از پارسال که شروع کردیم علی‌رغم همه‌ی محدودیت‌هایی که داشتیم همه‌ی موارد پیش‌بینی شده اجرایی و محقق شد به‌جز یک مورد و آن هم بحث صادرات به کشورهای دیگر است



که آن هم به دلیل محدودیت‌ها در ارتباط با بحث جابه‌جایی پول است که حتی شرکت‌های خیلی بزرگ هم در این مورد مشکل دارند

■ اگر مقایسه‌ای از وضعیت پارک علم گیلان نسبت به پارک‌های علم کشور داشته باشید ارزیابی تان چگونه است؟

طبق گزارشی که هفته قبل در جلسه هیات امنا ارائه کردم که با حضور وزیر، معاون وزیر، شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، رییس دانشگاه گیلان و ... برگزار شد، اعلام کردم که در حال حاضر ۳۱۲ هسته، شرکت فناوری و شرکت مستاجر در مجموعه پارک علم و فناوری گیلان فعال هستند. از این تعداد بیش از ۵۰ شرکت دانش‌بنیان هستند. و با یک مقایسه کوچک با پارک‌های علم و فناوری منطقه یک فناوری کشور (گیلان، آذربایجان غربی، شرقی، قزوین، زنجان، اردبیل) که گیلان نیز جزو آنهاست مشخص می‌شود که آذربایجان شرقی ۱۴۵ شرکت مستقر در پارک علم خود و ۲۱ شرکت دانش‌بنیان دارد. (و این در حالی است که پارک علم و فناوری گیلان و آذربایجان شرقی هر دو در سال‌های ۸۲ - ۸۱ شروع به کار کردند) و یا در منطقه دیگر، خراسان رضوی از نظر تعداد شرکت‌های فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان با ما تقریبا برابر است.

گاهی متأسفانه بعضی‌ها شرکت‌های دانش‌بنیان را به عنوان معیار در نظر می‌گیرند که نباید چنین باشد چون شرکت‌های دانش‌بنیان آن مراحل سامانه را طی کرده و ارزیابی شده‌اند. موضوع بعدی شرکت‌های فناوری هستند. چون شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در کشور حدود ۱۱۵۰ تا است که از این تعداد ما در استان ۵۰ شرکت دانش‌بنیان داریم و این نرم خوب و مناسب است. یعنی در این ارتباط عقب‌افتادگی نداریم. این را باید در نظر داشته باشیم که ما در استانی داریم زندگی می‌کنیم که صنعت ما با صنایع اصفهان، خراسان رضوی و ... قابل مقایسه نیست. در واقع پارک علم و فناوری گیلان جزء پارک‌های سطح یک کشور است و با پارک‌های علم و فناوری تهران و اصفهان مقایسه می‌شود. (در کشور پارک‌های علم به سه سطح اول، دوم و سوم تقسیم می‌شوند). بنابراین حیف است که چنین ظرفیتی را با یک سری مسایل سلیقه‌ای خراب کنیم

■ شما در برنامه مدون پنج‌ساله‌تان به چه تعداد شرکت دانش‌بنیان می‌خواهید برسید؟

ما با توجه به برش‌های یک ساله برای پنج سال باید طوری عمل کنیم که ۵۰ درصد شرکت‌ها به سمت دانش‌بنیان شدن گام بردارند. هرچند ما خیلی تاکید بر دانش‌بنیان شدن نداریم، چون اگر تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان به سرعت افزایش نمی‌یابد لزوما مشکل از طرف شرکت‌های ما نیست و یا ما مشکل نداریم چون آن فرایندی که باید طی بشود زمان بر است و با ارزیابی‌ها در دست انجام نمی‌شود.

■ وقتی شرکت‌ها دانش‌بنیان بشوند از حمایت‌های ویژه‌ای برخوردار می‌شوند درست است؟

یک مزیت بارز دارد که اگر شرکت‌ها دانش‌بنیان بشوند می‌توانند به صندوق نوآوری و شکوفایی معرفی بشوند. اما در مورد فرآیندهای مرتبط، نقدهایی وارد است و اخیرا بعضی از نمایندگان نیز نقدهایی در این مورد داشتند و حتی روسای پارک‌های علم نیز در این مورد انتقادهایی دارند. مشکل دیگر در این رابطه این است که افرادی را که برای ارزیابی می‌فرستند از یک فرد به فرد دیگر تفاوت دارد و سلیقه‌ای عمل می‌شود. انگار روی یک برنامه نظام‌مند و شاخص‌های مشخصی ارزیابی انجام نمی‌شود. در همین مورد چندین بار نامه نوشتیم اعتراض کردیم و نهایتا الان یک شرکت ارزیاب مستقر در استان داریم. اما این شرکت به جای این‌که بیشتر به مشکلات ما برسد دایم مامور می‌شود برای ارزیابی به استان‌های دیگر برود. ما الان بیش از سی شرکت در نوبت دانش‌بنیان شدن داریم. بنابراین بجز بحث صادرات که مشکلاتش کلی است که علاوه بر کشورهای حاشیه خزر، کشورهای اروپایی هم در برنامه ما بود و عمدتا برای صادرات نرم‌افزار بود. اگر راه باز بشود

در حال حاضر ۳۱۲ هسته، شرکت فناوری و شرکت مستاجر در مجموعه پارک علم و فناوری گیلان فعال هستند. از این تعداد بیش از ۵۰ شرکت دانش‌بنیان هستند



و بتوانیم بیشتر تعاملات ارزی را گسترش بدهیم، در این زمینه نیز برنامه ریزی ما محقق می شود. هرچند الان هم اگر تعامل با پارک های علم کشورهای اسلامی را محاسبه کنیم با در نظر گرفتن تبادلات مالی با بانک توسعه اسلامی می توانم بگویم به آن هدف هم رسیده ایم و آخرین جلسه قرارداد ما با بانک توسعه اسلامی در پایان ژانویه اخیر در پاکستان برگزار شد. جالب است بدانید از سال گذشته اکو هم وارد این تعاملات شد.

■ اخیراً بحث هایی در استان مبنی بر جابجایی بعضی افراد شنیده شد، نظرتان چیست؟

نمی دانم چرا در داخل استان سعی می کنند در مورد داشته های ما سیاه نمایی کنند و در مقابل کسانی را که چیزی ندارند مدام برجسته می کنند! ظرفیت های استان را نسوزانیم. با کم بینی و بعضاً از روی ناآگاهی ظرفیت های استان را سیاه نمایی نکنیم. این کار چه نفعی برای ما دارد؟ دیگران با هم همکاری می کنند تا داشته هایشان را بیشتر و پررنگ تر بکنند. سوال من این است که چرا باید ما دائماً یک اره داشته باشیم و دیگران را کوتاه کنیم تا به قدم ما برسند آیا بهتر نیست یک جک داشته باشیم و زیر پایمان بگذاریم که ما هم بزرگ بشویم؟

■ از راه اندازی صندوق نوآوری در گیلان چه خبر؟

بله، صندوق ما تصویب شده. دبروز هم مجدد به اعضا نامه نوشتیم که سهم خودشان را پرداخت کنند. متأسفانه عمدتاً مشکلی که الان وجود دارد سهم دستگاه های دولتی است. سهم بخش خصوصی ۵۱ درصد و بخش دولتی ۴۹ است که حالیه در محقق شدن سهم بخش دولتی مشکل داریم تا بتوانیم فعالیت صندوق را برای پرداخت آماده کنیم.

■ طبق برنامه ششم توسعه، سهم اعتبارات پژوهشی فناوری بخش دولتی از تولید ناخالص باید در سال ۱۳۹۶، ۱/۱ درصد باشد و در سال ۱۴۰۰ این میزان به ۱/۵ درصد برسد. الان این وضعیت چگونه است؟

الان پائین تر از ۵/۰ درصد است! در همین راستا باید بگویم مثلاً درصد محصولات با فناوری متوسط به بالا از کل محصولات صنعتی در سال ۱۳۹۶ باید ۳۹ درصد باشد و در سال ۱۴۰۰ به ۵۰ درصد برسد. سهم محصولات با فناوری متوسط به بالا از تولید ناخالص داخلی در سال ۹۶ باید ۱/۵ درصد و در سال ۱۴۰۰ به ۵ درصد برسد.

و صادرات ما در سال ۱۳۹۶ از کل صادرات در منطقه باید رتبه ششم باشد و این رتبه در ۱۴۰۰ به رتبه سوم برسد.

پس باید با توجه به این محورها و این اهداف برنامه ریزی بکنیم. اما تولید و صادرات با فناوری بالا آیا با تمرکز روی یک محور امکان پذیر است؟ متأسفانه قاطعانه باید پاسخ منفی داد چون باید روی همه محورها و ظرفیت های استان کار کنیم. الان در استان نیروی انسانی متخصص و فنوار داریم که بسیار مهم است.

■ وضعیت زمینی که سال قبل برای استقرار شرکت ها

به پارک علم گیلان اختصاص یافته بود به کجا رسیده؟
بله زمین سال قبل به پارک واگذار شد اما ۹ ماه طول کشید تا این کار انجام شود چون یک نفر غیرقانونی آنجا را تصرف کرد در آن زمین کاشت و داشت و برداشت انجام داد! آن وقت شما می برسید چه قدر به اهداف برنامه پنج ساله مان رسیده ایم. خوب عدم تحقق بخشی از برنامه ریزی ها از چنین مسایلی تاثیر می پذیرد و دستگاه واگذارکننده باید اثبات می کرد که این زمین همان زمین است و تصرف غیرقانونی آنجا انجام شده که با این تفاسیر ما تازه آبان ماه سال ۹۶ آن زمین را تحویل گرفتیم و الان دنبال کارهایش هستیم.

اگر قرار باشد آن ۲/۸ درصدی که در ابتدا اشاره کردم بخشی در استان محقق شود مسوولین استان باید دقت ویژه ای داشته باشند و روی مسایل علم و فناوری سرمایه گذاری کنند ما باید گفتمان داخل استان را ارتقا بدهیم تا به گفتمان جهانی نزدیک بشود و قدرت رقابت پیدا کند. امروزه همه اذعان دارند سرمایه دیگر پول، ساختمان و نظایر آن نیست بلکه آنچه که به عنوان رکن اساسی امروزه در جهان مورد توجه قرار گرفته سرمایه های نامحسوس است که باید داخل استان حمایت شود و اتاق فکر در مورد آن تشکیل بشود

■ به نظر خودتان شرکت های دانش بنیان با فنوار و یا



مراجعه کنندگانی که علاقه مند به این حوزه بوده و صاحب ایده و طرح هستند و به صورت انفرادی از بیرون به شما مراجعه می کنند بیشتر با چه مشکلاتی روبه رو هستند؟

آنچه که دست ما برسد ما برای حمایت اولیه از این افراد انجام می دهیم. منتهی وقتی این افراد ورود می کنند و می خواهند فناوری خودشان را تعمیم بدهند و آن را به تولید برسانند و به بخش های صنعت، خدمات و کشاورزی نفوذ بدهند در این مرحله با سدی مواجه می شوند که یکی از مشکلات است. یعنی با کمال تأسف یک لایه از عدم شفافیت در این بخش به صورت مختلف بروز می کند که به دلایل مختلف فرد را پس می زند که یکی از مهم ترین آن بحث فساد است. و این چیزی است که دست من نیست تا من حلش بکنم.

مثلاً وقتی دو شرکت از یک دستگاه واحد مطالباتی دارند و یک شرکت نمی تواند مطالباتش را وصول کند ولی شرکت دیگر مطالباتش را می گیرد جای تعجب است. می پرسیم چی شد؟ می گوید: درستش کردم.

خب این ساختار مریض است. یا شرکتی با فلان کمپانی بزرگ کشور قرارداد دارد کار را انجام می دهد، تحویل می دهد اما نمی تواند پولش را بگیرد خوب جای تأسف است. می آید پیش ما، من نامه می نویسم تا کمک کنند و پیگیری می کنم اما بعد از یک مدت می گوید که حلش کردم! این نشان می دهد که این نوع حل کردن، فساد در خود دارد پس اولین سد ما نفوذ فناوری به درون آن مراکز هستند که مصرف کننده اند و بنا به دلایل مختلف این ها را بعضاً پس می زند که یکی از دلایل اصلی آن بحث فساد است.

■ یعنی به نوعی انتظار تطمیع وجود دارد برای تایید.

خب ببینید وقتی کاری که باید انجام بشود انجام می شود و ما هم به عنوان پارک علم و فناوری طرح را تضمین می کنیم و یا شخص با طرف مقابل قرارداد دارد باید همه چیز شفاف باشد ولی اگر بخواهیم بحث شفاف باشد در این مسیر به مشکل برمی خوریم. شرط شفافیت وقتی پای کار می آید اوضاع به هم می خورد و زمان طولانی می شود. در حالی که هریک از فناوری ها یک طول عمری دارند که اگر به طور منطقی رعایت نشود کار پیش نمی رود. و فناوری ارزش خود را از دست می دهد.

نمی دانم چرا در داخل استان سعی می کنند در مورد داشته های ما سیاه نمایی کنند و در مقابل کسانی را که چیزی ندارند مدام برجسته می کنند! ظرفیت های استان را نسوزانیم. با کم بینی و بعضاً از روی ناآگاهی ظرفیت های استان را سیاه نمایی نکنیم. این کار چه نفعی برای ما دارد؟ دیگران با هم همکاری می کنند تا داشته هایشان را بیشتر و پررنگ تر بکنند. سوال من این است که چرا باید ما دائماً یک اره داشته باشیم و دیگران را کوتاه کنیم تا به قدم ما برسند آیا بهتر نیست یک جک داشته باشیم و زیر پایمان بگذاریم که ما هم بزرگ بشویم؟



■ آیا کشورهای دیگر هم این مراحل را پشت سر گذاشتند یا قانونشان به قدری نافذ هست که احتمال تخلف را بسیار کم می کند؟

نمی گویم در کشورهای پیشرفته فساد نیست. کما آن که هرچند وقت به چند وقت می شنویم فلان مقام مسوول را در بحث فساد گرفته اند و حتی گاه اعدام هم می کنند. ولی متأسفانه اینجا این مشکلات وجود دارد و گاه بعضی از آقایان می گویند که فساد سیستمی شده است حتی مقامات رده بالای کشور این قضیه را مطرح می کنند که جای تأسف است. خوب اگر چنین شده است راه علاج آن چیست؟ چون جنس دانش و فناوری از جنس سلامت و صداقت است بنابراین اگر آن را به مسایل فساد و رانت و رشوه آلوده بکنیم باعث می شود که ضربه بخوریم. ویا گاهی من می بینم جوان می آید اینجا طرحی ارائه می دهد به او مهلت می دهیم تا طرح را کامل کند، پول هم می دهیم ولی بعد که طرح را می آورد می بینیم تقلبی است. مثلاً مارک یک چیز خارجی را از بین برده و با تقلب می خواهد آن را به ما ارائه دهد. در حالی که ما ناظر داریم بررسی می کنیم حتی به خودش هشدار می دهیم این کار درست نیست نکن...

■ نوع برخورد قانونگذار با متخلفین حوزه علم و فناوری چگونه است؟

وقتی فرد متخلف را معرفی می کنیم به دستگاه های قانونی کلی موانع قانونی وجود دارد. در حالی که حوزه علم و فناوری نیاز به نگاه ویژه و خاص دارد. باید برای حوزه علم و فناوری متخصص حقوق فناوری داشته باشیم که نداریم. برای همین وقتی مشکلاتمان را به حوزه قضا منتقل می کنیم در بسیاری از این مفاهیم مشکل داریم چون زبان مشترک نداریم البته الان در حوزه قانونی به دلیل این که تعداد زیادی از این افرادی که ورود کردند خودشان با قوانین پارک علم و فناوری آشنا هستند کمی کار دارد تسریع می شود.

■ پس نوع نظارت هم باید فرق بکند.

بله، البته دستگاه های نظارتی واقعا لازم هستند و باید باشند. آنهایی که درست و پاک می خواهند کار بکنند باید بدانند که در همه حال در محضر خدا هستند. و بعد این که دستگاه های نظارتی در قالب یک چارچوب باید کارشان را انجام بدهند ولی باید بدانند که دستگاه هایی مثل پارک علم و فناوری یک دستگاه حمایتی هستند. من نمی توانم با آن نگاهی که در سایر دستگاه ها جاری است کار بکنم یعنی جنس موضوع و متد کار در پارک علم و فناوری با یک دستگاه اجرایی دیگر متفاوت است.

یعنی نظارت در این بخش فرق می کند. گاه ممکن است بگویند چرا میلیتی را به فلان جوان کارآفرین و یا صاحب ایده و طرح دادید که سر وقت پرداخت نکرد. آن ها می گویند مطابق قانون این فرد را به دادگاه و مراجع حقوقی معرفی کن. اگر من این کار را بکنم پیش چه کسی بروم؟ آنجا یکی را با پایبند می آورند، یکی را با دستبند می آورند. اگر من چنین فردی را به آنجا معرفی کنم که نقض غرض کرده ام، و نمی توانم به اهداف علم و فناوری برسم

یکی از اهداف در ارتباط با استان این است که این قضیه باید در کمیسیون استان به جد مورد بررسی قرار بگیرد و برایش راه علاج پیدا شود چون بسیار مهم است و یک نیاز برای این حوزه حمایتی است.

برای کار کردن در این حوزه باید قدرت مانور داشت. یادم است که در شروع کار پارک علم، سفری برای بازدید از پارک علم و فناوری چین ما را به آنجا بردند. من از رییس پارک علم و فناوری آنجا پرسیدم اگر پولی را به متقاضی نواور دادید و کارش شکست خورد و نتوانست پول را برگرداند چه می کنید؟ گفت: «ما دقت و تلاش می کنیم که شکست نخورد. اگر شکست خورد و خودش تقصیر نداشته باشد یک بار دیگر هم کمکش می کنیم و به او پول می دهیم». خوب آیا ما می توانیم در اینجا این کار را بکنیم؟

بانکی ما داریم که می گوید من موظف هستم برای کارهای تولیدی و صنعتی و کارآفرینی اعتبار بدهم و حمایت کنیم. من عضو هیات علمی را معرفی می کنم به بانک برای یک کار دانش محور که دارد اما بانک حمایت نمی کند و می گوید چون عضو هیات علمی هستی نمی توانیم به تو وام بدهیم. در حالی که در قانون شرکت های دانش بنیان آمده که اعضای هیات علمی می توانند در اینجا شرکت تشکیل بدهند پس باید بتوانند حمایت هم بشوند. و یا خط اعتباری باز می کنند در صندوق توسعه ملی بعد یک لفظ به کار می برند که این به شرکت های دانش بنیان - یعنی شرکت هایی که آن مسیر و فرآیند را طی کرده اند پرداخت می شود. در حالی که بیش از پنجاه درصد از شرکت های مستقر در پارک علم و فناوری شرکت فناور هستند و لزوماً مراحل دانش بنیان شدن را طی نکرده اند و این شرکت ها باید بتوانند از حمایت ها برخوردار بشوند و این ها مسایل و معضلاتی است که ما داریم.

■ به عنوان آخرین سوال حالیه بزرگترین چالش پارک علم گیلان به نظر تان چیست؟

در استان یکی از بزرگترین چالش هایی که الان داریم تکمیل زیرساخت است چون به شدت از کمبود جا رنج می بریم. دستگاه نظارتی می گوید حتماً به همه شرکت های دانش بنیان که در اولویت هستند باید فضای استقرار بدهید در حالی که ما فضای کافی نداریم.

تمام اقدامات را هم کرده ایم. محدودیت فضا در استان به شدت ما را رنج می دهد ولی با همه این محدودیت ها و مشکلات مالی طی دو سال اخیر باز از نظر آماری که اعلام کردم توانستیم جز سطح یک پارک های علم در کشور باشیم. امیدوارم با حمایت نمایندگان مجلس اعتباری در این حوزه تصویب شود که بتوانیم زمینی که اختصاص پیدا کرده را تجهیز کنیم.





دکتر اسماعیل مویدی قائم مقام دبیر کل مجمع متخصصین ایران (استان گیلان) و عضو شورای اجرایی کشور:

امروزه نیروی انسانی متخصص بهترین عامل توسعه است

منطقی و راهبری، شناخت روند تحولات وضع موجود، منابع، قابلیت ها و توانمندی های اقتصادی و اجتماعی فعلی و توان بایی های آتی است. چرا که برنامه ریزی فرایندی است که با توجه به امکانات، قابلیت ها، محدودیت ها، هدف ها، روش ها و اقدامات لازم برای عبور از وضعیت فعلی به وضعیت مناسب و مطلوب از یک محدوده زمانی تعیین می شود. علاوه بر این چنین شناختی امکان ارزیابی عملکرد و برنامه توسعه در راستای نیل به هدف های اقتصادی و اجتماعی را نیز فراهم می آورد، از این رو نقش نیروهای متخصص به عنوان محور اصلی توسعه همه جانبه پایدار نقش کلیدی و انکار ناپذیر است.

امروزه نیروی انسانی متخصص بهترین عامل توسعه است. در گذشته اعتقاد بر این بوده که سرمایه و منابع مادی روند توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را تعیین می کند، اما در جهان کنونی منابع انسانی کار آمد در این امر تاثیر اصلی را دارد و منابع انسانی متخصص باعث افزایش سرمایه و بهره برداری و استفاده بهینه از منابع مختلف و ساخت و تولید روزافزون است به عبارت دیگر منابع انسانی کارآمد و پیشرو جامعه در راستای توسعه ملی را تضمین می کند و همچنین تامین نیروی انسانی متعهد، سمتمخصص و با تجربه برای دستگاه های اجرایی کشور و نظام پارلمانی بخش صنعت و مراکز دانشگاهی از دیگر اهداف این مجمع بوده است.

مجمع متخصصین ایران در چهار چوب سیاست های نظام مقدس جمهوری اسلامی و با عنایت و برنامه های دولت تدبیر و امید و با تایید بر اهمیت علم و دانش و تخصص و به کار گیری علوم و فنون در توسعه کشور و رشد علمی که از جمله مباحث و توصیه های مهم مقام معظم رهبری است برای مشارکت نخبگان و متخصصین در نیل به این اهداف تلاش می کند.

مجمع متخصصین ایران به عنوان بزرگترین تشکل مدنی با تصویب وزارت کشور در کمیسیون ماده ۱۰ با اهداف کلان متشکل از فارغ التحصیلان دانشگاه های سراسر کشور در جهت کمک به توسعه ایران اسلامی فعالیت خود را از آذر ماه سال ۱۳۸۰ آغاز کرده است. همچنین مجمع متخصصین ایران مرکز گیلان از مهر ماه سال ۱۳۸۱ با پذیرش بیش از ۴۰۰۰ عضو از فارغ التحصیلان و متخصصین، نخبگان و اساتید دانشگاه در ۹۱ کار گروه و کمیسیون های تخصصی در گیلان فعالیت می کند. و در این میان با فراهم کردن حضور و مشارکت متخصصین در عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تاکنون برنامه های متعددی در استان گیلان برگزار کرده است.

مجمع متخصصین ایران به عنوان یک نهاد مدنی توانسته است با ترکیبی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رؤسا و اساتید دانشگاه ها، اعضای هیات علمی، کارشناسان و نخبگان پژوهشی کشور در زمینه توسعه همه جانبه متوازن و پایدار علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور در سطح ملی و

منطقه ای، استراتژی کلان درونی برای توسعه دراز مدت ایران اسلامی تعریف کند. همچنین تامین نیروی انسانی متعهد متخصص و با تجربه برای دستگاه های اجرایی کشور و نظام پارلمانی و بخش صنعت و مراکز دانشگاهی از دیگر اهداف این مجمع بوده است و انسجام فارغ التحصیلان دانشگاهی اعم از شاغلین یا فارغ التحصیلان فاقد کار با استفاده از انرژی و پتانسیل و ظرفیت های آن ها، فردی متخصص و کارآمد، راه را بر مدیریت مبتنی بر تفکر علمی جهت توسعه باز کند. شرط اولیه و لازم برای یک برنامه ریزی



در گذشته اعتقاد بر این بوده که سرمایه و منابع مادی روند توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را تعیین می کند، اما در جهان کنونی منابع انسانی کار آمد و متخصص در این امر تاثیر اصلی را دارند.



سالن تئاتر و سالن موسیقی با بالاترین استانداردهای روز دنیا در رشت ساخته شد

تالار مرکزی رشت اوایل سال ۹۷ افتتاح می‌شود

گیلان فردا، ساناز فرزانه- بالاخره به زودی شاهد افتتاح تالار مرکزی شهر رشت خواهیم بود. این تالار که یکی از پروژه‌های ملی استان است در سال ۱۳۸۶ کلنگ احداث آن به زمین زده شد. بی شک طراحی و ساخت تالارهای مرکزی در هر کشوری از شاخص‌های بالای فرهنگی در آن دیار حکایت میکند. در همین رابطه کشور ما ایران که به گذشته غنی خود میبالد باید در دنیای امروز تلاش کند خود را در کلیه زمینه‌ها با استانداردهای رایج در جهان معاصر نیز هماهنگ نماید. طرح و ساخت تالار مرکزی در مراکز استان‌ها در همین راستا بوده است. انجام مطالعات و خدمات مشاوره‌ای و تهیه طرح تالار مرکزی شهر رشت به خواست دفتر طرح‌های عمرانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط مهندسین مشاور آباد صورت گرفت. مهندسین مشاور هدف خاص خود را پاسخ گویی به نیازهای منطقه و استان طبق برنامه توسعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ارایه بستر مناسب جهت انجام فعالیت‌های فرهنگی، هنری و موسیقی قرار دادند. خوشبختانه اکنون این پروژه تکمیل شده و معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی چندی پیش در سفر به رشت و بازدید از پروژه نوید داد که تالار مرکزی رشت در فروردین ۹۷ افتتاح و آماده بهره برداری شود. در همین راستا و با این توضیح که شرکت فراز ساز شمال پیمانکار کل، شرکت مهندسین مشاور آباد، مشاور و شرکت پارسه هنر، پیمانکار دکوراتیو پروژه بوده اند، برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص چگونگی ساخت و فضای فیزیکی تالار با مهندس فرشید فیروزی مدیرعامل و عضو هیات مدیره شرکت مهندسین مشاور آباد و مهندس میربازل طراح پروژه تالار مرکزی رشت صحبت کردیم. توضیحاتی که این عزیزان به گیلان فردا ارایه دادند به اختصار در ادامه به نظرتان می‌رسد:



مجله اجتماعی - فرهنگی گیلان فردا | شماره هفتم - زمستان ۱۳۹۶

مشخصات کلی پروژه:

محدوده‌ی در نظر گرفته شده جهت احداث پروژه تالار مرکزی شهر رشت در محله امین الضرب جنب بوستان ملت و در فاصله ۱.۵ کیلومتری از مرکز شهر قرار دارد. مساحت این محدوده در حدود ۱۴۰۰۰ مترمربع است. مجموعه تالار مرکزی شهر رشت با توجه به نیازهای فرهنگی استان در سه حوزه: (۱) فرهنگی-جمعی (۲) فرهنگی - آموزشی (۳) خدماتی - رفاهی طراحی و زیربنای کلی ۳۰۰۰ مترمربع ساخته شده است.

فرهنگی - جمعی: این حوزه شامل فضاهایی

است که از طریق برنامه‌های کوتاه مدت برای عده زیادی از مردم قابل استفاده است. تالارهای در نظر گرفته شده برای این حوزه شامل تالار تخصصی موسیقی (کنسرت) به ظرفیت ۹۲۰ نفر، تالار تخصصی تئاتر و نمایش به ظرفیت ۴۸۰ نفر، تالار موسیقی سنتی به ظرفیت ۹۰ نفر و تالارهای تمرین تئاتر به ظرفیت ۷۰ و ۳۰ نفر جهت آموزش و تمرین تئاتر است.

فرهنگی - آموزشی: این حوزه

شامل فضاهایی است که از طریق برنامه‌های بلندمدت به هنرجویان خدمات فرهنگی - هنری ارایه میکند و شامل فضاهایی مانند کتابخانه، مرکز اسناد موسیقی، مرکز کامپیوتر، کافینت، کلاس‌های آموزشی نقاشی، خطاطی طراحی، بازیگری، موسیقی و... است.

فرهنگی - رفاهی: این حوزه شامل سرسرای

اصلی مجموعه، نمایشگاه‌های هنری، فضای نشیمن و گردهمایی، بوفه، نمایشگاه کتاب و آثار هنری، نمازخانه و وضوخانه است.

ویژگیهای معماری:

باتوجه به شرایط اقلیمی منطقه همه فعالیت‌های تالار در یک مجموعه به هم پیوسته و در زیر یک پوشش دیده شده است. شامل بلوک یک، سالن تئاتر و بلوک دو، سرسرا و بلوک سه، سالن موسیقی، به طوری که یک سرسرای اصلی به صورت مرکز ثقل، فعالیت‌های جمعی از قبیل برگزاری نمایشگاه‌های کوتاه مدت، کلاس‌های آموزشی، بوفه، سالن‌های کنسرت، سالن‌های تئاتر، کتابخانه و دیگر فعالیت‌های جنبی را به هم پیوند میدهد. تالار اصلی مجموعه (موسیقی) نیز جهت برگزاری موسیقی سنتی، پاپ و ارکستر سمفونی به عنوان اولین تالار با سن مرکزی و رعایت تمامی ضوابط فنی و اکوستیکی به صورت یک مخروط ناقص ساخته شده است.

عکس: کیانوش زاد درویش



انتخاب سازه پروژه:

باتوجه به معماری پروژه و پیچیدگی فرم‌ها چه از لحاظ تغییرات سختی در طبقات و چه از لحاظ پلان، سیستم سازه پروژه متناسب با معماری هر بلوک انتخاب شده است: بلوک ۱ (سالن تئاتر) در طبقه همکف ستون‌گذاری معمول دارد و در طبقه فوقانی سالن با دهانه ۳۰ متر به‌صورت خرپای سه بعدی اجرا شده است. ضمن این که فرم معماری سقف نهایی در طراحی خرپا لحاظ شده و از اتلاف فضا جلوگیری شده است. بلوک ۲ (سرسرا) نسبتاً منظم بوده و دهانه‌های بزرگ و غیرمعمول ندارد. لذا قاب خمشی با سقف‌های دال و تیر برای آن انتخاب شده است. بلوک ۳ (سالن موسیقی) سازه‌ای فوق‌العاده پیچیده است که شامل سه تراز شیبدار (جایگاه تماشاچیان - بالکن و سقف نهایی) است. علاوه بر پیچیدگی در پلان، در ارتفاع نیز به‌علت جایگاه شیبدار تماشاچیان از تحلیل و طراحی سازه‌ی خاص استفاده شده است. فرم سازه نهایی توسط طرح معمار پروژه مشخص شده که به‌صورت هرم ناقص است و با توجه به دهانه بزرگ این سقف، سازه تیر ورق و تیر مشبک که روی ستون‌های گرد بتونی مستقر شده‌اند طراحی شده است.

تاسیسات مکانیکی:

جهت استفاده بهینه و صرفه‌جویی در مصرف سوخت مجموعه با تفکیک زون‌ها و موتورخانه مرکزی به متراژ ۳۵۰ مترمربع شامل بروزترین تجهیزات حرارتی و بروردتی طراحی و اجرا شده است. لوله‌کشی ساختمان شامل لوله‌های پوش فیت در بخش فاضلاب و لوله‌های پلیاتیلن در بخش آب باران و لوله‌های فولادی در بخش گرمایش و سرمایش و لوله‌های فولادی با وزن متوسط در بخش فن کوئل و لوله‌های پنج لایه سوپرپایپ در لوله‌کشی سرویس‌های بهداشتی است. و همچنین کانال‌های پلی یورتان وظیفه انتقال هوای گرم و سرد از طریق هوا سازه‌ها که خود فضای جداگانه در هر بلوک را دارا میباشند، به فضاهای مختلف ساختمان را به عهده دارند. علاوه بر آن سیستم لوله‌کشی آتش‌نشانی تر و خشک با استفاده از جعبه‌های استاندارد و منبع ذخیره ۳۰/۰۰۰ لیتری و سامانه اطفاء حریق در مکان‌های مورد نیاز استفاده شده است. در ضمن پروژه دارای لوله‌کشی مستقل جهت آبیاری فضای سبز هم هست.

تاسیسات الکتریکی:

باتوجه به ماهیت و کاربری فضاهای اصلی سالن‌ها و نیز جهت تامین مصارف عمومی ساختمان میزان دیمانند کل ۱۸۰۰kw است که به‌طور کامل توسط دو عدد مولد برق دیزلی به ظرفیت KVA1250 و KVA800 پشتیبانی میشود. سامانه‌های الکتریکی پروژه شامل نور و صوت حرفه‌ای سالن های تخصصی، برق‌رسانی و تلفن، سامانه اعلام حریق، شبکه اطلاع‌رسانی، دوربین مداربسته، سامانه ساعقه‌گیر و اتصال زمین مجهز میباشد. علاوه بر روشنایی ساختمان، روشنایی محوطه و نورپردازی ساختمان ها نیز پیش‌بینی شده است.

معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در رشت:

اولویت دولت اتمام پروژه‌های نیمه تمام است



گیلان فردا- معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در رشت با بیان این که اولویت دولت در اتمام پروژه‌های نیمه تمام است گفت: ۷۰ هزار پروژه نیمه تمام دولت دارد (مربوط به دولت های مختلف) که ۳۰۰ پروژه آن، مربوط به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. علی

اصغر کاراندیش معاون توسعه مدیریت و منابع وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، که در ۲۵ بهمن ماه از پروژه تالار مرکزی رشت بازدید کرد گفت: مشارکت بخش خصوصی و بانک‌ها برای تسریع در کار بسیار مهم است. وی افزود: ساخت تالار مرکزی رشت به عنوان یکی از زیر ساخت‌های فرهنگی و با هدف ارایه بستر مناسب برای انجام فعالیت‌های فرهنگی، هنری و موسیقی در سال ۱۳۸۶ آغاز شد. عواملی مانند فقدان تأمین اعتبار پروژه، پیچیدگی‌های فنی و رعایت موارد خاص آگوستیکی سالن کنسرت هال در طولانی شدن پروژه نقش بسزایی داشته است و حالیه این پروژه تقریباً به اتمام رسیده. همچنین تا حدی مشکل برگشت صدا در سالن کنسرت وجود داشت که با حضور شرکت‌های خارجی مرتفع نشد و در نهایت، با طراحی استادان داخلی این مشکل رفع شده است. و حالیه این پروژه تقریباً به اتمام رسیده و انشاءالله بزودی افتتاح می شود. کاراندیش اظهار کرد: تالار مرکزی رشت یکی از هشت تالار زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و تا کنون ۶۰۰ میلیارد ریال اعتبار برای ساخت این پروژه هزینه و اعتبار اتمام آن نیز تا پایان سال تأمین شده و تالار مرکزی رشت اوایل سال ۹۷ طی مراسم رسمی افتتاح میشود.

«گفتنی است پروژه تالار مرکزی رشت هم اکنون در مرحله اتمام محوطه سازی و عملیات دکوراتیو (آگوستیک سالن ها) است و مسئولان نوید داده اند که در فروردین ۹۷ این پروژه افتتاح و به بهره برداری برسد. انشاءالله»

نترکت مهندسیر متناور آباد



گیلان فردا- شرکت مهندسیر متناور آباد (سهامی خاص) طی شماره ۸۷۴۸۶ در سال ۱۳۷۰ در اداره کل ثبت شرکت های تهران به ثبت رسیده است و عضو جامعه مهندسان مشاور ایران بوده و دارای پروانه اشتغال به کار شخص حقوقی از وزارت راه و شهرسازی است و دفاتر شرکت علاوه بر تهران در شهرستان های رشت و آستارا مستقر هستند. شرکت علاوه بر خدمات مشاوره در مجموعه خدمات مشاوره و ساخت توأم نیز ثبت صلاحیت شده است.

رتبه‌بندی:

مهندسیر متناور آباد در رشته‌های «ساختمان های مسکونی، اداری، تجاری و خدمات شهری، آب و فاضلاب» و همچنین رشته‌های «ساختمان های آموزشی، بهداشتی درمانی، ورزشی، فرهنگی» و نیز تخصص های طراحی شهری و تاسیسات «رسته سازه» از طرف سازمان برنامه و بودجه کشور احراز صلاحیت و در آخرین فهرست سراسری منتشره سازمان برنامه و بودجه به کلیه وزارتخانه ها و دستگاه های اجرایی معرفی شده است. همچنین این شرکت گواهینامه استاندارد خدمات مدیریت از شرکت DQS را دارا می باشد.



بازدید دکتر سالیاری استاندار گیلان و معاون عمرانی و مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان به اتفاق مدیران مشاور آباد و مجریان پروژه در ۱۹ اسفند ۹۶



بازدید معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیران استانی از تالار مرکزی رشت در بهمن ۹۶



دکتر نصرتی، شهردار رشت:

پشت درهای بسته نمی توان مدیریت کرد



{ مجله اجتماعی - فرهنگی گیلان فردا | شماره هفتم - زمستان ۱۳۹۶ }



gilanland.ir

انتخاب شصت و پنجمین شهردار

گیلان فردا - سیزده شهریور ۱۳۹۶ دکتر مسعود نصرتی، با رای قاطع ۱۱ عضو شورای پنجم رشت به عنوان شصت و پنجمین شهردار رشت انتخاب شد.

وی دارای دکترای شهرسازی- گرایش جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و کارشناسی ارشد مدیریت دولتی و کارشناسی مهندسی عمران است. وی از سال ۱۳۷۰ فعالیت خود را در شهرداری قزوین شروع کرده است. و از سال ۱۳۹۲ تاکنون به عنوان رییس مجمع جهانی شهرهای اسلامی انتخاب شده است.

بر اساس آنچه که در رسانه‌ها آمده دکتر نصرتی در رابطه با معرفی مجمع در سطح جهان اسلام و البته در میان سایر کشورهای جهان فعالیت‌های موفق داشته است. تلاش او برای بهبود کیفیت زندگی شهری در قزوین باعث شد تاکنون دو بار در جایزه بهترین عملکردهای برنامه اسکان بشر ملل متحد مورد تقدیر قرار بگیرد. براساس شنیده‌ها وی با تلاش شبانه‌روزی زیر ساخت‌های توسعه شهری قزوین را به خوبی ایجاد کرد و با تمرکز روی آن، شهر را آماده یک جهش بزرگ دیگر ساخته است...

او تجربه‌های ارزنده‌ای در حوزه مدیریت شهری ایران و در طول نزدیک به سه دهه تلاش و کوشش در شهرداری آندوخته و البته آن‌ها را در مسیر تحقق توسعه پایدار در شهر قزوین به کار بسته است. شخصیت تعاملی و عملکردی نصرتی او را به چهره‌ای پیشرو در حل مسایل شهری تبدیل کرده که همواره آماده پذیرش نقطه نظرات و رویکردهای جدید در حوزه مدیریت شهری است...

شهر قزوین در دوره مدیریت نصرتی بر اساس ظرفیت‌های انجام شده در فرآیندی مسابقه‌ای و از میان شصت و شش شهر به عنوان پایلوت جهانی برنامه شکوفایی شهری انتخاب شد.

دکتر نصرتی؛ مقالات و سخنرانی‌های متعددی در خصوص رویکردها، چالش‌ها و ظرفیت‌ها شهرها و شهرداری‌ها ارائه کرده است.

وی از سال ۱۳۹۲ تاکنون به عنوان مدرس دانشگاه در حوزه آکادمیک فعالیت جدی داشته است.

تلاش‌های وی در برگزاری و میزبانی نشست‌های بین‌المللی؛ ظرفیت‌های بسیاری را برای معرفی شهر قزوین به همراه داشته است.

«معنویت و مدل شکوفایی برای شهرهای ایرانی اسلامی پایدار» کتابی است که دکتر نصرتی به رشته تحریر درآورده می‌تواند ابزار مناسبی برای سنجش شهری در حوزه تمدنی شهرهای اسلامی به شمار رود.

مسعود نصرتی، شهردار قزوین دو جایزه بین‌المللی BLP بهترین نشان عملکرد جهانی از سوی برنامه اسکان بشر ملل متحد (UN_HABITAT) به جهت پروژه احیای قنات‌های شمال شهر و احداث بوستان بانوان دریافت کرد.

تدوین برنامه مدت ۵ ساله شهرداری، قزوین ۲۰+ پروژه شهری فراشهری تحول‌گرا، برنامه‌ریزی جهت جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی برای اجرای پروژه‌های شهری و احداث‌های ویژه از جمله اقدامات وی در دوران تصدی شهرداری قزوین است. نصرتی در طول فعالیت خود، همواره یکی از ظرفیت‌سازان مؤثر در معرفی شهر قزوین و سایر شهرهای ایران و حتی جهان اسلام بوده است. تلاش او برای بهبود کیفیت زندگی شهری در قزوین دو بار در جایزه بهترین عملکردهای برنامه اسکان بشر ملل متحد مورد تقدیر قرار گرفته است. وی با تلاش شبانه‌روزی زیر ساخت‌های توسعه شهری قزوین را به خوبی ایجاد نموده و با تمرکز روی آن شهر را آماده یک جهش بزرگ دیگر ساخته است. وی پس از میزبانی کنفرانس جهانی شهرداران کشورهای اسلامی در خصوص شکوفایی شهری از سوی قائم مقام دبیر کل سازمان ملل به عنوان هماهنگ‌کننده برنامه شکوفایی شهری برای شهرهای اسلامی انتخاب گردید.

گیلان فردا - حتی اگر شهروند رشت هم نباشید ممکن است در ماه‌ها و سال‌های اخیر در مورد شهر رشت اخبار زیادی به گوشتان خورده باشد. خبرهایی مبنی بر پروژه‌های عمرانی شهر که علاوه بر داشتن موافقان، مخالفان زیادی هم داشته، تغییر مکرر شهرداران، فراز و نشیب‌های اعضای شورای شهر در مقاطع مختلف، پول‌های نجومی، حقوق‌های معوق، ترافیک سرسام‌آور در خیابان‌های کوچک و کم‌عرض قدیمی، چاله‌چوله‌های دائمی و آبگرفتگی معابر به واسطه جمع شدن آب‌های سطحی، زیبایی یا نازیبایی شهر، کساد بازار، وفور فارغ‌التحصیلان بیکار در شغل شریف دستفروشی! کمبود فضای سبز، نبود امکانات تفریحی، و بی‌بهره از اقتصاد گردشگری و ... در این بین پیاده راه فرهنگی و میدان مرکزی رشت هم که با هدف رونق اقتصادی و جذب گردشگر طراحی و بازسازی شده، علیرغم صرف هزینه زیاد و مقبولیت از سوی بسیاری از افراد، هنوز نتوانسته به کارکردهای اصلی خود دست یابد تا مخالفان را نیز به جرگه موافقان بیفزاید، چون نیازمند زیباسازی، خلاقیت و نورپردازی‌های ویژه چنین میدان‌هایی است.

از سوی دیگر رشت، شهری فرهنگی است. زمینش، هوایش، فضايش، مردمش و فرهنگش با شهرهای دیگر فرق می‌کند. و طبیعتاً شهر را گرداندن هم متفاوت است و خلاقیت و توانمندی خاص می‌خواهد.

ولی به نظر می‌رسد مهمترین گام در وهله نخست باید از سوی خود شهروندان برداشته شود و آن هم انتخاب افرادی توانمند و صاحب‌ایده و فکر برای شورا است تا آن‌ها نیز در یک خرد جمعی با نیازسنجی درست، با رعایت و اعمال قانون و انتخاب شهردار اصلاح‌قادر به پاسخگویی مطالبات شهروندان باشند.

از سیزده شهریور ۹۶ تا الان که روزهای پایانی اسفند ۹۶ را می‌گذرانیم با بالاترین رای در شورای پنجم، دکتر مسعود نصرتی (شهردار سابق قزوین) سکان شهر رشت را بعد گرفته‌اند. شاید بتوان گفت که در اوج بی‌پولی این مسئولیت به ایشان واگذار شده است. اما نمی‌توان قدرت خلاقیت و چانه‌زنی و ابتکار را هم نادیده گرفت. هرچند می‌دانیم که با چشم‌بندی هم نمی‌توان شهر را اداره کرد.

اما آنچه در سوابق دکتر نصرتی می‌خوانیم این است که ایشان همواره مدیر موفق بوده‌اند که امیدواریم در مقام شهردار رشت در سال آتی برگ زرین دیگری به سوابق کاری خود بیفزایند.

خیلی‌ها انجام ندادن هیچ‌گونه کار عمرانی در شش ماه اخیر در رشت را به خاطر کمبود بودجه می‌دانند و نگران هستند که اگر این وضعیت ادامه پیدا کند رشت بیش از پیش متضرر شود. اما وضعیت همین‌طور که نخواهد ماند. باید دست‌بند هم بدهیم و به قولی کنیم میهن مان را آباد. البته اگر کار عمرانی انجام نشد به جای آن میله‌های بی‌آر.تی مسیر بانک ملی تا میدان فرهنگ که هزینه زیادی برایش صرف شده و یکی از اقدامات شهردار سابق بود برچیده شد! لازم به ذکر است که با توجه به طول و عرض کم و کوتاه این مسیر و نبود مسیرهای تردد مناسب دیگر، نصب میله‌های بی‌آر.تی در هنگام اجرا مخالفان زیادی به همراه داشته است و صد البته پس از برچیده شدن این میله‌ها که در ماه اخیر انجام شد، همه (موافق و مخالف) به خاطر صرف هزینه زیاد در این پروژه و به بار نشستن آن یا به عبارت دیگر هدر رفت این همه پول و وقت و هزینه تاسف خوردند. و حسرت که چرا در این تنگنای اقتصادی که جامعه با آن رو به روست عدم کارشناسی درست و نابسامانی در کارها دیده می‌شود!

و اما برای اقدامات و کارنامه آینده دکتر نصرتی ارجمند فایده‌جویی می‌کنیم به این امید که با همکاری شورای محترم و همکاران عزیز شهرداری در کنار مردم شریف رشت خوش بدرخشند.

در هفتمین شماره مجله «گیلان فردا» در باره برخی از مسایل شهری از جمله بودجه، سراوان، شهر خلاق خوراک، نقش کشاورزی در اقتصاد شهر، جاده ابریشم و ... پای صحبت دکتر نصرتی می‌نشینیم. وی معتقد است که پشت‌درهای بسته نمی‌توان مدیریت کرد. وی همچنین ضمن تبریک فرا رسیدن عید نوروز و خبر آماده‌سازی شهر برای شهروندان و مهمانان نوروزی می‌گوید: «هدف ما حرکت به سوی توسعه پایدار و ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان است.»



انتخاب شهردار رشت به عنوان رییس هیات عامل بانک شهر در گیلان

گیلان فردا - مدیر عامل بانک شهر در کشور، طی نشست کوتاهی و ابلاغ حکمی شهردار کلانشهر رشت را به عنوان رییس هیات عامل این بانک در گیلان منصوب کرد.

دکتر حسین محمد پور زندی، تجربیات فراوان شهردار رشت و پتانسیل‌های موجود در این شهر را از دلایل انتخاب وی برشمرد و اظهار داشت: تحقق اهداف بانک از شهردار در پست جدید انتظار می‌رود. وی شناسایی پتانسیل اقتصادی منطقه و برنامه ریزی در جهت جذب منابع با هماهنگی مسئولان، ارائه طرح‌ها و پیشنهادات جهت دستیابی به مزیت‌های رقابتی متناسب با شرایط استان، ارائه رهنمودهای مدیریتی و سازنده به منظور تقویت و اثر بخشی شعب بانک در استان را از جمله اهداف خواسته شده از مسعود نصرتی به عنوان شهردار رشت اعلام کرد و خاطر نشان کرد: رعایت کامل قانون عملیات بانکداری بدون ربا و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های بانک مرکزی جی. ای. او بانک شهر، ارتقای موقعیت شعب این بانک در سایه اعمال ابتکار، خلاقیت و نوآوری و انجام اقدامات لازم به منظور ایجاد درآمد و خدمت‌رسانی بهتر شعب بانک شهر با رعایت کامل مقررات و حفظ منافع سازمانی از دیگر موارد همکاری شهردار رشت با بانک شهر است.



شهردار رشت چهره برتر سال ۹۶ راه و ساختمان در دسته شهرهای بالای ۲۵۰ هزار نفر شد

به گزارش اداره اطلاع‌رسانی مدیریت ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری رشت، در پایان نظرسنجی صورت گرفته در کشور، شهردار رشت با کسب ۶۹۹۱ رای در دسته شهرداران شهرهای بالای ۲۵۰ هزار نفر در صدر قرار گرفت و عنوان چهره برتر سال ۹۶ در این دسته را به خود اختصاص داد.

تامین مالی سنتی باسکوی شهر رشت نیست

دکتر نصرتی با اشاره به بدهی ۱۰۰ میلیارد تومانی شهرداری رشت به اداره دارایی خاطر نشان کرد: سایر شهرداری‌های کشور، با دریافت اعتباراتی، بدهی خود را پاس کرده‌اند زیرا اطلاع‌رسانی برای دریافت اعتبارات برای آنان به موقع انجام شده است اما این ضعف در رشت وجود داشته و در نهایت شرایط دریافت اعتبارات برای این شهر مهیا نشد. وی با بیان این که پشت درهای بسته نمی‌توان مدیریت کرد گفت: سایر شهرها اوراق قرضه خود را منتشر کرده‌اند اما رشت به تامین مالی سنتی مشغول بوده است و با این روش نیز کاری از پیش نمی‌رود.

شهردار کلانشهر رشت بر لزوم پیگیری طلب‌ها و راهکارهای تامین منابع مالی تاکید و تصریح کرد: ادارات تابعه درصدد تهاثر بیمه هستند اما بیمه نیز نزدیک به ۴۰ میلیارد تومان بدهی داشته و پیگیری این مساله نیز نیاز به مدیر موضوعی دارد. وی با اشاره به در نظر گرفتن جایزه خوش‌حسابی برای شهروندان و استقبال شهروندان از این اقدام

گفت: مراقبت از این پروژه باید اعمال شده و مدیران مناطق باید در مدیریت این مساله ورود کنند. وی با تاکید بر تراز پروژه‌های اقتصادی و غیر اقتصادی افزود: همه پروژه‌ها باید اقتصادی بوده و جمع‌پروژه‌ها نیز باید سود اقتصادی به همراه داشته باشد.

دو هزار پرونده تخریبی در شهر وجود دارد

شهردار رشت همچنین در مورد موضوع طرح تفصیلی نیز بیان داشت: در شهر دو هزار پرونده تخریبی وجود دارد در حالی که این پرونده‌ها سرمایه‌های ملی بوده و چنین آماري فاجعه آمیز است. وی گفت: سه ماه برای بازنگری طرح تفصیلی فرصت لازم است و در این مدت نیز باید برابر طرح تفصیلی قبلی کار شود.

مدیر سایت مرکز سروان معرفی و مستقر خواهد شد

وی در ادامه پیرامون حل مشکلات مربوط به زباله در منطقه سروان نیز افزود: قرار شد یک مدیر سایت به طور ثابت در مرکز سروان معرفی و دو دستگاه سمپاش با توانایی شش لیتر بر ثانیه مشغول به کار شوند. شهردار خاطر نشان کرد: تسطیح جاده دسترسی به منطقه سروان در حال انجام بوده و تا چند روز آینده آسفالت می‌شود. وی افزود: استاندار با تقاضای تاسیس شرکت ویژه سایت سروان از طرف شهرداری موافقت کرده‌اند. و تجهیزات مورد نیاز برای منطقه سروان نیز خریداری شده است. همچنین با پرداخت ۲۵ میلیارد تومان برای خرید دستگاه زباله‌سوز با حمایت استاندار و نمایندگان مجلس نیز موافقت شده است.

شهردار رشت با اشاره به مشکلات فراوان در شهر پیرامون بازگشایی مسیرها گفت: هرچه که از سوی مجموعه مدیریت شهری بیان می‌شود باید دست‌یافتنی بوده و نباید قول مازاد بر توان به شهروندان داد.

نصرتی بازگشایی مسیر و حل مشکلات ترافیکی را مختص شهرداری ندانست و با اشاره به این که با توجه به مشکلات گذشته شهرداری به سختی در حال اداره کردن امورات است و نمی‌تواند ملک جدید برای بازگشایی مسیر خریداری کند گفت: استاندار و مراجع قضایی برای خریداری ملک و بازگشایی مسیرهای شهر باید ورود کنند.

جایگاه کشاورزی در عرصه فعلی جاده ابریشم باید تغییر کند

شهردار با اشاره به وجود ۴۱ شهری که در مسیر جاده ابریشم قرار دارند و وجود ۷ منطقه آزاد تجاری در این مسیر خاطر نشان کرد: ارتباط میان صنایع کشاورزی در این شهرها و مناطق باید به هم‌گره بخورند تا بتوان از آن بهره‌برداری کرد.

وی ضمن برشمردن ویژگی‌های جاده ابریشم ایران و تاثیر هزار و ۷۰۰ ساله آن تصریح کرد: وضعیت فعلی این کشور با جایگاه کشاورزی فعلی و شعار یک جاده، یک کمربند در محور جاده ابریشم برای چین‌حائز اهمیت فراوانی شده است.

رییس مجمع جهانی شهرهای راه ابریشم گفت: در گذشته امورات کشاورزی، تولید، بازرگانی و اقتصاد به صورت نانوشته در مسیرهای آبی و خاکی انجام می‌شد اما امروز برنامه ریزی‌های نوینی در مجموعه جهانی شهرهای ابریشم در ایران تدوین شده است. وی افزود: علاوه بر مباحث بازرگانی، سیاسی و اقتصادی خاص، جایگاه کشاورزی در عرصه فعلی جاده ابریشم نیز باید تغییر کند. وی با اشاره به وجود ۵۸ کشور، ۳۰۰ شهر اصلی و ۹۰۰ شهر و روستای فرعی از شرق چین تا غرب اروپا در مسیر جاده ابریشم اظهار داشت: تبادل و تعامل با این کشورها در سطوح کشاورزی میسر است و می‌توان برای تولید و عرضه محصولات با منابع آبی فعلی، مدیریت و برنامه ریزی کرده‌گفته دکتر نصرتی عرضه محصولات کشاورزی در واردات و صادرات یکی از فضاهای اقتصادی موجود در تجارت جاده ابریشم است. وی با بیان این که نگاه درستی نیست اگر بخواهیم هنوز به صادرات و واردات قبلی بپردازیم زیرا همه چیز تغییر کرده به لزوم تغییر جایگاه کشاورزی در عرصه فعلی جاده ابریشم اشاره کرد و گفت: برای موفقیت در اقتصاد کشاورزی نیاز است که از ظرفیت‌های آب و خاک کشورهای واقع در مسیر جاده ابریشم استفاده شود.

وی با ذکر مثالی از کشور تاجیکستان گفت: براساس تفاهم‌نامه امضا شده با این کشور در سال گذشته، اعلام



۴۱ شهر و هفت منطقه آزاد تجاری در مسیر جاده ابریشم قرار دارند که برای ارتباط میان صنایع کشاورزی در این شهرها و مناطق باید به هم‌گره بخورند تا بتوان از آن بهره‌برداری کرد

شد که ایران آمادگی دارد تا بسیاری از محصولات کشاورزی ایرانی و غیرایرانی را در تاجیکستان تولید و عرضه کند.

وی با بیان این باید با وظیفه مداری، هم در حوزه علمی و دانشگاهی و هم در حوزه اجرا، صنعت کشاورزی را پیش ببریم تاکید کرد: عرصه بین المللی جاده ابریشم این ظرفیت را ایجاد می کند که از تمام کشورها و شهرهای واقع در مسیر به نحو مناسب بهره برداری کنیم

شهردار کلانشهر رشت گفت: شاید نیاز نباشد در تمام بندهای مربوط به کشاورزی خودکفا شویم زیرا عرصه بین المللی این امکان را فراهم کرده تا از تمام ویژگی های همدیگر از راه تبادل استفاده کنیم. وی با اشاره به

تفاهم نامه امضا شده با کشور چین توسط رئیس جمهور در سال ۲۰۱۶ ادامه داد: از تعداد ۱۷ تفاهم نامه شش تفاهم نامه مربوط به جاده ابریشم بود که صنعت کشاورزی جزو توافقات اصلی تفاهم نامه امضا شده

میان ایران و چین است. وی با تاکید بر این که با کمبود آب نیز می توان فعالیت های مفیدی در عرصه کشاورزی بر اساس پتانسیل های موجود انجام داد، خاطر نشان کرد: در تجارت بازرگانی، صادرات و واردات، این ظرفیت در مجمع وجود دارد که شرایط برای امورات کشاورزی در مبدا و مقصد شهرهای اطراف جاده ابریشم ایجاد شود و نیاز نیست که با کمترین منابع آبی در بسیاری از کشورها، اقدامات به شکل سنتی انجام شود.

■ امروز بدهی شهرداری رشت ۷۳۰ میلیارد تومان است

دکترنصرتی با بیان این که ما در شهرداری رشت با گرفتاری هایی روبرو هستیم که به سال های قبل برمی گردد اظهار داشت:

امروز بدهی شهرداری رشت ۷۳۰ میلیارد تومان است و وضعیت بودجه شهرداری رشت منطقی نیست و فشارهایی برای ما وجود دارد که باید مرتفع شود. از سوی دیگر معمولا املاک شهرداری طبق قانون باید برای پروژه های عمرانی صرف شود و اگر شرایط شهرداری عادی بود ما به سراغ وام و فروش املاک نمی رفتیم

وی گفت: سه کد وام، املاک و انتشار اوراق همیشه باعث متورم شدن بودجه بوده و گاها درآمد تحقق نیافته ولی هزینه های آن انجام شده است. یعنی ما قراردادهای عمرانی بسته ایم و هزینه شده است و من با شورا رسماً مکاتبه کرده ام که بسیاری از این تعهدات امروز آرای دادگاه هستند.

وی خاطرنشان کرد: امروز اگر پرداختی به بسیاری از پیمانکاران که پای شهرداری ایستاده اند صورت نگیرد قدم از قدم نمی توانند بردارند.

شهردار افزود: وام، انتشار اوراق مشارکت و اسناد خزانه برای پروژه ها، خاص فعالیت هایی است که همه شهرداری

امروز بدهی شهرداری رشت ۷۳۰ میلیارد تومان است و وضعیت بودجه شهرداری رشت منطقی نیست و فشارهایی برای ما وجود دارد که باید مرتفع شود

ها انجام می دهند، ما به هر دنده ای بچرخیم یکسری هزینه ها مانند رفت و روب و جمع آوری زباله ها و ... را باید انجام دهیم و هزینه های جاری ما اجتناب ناپذیر است.

وی با اشاره به برنامه های ساخت و ساز و آبادانی در منطقه پنج گفت: اگر این کار انجام شود و پیمانکاران بزرگ زمین ها را از ما به عنوان منابع تحویل بگیرند کارها پیش می رود تا زمانی که پیمانکاران کلان رشت مطمئن نبودند همراهی نمی کردند ولی به محض این که احساس کردند کار شروع می شود ورود کردند.

وی اضافه کرد: طبیعتاً راحت تر است بودجه ۵۰۰ میلیاردی بسته شود و کارها پیش برود اما وقتی زیر بار این بودجه با این شیوه می رویم گرفتاری و سختی هم دارد و احتیاج است که به ما کمک شود و این امر از نظر ما شدنی است. همه با هم باید همدل شوند

تا کارها راه بیفتد و گرنه نمی توان ریسک کرد و باید با بودجه اندک کارها را پیش برد. شهردار رشت افزود: ما باید کاری کنیم تا این سه کد خاص به نتیجه برسد و مقدمات آنها را فراهم کنیم. بانکها باید همراهی کنند و انتشار اوراق حمایت نمایندگان را نیاز دارد.

■ ۲۹ میلیارد تومان هزینه شهرداری رشت در مسکن مهر پس گرفته شود

وی با اشاره به این که شهرداری رشت در مسکن مهر ورود کرد در حالی که هیچ شهرداری در کشور ورود نکرده است گفت: ۲۹ میلیارد تومان باید هزینه های

ما پس گرفته شود و مابقی هزینه های مسکن مهر را باید خود دولت هزینه کند. ما موردی موضوعات را بررسی می کنیم و جدیداً با فشار و ارایه مستندات برخی از سازمان ها و ادارات پذیرفته اند به شهرداری بدهکار هستند. شهردار همچنین در مورد مشکلات موجود در منطقه مسکن مهر نیز

بیان کرد: در رشت پروژه هایی از جنس مسکن مهر که حق و حقوق فراموش شده ای دارند وجود دارد. وی گفت:

بخشی از امورات مسکن مهر بر عهده شهرداری گذاشته شد در حالی که انجام آن همچون جمع آوری آب های سطحی هیچ ارتباطی به شهرداری ندارد. شهردار رشت ادامه داد:

مسکن مهر سایتی مستقل بوده و مستقل نیز باید هدایت شود

■ ۷۵۰ پرونده شهرداری به دیوان رفته است

نصرتی با اشاره به ۷۵۰ پرونده از شهرداری در دیوان اظهار داشت: بین ۱۴ کلانشهر ما رتبه ۵ را از نظر تعداد پرونده ها داریم و زمانی که جمعیت را ورود دادند ما نفر اول شدیم.



نگاه درستی نیست اگر بخواهیم هنوز به صادرات و واردات قبلی پردازیم زیرا همه چیز تغییر کرده و اقتصاد کشاورزی نیز باید تغییر کند





جمع آوری میله‌های بی آر تی، اقدام لازم جهت حفظ جان و ایجاد امنیت

گیلان فردا - پنجمین شورای اسلامی شهر رشت مصمم است تا با پیگیری جدی امور محوله و حمایت از شهردار انتخاباتی، گام‌های بهتری در جهت توسعه و آبادانی شهر بردارد. با هم بعضی از نظرات اعضای شورا را که به اختصار آمده مرور می‌کنیم.



شیرزاده: موضوع کتاب و کتابخوانی شهروندان دغدغه مشترک بین اداره ارشاد اسلامی و مجموعه شهرداری است. و فعالیت‌های امکنی همچون کافه کتاب، راه اندازی قرائت‌خانه و اتوبوس‌های سیار کتاب در شهر و استان مهم است. و باید با استفاده از بودجه‌های استانی، حمایت مدیران شهری و به کارگیری همه ظرفیت‌ها پروژه‌های نیمه‌تمام حوزه کتاب و کتابخوانی به سرانجام برسد.



عاقل منش: موضوع طرح پایتخت کتاب و سایر ایده‌هایی که در راستای ارتقای سطح کتابخوانی شهروندان است باید مورد حمایت همه نهادهای زیربسط قرار گیرد. با اعلام تشکیل کمیته پیگیری طرح شهر پایتخت کتاب ایران خواستار مشارکت تشکل‌ها و سازمان‌هایی از قبیل صنف کتابخانه‌های شهر، شهرداری، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و آموزش و پرورش برای رسیدن به این هدف هستیم.



سید امیر حسین علوی، رییس شورا: شعار شورای پنجم، حرکت بر محور عقلانیت و قانون و خدمت‌سازانه به مردم است و بر همین اساس نیز همه اعضای شورا به منظور رفع مشکلات به شهردار رشت کمک می‌کنند و امیدواریم تمامی مدیران شهرداری، نسبت به انجام وظایف خود اهتمام بیشتری بخرج داده و رشت ۹۷ را بهتر از سال‌های پیشین برای شهروندان مهیا و به گردشگران معرفی نمایند.



فرهام زاهدی: جمع آوری میله‌های بی آر تی، اقدام لازم جهت حفظ جان، ایجاد امنیت و جلوگیری از ایجاد هزینه‌های اضافه از جیب شهروندان است. همچنین فقدان یک دستورالعمل مشخص در مورد کمک به ورزشکاران و هیات‌های ورزشی، رویکرد سلیقه‌ای و عدم رعایت عدالت در این باره نتیجه نداشتن برنامه مشخص است. باید کمک به قهرمانان با توجه به مقطع قهرمانی آن‌ها و تأیید فدراسیون‌های مربوطه صورت گرفته و برخورد‌های سلیقه‌ای از میان برود. کسب مدال بین‌المللی توسط ورزشکاران رشتی یک افتخار برای شهر و شهروندان است و باید درخور شان تجلیل شوند.



محمد حسن علییوبی: باروی کارآمدن شهردار جدید رشت مشکلات پرداخت به موقع و کامل حقوق و مزایای کارگران شهرداری مرتفع شده است. در دین مبین اسلام پرداخت به موقع حقوق کارگران مورد تأکید است و این مهم باید مورد توجه سازمان‌های تابع شهرداری رشت باشد. و در حال حاضر حقوق بهمن جزو مطالبات کارگران شهرداری رشت است و امیدوارم به زودی پرداخت آن در دستور کار شهرداری رشت قرار بگیرد.



جلال‌الدین محمد شکرپی: بازار رشت هیچ نقشی در تصمیم‌گیری به منظور اجرای بی آر تی بر عهده نداشت. بازار عضو شورای ترافیک و تأمین استان نیست بنابراین موافقت و مخالفت بازاریان با اجرای بی آر تی تأثیری در تصمیم‌گیری مجریان آن نداشت. مصوبات شورای اسلامی برگرفته از خرد جمعی است و همه باید آن را بپذیریم اما مصوبات باید به گونه‌ای اجرا شود که شریان اقتصادی بازار بسته نشود. پیاده‌راه فرهنگی رشت نیازمند بازنگری و تغییر هندسی است و باید تردد به صورت جدیدی در آن تعریف شود. احداث پیاده‌راه با هدف جذب سرمایه‌گذار و ایستایی کردن گردشگر انجام شد و قرار بود این پروژه موجب چرخه بهتر اقتصادی در شهر و بازار شود که این مهم محقق نشد.



رمضانپور: در شرایط فعلی نمیتوانیم نسبت به بازگشایی خیابان‌ها اقدام کنیم و باید از ظرفیت‌های موجود در راستای رفع مشکل ترافیکی بهره‌مند شویم. اجرای بی آر تی در رشت موجب خانه‌نشینی برخی از افراد شد. امروزه در کشورهای توسعه‌یافته دنیا بسیاری از شهرها دارای پیاده‌راه هستند. اما وقتی در پیاده‌راه رشت قدم میزنیم احساس میکنیم در قبرستان گام برمیداریم. صحبت‌هایی با رییس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهرداری رشت پیرامون وضعیت پیاده‌راه انجام شده تا از این حالت خارج شود.



حجت جذب: بعضی از فلکه‌های رشت اصلاً به درستی بنا نشده است. خودروها در فلکه خیابان هاشمی اصلاً شرایط مناسب برای حرکت ندارند و برخی از آن‌ها تبدیل به چهارراه شده‌اند و متأسفانه برخی از خودروها در وسط شهر توقف و مسافر سوار یا پیاده می‌کنند و این اقدام مشکلات ترافیکی رشت را افزایش می‌دهد. بسیاری از ایستگاه‌های تاکسی در واقع ورودی خیابان‌ها هستند و باید اصلاح شوند.



اسماعیل حاجی پور: بیش از ۴۶ درصد بودجه عمرانی سال ۹۷ شهرداری رشت به پروژه‌های ترافیکی اختصاص یافته است. تا زمانی که اطلاع‌رسانی مناسب درباره راه‌اندازی مرکز کنترل ترافیک و ثبت تخلفات رانندگی از طریق دوربین‌ها به شهروندان انجام نشود اجازه ثبت تخلف را نخواهیم داد. اخیراً مسیر اجرای کانال ژینج بازدید و بررسی انجام شد و خوشبختانه هیچ گونه معارضی در آن وجود ندارد. کانال ژینج در سه فاز اجرایی می‌شود. فاز نخست اجرای این پروژه از بیجارنه آغاز و تا هلال احمر واقع در جاده انزلی ادامه دارد و فاز دوم آن از پشت گلسار به جاده پیربازار و فاز سوم آن نیز از پیربازار به سمت احمدگوراب اجرایی می‌شود.



رضا رسولی: تا کنون حدود ۳۵۰ میلیارد تومان از ۹۰۰ میلیارد تومان بودجه سال ۹۶ شهرداری رشت تحقق یافته است و در بهترین حالت به ۴۰۰ میلیارد تومان افزایش پیدا می‌کند. وام و پروژه‌های مشارکتی در بودجه سال گذشته محقق نشد و معتقدم درباره پروژه‌های نیمه‌تمام و مستمر باید ۵۰ درصد اعتبار لازم را در بودجه پیش‌بینی کنیم تا انحراف ایجاد نشود. اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام شهرداری رشت در اولویت است. هشت میلیارد تومان برای اجرای پروژه تصفیه‌خانه سراوان در بودجه سال ۹۷ شهرداری رشت پیش‌بینی شده و این مهم یکی از اولویت‌های شهر است.



حامد عبداللہی: این افراد در دوره چهارم شورای اسلامی شهر رشت ۲۳ نفر بودند که در حوزه‌های مختلف برای امر مشاوره با آنان قرار داد همکاری بسته شد. و مهلت قرارداد این مشاوران تا پایان سال بوده است. بر طبق توافقاتی که با دیگر اعضای شورای شهر رشت داشته‌ایم قرار شده است بعد از اتمام قرارداد این ۲۳ نفر، دیگر قرارداد جدیدی با این افراد بسته نشود.



ماه پسند، مدیر امور مالی شهرداری:

حقوق کارکنان به روز رسانی شد

وی همچنین از تمدید اعتبار دفترچه های تامین اجتماعی کارکنان شهرداری رشت خبر داد و تصریح کرد: علاوه بر آن تسهیلاتی نظیر هتل در مشهد مقدس و استخر برای کارکنان شهرداری در نظر گرفته شده است و حقوق معوقه پرسنل رسمی و قراردادی پس از ۲ تا ۳ ماه وقفه به روز رسانی شد.

مدیر امور مالی شهرداری رشت در خصوص کارت های هدیه گفت: کارت هدیه نوروز ۹۵ در دوره جدید مدیریت شهری پرداخت شد و کارت های هدیه روز پدر، روز زن، بازنشستگان و آتش نشانی نیز پرداخت شد. ماه پسند در مورد پرداخت کارت هدیه شب یلدا برای نیروهای حجمی و رفت و روب گفت: برقراری حقوق و مستمری بازنشستگان شهرداری پس از قریب به پنج ماه از دیگر خدمات ارایه شده است و پرداخت حق سنوات گذشته پرسنل بازنشسته شهرداری نیز انجام شده است

وی از تهیه تفریغ بودجه سال ۹۴ خبر داد و گفت: برنامه ریزی های لازم جهت تهیه کلیه لوازم و تجهیزات لجستیک مناطق و سازمان ها در ستاد بحران انجام شده است. و شهرداری رشت در راستای تکریم کارکنان و پرداخت حق و حقوق پرسنل توان خود را به کار بسته است و جا دارد از پیگیری های مستمر ریاست و اعضای محترم شورا و شهردار محترم رشت کمال تشکر را داشته باشیم.

وی ضمن قدردانی از تمامی واحدها به ویژه شهرداری های مناطق که در تولید درآمد نقش آفرینی کردند افزود: دکتر نصرتی شهردار رشت انتظار دارند با حفظ وحدت و همدلی، راه آغاز شده را با قدرت ادامه بدهیم تا گامی موثر در راستای کاهش مشکلات مردم برداشته شود و خدمات شایان توجهی از سوی کارکنان شهرداری رشت ارایه شود تا رضای خداوند و شهروندان را به همراه داشته باشد.

وی با اشاره به مشکلات اجرایی پروژه های عمرانی گفت: برای پروژه هایی که برای شهر اولویت دارند اسناد خزانه در نظر بگیرید که وقتی کاری شروع می شود پروژه زخمی نشود. این امر در سال ۹۷ بسیار نیاز است.

گیلان فردا - مجتبی ماه پسند، مدیر امور مالی شهرداری رشت از به روز رسانی حقوق پرسنل و کارکنان شهرداری خبر داد. وی گفت: با تاکید و پیگیری دکتر نصرتی شهردار محترم رشت و ریاست و اعضای محترم شورای اسلامی شهر رشت معوقات حقوق، بیمه و مزایای پرسنل شهرداری رشت پرداخت شد.

ماه پسند با اعلام این که حقوق مهر ماه پرسنل بخش رفت و روب و فضای سبز از سوی شهرداری پرداخت شده است گفت: طبق بندهای ۱-۳-۵ و ۳-۵-۳ قرارداد منعقد شده دو ماه حقوق پرسنل بر عهده شرکت های طرف قرارداد است و باید سریعاً نسبت به پرداخت حقوق آنان و آذر اقدام کنند. که در منطقه یک شرکت های پیام سبز سحر و دهکده سبزپوش، در منطقه دو شرکت های کادوس سبز کوهسار، سیمین کاران، نورتابان و قاصدک سبز شمال، در منطقه سه شرکت های آهو تازان، سبز زیور و دروازه سبز شمال، در منطقه چهار شرکت های مهر گستر تابناک و خیزران سازه و در منطقه پنج شرکت های سبز زیور و پیام سبز سحر طرف قرارداد هستند.

وی در مورد نیروهای شرکت های حجمی مستقر در سازمان عمران، کود آلی، کمپینگ عینک، راه بند و خدماتی حوزه مرکز گفت: حقوق های مربوط به این حوزه ها تا پایان آبان ماه پرداخت شده است.

وی در خصوص نیروهای نگهداری شرکت مجریان نظم گیل توضیح داد: صورت وضعیت دو ماهه مهر و آبان این نیروها در حال جمع بندی است و به محض تهیه و ارایه لیست از سوی ناظرین سریعاً پرداخت خواهد شد و تخصیص لازم در نظر گرفته شده است.

ماه پسند از پرداخت حقوق آبان ماه رانندگان خبر داد و در ادامه با اشاره به چندین ماه وقفه ای که در گذشته در خصوص بیمه تکمیلی پرسنل وجود داشته است گفت: این بیمه با پیگیری های صورت گرفته مجدداً برقرار شد.



ارباب رجوعان این تعهدات پشت در امور مالی شهرداری و مناطق هستند. مدیر برنامه و بودجه شهرداری رشت افزود: شهرداری جلسات متعددی برای اولویت بندی پروژه ها داشته است تا پروژه هایی که ضرورت دارد اجرایی شوند. خدابخشی، مدیر برنامه و بودجه شهرداری رشت همچنین در بخش دیگری گفت: حتی یک درصد انحراف بودجه در پیاده راه نداشتیم و عملکرد شهرداری در حوزه پیاده راه شفاف است. در بودجه عمرانی رشت ردیف های اعتباری پیش بینی شد که پروژه های مختلفی در سطح رشت از جمله پیاده راه را در بر می گیرد. مثلاً برای المان، مبلمان پیاده راه ردیف اعتباری در نظر گرفته شده است و این ها ردیف های بودجه ای است که توسط شورای محترم اسلامی در سال ۹۴ مصوب شده است. شهرداری بابت هر هزینه ای می تواند از ردیف تعیین شده تامین اعتبار کند و این اتفاق هم افتاده است.

آمنه خدابخشی، مدیر برنامه و بودجه شهرداری رشت:

پروژه های عمرانی شهرداری رشت در بودجه ۹۷ قابلیت حذف شدن ندارند

گیلان فردا - مدیر برنامه و بودجه شهرداری رشت درآمد شهرداری رشت تخمینی است و حتی در باره درآمد ارزش افزوده نیز با توجه به تورم و... نمی توانیم با اطمینان کامل صحبت کنیم گفت: سه آیتام وام، فروش اموال و سرمایه گذاری در بودجه سال ۹۷ شهرداری رشت مورد توجه است
وی با بیان اینکه طی سال های گذشته تعهداتی در شهرداری رشت ایجاد شده است گفت: هیچ کدام از پروژه های عمرانی مطرح شده شهرداری رشت در بودجه ۹۷ قابلیت حذف شدن ندارند.

خدابخشی افزود: پروژه های مشارکتی شهرداری در سال ۹۷ یک میلیارد و پانصد میلیون تومان ارزیابی شده و در اجرای پروژه های جدید برای رشت باید اولویت ها مورد توجه باشد وی بودجه عمرانی پیشنهادی شهرداری رشت در سال ۹۷ را ۶۸۰ میلیارد تومان اعلام و تصریح کرد: این بخش از بودجه شهرداری رشت در مقایسه با سال ۹۶ حدود پنج درصد افزایش داشته است. وی با اشاره به تعهدات انجام شده در سال های گذشته اظهار داشت:



United Nations
Educational, Scientific and
Cultural Organization



RASHT
City of
Gastronomy

Designated
UNESCO Creative City
in 2015

فاطمه قدیمی، مدیر برنامه های یونسکو در رشت در همایش چهره های نامی بانوی ایرانی «خلاقیت و تاثیرات آن در حوزه اشتغال زنان»:

به خلاقیت ها و توانمندی های بانوان بیشتر اعتماد کنیم

گیلان فردا - انسان های خلاق و نوآور همواره راهی جدید و طرحی تازه به ذهنشان می رسد. راه و طرحی نو که برای شکوفا شدن علاوه بر بستر مناسب به اعتماد و پشتیبان هم نیازمند است. هر چند در این مسیر ممکن است شخص مسیر دشواری را پیش رو داشته باشد اما نوآوری و خلاقیت در هر حوزه و در هر جنسیت همیشه با ارزش است. در همین راستا علاوه بر مردان زنان موفق هم داشته ایم که توانسته اند در حوزه های کاری خود خوش بدرخشند. در همین راستا همایش چهره های نامی بانوی ایرانی «خلاقیت و تاثیرات آن در حوزه اشتغال زنان» واسط اسفند ۹۶ در تهران برگزار شد که خانم فاطمه قدیمی حرفه رییس روابط عمومی شهرداری و مدیر برنامه های یونسکو در رشت در این همایش شرکت داشتند. گزارشی از مطالب ارائه شده توسط ایشان در ادامه به نظر تان می رسد:



قدیمی، رییس روابط عمومی شهرداری و مدیر برنامه های یونسکو در رشت در این همایش ضمن تبریک روز زن اظهار داشت: بانوانی که الگویی همانند حضرت فاطمه زهرا (س) را سرمشق خودشان قرار دادند و ثابت کردند که در هر زمانی و هر مکانی جز عشق به فاطمه و فاطمه بودن مسیر دیگری را نمی شناسند به موفقیت های زیادی رسیده اند...

مدیر برنامه های یونسکو در شهر خلاق رشت در خصوص چیستی و فواید شبکه شهرهای خلاق دنیا گفت: ۷۷ کشور، ۱۸۰ شهر در شبکه ای به نام شبکه شهرهای خلاق در هفت محور خلاقیت کنار هم گرد آمده اند. وی خلاقیت را عنصری تحول آفرین و آرمانگرایانه در راستای پیشرفت جوامع بشری عنوان کرد و گفت: امروزه با توجه به رشد جمعیت، محدودیت منابع و از سوی دیگر رشد و توسعه علم و فناوری، خلاقیت به عنوان عنصری تحول آفرین و آرمانگرایانه در راستای پیشرفت جوامع بشری شناخته می شود و باید از این عنصر به عنوان عامل برتری شهرها و کشورها بر یکدیگر یاد کرد که می تواند زمینه ساز رشد و ظهور ظرفیت های نهفته در پهنه های مختلف جغرافیایی و رشد اقتصادی و فرهنگی باشد.

قدیمی با بیان این که خلاقیت امروزه دریچه های جدیدی را به روی انسان باز می کند افزود: این خلاقیت می تواند در سبک زندگی افراد به کار گرفته شود و یا در کسب و کار و آموزش و فرهنگ سازی لحاظ شود. می تواند در سیاست گذاری شهری و یا ملی دیده شود و یا با تعامل و رسیدن به زبان و منافع مشترک میان ملل مختلف به کار گرفته شود.

اما در همه حال نمی توان از نقش بانوان در تحقق اهداف دیپلماسی مبتنی بر خلاقیت

چشم پوشید. ضمن آن که اقلیم و همینطور سبک زندگی جوامع نیز در نحوه بروز این خلاقیت تاثیرگذار است.

وی ادامه داد: دیپلماسی مبتنی بر خلاقیت می تواند آینده جوامع را تحت تاثیر قرار دهد و پایه گذار بسیاری از سیاست ها و روابط بین کشورها باشد و حتی مانع از بسیاری از جنگ و کشتارها شود.





وی با تاکید بر این که با نگاهی خلاقانه می توان بسیاری از محدودیت ها را تبدیل به فرصت کرد، افزود: تعریف منافع مشترک بر پایه خلاقیت و ایجاد فرصت های مکمل بین جوامع، تبادل تجربیات خلاقانه شهرها و کشورها، تشکیل مجامع جهانی و تعریف ظرفیت های اقتصادی مشترک و نوآورانه و همچنین حفظ و ترویج و صدور فرهنگ های اصیل جوامع مختلف نمونه هایی از مواردی است که جایگاه خلاقیت را در آینده حیات بشر نشان می دهد.

قدیمی ادامه داد: با محدودیت منابع تجدید ناپذیر و منابعی که تجدید آن ها به میلیون ها سال زمان نیاز دارد بشر ناگزیر به سمت تکیه بر درآمدهای حاصل از تولید و یا ارائه خدمات خلاقانه سوق پیدا کرده است. امروزه انبیه تاریخی با معماری های خلاقانه، صنایع دستی منحصر به فرد هر خطه، خوراک های خلاقانه و نظایر آن، ظرفیت های کم نظیری را برای ایجاد درآمدهای پایدار، کارآفرینی و ایجاد اشتغال، جذب گردشگر و رونق صنعت گردشگری و به تحرک درآوردن چرخه اقتصادی در سطح محلی، ملی و حتی فرا ملی ایجاد نموده است.



مدیر برنامه های یونسکو در شهر خلاق رشت عنوان کرد: شهر خلاق، متشکل از طبقات و انسان های خلاق است که با ایده های نو و فرصت سازی از ظرفیت های موجود، راهگشای مشکلات امروز جوامع می شوند و در چنین شهرهایی، طبقه خلاق ضمن آن که فرصت تحقق ایده های منطبق با واقعیت خود را به دست می آورد مسئولیتی خطیر را به دوش می کشد.

وی محورهای خلاقیت را خوراک شناسی، رسانه، ادبیات، صنایع دستی، طراحی، هنرهای آئینی، هنرهای نمایشی و موسیقی برشمرد و گفت: از سال ۲۰۰۹ برای اولین بار تعدادی از شهرها به این شبکه پیوستند. وی خاطرنشان کرد: ایران دو شهر خلاق ثبت شده در شبکه جهانی شهرهای خلاق یونسکو دارد. اصفهان در حوزه صنایع دستی و رشت در حوزه خلاقیت خوراک که در سال ۲۰۱۵ به این شبکه اضافه شده اند. مدیر برنامه های یونسکو در شهر خلاق رشت ضمن امیدواری برای پیوستن شهرهای بیشتری از ایران به شبکه خلاق دنیا افزود: انتظار می رود در سیاست گذاری های کلان با توجه به جایگاه خلاقیت، برنامه ریزی های ویژه ای با در نظر گرفتن مقام بانوی ایرانی، برای شهرهای خلاق ایران صورت بگیرد چرا که در واقع این دو شهر نماینده ایران در شبکه جهانی شهرهای خلاق یونسکو هستند و می توانند در آینده اقتصادی شهرها و روابط بین الملل ایران به خوبی ایفای نقش کنند.



امروزه با توجه به رشد جمعیت، محدودیت منابع و از سوی دیگر رشد و توسعه علم و فناوری، خلاقیت به عنوان عنصری تحول آفرین و آرمانگرایانه در راستای پیشرفت جوامع بشری شناخته می شود



قدیمی با تاکید بر این که همه ما مفهوم خلاقیت را می دانیم ادامه داد: رویداد مفیدی که در این زمینه اتفاق می افتد این است که دیدگاه و زمینه ای مبتنی بر توسعه اقتصادی ایجاد می کنند.

رییس روابط عمومی شهرداری رشت تاکید کرد: امروز زمانی است که تمام دنیا برای ایران به پا می خیزند و این به دلیل رویکردهای جدیدی است که در عرصه دیپلماسی فرهنگی مان به وجود آمده است.

به گزارش اداره اطلاع رسانی مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری رشت مدیر برنامه های یونسکو در شهر خلاق رشت با ابراز خرسندی از تداوم توسعه دیپلماسی بر مبنای خلاقیت در خصوص این که "خلاقیت" چگونه می تواند ادامه دار باشد تشریح کرد: ما در «دیپلماسی خلاقیت» طبقه ای به نام طبقه خلاق داریم. این طبقه خلاق، همان ایده خلاق است که توسط کارآفرینان ما برای توسعه فرهنگی هنری و اقتصادی با اسم کارآفرین ایرانی به کار برده شده است. وی عنوان کرد: دیپلماسی مبتنی بر خلاقیت می تواند آینده جوامع را تحت تاثیر قرار دهد و پایه گذار بسیاری از سیاست ها و روابط بین کشورها باشد و حتی مانع از بسیاری از جنگ و کشتارها شود.

وی ادامه داد: طبق آخرین سرشماری، ۷۷ میلیون نفر در ایران زندگی می کنند که تعداد مردان تنها ۵۰۰ هزار نفر بیشتر از تعداد زنان بوده و دارای ۲۴ میلیون خانوار می باشد که این نشانگر نقش مستقیم زنان در خلاقیت در حوزه خانواده است.

وی ضمن اشاره به این موضوع که بانوان ایرانی از دیرباز دوشادوش مردان گام برداشته اند و در اقتصاد خانواده به طور مستقیم نقش آفرینی کرده اند تشریح کرد: در موارد پرشماری این نقش آفرینی توأم با خلاقیت بوده و تعداد صنایع و هنرهای دستی ایران گواهی بر این مدعا است.

قدیمی با بیان این که نقش بانوان در انتقال میراث های ارزشمند اجتماعی به ارث رسیده از گذشتگان به نسل آتی، کتمان ناپذیر است، افزود: خلاقیت بانوی ایران در کنار پاکدستی مویز این موضوع است که باید از ظرفیت های بانوان در سطوح مدیریتی بیش از پیش استفاده شود.

وی وصل کردن بانک ایده توسط مهمانان حاضر را از مهمترین اهداف این شبکه دانست و گفت شبکه شهر خلاق و همچنین شهرداری رشت این آمادگی را دارد که به سه ایده برتر در مسابقه طرح "حامی بانو" جوایز نفیس اهدا کنند.

قدیمی تصریح کرد: علیرغم تبلیغات منفی علیه جنسیت زن که برای کشور عزیزمان، توسط بیگانگان طراحی شده با تلاش مان ثابت کنیم که مواضع جنسیتی در ایران حکمفرما نیست و در برخی موارد محدودیت ها را نیز کمرنگ شده است.

مدیر برنامه های یونسکو در شهر خلاق رشت گفت: افتخار می کنم در حضور جمعی هستم که می توانند رتبه ایران در شاخص های توسعه زنان با محوریت کارآفرینی بر اساس توسعه فرهنگی اجتماعی اقتصادی در جهان را افزایش دهند.

مدیر برنامه های یونسکو در شهر خلاق رشت با بیان این که بانوان در بحث آموزش و فرهنگ سازی می توانند از محیط خانواده ایفای نقش خود را آغاز کنند، گفت: توان افزایی زنان، از طریق انتصاب در سمت های مدیریتی، حمایت از مشاغل خانگی، ایجاد فرصت های راه اندازی کسب و کارهای کوچک و توجه به صنایع دستی و فعالیت های خلاقانه زنان می تواند ضمن کمک به اقتصاد خانوارها، منجر به تحقق اهداف دیپلماسی خلاقانه شود.



وی ضمن ابراز خرسندی از حضور در این همایش که تحت عنوان خلاقیت و تاثیرات آن در حوزه اشتغال زنان بوده است گفت: امید آن است با برنامه ریزی و پیگیری مسئولین مربوطه از نهادهای ذی ربط شاهد رشد و بالندگی بیش از پیش ایران اسلامی باشیم و با تکیه بر ظرفیت های خلاقانه بومی و با اعتماد بیشتر به توانمندی های بانوان، در راستای رونق صنعت گردشگری و عرضه و صدور فرهنگ، گذشته و امروز درخشان مردمان این دیار، در راستای آینده بهتر جوامع تحت تاثیر زنان و دیپلماسی خلاقیت گام برداریم.

ایران دو شهر خلاق ثبت شده در شبکه جهانی شهرهای خلاق یونسکو دارد. اصفهان در حوزه صنایع دستی و رشت در حوزه خلاقیت خوراک که در سال ۲۰۱۵ به این شبکه اضافه شده اند



(گفتنی است در این مراسم که هفدهم اسفند ۹۶ در مرکز همایش های بین المللی صدا و سیما برگزار گردید «ثریا شارق» معاون امور بانوان و خانواده استانداری تهران، هاجر چنارانی نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، سیده فاطمه ذوالقدر نماینده مجلس شورای اسلامی، دبیر کمیسیون فرهنگی و نایب رییس فراکسیون زنان مجلس و هنرمند جوان کشورمان «شبنم قلی خانی» حضور داشتند).



دکتر علی مهرپور دارستانی، مدیرعامل شرکت بالار نصب رشت و رییس هیات مدیره شرکت سیرنگ تجارت ایرانیان:

باید از تجربیات کشورهای توسعه یافته دنیای پیشرفته استفاده کنیم



مجله اجتماعی - فرهنگی گیلان فردا | شماره هفتم - زمستان ۱۳۹۶

عکس: گیلان فردا

گیلان فردا - معمولاً بسیار دلسوزانه نسبت به شهر، استان و کشور صحبت می کند. دکتر علی مهر پور دارستانی، موسس و سهامدار و مدیرعامل شرکت بالار نصب رشت از سال ۱۳۷۶ تاکنون و رییس هیات مدیره شرکت سیرنگ تجارت ایرانیان، موسس اولین نمایشگاه دائمی صادرات کشور در منطقه آزاد انزلی و عضو پارک علم و فناوری استان گیلان از سال ۱۳۸۲ تاکنون و رییس هیات مدیره کنسرسیوم شرکت های دانش بنیان به نام دانش محور کاسپین در منطقه آزاد انزلی و کلون پنجره کادوس، موسس اولین شرکت رادیوگرافی صنعتی به نام گیل پرتو در گیلان و همچنین موسس شرکت های درفک نصب چاوش دارستان و... تاکنون بارها در جشنواره های مختلف کارآفرینی، عمرانی و تاسیسات رتبه برتر را کسب کرده و دفتر کار ایشان پر است از تقدیرنامه ها و تندیس هایی که جایزه گرفته اند. با ایشان در مورد انتقال تجربیاتشان به برنامه ریزان و تصمیم گیران صحبت کردیم. ایشان می گویند: «نظراتم را که برگرفته از تجارب عملیاتی در توسعه کارآفرینی و کسب و کار و همچنین حفاظت از محیط زیست و توسعه گردشگری در شهر رشت و استان گیلان است به جناب استاندار و معاون محترم ایشان و شهرداری رشت و سایر ارگان ها ارائه دادم که امیدوارم مورد توجه قرار بگیرد.» نظرات و پیشنهادات ایشان را در ادامه می خوانید:

از ابزار فنی در برنامه دانشگاه های کشور در الویت قرار بگیرد که قطعاً توسعه کسب و کار عملی را موجب خواهد شد.

در مصاحبه قبلی، شما به مدیریت یکپارچه شهری تاکید داشتید.

بله، همینطور است. در حوزه شهری اعمال سیستم مدیریت یکپارچه شهری با واگذاری مسئولیت کلیه خدمات شهری به شهرداری ها از دوباره کاری و موازی کاری غیر اصولی توسط سازمان های آب و گاز و مخابرات و برق و... جلوگیری کرده و باعث کاهش وقت و هزینه ها خواهد شد. این مهم تجربه عملیاتی کشورهای توسعه یافته علمی دنیای امروز است. و با استفاده از سیستم نرم افزار کامپیوتری در تمامی عرصه های فعالیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی کنترل شهرها و راه های کشور و فروش تمامی محصولات و اقلام مورد نیاز در سیستم شفاف نرم افزار کامپیوتری کشور موجب ایجاد تحول نوین در کسب درآمدهای شفاف و کارآمد مالیاتی با سیستم کنترل منطقی می شود و درآمد سالم و بی حاشیه ای را به همراه خواهد داشت. سلامت و یکرنگی و همدلی و عدم سوء استفاده ها را در جامعه تداوم خواهد بخشید. همچنین حمایت همه جانبه از توسعه صادرات به عنوان اصلی ترین عامل توسعه کارآفرینی است. تقویت صادرات در کشورهای یگر از جمله الگوی کشورهای ترکیه و چین با استفاده از ابزارهای علمی و شرکت های دانش بنیان نهادینه و موجب اصلی رونق اقتصادی و توسعه



آقای مهرپور شما سال ها در زمینه پروژه های عمرانی، تاسیسات و کسب و کار تجربه دارید. به نظر تان برای بهبود شرایط کسب و کار چکار باید کرد؟

به نظرم ابتدا ایجاد اتاق فکر با استفاده از فرهیختگان و نخبگان جامعه و مدیران انجمن ها و شرکت های کارآفرین در هر بخش و شهر و روستا بسیار مهم است جهت استفاده کامل از پتانسیل کارآفرینی با پیشنهادات سازنده، برنامه ریزی و تشویق به سرمایه گذاری اتحاد جامعه و سهامداران شرکت های تحت مدیریت انجمن های ساختمانی و تاسیساتی و سایر بنگاه های اقتصادی استان. و ایجاد فضای همدلی و گفتگو و سرمایه گذاری با ایرانیان مقیم خارج از کشور و استفاده از پتانسیل فنی و تجربی آنان در مسیر کارآفرینی کشور موجب رونق اقتصادی و کارآفرینی می شود.

معمولاً در حوزه کارآفرینی حرف بیشتر از عمل است.

باید اقدامات اجرایی موثری در مسیر کارآفرینی انجام شود. با رعایت قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی توسط سازمان تأمین اجتماعی و اداره دارایی می توان گام های خوبی برداشت. باید از تجربیات جاهای دیگر به استفاده کنیم. به عنوان مثال ایجاد ارتباط و استفاده از تجربیات و توانمندی های بنیادانشان بایس آلمان (الگوی امیر کبیر ایران در آلمان) و دعوت از مسئولین اجرایی استان برای بازدید از مراکز علمی آلمان در مسیر توسعه فناوری و کسب تجربیات علمی در جهت رفع مشکلات از جمله زباله شهری، زباله بیمارستانی و تکنولوژی حفاظت از جنگل ها و جلوگیری از آتش سوزی، غنی سازی علمی غلات و همچنین انتخاب درست مسیر مناسب فاضلاب و تصفیه مناسب آن و تاسیسات شهری موثر است، به هر حال کشورهای پیشرفته هم زمانی مشکلاتی مثل ما داشتند ولی با کار اصولی و کارشناسی دقیق مشکلات را حل کردند. می توان از تجارب آن ها استفاده کرد.

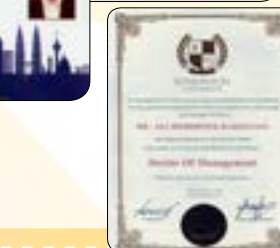
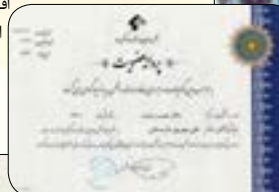
شما چه پیشنهاداتی برای بهبود وضعیت دارید؟

به نظر می رسد اقدام عملی در جهت حل پیش نیازهای کارآفرینی برای توسعه کشور مهم باشد. برای این کار باید پایه ای به مسایل توجه کرد. تجارب چندین ساله من می گوید قبل از هر چیز حس زیبایی وطن پرستی واقع گرایانه و اجتناب جدی از دروغویی باید از کودکی توسط خانواده و آموزش و پرورش به طور جدی و واقع گرایانه آموزش داده شود. آموزش پندار و گفتار و کردار نیک و مسئولیت پذیری به فرزندان ابتدا باید توسط خانواده ها مورد توجه قرار بگیرد.

نکته دیگر این که آموزش زبان خارجی (الویت زبان انگلیسی) به عنوان اصلی ترین آموزش علمی پیش نیاز، جهت امکان استفاده از دانش پیشرفته کامپیوتر می بایست به صورت قانونمند در خانواده و مدرسه مد نظر قرار گیرد. از سوی دیگر آموزش هفت مهارت به عنوان آموزش سیستم عامل لینوکس اصلی ترین واحد درسی از دبستان تا دانشگاه و یکی از موارد موثر اخذ مدرک تحصیلی باشد. توجه به آموزش های فنی و حرفه ای به صورت برنامه ریزی شده، قانونمند و علمی یک ضرورت اجتناب ناپذیر برای کشور است. یعنی این ها پیش نیازهای اولیه و ضروری برای پیشرفت در جامعه امروزی و توسعه کسب و کار است.

نظر تان در مورد همکاری های بین بخشی برای تسریع در کار چیست؟

ضرورت دارد به عنوان یک پیش نیاز کارآفرینی و ترویج و توسعه علمی جامعه، ارتباط منطقی بین دانشگاه ها با استفاده از الگوی منطقی دانشگاه های علوم پزشکی با علم درگیری دانشجویان با کارهای عملیاتی در کنار آموزش تئوری خصوصاً دانشکده های فنی و کشاورزی و بخش خدماتی و صنعتی کشور با بنگاه های اقتصادی تقویت شود، تا با استفاده از دانش نوین دنیای پیشرفته از جمله نمونه سازی سریع و آموزش های پایه ای کامپیوتر و شناخت و استفاده منطقی



jabr



Golmar
S O A P S
100% Vegetal Base

صابون گلمر

%۱۰۰

از روغنهای گیاهی

با پوست خود مهربان باشید

Be Kind to Your Skin

صابون	خواص درمانی
۱ آلونئه ورا	■ مرطوب کننده و ترمیم کننده بسیار قوی ■ مناسب برای پوست های خشک و حساس
۲ گل ختمی	■ ضد التهاب، مناسب برای درمان آگزما، خشکی پوست ■ مناسب افراد مبتلا به پسوریازیس ■ رایحه درمانی
۳ گل بابونه	■ ضد التهاب و آلرژی ■ درمان خارش، آگزما، درماتیت و قرمزی پوست
۴ کاندولا	■ ضد التهاب و تسکین دهنده قوی ■ درمان آفتاب سوختگی و ساییدگی کشاله ران
۵ اسکراب X (جوجوبا)	■ لایه بردار گلیسیرینه طبیعی قوی ■ افزایش شفافیت و رفع پینه و خشونت پوست
۶ اسکراب (جوجوبا)	■ لایه بردار طبیعی ملایم ■ افزایش شفافیت و رفع پینه و خشونت پوست
۷ ویتامین E	■ جلوگیری از تشکیل چین و چروک های سطحی پوست ■ مرطوب کننده و شفاف کننده پوست
۸ آنتی باکتریال ۰/۲٪	■ ضد باکتری، درمان جوش، رفع آلودگی ها و عفونت های پوستی ملایم ■ رفع بوی نامطبوع عرق بدن
۹ آنتی باکتریال ۰/۳٪	■ ضد باکتری قوی، درمان جوش و عفونت های پوستی ■ رفع بوی نامطبوع بدن
۱۰ گوگرد (Sulfix)	■ ضد باکتری، ضد قارچ ■ درمان آکنه و درماتیت سبوره ای، گال و خارش پوست
۱۱ روغن بادام (گلیسیرینه)	■ ضد التهاب و خشکی، تقویت کننده و نرم کننده پوست ■ مناسب برای پاک کردن آرایش بانوان
۱۲ بچه	■ مناسب برای پوست نوزادان و کودکان و سایر گروه های سنی
۱۳ بچه گلیسیرینه	■ رفع خشکی و التهاب پوست نوزادان، کودکان و سایر گروه های سنی
۱۴ بچه ویتامین E	■ رفع خشکی و التهاب ■ تقویت کننده پوست نوزادان، کودکان و سایر گروه های سنی
۱۵ بچه کاندولا	■ کمک به درمان التهابات پوستی ناشی از پوشک (Nappy Rash) و ترک سینه مادران شیرده
۱۶ طبیعی معمولی	■ بدون رنگ و اسانس ■ مناسب پوست های حساس و آلرژیک به اسانس ■ حلال (پاک)، مناسب برای حجاج
۱۷ طبیعی گلیسیرینه	■ گلیسیرینه، بدون رنگ و اسانس ■ مناسب برای پوست های حساس، خشک و آلرژیک به اسانس ■ حلال (پاک)، مناسب برای حجاج
۱۸ جوانه گندم معمولی	■ حاوی امگا ۶، امگا ۳ و ویتامین های E و A ■ مغذی پوست و مناسب برای ترمیم جای زخم ■ مناسب برای ترمیم آفتاب سوختگی
۱۹ جوانه گندم گلیسیرینه	■ حاوی امگا ۶، امگا ۳ و ویتامین های E و A ■ مغذی پوست و مناسب برای ترمیم جای زخم ■ مناسب برای ترمیم آفتاب سوختگی
۲۰ تی تریکس (تی تری)	■ آنتی باکتریال ■ ضد عفونی کننده طبیعی ■ رفع عفونت های موضعی پوست و تب خال ■ تسکین التهاب ناشی از گزش حشرات
۲۱ زیر و باکتر (TCC)	■ ضد باکتری، ضد قارچ ■ درمان آکنه، آبله مرغان و عفونت های پوستی
۲۲ ترانسلسونت گلیسیرینه	■ مناسب برای پوست های خشک و حساس ■ افزایش لطافت و تازگی پوست
۲۳ نوآکنه (No-Acne)	■ ضد باکتری، ضد قارچ، لایه بردار ■ درمان آکنه، درماتیت سبوره ای، پسوریازیس، گال، شوره سر و خارش پوست
۲۴ اکالیپتوس	■ حاوی روغن اکالیپتوس برای التیام نیش حشرات، جلوگیری از عفونت، کمک در درمان شپش، دارای خاصیت آنتی سبتیک، آنتی باکتریال و ضد التهاب.
۲۵ گوگرد - اکالیپتوس	■ برای التیام طبیعی امراض پوستی نظیر پسوریازیس، آگزما، قارچهای پوستی، خارش و پوسیدگی بسیار موثر دارای اثر ضد قارچی بسیار بالا

Golmar
S O A P S
100% Vegetal Base



صابون های اسکراب و اسکراب گلیسرینه X کلمر

- لایه بردار موثر تمام با ترمیم کنندگی با ماده گیاهی جوجوبا.
- برطرف کننده پینه های پوستی، روشن کننده و شاداب کننده.



صابون اکالیپتوس کلمر

- آنتی سپتیک، آنتی باکتریال و ضد التهاب.

صابون نو-آکنه کلمر (NO-ACNE)

- موثر در درمان آکنه و لک های پس جوش جوانی.
- مناسب برای درمان عفونت های قارچی کشاله ران و لای انگشتان.



صابون های بچه کلمر (گلیسرینه و معمولی)

- بدون رنگ، دارای اسانس ملایم.
- سازگار با پوست نوزاد.



صابون های گلیسرینه کلمر

- مرطوب کننده و نرم کننده پوست.
- در ۲ رایحه نارنگی و لیمو.



صابون بچه حاوی ویتامین E و کاندولا کلمر

- جهت نرمی و لطافت پوست نوزاد.
- تقویت کننده و شفاف کننده پوست.
- دارای اسانس ملایم.



صابون های بدون اسانس کلمر (گلیسرینه و معمولی)

- بدون رنگ و اسانس، برای پوست های حساس به اسانس.
- پاک (حلال) مناسب حجاج.



jabr

صابون کلمر
% ۱۰۰

از روغن های گیاهی

با پوست خود مهربان باشید

Be Kind to Your Skin



www.golmarsoaps.com

بیمه ایران آرامش بی پایان



نماینده **سید کشتکار بنکی** (د. ۶ ۳۳ ۳۳ ۳۳)

- ◀ مشاوره و صدور انواع بیمه نامه های
- ◀ اتومبیل
- ◀ آتش سوزی
- ◀ اشخاص (عمر و پس انداز و درمان)
- ◀ مسئولیت و مهندسی

شرایط ویژه پرداخت حق بیمه در تمامی
رشته های بیمه ای (نقد و اقساط)

تلفن: ۰۳۳۲۲۳۶۸۶ - تلفکس: ۰۳۳۴۶۱۷۸
همراه: ۰۹۱۱۳۵۴۱۵۵ - ۰۹۱۱۶۱۹۷۱۷۷

آدرس: رشت - بلوار منظره - خیابان تابان شمال
روبروی آژانس تابان - نمایندگی بیمه ایران کشتکار



ایچا

واقعا

خانه دوم فرزندان ماست

دیرستان غیردولتی پسرانه

دبیرستان

در سال تحصیلی جدید تعداد محدودی دانش آموز در پایه های (هفتم - هشتم - نهم) ثبت نام می کند

۲۵ سال

ماندگاری

و موفقیت

اعتبار

ما است

دبیران با سابقه تحصیلی درخشان ✓

اردوهای علمی تفریحی ورزشی ✓

بکار گیری فن آوری نوین آموزشی ✓

ارائه کارنامه ماهانه همراه با درصد پیشرفت دانش آموز بصورت درس به درس ✓

برگزاری دوره های تخصصی سخت افزار رایانه ریاضی و زبان خارجه ✓

مشاوره تخصصی تحصیلی و سلامت دانش آموزان ✓



تلفن: ۰۱۳۳۳۷۷۱۲۱۴ - ۰۱۳۳۳۷۷۴۱۵۶ - ۰۱۳۳۳۷۷۰۵۱۹

همراه: ۰۹۱۱۱۳۸۳۲۴۶



dabirestanhedayat

آدرس: رشت، گلزار، بلوار گیلان، خیابان ۱۸۸



بچه که بودم فکر می کردم...

مدیران مانند انرژی اند

گیلان فردا، مرسده دیلمی - بچگی هم برای خود عالمی داشت، چقدر ساده انگارانه فکر می کردیم. چقدر درستی و صداقت موج می زد، و چقدر همه با هم رو راست بودیم، بزرگترها مجبور نبودند برای گذران زندگی تملق بگویند، بچه ها مجبور نبودند وقتی بزرگ شدند چاپلوسی و آدم فروشی کنند، شرایط جامعه افراد را وادار به ریاکاری و تظاهر به آنچه که نبودند نمی کرد! بزرگ که شدیم همه چیز تغییر کرد...



آب زدن به نان

بچه که بودم هر وقت می شنیدم برخی افراد در بعضی از شهرها گاهی به نان، آب می زنند و می خوردند تعجب می کردم. به خودم می گفتم آخر یعنی چه که به نان آب می زنند! آن قدر شنقل تشریف داشتیم که فکر می کردم نان را کاملا در ظرف آب می اندازند و خیس و خمیر که شد بعد می خوردند. نمی دانستم منظور از این حرف این است که چند قطره آب روی نان می پاشند تا اگر نان بواسطه خشکی هوا در آن شهرها کمی خشک شده است نرم و ملایم شود. ولی بعدها آب را به نان زدن یا نان را به آب زدن برایم عادی شد ...



خریدن آب

بچه که بودم هر وقت می شنیدم برخی از افراد در شهرهای جنوبی آب را می خردند، یعنی بطری های آب را می خردند تعجب می کردم! مثل شاسگل ها از خود می پرسیدم مگر آب را هم باید به صورت بطری خرید؟ بعدها دیدم بله، آب را هم می خردند و شاهد بودم علیرغم ادعای مسئولین مبنی بر این که آب شهر سالم و عاری از هر نوع آلودگی است برخی از خانواده ها طی چند سال اخیر شاید حدود یک کامیون آب بطر شده



خریده باشند. هر چند هیچ تضمینی هم بر سلامت این آب ها نیست. یکی می گوید آب جوشیده بخورید، دیگری می گوید آب معدنی مصرف کنید و دیگری اصرار دارد که از دستگاه تصفیه آب استفاده کند و نفر بعدی هم به آب شرب معمولی رضایت می دهد. اما دیگر خرید آب برایم عجیب نیست ...

مدیران مانند انرژی اند

بچه که بودم در رسم در مدرسه خیلی خوب بود. فکر می کردم بعدها نیز کسانی که درشان خوب بوده باشد موفق تر خواهند بود. ولی بعدا فهمیدم چقدر احمق بودم که چنین تصور خامی داشتم!

بچه که بودم در کتاب علوم می خواندیم «انرژی نابود نمی شود، بلکه از صورتی به صورت دیگر تغییر می کند». ولی بعدها فهمیدم این اصل مهم فقط مربوط به درس فیزیک نیست و پراحتی می توان آن را در مباحث جامعه شناسی و مدیریت و روانشناسی هم تعمیم داد!

چون امروزه روز مدیران و مسئولان جامعه ی ما هستند که مانند انرژی از صورتی به صورت دیگر مدام خلق می شوند! از پستی به پست دیگر، از اداره ای به اداره دیگر، از شهرستانی به شهرستان دیگر و از استانی به استان دیگر. و چیزی هم که در وسط این چرخش انرژی از پستی به پست دیگر مهم نیست تخصص و توانمندی واقعی است! مهم در باند بودن است. در باند که باشی و سیم ات وصل باشد دغدغه ای نخواهی داشت و هر لحظه با مدیریت های جدید محوله، نو می شوی حتی اگر هیچ نوآوری هم نداشته باشی!...

ماسک مهربانی

بچه که بودم وقتی می شنیدم می گویند فلانی از قیافه اش معلوم است که آدم خوبی است تعجب می کردم. با خود می گفتم چطور ممکن است صرفا از قیافه یا ظاهر کسی معلوم شود که چگونه آدمی است! ولی با این همه فکر می کردم که لابد بزرگترها یک چیز می دانند که اینطور می گویند. اما بعدها فهمیدم اینطور نیست و این حرف ها مال همان قدیم بوده است! بعدها به خودم گفتم اسکول جان کمی به دور و برت نگاه کن. ببین بیش از نیمی از مردم ماسک بر چهره دارند. در ظاهر جانماز آب می کشند ولی در باطن فقط خدا می داند که چه جور آدمی هستند...



تکرار مکررات

بچه که بودم وقتی بزرگترها می گفتند «تاریخ تکرار مکررات است» همیشه با خودم می گفتم یعنی چه؟ چرا مدام این جمله کلیشه ای را می گویند. و همیشه وقتی در کتاب درسی تاریخ از ظلم و ستم حاکمان در قدیم نسبت به مردم می خواندم، متعجب می شدم که چطور مردم زیر بار این همه بی عدالتی و تبعیض و مشقت و تظلم زندگی می کرده اند! اما بعدها فهمیدم که برآستی تاریخ تکرار مکررات است. در واقع بعدها فهمیدم که چقدر شاسگل و اسکول و شنقل بوده ام که فکر می کردم ما با مردم قدیم فرق داریم ...



مسیر مه آلود ارتقای شغلی در سازمان‌ها و ادارات دولتی

دکتر مسعود یحیی زاده



مجله اجتماعی - فرهنگی گیلان فردا - شماره هفتم - زمستان ۱۳۹۴ -

گیلان فردا - به نظر شما آیا کارشناسان دستگاه‌های دولتی امیدی برای ارتقای شغلی دارند؟ و یا اساساً این امید را دارند که روزی در بالاترین سمت شغلی دستگاه اجرایی خودشان قرار گیرند؟

با توجه به این که بنده چند سالی است که در مرکز آموزش پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان مدیریت برنامه ریزی گیلان تدریس می‌کنم و بر حسب برنامه ریزی درسی، کارشناسان دوره‌های توجیهی در این کلاس حضور دارند یکی از سوال‌های اصلی و مستمر من از حضاران در کلاس همین دو عنوان بالا است و جالب این که در مدت چهار سالی که این سوال را از کارشناسان می‌پرسم حتی یک نفر دست خود را برای اعلام پاسخ مثبت بلند نمی‌کند تا این که بگویم «من امید دارم روزی مدیرکل یا رییس دستگاه اجرایی خود باشم!» چرا کارشناسان دستگاه‌های اجرایی در استان گیلان (و احتمالاً در استان‌های دیگر) امید بسیار کمی دارند تا مسیر رشد و ارتقا را در سازمان خود سپری کنند؟

آیا در سازمان‌ها مسیر شفاف‌تری برای رشد و ترقی کارکنان تبیین شده است؟ آیا مسیر ارتقای شغلی در بدو خدمت به اطلاع کارکنان می‌رسد؟ تا همه بدانند اگر از برخی ویژگی‌های تخصصی، مهارتی، اخلاقی و رفتاری و... برخوردار باشند راه رشد و ارتقا برایشان هموار است و می‌توانند به سوی سطوح بالای سازمان حرکت کنند.

آیا همه کارکنان در شرایط برابر و مساوی قرار داده می‌شوند تا استعدادها و توانمندی‌های آنان بروز کند و رانت و ویژه‌خواری مدیریتی در دستگاه‌های دولتی حاکم نباشد؟

مقررات و بخشنامه‌ها کامل و درست هستند؟ به درستی اجرا می‌شوند؟ نهادهای نظارتی بر اجرای آن توجه دارند؟ گزارشی از اجرای آن‌ها وجود دارد؟ و؟؟؟؟

داستان آنچه اتفاق افتاده و خواهد افتاد چنین است:

کارشناسان می‌گویند مدیر یا رییس ما را از سایر دستگاه‌ها انتخاب می‌کنند؛ واقعاً ما چه عیب و نقصی داریم که دیده نمی‌شویم؟ چه تفاوتی بین ماست و این را یک توهین قلمداد می‌کنیم، هر چند در مقام عملکرد، کار خارق‌العاده‌ای از سوی آن مدیر منتصب شده بیرونی نمی‌بینیم، ولی علت چنین انتصاباتی را خوب درک نمی‌کنیم! کارشناسانی که سال‌ها با فرهنگ یک سازمان مأنوس هستند و بیچ و خم‌های سازمان را می‌دانند و مهارت و تخصص دارند چرا باید عقب‌نگهداشته شوند و زمینه رشد آنان فراهم نکنند.

جالب این که خود آن فردی که برای ریاست یا مدیریت در اداره‌ای که هیچ شناختی از آن ندارد انتخاب می‌شود، هیچوقت ورود یک رییس جدید از جایی دیگر را برای اداره‌ای که خودش سال‌ها آنجا مشغول به کار بوده بر نمی‌تابد اما انتظار دارد دیگران ریاست یا مدیریت او را با آغوش باز بپذیرا باشند!

به نظر می‌رسد وقتی دستگاه اجرایی مسیر رشد و ارتقای شغلی کارکنان خود را به درستی تعریف نکرده و زمینه‌های لازم را برای ارتقای کارکنان فراهم نکند یعنی این که سازمان تعهد لازم و کافی را نسبت به کارکنان خود ندارد، اما میل به رشد و ارتقا که در درون کارکنان نمی‌میرد و علاقه برای رشد و ترقی در نهاد آنان همچنان وجود دارد، طبیعی است وقتی کارکنان احساس کنند سازمان تعهدی به آنان ندارد بنابراین آنان نیز به سازمان خود متعهد و وفادار نخواهند بود، لذا میزان تعهد و فرهنگ سازمانی و شاخص‌های اخلاقی سازمانی رفته رفته افول می‌کند و کارکنان امید خود را از سازمان، اداره، کارخانه یا هر نهاد دیگر از دست داده، وظایف خود را به درستی انجام نمی‌دهند، زیرا جو سازمانی مثبت نیست. چون از مدیر و رییس خود رضایت ندارند و او را یک نیروی تحمیلی و غریبه محسوب می‌کنند، بنابراین نرخ و سطح مشارکت آنان برای حل مسایل سازمانی کاهش می‌یابد زیرا مدیرشان مقبولیت ندارد، بنابراین هزینه‌های جاری سازمان بالا و بالاتر می‌رود چون کارکنان، اداره را از خود نمی‌دانند و موضوعی تحت عنوان صرفه‌جویی و ... جایگاهی ندارد، و چون مدیر را تحمیلی و غریبه می‌دانند پیشنهادی برای رفع مشکلات ارائه نمی‌دهند. از طرف دیگر مدیر نیز چون جو را بر علیه خود می‌بیند، می‌خواهد خود را به عنوان یک مدیر موفق معرفی کند سیاست‌های اشتباه اتخاذ می‌کند و چون تمایل دارد نشان دهد آمده است تا تغییر دهد بنابراین نخست تغییرات فیزیکی را در دستور کار قرار می‌دهد و چون شناخت درست ندارد گوشش به شایعات باز می‌شود و جو شایعه‌سازی و تخریب متقابل بین کارکنان رواج می‌یابد، مدیر غریبه کسی را





آیا سندی برای تغییر و انتصاب مدیران مبادله می شود که بدانیم مدیر جدید در چه وضعیتی سازمان را تحویل گرفته و در چه وضعیتی تحویل مدیر بعدی می دهد؟
آیا انتظارات استاندار و وزارتخانه متبوعه از مدیران در چارچوب یک سند عملکرد مدیریتی تدوین می شود و به امضای مدیر جدید، استاندار و وزیر بخش مربوطه می رسد تا مبنایی برای ارزیابی و سندی باشد برای رشد و ارتقای آینده مدیر؟ و اگر مدیر عملکرد ضعیفی داشت تحت آموزش و توانمندسازی قرار گیرد تا بهبود دهنده سازمان خود باشد و اگر نالایق و ناکارآمد بود محترمانه به کناری رود تا افراد لایق و شایسته جایگزین وی شوند.
امید که پیشنهادهای زیر را مدیران ارشد در تهران و استان ها بخوانند تا در این مسیر با انتخاب درست مدیران، کارکرد بهتری را نیز از آن ها انتظار داشته باشیم:

۱. مقررات و بخشنامه شفاف، فراگیر و قابل اجرا برای ارتقای شغلی کارکنان برای رسیدن به سطوح ارشد مدیریتی تدوین و مسیرهای میانبر و غیر شفاف حذف شود تا زحمات سال های دراز کارکنان به هدر نرود و میراث سازمانی حراست و توسعه یابد.
۲. مدیران از بدنه هر دستگاه انتخاب شوند
۳. اگر قرار است به فردی کمک شود اجازه دهیم در یک دوره معقول در سازمانی که به تازگی ورود می کند کار کارشناسی کند چنانچه موفق بود رشد و ارتقا یابد.
۴. این آمادگی وجود دارد که برای تقویت مدیریت در گیلان مستندات و فرم های سند عملکرد مدیریتی برای تغییر و انتصاب مدیریت ارائه داده شود تا گیلان پیشرو در این زمینه مهم باشد.
۵. مسیر ارتقای شغلی به اطلاع همه کارکنان برسد تا هر کس به فراخور تلاش و استعداد خود در راه پیشرفت سازمانی قرار گیرد.
۶. از برخوردهای سیاسی و حذفی نسبت به کارکنان خودداری شود.
۷. و از همه مهمتر مدیران زمینه داده کاوی و تشکیل بانک اطلاعات را فراهم کنند و دانش را در سازمان رواج دهند
۸. مدیران ارشد استانی کارکنان را تشویق کنند به ایده پردازی و دیوارهای کاذب بین خود و کارکنان، بین سازمان و مردم یا ذینفعان را بردارند

۹. استانداران نقش بسیار مهمی در ایجاد این تحول دارند، و نیاز است از صاحبان ایده کمک بگیرند
۱۰. سازمان اداری استخدامی کشور مسئول بروز چنین وضعیتی است پس باید برای بهبود آن تلاش کند.

کارشناس برنامه ریزی

نمی شناسد بنابراین برای کمک، افرادی دیگر را از بیرون سازمان فراخوان می کند و جو بدتر می شود.

اما کارکنان و کارشناسانی که تمایل دارند رشد کنند چه تکلیفی برای خود انتخاب می کنند؟ گفته شد که میل به ارتقا که از بین نرفته ولی سرکوب شده و چنین فرد یا افرادی منتظر فرصتی هستند تا به آرزوهای خود برسند.

از طرف دیگر فرد تازه وارد در وضع موجود چه کار خواهد کرد؟ به نظر می رسد فرد چون نیروهای درون اداره کمکی به او نکرده اند به سوی نیروهای بیرون متمایل می شود، نمایندگان محترم مردم در مجلس، ائمه محترم جمعه، گروه یا افراد با نفوذ سیاسی، بستگان و فامیل با نفوذ که مسئولیت بالایی دارند (فامیل بازی)، کانون های قدرت نظامی و امنیتی را به سوی خود

جلب می کند و چنانچه این فرد بتواند از قدرت بیرونی به نفع خود بهره برداری کند و پست مدیریتی مورد توجه خود را احراز کند لذا به جریان و شخصیت های حقوقی و یا حقیقی بیرون سازمان متعهد است نه به اداره، سازمان و یا مرکز خود، بنابراین کانون های رانت و قدرت و فساد ایجاد شده و گسترده می شود.....

از سوی دیگر هر دستگاهی دارای میراثی است که از گذشته بر اساس عملکرد مجموعه کارکنان سازمان شکل گرفته که باید حفظ شده و تقویت شود به عنوان مثال در سازمان برنامه بودجه به نظر می رسد توان و قدرت کارشناسی میراث اصلی سازمان برنامه است چرا که همیشه قدرت سازمان را به نیروی کارشناسی و تحلیلی آن می شناختند و یا میراث اداره دیگری قدرت پژوهش و تحلیل باشد و به آن شناخته شود و در اداره دیگری ممکن است برقراری روابط دیپلماتیک در راس جلوه کند، بنابراین باید این میراث توسط مدیر و کارکنان کشف و شناخته شود و مورد تکریم قرار گیرد و برای تقویت و توسعه آن اقدام شود تا در آینده توان سازمان افزایش یابد.

اما چه تعداد از مدیران و کارکنان از میراث سازمانی خود اطلاع داشته و برای رشد و تقویت آن برنامه ای دارند؟

مدیران تا چه اندازه پاسخگو خواهند بود و شفاف عمل می کنند؟ سال هاست نظام ارزیابی عملکرد در نظام اداری کشور اجرا می شود ولی با مدیرانی که زیر سطح میانگین استان عملکرد دارند چه رفتاری شده است؟ چه سیاست و رفتاری در قبال مدیران ضعیف داشته ایم؟ موانع بالا باعث می شود اهمیتی به این مسائل داده نشود.



مدیران تا چه اندازه پاسخگو خواهند بود و شفاف عمل می کنند؟ سال هاست نظام ارزیابی عملکرد در نظام اداری کشور اجرا می شود ولی با مدیرانی که زیر سطح میانگین استان عملکرد دارند چه رفتاری شده است؟ چه سیاست و رفتاری در قبال مدیران ضعیف داشته ایم؟

دکتر والی پور، رییس اولین مدرسه عالی در استان گیلان زوال ذهن به جای زوال عقل



گیلان فردا - دکتر جمشید والی پور رییس اولین مدرسه عالی در استان گیلان در سخنان کوتاهی به مناسبت پنجاهمین سال آموزش عالی در استان گفت: سه ماه دیگر ۹۲ ساله می شوم و خوشبختانه حالم هم خوب است.

وی ادامه داد: متأسفانه الان یک اصطلاحی باب شده است و معادل یک کلمه انگلیسی است که نشانه کهولت است. اما به غلط عارضه کهولت را به زوال عقل ترجمه کرده اند، (با خنده) ولی من بسیار عاقل هستم. دمانس گروهی از علائم است که فراموشی و ضعف حافظه نیز یکی از آن ها است. ذهن انسان خیلی فعالیت می کند. یعنی انواع فعالیت ها را دارد که فقط یکی از آن ها تفکر و استدلال و عقلانیت است. در حالی که عارضه کهولت کلی است و من به فرهنگستان لغات می خواهم پیشنهاد کنم به جای «زوال عقل» بگویند «زوال ذهن».

چرا کاهش شدت تورم در سفره ما محسوس نیست



گیلان فردا، سارا فرزانه - در سال های اخیر که شاهد اوج گرانی ها و افزایش قیمت ها هستیم ناخود آگاه نسبت به بعضی از اصطلاحات آماری و کارشناسی هم حساس شده ایم. مسئولان می گویند تورم کاهش یافته است، نه، می گویند شدت تورم کاهش یافته است. و مردم می گویند پس کو؟ کجاست؟ چرا چیزی حس نمی کنیم؟ چرا با کاهش شدت تورم سفره ما رونقی نیافته است؟ چرا این اصطلاحات آماری و اقتصادی در دخل و خرج واقعی روزانه برایمان محسوس نیست؟

شما قضاوت کنید، نه مسئولان دروغ می گویند و نه مردم سیاه نمایی می کنند. آنچه که در بازار خرید و فروش و تولید و عرضه و تقاضای عیان است چه حاجت به بیان است!!

اما کارشناسان آمار با دیدگاه دیگری به موضوع نگاه می کنند و می گویند باید سواد آماری جامعه ارتقا یابد. می گویند تحلیل آماری برخی از اعداد و آمار کار ساده ای نیست و باید با نگاه کارشناسی مسایل آماری و اقتصادی بررسی شوند.

این موضوع را با آقای وحید طیفوری، معاون آمار سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان مطرح کردیم و نظرشان را جویا شدیم.

واجد و خصوصیت باشد، نخست آن که اندازه یا حجم منطقی داشته باشد و دوم این که مصرف یا نماینده جمعیتی باشد که از آن بدست آمده است)

گاه ممکن است در مورد یک کالای خاصی صحبت کنید که آن وقت باید طرح آماری خاص هم انجام داد و به جای ۵۰ نمونه مثلا ۵۰۰ نمونه بررسی می شود. اما اقتصاددانان این موضوع را جور دیگری حل می کنند. یعنی «گروه های عمده کالا» را تعریف می کنند. مثلا در حوزه لبنیات، حوزه غلات و نظایر آن که البته نتایج حاصل از آن نیاز یک برنامه ریز و تصمیم گیر را هم حل می کند. چون ممکن است در چنین حالتی ضرورت نداشته باشد که فقط قیمت یک کالا مثلا تخم مرغ یا مرغ و یا ... بررسی شود. که البته چنین طرحی علاوه بر رفع نیاز برنامه ریز کلان تا حد زیادی نیز نیاز برنامه ریزان خرد را هم برطرف می کند.

ما تغییرات قیمت را در گروه های کالایی می بینیم. مثلا شاخص تورم ما در دی ماه شده ۸/۱ درصد یعنی نسبت به مدت زمان مشابه در سال قبل ۸/۱ درصد افزایش داشته است که این رقم در کالاهای مختلف متغیر است و شاخصی هم که منفی است یعنی کاهش قیمت را در آن کالا داشته ایم. مثل افزایش قیمت ماهی که در جدول مربوطه منفی است. یعنی قیمت ماهی افزایش نداشته و حتی کاهش داشته است. و یا در سبزیجات ۲۵ درصد افزایش قیمت داشته ایم.

■ پس وقتی می گوئیم مثلا نرخ شدت تورم پایین آمده نباید منتظر باشیم این کاهش تورم در سفره ما محسوس باشد.

کاملا درست است. چون مجموعه ای از کالاها دارند بررسی می شوند. چون شاخص تورم یک شاخص کلان اقتصادی است و یک شاخص خرد نیست.

البته در مجموع نمی گوئیم افزایش قیمت نداریم، بلکه افزایش قیمت داریم آن هم به اندازه ۸ درصد ولی نرخ شدت تورم نسبت به گذشته پایین آمده است. مردم باید به این نکات توجه داشته باشند. خیلی ها می گویند ما کاهش تورم را سر سفر حس نمی کنیم. ولی ما نمی توانیم بگوئیم نتایج آمار غلط است. نتایج منطبق با واقعیت ها هست و بر اساس قیمت گیری ماهانه کالاها محاسبه می شود.

■ طبیعتا شاخص تورم برای اقشار مختلف ممکن است معانی متفاوتی هم داشته باشد.

بله، همین طور است، ممکن است فردی با توجه به درآمدش تورم را حس نکند یا خیلی حس بکند، البته مرکز آمار کار دیگری هم انجام می دهد و آن این که تورم را در دهک های پایین و در دهک های بالا هم بررسی می کند. اما تاکید من این است که تحلیل اعداد و آمار به درستی انجام شود. یعنی مطلبی را که می خواهیم به مردم منتقل کنیم با تحلیل درست و دقیق باشد.

■ در سال ۹۶ تورم چقدر بوده؟

طبق آخرین گزارش که روی سایت سازمان هست در دی ماه شاخص تورم در استان گیلان ۸/۱ درصد بوده است. ۱۲ ماه منتهی به ماه جاری ۸/۱ درصد است که این رقم در کشور ۸/۲ درصد است مثلا در گروه تخم مرغ نسبت به ماه قبل حدود ۴ درصد افزایش داشتیم و در ماه مشابه سال قبل ۱۵ درصد افزایش. یعنی قیمت گیری درست انجام می شود و در نهایت میانگین این عده هاست که می شود ۸/۱ درصد.

■ آیا میانگین قیمت کالاها در تورم در نظر گرفته می شود؟

بله، متوسط واحد قیمت در نرخ تورم لحاظ می شود. مثلا متوسط قیمت برنج ایرانی درجه یک ۱۱ هزار و ۷۰۰ بوده در دی ماه و یا بعضی از قیمت ها افزایش، برخی کاهش و تعدادی نیز قیمت ثابت داشته اند و این اعداد بر اساس قدرمطلق قیمت ها لحاظ می شود.

■ شما روی تحلیل درست آمار تاکید دارد، ولی گاه شرایط اقتصادی جامعه به گونه ای است که

■ مردم می گویند کاهش تورم در سفره ما محسوس نیست، اما مسئولان می گویند شدت تورم کم شده است.

آمار چیزی ساده ای نیست. واقعا سفره ما چند نوع کالا در آن هست؟ ۱۵ قلم؟ ۲۰ قلم؟ مثل مرغ، گوشت، برنج، روغن، صیفی جات، نان، تخم مرغ، پنیر و ... ولی چیزی که در محاسبه نرخ تورم به لحاظ علمی در نظر گرفته می شود (و قابل پذیرش در تمام دنیا است) این است که قیمت ۴۵۰ کالا بررسی می شود. و بعد این که این کالاها چه وزنی در سبد مصرفی خانوار دارند مهم است. یعنی ۴۵۰ کالا از نظر قیمت و میزان وزن در سبد خانوار و تورم بررسی می شود تا از شاخص قیمت به شاخص تورم برسیم. و هر کدام از این کالاها ضرایب خاص خود و وزن خاص خود را دارند. مثلا شاید قیمت اجاره خانه، دو دهم درصد ولی یک کالای دیگر مثلا نمک، زردچوبه دو صدم درصد در سبد مصرف خانوار وزن داشته باشند. پس هم ضریب اهمیت یک کالا و هم افزایش قیمت یک کالا (تغییر قیمت یک کالا) مهم است.

■ خوب آیا شاخص قیمت کالاها اهمیت دار، ضروری یا درجه یک جداگانه محاسبه نمی شوند؟

با هم سنجیده می شوند ولی هر کدام با توجه به ضریب اهمیت خودشان در تعیین میزان شاخص تاثیر دارند. در بین این ۴۵۰ قلم کالا ممکن است کالاهایی داشته باشیم که خیلی افزایش قیمت داشته باشند و یا اصلا افزایش قیمت نداشته باشند و یا کالاهایی هم کاهش قیمت داشته باشند که بررسی و محاسبه تمام این ها عددی به اسم شاخص کل را به دست می دهد که مربوط به ماه یا سال است و با ماه یا سال قبل مقایسه می شود و عدد تورم اعلام می شود. ولی خیلی ها مثلا فکر می کنند به عنوان مثال اگر قیمت تخم مرغ (که چندی پیش هم چالش برانگیز شده بود) چندین درصد افزایش پیدا کند به همان اندازه نرخ تورم تغییر می کند، در حالی که نرخ تورم متأثر از محاسبه قیمت و وزن ۴۵۰ کالا است.

■ آیا این نوع بررسی شاخص تورم یعنی محاسبه قیمت و وزن حدود ۴۵۰ کالا در همه جای دنیا انجام می شود؟

بله، ممکن است بگوئید آیا شاخص را نمی توان در زیر گروه هایی محاسبه کرد؟ خوب ما باید ببینیم آیا چنین کاری عملیاتی هست یا نه. چون در چنین حالتی حجم نمونه ها این قدر وسیع می شود که نمی توان عملیاتی کرد. وقتی می گویند زیر گروه ها، باید گروه هایی که آن اطلاعات را تولید می کنند دقیق انتخاب شوند. (هر نمونه بایستی





تحلیل درست آمار هم نمی تواند مرهمی برای توجیه یا آرامش افراد به لحاظ روانی شود. یعنی تا وقتی که چیزی برای عموم مردم ملموس و محسوس نباشد پذیرش ارقام و اعداد کمی مشکل به نظر می رسد. مثل این که مسئولین برای اشتغالزایی آمار ارایه می دهند ولی جامعه، واقعیت دیگری را نشان می دهد. نمی گوئیم افزایش قیمت نداریم، ولی خیلی ها در تحلیل به این نکات توجه نمی کنند و گاه حتی برخی از کارشناسان و مسوولین نیز در



سواد آماری خیلی مهم است ولی متأسفانه از این نظر ضعیف هستیم

ولی این که زمینه و بستر جامعه و کار در برخی از کشورها با شرایط کار در جامعه‌ی ما فرق می کند بحث دیگری است. هر چند در آنجا هم ممکن است فرد با یک یا دو ساعت کار نتواند زندگی را تأمین بکند. مثلاً آیا داریم کسی که یک ساعت کار کند و بتواند اموراتش را بگذراند؟ حتی در کشورهای دیگر از جمله کشورهای اروپایی و آمریکایی هم نداریم.

بنابراین تأکید من این است که این طرح دنبال معیشت نیست یعنی این یک طرح ویژه است. لحاظ کردن یک ساعت کار برای برنامه ریزی اقتصاد کلان، یعنی چه کسانی در تولید ناخالص داخلی نقش دارند؟ همه کسانی که کار می کنند چه یک ساعت چه ۱۰ ساعت چه ۴۰ ساعت و کمتر و بیشتر و یا کسی که در خانه خودش مثلاً برنامه نویسی می کند، و کسی که در جامعه ۶۰ ساعت کار می کند، همه‌ی این ها در تولید نقش دارند. پس میزان ساعت کار باید لحاظ شود و این تنها ملاکی است که در «ILO» پذیرفته شده و به لحاظ منطقی هم قابل پذیرش است. بنابراین بهترین واحد کار «ساعت» است. حال ملاک قرار دادن چه میزان ساعت مهم است؟

چون هر عددی را که در نظر بگیریم یک تعدادی را از دست می دهیم و در محاسبات به سرانه ناخالص دچار اشکال و اشتباه می شویم. چون در محاسبه بهره‌وری، کل شاغلینی که در آن اقتصاد نقش دارند باید در مخرج کسر قرار بگیرند. حال این که نگاه شما به عنوان یک شهروند منتقد چیست و این که بگویید می خواهید طرحی داشته باشید که به ما بگوید وضعیت معیشت شاغلان ما چگونه است آن بحث دیگری است چون این طرح اصلاً با هدف پاسخ به این سوال تدوین نشده است. و باید طرح ویژه دیگری تولید شود تا مثلاً ببینیم نرخ بیکاری براساس معیشت چیست؟

حال اگر برای وضعیت معیشت سه پارامتر تعریف کنیم، مثلاً بگوییم کسانی که درآمدشان حداقل فقر و بالای سه میلیون تومان بوده، استخدام این ها پایدار باشد و دارای بیمه تأمین اجتماعی باشند که از نظر ما چنین فردی شاغل است. اما باز یک تعداد از کسانی که دارند کار می کنند از این جا می مانند. یعنی تعدادی که دارای این ویژگی ها هستند می شوند جزو افرادی که شغلشان معیشت آن ها را تأمین می کند و بقیه نه.

تعریف کار براساس تعریف اداره کار یعنی هشت ساعت کار در روز چه طور ارزیابی می شود؟ خب اگر باز ملاک این طور باشد که مثلاً ۴۸ ساعت کار در هفته را مدنظر قرار دهیم آیا می توانیم بگوییم کارمندان ما معیشت خوبی دارند؟ پس معیشت نیست. ولی می توانیم بگوییم کسانی که بالای خط فقر درآمد دارند مثلاً معیشت خوبی دارند. ولی این می شود تعریف یک فرد عادی از کار. ممکن است یک اقتصاددان و تحلیل گر بگوید نه من به جای دو شاخص باید مثلاً پنج شاخص را کنار هم بگذارم تا بگویم وضعیت معیشت شاغلین ما خوب است یا نه. پس معیشت یک موضوع متفاوت است.

در طرح نیروی کار با هدف تأمین پوشش کلیه افرادی که در حوزه اقتصاد کشور فعالیت می کنند بررسی انجام و اعداد اعلام می شود و نرخ را براساس یک ساعت کار به دست می آورند و خوبی آن است این است که تمام آیتم ها را دارد که بین المللی است. اما ممکن است کسی بگوید که می خواهیم بومی سازی کنیم و براساس تعریف اداره کار کسانی که هشت ساعت کار در روز و ۴۸ ساعت کار در طول هفته داشته باشند به عنوان شاغل و مابقی را به عنوان بیکار در نظر بگیریم. این تعریف در جای خودش محترم، ولی ممکن است یک اقتصاددان دیگر بگوید من ۴۸ ساعت کار را قبول ندارم و مثلاً حداقل ۲۵ ساعت کار باید در نظر گرفته شود.

یعنی تعریفها می شود سلیقه‌ای. بنابراین تعریفی که برای کار براساس استاندارد جهانی انجام می شود باید ملاک قرار گیرد.

و البته برای پیدا کردن وضعیت معیشت هم باید طرح و پرسشنامه دیگری تولید شود. در کل باید بگوییم سواد آماری خیلی مهم است ولی متأسفانه از این نظر ضعیف هستیم.

تحلیلها دقت نمی کنند. اصلاً باید ببینیم این عده‌ها برای چی منتشر می شوند؟ با چه تعاریفی و با چه زبانی؟ بعد اعداد را تحلیل کنیم و بگوییم درست است یا غلط. یعنی بدون توجه کامل، گاه حرفهایی می زنیم و نقدهایی می کنیم که منصفانه نیست. مثلاً در حوزه نیروی کار و اشتغال که از بحث برانگیزترین موضوعات است و می گویند چرا در مورد بدست آوردن تعداد افراد شاغل این طور محاسبه می کنید. خب راهی بجز این نداریم. چون هر راهی بجز این روش اشتباه است. سال های قبل که براساس دو روز کار محاسبه می کردیم نیز اشتباه بوده است. چون بخشی از جامعه‌ای که فعالیت و کار می کرد و تولید داشت در نظر گرفته نمی شد.

یعنی این که فرد در هفته گذشته حداقل دو روز کار کرده باشد به عنوان شاغل در نظر گرفته شود هم اشتباه بود. چون کسانی که زیر ۱۶ ساعت کار می کردند لحاظ نمی شدند. اما باید دید هدف این طرح چه بوده؟ هدف طرح این است که ما وقتی تعریف می کنیم «هر فعالیت فکری یا فعالیت عملی که منجر به تولید و کسب درآمد بشود کار محسوب می شود». حال براساس این تعریف چه کسانی در کشور کار می کنند؟ پس آن کس که حداقل یک ساعت هم کار کرده باشد چون در اقتصاد کشور نقش دارد به عنوان یک فرد شاغل محسوب می شود.

درست است ولی شخص با آن یک ساعت کار که نمی تواند زندگی را بگذراند. آیا بهتر نیست دو تعریف با دو نگاه از کار داشته باشیم؟

آها، این درست است. حق با شماست. یک وقت می گوئیم اقتصادی، کار را تعریف می کنیم. یعنی هر فعالیت فکری یا عملی که منجر به درآمد شود که یک تعریف استاندارد بین المللی است. اما یک وقت شما به عنوان فردی در جامعه یا یک کارشناس تعریف دیگری از کار دارید. حال می خواهیم ببینیم براساس این تعریف جدید چه تعداد افراد شاغل هستند و یا چه تعداد افراد دنبال شغل می گردند؟ پس باید بگوییم حداقل واحد کار که برای یک فرد می تواند تعریف شود کمک گرفتن از واحد «ساعت» است. البته اندازه گیری سخت است. بنابراین حداقل و حداکثر واحد کار را براساس ساعت محاسبه می کنیم و بعد می توانیم آن را تبدیل به روز کنیم. مثلاً مجموع ساعت های کار در کشور فرضاً سه میلیارد ساعت باشد که می توانیم آن را تقسیم کنیم.

حال کسی که حداقل ۴۸ ساعت در هفته کار کرده باشد از نظر شما به عنوان یک فرد نوعی مثلاً چنین شخصی شاغل است. خب اگر چنین باشد پس آن افرادی که ساعت کمتری کار کرده اند کجا قرار می گیرند؟

خب آن ها جزو بیکاران که نیستند. درست است آن ها جزو بیکاران نیستند. حتی در مورد آن هایی که زیر چهار یا پنج ساعت کار می کنند همین مشکل به وجود می آید.

البته در برخی از کشورها ممکن است فرد حتی با دو ساعت کار هم در مشاغلی قادر باشد که مخارج خود را تأمین کند.

باز به نکته خوبی اشاره کردید. دقت داشته باشید که این طرح به دنبال معیشت نیست. یعنی در این طرح حتی در یک پرسش هم سوال نمی شود که درآمد شما چقدر است و آیا معیشت شما را تأمین می کند یا نه. منظورم این است که باید تعریف معیشتی از کار را با تعریف بین المللی کار اشتباه نکرد. سازمان بین المللی کار «ILO» هم همین طور است و به میزان درآمد کاری ندارد. از طرف دیگر ما باید آماری تولید کنیم که با سایر کشورهای دنیا قابلیت مقایسه داشته باشد و آن هم این است که از این روش استفاده کنیم.



به گزارش روابط عمومی سازمان

مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان،

معاون آمار و اطلاعات سازمان در این

خصوص گفت: نرخ تورم کل کشور و

استان در دی ماه ۱۳۹۶ به ترتیب ۸.۲

و ۸.۱ درصد می باشد. از این رو استان

گیلان در دی ماه، در بین ۳۱ استان،

دارای رتبه بیست و یکم بالاترین نرخ

تورم کشور است.



دکتر سالاری، استاندار گیلان:

هیچ استانی برای اشتغالزایی ظرفیت گیلان را ندارد



گیلان فردا - دکتر مصطفی سالاری، استاندار گیلان با بیان این که آنچه خداوند باید می داد به حد اعلا به گیلان داده است گفت: هیچ استانی همانند گیلان دارای ظرفیت های مناسب در بخش های مختلف برای اشتغال زایی نیست، و ما می توانیم با بهره گیری از منابع داخلی در راستای توسعه و ایجاد فرصت های شغلی گام برداریم. وی با اشاره به تمایز جامعه علمی و غیرعلمی گفت: هرچقدر حضور کاربردی دانشگاهیان، تحقیقات و پژوهش و آموزش عالی در جامعه افزایش یابد رشد و توسعه جامعه ترقی پیدا میکنند.

وی با بیان این که دانشگاه ها باید در زمینه اشتغال و کارآفرینی حرکت کنند، افزود: آموزش ها در مراکز آموزش عالی استان گیلان باید به گونه ای باشد که دانشجوی را در مسیر اشتغال و کارآفرینی قرار دهد. استاندار با اشاره به این که گیلان در حوزه های دانشگاهی و علمی دارای ظرفیت های بسیار بالایی است، ادامه داد: باید با یک برنامه مناسب از این ظرفیت در زمینه توسعه گیلان به ویژه اشتغالزایی بهره گیری شود. اما اگر یک یا دو دستگاه هم در کار خود تعلق داشته باشند کارکرد بقیه دستگاه ها خنثی می شود. دکتر سالاری با تأکید بر ضرورت توسعه علمی در گیلان، تصریح کرد: باید فضا را برای حضور فعال و گسترده دانشگاهیان، پژوهش و تحقیقات علمی افزایش دهیم تا زمینه رشد و توسعه جامعه فراهم شود. وی همچنین با اشاره به این که استان گیلان از هر نظر دارای ظرفیت و پتانسیل برای توسعه و رشد اقتصادی است، گفت: امکانات اولیه توسعه در گیلان وجود دارد، تنها نیازمند مشارکت دستگاه ها و دانشگاه ها در راستای برنامه ریزی و تصمیم گیری هستیم. استاندار گیلان با بیان این که دانشگاهیان در برنامه ریزیهای استان گیلان حضور موثر داشته باشند، خاطرنشان کرد: دانشگاهها باید در مسیری حرکت کنند که پژوهشهای آنها به تولید ثروت، اشتغال و کارآفرینی ختم شود. وی همچنین با تأکید بر لزوم استفاده از ظرفیت دانشجویان در راستای توسعه استان گیلان، خاطرنشان کرد: توسعه دانشگاهها یکی از ملاکهای پیشرفت جوامع است. استاندار با بیان این که عملکرد هماهنگ و مناسب تمام ارگانها و دستگاههای اجرایی سبب توسعه استان میشود، ابراز داشت: استان گیلان ظرفیت بالایی برای توسعه اقتصادی دارد و حتی عاملی همچون تحریم نمی تواند مانع توسعه اقتصادی آن شود. تحریم چه لطمه ای می تواند به گردشگری و کشاورزی ما بزند، اگر ساخت کارخانه پتروشیمی در مقیاس بزرگ باشد ممکن است تاثیر بگذارد ولی ظرفیت های ریز و درشت گیلان در گردشگری و کشاورزی بسیار زیاد است. برای این حوزه ها برنامه ریزی کردیم و انتظار داریم همگی از جمله دانشگاه هیان در کمیته های مرتبط حضور فعال داشته باشند تا با هم افزایی کارکرد بهتری داشته باشیم.

دکتر نوبخت، رییس سازمان برنامه و بودجه کشور در رشت:

پیش بینی ما ورود حدود ۸۳۸ هزار نفر جدیدالورود به بازار کار است



گیلان فردا - «بیکاران امیدوار باشند که سال آینده آن ها را سر کار خواهند گذاشت». رییس سازمان برنامه و بودجه کشور با بیان این که بار سنگینی را بر دوشم احساس می کنم، گفت: خود را مسئول زندگی تک تک افرادی می دانم که در این کشور زندگی می کنند، بر این باورم مسئولیتی را بر عهده گرفته ام که محصول آن بایستی توسعه باشد. دکتر محمدباقر نوبخت، رییس سازمان برنامه و بودجه کشور در رشت گفت: پیش بینی ما ورود حدود ۸۳۸ هزار نفر جدیدالورود به بازار کار است اما در عین حال، برای ایجاد یک میلیون و ۳۳ هزار فرصت شغلی، خودمان را آماده کرده ایم. و این برنامه برش استانی دارد. وی افزود: در بودجه سال آینده که در واقع برنامه توسعه سال ۹۷ و در مراحل پایانی است، ۱۲ برنامه با سرمایه گذاری ۷۳ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان برای دستیابی به این تعداد فرصت شغلی تصویب شده است و در تبصره ۱۴ و ۱۸ اعلام شده که مبالغ برای تخصیص در اختیار سازمان برنامه و بودجه باشد.

دکتر نوبخت با بیان این که من در گیلان صحبت می کنم و این برنامه کشوری است و گیلان مانند سایر استان ها سهم خودش را دارد گفت: سهم گیلان در اختیار استانداری و شورای برنامه ریزی و توسعه استان است، هر مقدار که می توانید از این منابع در رقابت های استانی سهم تان را دریافت کنید.

وی در بخش دیگری از سخنان، آموزش را یکی از شاخص های توسعه و نیز توسعه انسانی دانست و اظهار کرد: برای توسعه یافتگی بایستی به این مهم توجه داشته باشیم.

معاون رییس جمهوری بیان داشت: از ۹۱ هزار میلیارد تومانی که برای رفاه اجتماعی، بازنشستگی و افراد تحت پوشش بهزیستی کنار بگذاریم، بعد از این، بزرگترین رقم ما در بودجه، افزون بر ۵۷ هزار میلیارد تومان مربوط به آموزش و پژوهش است و پس از آن امنیت، بهداشت و سلامت را شامل می شود.

رییس سازمان برنامه و بودجه کشور با اشاره به توجه دولت به آموزش عالی خاطر نشان کرد: دولت قدردان آموزش عالی در کشور است و به آن اهتمام دارد.

وی ایران را از نظر رشد علمی جزو چند کشور پرشتاب ذکر و اضافه کرد: از سال ۲۰۱۳ تا امروز، وضعیت جمهوری اسلامی در شاخص توسعه انسانی بین ۱۸۷ کشور بهبود یافته و از جایگاه ۷۵، به ۶۹ رسیده ایم.

وی اضافه کرد: ایران بنا بر اعلام صندوق بین المللی پول که همه کشورها را مورد رصد قرار می دهد، از نظر اقتصادی در جایگاه هجدهم قرار دارد و در واقع، هجدهمین اقتصاد جهان هستیم.

دکتر نوبخت با بیان این که کشور در شرایط بسیار سختی قرار دارد و بار سنگینی هم بر عهده داریم، ادامه داد: اما با این حال از ظرفیت هایی خوبی برخورداریم که بایستی از آن بهره بگیریم.

مجله اجتماعی - فرهنگی گیلان فردا | شماره هفتم - زمستان ۱۳۹۶

گفتنی است عصر روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه، مراسم گرامیداشت پنجاهمین سال فعالیت آموزش عالی در گیلان با حضور معاون رییس جمهور و رییس سازمان برنامه و بودجه کشور، استاندار، رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان، مهندس جعفرزاده از نمایندگان مردم رشت در مجلس شورای اسلامی، روسای دانشگاه های گیلان و اساتید دانشگاهی در تالار حکمت دانشگاه گیلان برگزار شد.



دکتر مصطفی سالاری استاندار گیلان:

مصرف برق گیلان سالانه حدود هفت درصد افزایش دارد که رقم بالایی برای استان است

برنامه ریزی داشته و میزان مصرف برق پروژه های صنعتی و تولیدی استان و مناطق اطراف آن پروژه ها مورد ارزیابی قرار گیرد تا پس از بهره برداری از آن ها مناطق پیرامونی آن دچار مشکل نشوند. استاندار با بیان این که برق، زیرساخت ضروری برای همه فعالیت هاست افزود: برنامه های راهبردی پنج ساله علاوه بر کمک به دستگاه های اجرایی، میزان نیاز ما در خصوص استفاده از کمک سازمان های دولتی را مشخص می کند. چون برق زیرساخت ضروری برای همه فعالیت ها است. برای افزایش تولید در بخش صنعت، در ارائه خدمات به مصرف کنندگان، برای رفاه مردم و بسیاری از خدمات عمومی دیگر نیازمند تامین برق هستیم.

در این بازدید مهندس «عظیم بلبل آبادی» مدیر عامل شرکت سهامی برق منطقه ای گیلان در خصوص چگونگی روند ساخت و عملیات اجرایی این پروژه با برشمردن موقعیت برق استان گیلان گفت: عملیات اجرایی پروژه پست ۶۳/۲۰ کیلوولت شهرک صنعتی سپیدرود که با هدف تامین برق مطمئن و پایدار شهرک صنعتی سپیدرود و اطراف آن و افزایش ضریب اطمینان شبکه در شرایط پیک بار در سال ۹۵ شروع شده است، انشالله با تلاش شبانه روزی همکاران سخت کوش و شرکت برق منطقه ای گیلان در صورت تامین اعتبارات لازم در نیمه اول سال ۱۳۹۷ برق دار و وارد مدار خواهد شد. شرکت مینا نیرو به عنوان پیمانکار و شرکت مشاور به عنوان مشاور در این پروژه فعالیت دارند. مدیر عامل شرکت سهامی برق منطقه ای گیلان در خصوص مشخصات فنی پروژه گفت: پروژه پست ۶۳/۲۰ کیلوولت شهرک صنعتی سپیدرود با ظرفیت ۲*۴۰ مگاوات آمپر، دارای دو فیدر خط ۶۳ کیلوولت، دو فیدر ترانس ۶۳ کیلوولت، دو فیدر ورودی ۲۰ کیلوولت و ۱۲ فیدر خروجی ۲۰ کیلوولت و ۴ فیدر خازنی است. همچنین سیستم

عایقی پست از نوع سیستم AS می باشد

بلبل آبادی با بیان اهمیت، ضرورت و نقش محوری این پروژه، افزود: این پست در منطقه شهرک صنعتی سپیدرود کلانشهر رشت واقع شده است و اعتبار تخصیص یافته برای این پروژه بالغ بر ۱۴۶ میلیارد ریال است.

وی بیان کرد: تامین نقدینگی و اتمام پروژه های نیمه تمام و اولویت دار اساسی ترین کار شرکت سهامی برق منطقه ای گیلان است و جا دارد مساعدت لازم در تامین نقدینگی و اعتبارات لازم انجام شود تا بتوانیم متناسب با رشد مصرف، پاسخگوی نیازهای استان باشیم.

گیلان فردا- انرژی و چگونگی مصرف صحیح آن حرف تازه ای نیست ولی قبول کنیم که گاه یادمان می رود و فراموشکار می شویم. هر چند بی توجهی های کوچک نسبت به مصرف درست انرژی هایی مثل برق و آب و گاز شاید در نگاه اول خیلی مهم به نظر نیاید ولی همین بی دقتی های کوچک اگر از جانب تعداد زیادی رخ دهد بی شک در هرز رفتن انرژی بسیار تاثیرگذار خواهد بود.

احداث و راه اندازی پست های جدید برق در راستای پوشش هرچه بهتر برق رسانی به گیلان از جمله اقدامات شرکت سهامی برق استان است. در همین رابطه استاندار گیلان با ابراز امیدواری مبنی بر این که تا تابستان آینده، هشت پست برق در دست اجرا که برطرف کننده نیاز برق استان هستند، به بهره برداری برسند تا در این فصل، مشکلی

از نظر تامین برق در گیلان نداشته باشیم در جلسه کمیته تخصصی برق استان اظهار داشت: برنامه ریزی هدفمند کوتاه مدت و بلند مدت برای برطرف کردن نیازهای برق استان در حوزه های خدماتی، تولیدی، صنعتی، عمومی و همچنین استفاده از ظرفیت های بخش های مختلف دولتی ضروری است.

چون متأسفانه بدون افزایش قابل توجه شاخص های بهره وری در فعالیت های مسکونی، تولیدی و صنعتی، میزان مصرف برق گیلان سالانه حدود هفت درصد افزایش دارد که رقم بالایی برای استان است. و بیشترین مشکل مصرف برق در استان، در سه ماه تابستان است که زیرساخت های فعلی برق جوابگوی این میزان مصرف نیست و باید چاره ای اندیشیده شود. وی گفت: دستگاه های متولی باید نقشه های شمع توزیع برق و ارائه خدمات برقی استان را در اختیار داشته باشند تا علاوه بر ارائه خدمات مطلوب به مردم، بتوانیم به صورت شفاف پاسخگوی مشکلات آن ها باشیم. و در صورت داشتن اطلاعات جامع و مطلوب می توان علاوه بر مشخص کردن اعتبارات استانی با انعقاد تفاهم نامه همکاری برای استفاده از ظرفیت های سازمان توانیر در راستای انجام کار مشارکتی با آن سازمان وارد مذاکره شد. وی با اشاره به این که برای انعقاد تفاهم نامه همکاری اعداد و اطلاعات دقیق و صحیح مورد نیاز است خاطر نشان کرد: تمامی دستگاه های مرتبط با برق باید در برنامه های کوتاه مدت یک ساله و بلندمدت پنج ساله، میزان ظرفیت موجود و میزان مصرف برق استان را مشخص کرده و نقاطی که دارای مشکل حاد هستند، در اولویت قرار گیرند. همچنین دستگاه ها از هم اکنون باید برای رسیدن به نقطه مطلوب کاهش رشد مصرف تا سال ۱۴۰۰،





در نشست تخصصی «توسعه» در سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان عنوان شد:

در استفاده از دریا در حوزه گردشگری آبزی پروری و شیلات کم کاری شده است

گیلان فردا - در راستای ترویج فرهنگ توسعه و آشنایی هر چه بیشتر مدیران، کارشناسان و همچنین آحاد مردم با مباحث توسعه در حوزه های مختلف، پنجشنبه آخر هر ماه در سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان نشست هایی با حضور صاحب نظران استانی و کشوری برگزار می شود. در شماره های قبل «مجله گیلان فردا» خلاصه ای از مطالب ارایه شده در این نشست ها را انعکاس دادیم. در این شماره نیز به مطالب ارایه شده در ماه های اخیر اشاره می کنیم.

دکتر کیوان محمدی، رییس سازمان برنامه و بودجه استان گیلان:

دکتر محمدی پرداختن به مفهوم توسعه و پیگیری آن را یکی از مهم ترین مأموریت های سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ها دانسته و از "محیط زیست" به عنوان اولین مشکل در گیلان نام می برد و می گوید: مابقی مشکلات را می توان در دور کوتاه مدت با سرمایه گذاری و برنامه ریزی حل کرد ولی اگر محیط زیست آسیب ببیند غیرقابل جبران است. چون بدون آب، درخت و خاک نمی توان زندگی کرد. وی می گوید: جلسات توسعه مختص جریان و گروه خاصی نیست بلکه همه کسانی که عشق به گیلان و ایران دارند در این جلسات گردهم می آیند و پیرامون توسعه و راه های آن تبادل نظر می کنند و تاکنون بیش از یک چهارم نشست های تخصصی توسعه در این سازمان به موضوع محیط زیست اختصاص داشته است. و جایگاه توسعه در همه بخش ها اعم از کشاورزی، صنعت، شیلات و... باید تبیین شود و همچنین با بیان این که توریست هیچگاه از گیلان حذف نمی شود می گوید: خداوند در کوه، دریا، دشت و جلگه هنرنمایی کرده و این زیبایی ها همراه با شیوه زندگی مردم گیلان در برنجستان، نارنجستان و باغات زیتون و چای همه را علاقمند به تماشای آن می کند اما کشاورزی در گیلان به ویژه کشت برنج جزو موضوعات چالش برانگیز است، زیرا تولید این محصول صرفاً به دلیل ملاحظات اقتصادی نیست بلکه ممکن است دلایل دیگری هم داشته و کارکردهای پنهان آن بر کارکردهای آشکار آن غالب باشد. لذا کشت برنج در گیلان فرآیند فرهنگی پیچیده ای دارد.

وی با اشاره به تدوین برنامه ششم توسعه در برش استانی با کمک مجموعه ای ۳۵۰ نفره از کارشناسان، دانشگاهیان و بازنشستگان اضافه می کند: برنامه ششم توسعه صرفاً کار کارشناسان این سازمان نبوده است بلکه حاصل همفکری کارشناسان همه دستگاه ها است. وی همچنین تاکید می کند: تولید مبتنی بر درون گرایی، تولید مبتنی بر صادرات است و کسانی که به امر صادرات همت می گمارند باید با قوانین و بخشنامه های آن آشنا و نسبت به ظرفیت های کشور اشراف کامل داشته باشند. وی در بخشی دیگر بر ضرورت تجزیه و تحلیل روشن و شفاف از مسایل جنگ با توجه به مقتضیات زمان می گوید: یکی از مطالبی که در آینده ممکن است نسبت به دفاع مقدس اتفاق بیافتد، قضاوت تاریخ جنگ با معیارها، مقتضیات و ارزش های امروز است.



نشست بیست و دوم با موضوع «برنامه ریزی براساس آمایش سرزمین و توسعه پایدار» پروفسور مجید مخدوم عضو هیات علمی دانشگاه تهران:

- ساختار اکوسیستم شامل پارامترهای اقلیم، آب، پستی و بلندی، خاک، سنگ، رستنی و جانور است
- ساختار اکوسیستم معرف عملکرد آن اکوسیستم است. لذا «توسعه» به فرآیند تبدیل ساختار به عملکرد اطلاق می شود.
- توسعه نامتوازن در کشور موجب تخریب محیط زیست ما شده است، و گرنه چه لزومی دارد که استانی مانند گیلان پالایشگاه داشته باشد؟
- آمایش سرزمین، طرح جامع سرزمین، طرح ریزی کالبدی، برنامه ریزی منطقه ای و برنامه ریزی محیط زیست از جمله مبانی «توسعه پایدار و درخور» است.
- توسعه پایدار در ژاپن، سومالی، سنگال، آمریکا و استرالیا با توسعه پایدار در ایران فرق دارد. ساختار زیربنایی فقط شامل راه آهن، بندر و بزرگراه نمی شود، بلکه گاهی نیازمند ساختار زیربنایی فرهنگی هستیم.
- بودجه سازمان محیط زیست حتی از بودجه ساخت یک سد کمتر است لذا باید در ابتدا منابع مالی طرح توسعه را تامین کنیم و سپس به اجرای آن بپردازیم.
- آمایش سرزمین به معنی تنظیم کنش متقابل بین عوامل انسانی و عوامل محیطی به منظور ایجاد سازمان سرزمینی مبتنی بر بهره گیری بهینه از استعداد های انسانی و محیطی است
- برنامه آمایش سرزمین به معنی تطابق نیاز اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با توان طبیعی سرزمین است و مدل ریاضی آمایش سرزمین برای هر آبخیز فرق می کند.
- هر پهنه از منطقه هیدرولوژیک آغاز و به حوزه آبخیز، زیرحوزه، آبخیز و اکوسیستم کلان و خرد ختم می شود که ایران دارای هشت منطقه هیدرولوژیک است.
- اطلاعات اقتصادی-اجتماعی باید تجزیه و تحلیل، جمع بندی، طبقه بندی و نقشه سازی شود لذا برای تهیه نقشه های هم مقیاس به مولفه هایی نظیر استفاده از سرزمین، طبقه بندی درآمد کاربری ها، طبقه بندی تراکم فیزیولوژیک جمعیت، طبقه بندی صنایع از نظر شدت آلودگی، طبقه بندی ساختار زیربنایی، طبقه بندی درصد اشتغال و طبقه بندی پراکندگی واحدهای دامی نیاز است.





نشست بیست و سوم با موضوع «سیاست‌های کلی محیط زیست و جایگاه آن در برنامه ششم توسعه دکتر سید محمد مجابی معاون توسعه مدیریت، حقوقی و امور مجلس سازمان محیط زیست کشور



- در برنامه ششم توسعه، احیای ۲۰ تالاب پیش بینی شده که یکی از آن‌ها، تالاب بین المللی انزلی است
- تا وقتی برای ما آب، جارو و ریختن زباله در هر جا راحت است و تا زمانی که یک سیاست‌گذار کلان بگوید به خاطر چهارآهو و شش گوزن جلوی فلان کار را گرفته‌اید! مشکلات باقی است..
- میزان مصرف منابع زیستی ما حدود سه برابر منابع زیستی برآورده شده است.
- در کشور ما نیز سال ۹۳ - ۹۲ برآورد وزارت بهداشت و درمان از میزان احتساب مرگ ناشی از آلودگی هفت هزار و ۵۰۰ نفر بوده است ولی در سال ۹۵ این میزان را به پنج هزار و ۷۰۰ مرگ انتساب داده‌اند.
- الان با شش کیلومتر سرعت باد، کانون گرد و غبار شکل می‌گیرد در حالی که در وضعیت عادی باید با ۱۵ کیلومتر سرعت باد، کانون گرد و غبار به وجود آید.
- ابتدای سال ۹۶ قانون حفاظت و مدیریت تالابها به تصویب مجلس رسید
- میزان استحصال اقتصادی ما از یک مترمکعب آب، نصف میانگین جهانی است
- جنگل را خراب می‌کنند می‌گویند اینجا را آباد کردیم
- مصرف آب شرب در کارواش‌ها، در استخر مجتمع‌های آپارتمانی و نظایر آن از جمله چالش‌های کم‌آبی و محیط زیستی در کشور است.
- با میزان دور ریز غذای ما ۱۲ میلیون نفر سیر می‌شوند
- هر دولتی در مورد محیط زیست و ارزیابی زیست محیطی یک نظری می‌دهد
- مجلس نهم دو مجوز عجیب داشت از جمله مجوز به چاه‌های غیرمجاز و حذف محیط زیست در ارزیابی از معادن
- باید نسبت به محیط زیست تغییر رویکرد داشته باشیم و انسان باید مسوولانه با محیط زیست برخورد کند

نشست بیست و چهارم با موضوع «روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه»

کنستانتین آلکسیف سر کنسول فدراسیون روسیه در رشت:

- براساس گزارشات سال گذشته، حجم عمومی مبادلات تجاری بین ایران و روسیه حدود دو میلیارد دلار بوده که بسیار کم است و باید چندین برابر افزایش داشته باشد.
- سهم ۸۰ درصدی ایران در صادرات فرش دستباف، زعفران، تولیدات کشاورزی و صنعتی و ماهیگیری به ویژه میگو بخش کوچکی از پتانسیل تجاری ایران است که مورد استقبال روسیه برای همکاری های اقتصادی قرار دارد
- تجارت بین ایران و روسیه باید تقویت شده و از حالت سنتی در بیاید
- سال گذشته بیش از ۱۶ هزار ویزای روسیه برای شهروندان در رشت صادر کردیم و لذا حذف ویزای دو کشور در آینده در دستور کار است تا موجب افزایش گردشگران روسیه در ایران و بالعکس شود
- مشکلاتی نظیر حمل و نقل و بسته بندی، نداشتن بانک مشترک و عدم آگاهی تجار نسبت به محصولات صادراتی تاثیرات منفی بر این تجارت متقابل گذاشته است
- در سفر دکتر روحانی به روسیه سند ساده سازی گردشگری گروهی از طریق مرز زمینی به امضا رسید که منتظر تسهیل طرف ایرانی هستیم تا شهروندان دو کشور به راحتی بازدید داشته باشند.



نشست بیست و پنجم با موضوع «کشاورزی و توسعه اقتصادی گیلان با تأکید بر زراعت برنج»

دکتر ناصر عظیمی دویبخشی پژوهشگر و مدرس دانشگاه:

- کشت برنج در گیلان نقش غالب داشته و دارد اما سهم کشاورزی در اقتصاد به طور مستمر رو به کاهش است
- بر اساس نتایج سرشماری عمومی کشاورزی در سال ۸۲، در گیلان ۲۵۳ هزار هکتار زمین کشاورزی وجود دارد که ۱۶۰ هزار هکتار آن زیر کشت برنج است. آخرین سرشماری‌ها در سال ۹۳ نیز نشان می‌دهد که در ۱۲۷ هزار هکتار از ۲۰۹ هزار هکتار مساحت زمین‌های کشاورزی استان، برنج کشت می‌شود.
- براساس آمارها، سهم مساحت کشت برنج در جلگه ۳۴.۶ درصد اما به روایت جهاد کشاورزی، ۵۱ درصد است
- سکونت‌گاه ۹۰ درصد از جمعیت روستایی گیلان در نواحی جلگه‌ای است
- امروزه انتخاب گونه‌هایی از گیاهان در فعالیت کشاورزی ارجح است که بتواند در قیاس با سایر گونه‌ها هم به لحاظ زمان و هم به لحاظ توان جذب انرژی بیشتری تثبیت کند.
- در ۹ ماه از سال زمین های زیر کشت برنج هیچ استفاده‌ای ندارند
- یکی از مهمترین دلایل اصرار بر کشت برنج در گیلان سیاست ملی فراهم کردن امنیت غذایی با تداوم کشت‌های استراتژیک است، این در حالی است که یکپارچگی جهان چندقطبی دستیابی به غذا را در بازار جهانی آسان تر کرده است
- مزیت اقتصادی یک محصول کشاورزی در این است که رقابتی باشد و بتواند ارزش افزوده بیشتری در قیاس با فضای اشغال شده تولید کند. لذا تولید برنج در گیلان مزیت رقابتی و اقتصادی ندارد
- ۹۵ درصد آب مصرفی ایران در بخش کشاورزی و عمده آن در کشت برنج استفاده می‌شود
- میزان بارندگی در طی سه ماهه کاشت و داشت برنج در گیلان حدود ۱۴۱ میلی متر است که ۱۰ درصد از کل بارندگی های استان را به خود اختصاص می‌دهد. در واقع برنج از مزیت‌های اقلیمی استان بی بهره و وابسته به آب‌های خارج از استان است
- کشاورزی یکی از سه بخش اقتصادی محسوب می‌شود که امروزه سهم آن در کل اقتصاد به طور مستمر رو به کاهش است. در واقع کشاورزی دیگر محور توسعه نیست و هم اشتغال در بخش کشاورزی، هم سهم آن در تولید ناخالص و هم میزان مصرف مواد غذایی در سبد خانوار رو به کاهش است.





نشست بیست و ششم با موضوع «جایگاه گردشگری در اقتصاد مقاومتی و برنامه ششم توسعه با تأکید بر گیلان» دکتر زامعصومی راد عضو هیات علمی دانشگاه گیلان و رییس امور فرهنگی، گردشگری و ورزشی سازمان برنامه و بودجه کشور:



■ برنامه ششم توسعه بر سه محور اقتصاد مقاومتی، پیشسازی در عرصه علم و فناوری و تعالی و مقاوم سازی فرهنگی تأکید دارد

■ هدف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، کاهش وابستگی به درآمد نفت و اتکا به ظرفیت‌های بومی و داخلی کشور است

■ بند ۵۰ اقتصاد مقاومتی بر توسعه پایدار صنعت ایرانگردی تأکید دارد، به گونه‌ای که ایرانگردهای خارجی تا پایان برنامه ششم به حداقل پنج برابر افزایش یابند.

■ توسعه در تعریف عام مجموعه اقداماتی است که می‌توانیم با استفاده از ظرفیت‌های دولتی و فرادولتی انجام دهیم تا شاخص‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بهبود پیدا کند، اما توسعه در تعریف خاص منابع در اختیار دولت است که آن را طی پنج سال تخصیص می‌دهد.

■ سهم گردشگری در توسعه به معنای خاص بسیار کم است، زیرا توسعه به معنای خاص در حوزه گردشگری نه تنها درآمد حاصل نمی‌کند، بلکه نیازمند یارانه است لذا به توریسم به عنوان یک محور عام توسعه توجه داریم.

■ گردشگری در افزایش درآمدهای ارزی و کاهش وابستگی به درآمد نفت بسیار مهم است.

■ گردشگری ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی کل جهان، یک یازدهم اشتغال در جهان و ۷ درصد ارزش صادرات جهانی را به خودش اختصاص داده است. براساس آخرین آمارها یک میلیارد و ۱۸۶ میلیون نفر سفر در سال ۲۰۱۵ انجام و یک هزار و ۲۶۰ میلیارد دلار درآمد حاصل شده است. فرانسه، ایالات متحده، اسپانیا، چین و ایتالیا پنج کشور برتر جهان در گردشگری بین‌المللی هستند

■ ضرورت افزایش جریان‌های درآمد و شد هوایی برای استان گردشگری پذیرای مانند گیلان اجتناب ناپذیر است. همچنین نیازمند محوربندی جاذبه‌های گردشگری جهت بازتوزیع گردشگران هستیم، زیرا یکی از مشکلات عمده حوزه گردشگری در کشور پراکنندگی جاذبه‌هاست.

■ در استان گیلان جاذبه‌ها عمدتاً طبیعی است، اما از جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی کهن و غنی مانند تمدن درخشان و باشکوه مارلیک نیز برخورداریم. متأسفانه آثار و ابنیه تاریخی دستخوش فرسایش شده و کمتر باقی مانده اند.

نشست بیست و هفتم با موضوع «راه‌های توسعه گیلان» دکتر مصطفی سالاری استاندار گیلان:



■ ابتدا باید بدانیم کجا هستیم و چه وضعیتی داریم، به کجا می‌خواهیم برویم و چشم‌انداز ما چیست و نهایتاً کجا باید باشیم و چگونه طی مسیر کنیم.

■ طی کردن مسیر توسعه محدود به دولت نیست و دستگاه‌های دولتی بدون پشتوانه مردم نمی‌توانند این مسیر را طی کنند. در واقع مشارکت آحاد مردم و تشکل‌های مردمی اعم از سمن‌ها، اصناف، احزاب و... می‌تواند در مسیر توسعه راهگشا باشد.

■ در کشور همه استان گیلان را می‌شناسند، اما شناخت چندروزه من از گیلان نشان می‌دهد که پیری جمعیت یکی از آسیب‌ها در وضعیت موجود این استان است و دلیل آن مهاجرت جوانان گیلانی به پایتخت یا سایر استان‌هاست. در این مورد شاید از ظرفیت‌های استان به میزان کافی استفاده نکرده‌ایم که جای بحث و بررسی دارد.

■ گردشگری در گیلان به دو نوع میهمان‌داری و صنعت گردشگری تقسیم می‌شود. صنعت گردشگری یعنی گردشگری درآمدزا و اشتغالزای که منجر به تولید ثروت برای جامعه میزبان می‌شود

■ باید بررسی کنیم گردشگرانی که وارد گیلان می‌شوند چقدر برای ما درآمد، شغل و رونق اقتصادی ایجاد می‌کنند و سپس به دنبال کسب درآمد بیشتر از گردشگری باشیم.

■ باید به دنبال افزایش درآمد در واحد سطح باشیم تا کشاورزی رو به زوال نرود

■ درخصوص استفاده از دریا در حوزه گردشگری، آبی‌پروری و شیلات کم‌کاری شده است؛ طوری که اگر دریا را از مردم گیلان بگیریم، تغییر قابل توجهی در معیشت و درآمدزایی اتفاق نمی‌افتد.

■ ارزان‌ترین و دسترس‌ترین شیوه حمل و نقل هم برای گیلان و هم استان‌های همجوار به حوزه سی‌آی‌اس، راه دریایی است لذا نیازمند هم‌اندیشی در راستای استفاده بهینه از این موهبت هستیم

نشست بیست و هشتم با موضوع «نقش صندوق ضمانت صادرات در توسعه صادرات کشور و منطقه» بهمن منتی مدیر خسارت صندوق ضمانت صادرات ایران:



■ همه ما بر نقش صادرات در توسعه تولید، درآمدزایی، کارآفرینی و اشتغالزایی کشور واقف هستیم، اما این کار بدون حمایت دولت از صادرکنندگان امکان‌پذیر نخواهد بود.

■ در سال ۲۰۱۶، شانزده هزار میلیارد دلار صادرات کالا و بالغ بر ۴ هزار و ۷۰۰ میلیارد دلار صادرات خدمات در جهان وجود داشته است. براساس آمار سازمان تجارت جهانی، آمار صادرات غیر نفتی ایران از سال ۸۰ تا ۹۵ حدود ۳۷ میلیارد دلار بوده است.

■ استان گیلان طی هفت ماهه نخست امسال ۱۶۰ میلیون دلار صادرات اعم از محصولات نباتی، معدنی، صنایع غذایی، نساجی و... به کشورهای روسیه، آذربایجان و قزاقستان داشته است.

■ در «بیمه اعتبار صادراتی» پوشش خطر عدم پرداخت خریدار در سررسید مقرر می‌باشد. کشورهای مختلف برای این که نگرانی صادرکنندگان را کاهش دهند و آن‌ها با خیال راحت کالا و خدمات صادر کنند، بیمه اعتبار صادراتی را تعریف کرده‌اند تا آرامش و اطمینان برای صادرات ایجاد شود، زیرا بازارهای جهانی پر از رقابت هستند.

■ بیمه اعتبار صادراتی در ایران در سال ۱۳۵۲ راه‌اندازی شد، اما پس از غیرفعال شدن در دوران انقلاب و پس از جنگ، اساسنامه صندوق ضمانت صادرات ایران در سال ۷۳ مجدداً تصویب شد.

■ بانک‌ها براساس استراتژی خاص هر موسسه اعتبارسنجی می‌شوند لذا هرچه رتبه اعتباری ضعیف‌تر باشد، میزان حق بیمه بالاتر و ریسک بیشتر است.

■ خدمات صندوق به چهار گروه پوشش قراردادهای صادراتی، پوشش طرح‌های سرمایه‌گذاری، پوشش طرح‌های تأمین مالی قبل و بعد از حمل و ارایه خدمات مشاوره‌ای تقسیم می‌شود



نشست بیست و نهم با موضوع «تبیین رویکردها و نقش پژوهش و آینده‌نگری در توسعه کشور» دکتر فرهاد دژپسند رییس مرکز پژوهش و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور:

- نوع و سطح فعالیت‌های پژوهشی یکی از شاخص‌های اصلی توسعه و پیشرفت هر جامعه‌ای است
- قدرت و استقلال کشورها حتی در زمینه‌های اقتصادی بر پژوهش و تولید علم و فناوری استوار است
- دانش‌بنیانی یکی از رویکردهای پنجگانه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است
- همه فرآیندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری باید بر مبنای پژوهش باشد نه این که تعداد طرح‌های عمرانی ما طی هفت سال ۲.۵ برابر شود
- در دنیای پرشتاب کنونی کسب مزیت رقابتی نه با اتکا به مواد اولیه و نیروی کار ارزان بلکه از طریق به‌روزرسانی فناوری‌های موجود و خلق فناوری‌های جدید و پیشرفته امکان‌پذیر است و این امر صرفاً در مسیر توسعه علم، فناوری و پژوهش میسر می‌شود.
- اگر قرار باشد ایده‌های خلق‌الساعه بدون انجام مطالعه و پژوهش به اجرا درآید، بی‌تردید شکل‌گیری جامعه دانش‌بنیان سراب است لذا همه دستگاه‌های ملی و محلی باید کارهایشان را منوط به شکل‌گیری جریان پژوهشی کنند.
- پیشرفت «علم و فناوری» و «اقتصاد» دو انتظار تعیین شده در چشم‌انداز ۱۴۰۴ است.
- گسترش پارک‌های علم و فناوری یکی از مقولات بسیار مهم است که به دانش‌بنیان شدن جامعه کمک می‌کند



نشست سی‌ام با موضوع «نقش دفاع مقدس در توسعه» سردار محسن رشید رییس اسبق مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ:

- اساساً اگر جامعه‌ای می‌خواهد برنامه‌ریزی توسعه‌ای داشته باشد، نیازمند هویت است. اگر جامعه هویت خودش را نشناسد، توسعه هیچ مفهومی نخواهد داشت
- هویت ما در دوران قبل از پیروزی انقلاب متأثر از تجارب تلخ نسل اول انقلاب از جمله کودتای ۲۸ مرداد و انحراف نهضت مشروطه بود. در واقع نسل دوم انقلاب فرزندان کسانی بودند که هیچ امید به پیروزی نداشتند و مانع حرکت رو به جلوی فرزندان خود می‌شدند، زیرا جهت‌گیری و هدف‌گذاری آنان تحت تأثیر آن هویت بود
- جمع‌آوری اسناد تاریخی در عملیات‌های «طریق القدس»، «فتح المبین» و «الفجر مقدمانی» به صورت شفاهی بود و خیلی از روش‌های جمع‌آوری برای ما مشخص نبود و میدان جنگ به ما دیکته می‌کرد لذا در عملیات «الفجر ۴» اولین جزوه تحقیق میدانی صادر شد که هم آموزش راوی و هم آزمون راوی بود. روش‌های چگونه نوشتن فردی و سپس گزارش دسته جمعی بعد از عملیات «خبیر» رقم خورد و آخرین گام با عملیات «بدر» برداشته شد بود و لذا جریانی تحت عنوان «راوی‌گری» و پژوهش‌های میدانی زیر آتش جنگ بروز کرد
- راوی در عملیات «کربلای ۵» از همه یگان‌ها بیشتر بودند و لذا تنها کسانی که این منابع را جمع‌آوری کردند، ارزش آن را می‌دانند که چگونه از بحران‌ها عبور کردیم و امروز نیز می‌توانیم چنین کاری کنیم.



نشست سی و یکم با موضوع «فرصت‌ها و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در گیلان» کیمیا تنهایی مدیر مرکز آموزش و پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان:

- در تهیه و تدوین برنامه ششم توسعه کشور و استان برای اولین بار از مشارکت صاحب‌نظران و فعالان بخش خصوصی استفاده شده است.
- در پنج برنامه توسعه قبلی، دولتی‌ها برای بخش خصوصی برنامه‌ریزی می‌کردند ولی در برنامه ششم علاوه بر متخصصان دولتی و دانشگاهیان، صاحبان صنایع مختلف و فعالان بخش‌های صنعت، کشاورزی و بازرگانی نیز نظرات خود را ارایه دادند که این امر موجب شد ابعاد مختلف برنامه بر اساس واقعیات موجود تهیه و راهکارهای اجرایی بر اساس موانع و مشکلات واقعی پیشنهاد شود.



مهدی خیاطی کارشناس گروه برنامه‌ریزی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان:

- شایسته است همه کسانی که دغدغه توسعه استان را دارند و خود را نسبت به آن متعهد می‌دانند، پیش از طرح مباحثی مبنی بر عدم وجود برنامه یا مشخص نبودن اولویت‌ها و فرصت‌های توسعه استان، برنامه‌های تدوین شده توسط مراجع قانونی مربوطه را مورد مطالعه قرار دهند.
- شرکت در رقابت کسب و کارها در بازارهای بین‌المللی و موفقیت در آن، مانند هر مسابقه دیگری، مستلزم آموزش‌ها و فراگیری مهارت‌هایی است.
- در دنیای امروز تولید و صادرات دو تخصص کاملاً مجزا است. ولی ما می‌خواهیم تولیدکنندگان، خودشان هم صادرکننده باشند.



دکتر یونس رنجکش فرماندار شهرستان مرزی بندر آستارا:

- جذابیت‌های زیادی برای سرمایه‌گذاری در این شهرستان ایجاد شده و برنامه‌برندسازی آستارا را در زمینه‌های مختلف ادامه می‌دهیم.
- دولت با سرمایه‌گذاری و مشارکت جمهوری آذربایجان، خط ریلی آستارا-آستارا را به ثمر نشاند و فرصت‌های سرمایه‌گذاری آستارا در اقتصاد کشور تحول ایجاد خواهد کرد



دکتر مجید متقی طلب رییس پارک علم و فناوری استان گیلان:

- بهترین راهکار توسعه، کاربردی کردن ایده‌های علمی در حوزه اقتصاد و تجارت است و باید به نوآوری‌های جوانان خلاق و صاحب‌فکر استان، بیش از پیش بها داده شود.
- استان گیلان به لحاظ موقعیت مرزی باید در صدور ایده و طرح‌های فناورانه پیشگام باشد و با مسئولان مرتبط آستراخان روسیه و باکوی جمهوری آذربایجان، قراردادهایی منعقد کرده‌ایم و سال گذشته با ارایه طرح و تولیدات یکی از شرکت‌های پارک فناوری ایران، ۶۰ هزار یورو ارزآوری شد.
- ۴۰ کانون خلاقیت شکوفایی و ۲۹۰ هسته و شرکت فناور مستقل و مستاجر زیر نظر پارک علم فناوری گیلان فعالیت می‌کنند و ۵۰ هسته دانش‌بنیان هستند





من یک خبرنگارم ساده لوح نیستم...



معصومه پاداش ستوده

من یک خبرنگارم ساده لوح نیستم...
خانم!..خانم!..شما بازرسی شدین؟
از گیت رد شدین؟
کیفتون بازرسی شد؟
موبایلتونو تحویل دادین؟
دوربین چی؟ چک شد؟
نه موبایل که نمیتونین ببرین تو!..
فقط کاغذ و قلم...فقط
دستوره دست ما نیست

این ها نمونه ای از حرفهایست که یک خبرنگار به ویژه خبرنگار زن، در روزی که برای پوشش خبر سفر یک مقام عالی رتبه کشوری به استان رفته، می شنود.

و چقدر سخت هست سال هایی که با عشق در این راه کار کرده ای از جان و وقت و اعصاب مایه گذاشته ای

حرف های سرد از خانواده و دوستان و اطرافیان شنیده ای که خبرنگاری هم آخر شد شغل و وقتی برای پوشش یک برنامه در سطحی بالاتر از دیگر برنامه ها میروی این گونه برخوردها را تحمل کنی...

مگر نه اینست که من خبرنگار آمده ام تا حضور تو را به مردم معرفی کنم تا بگویم که آای فلان امروز به شهر ما آمده تا روبان فلان پروژه که زحمات زیادی برای آن کشیده شده را قیچی کند مگر نه اینست که اگر تمام روز من در کنار تو مسئول استانی و یا کشوری باشم تو حق ماموریت های آنچنانیت را میگیری و من فقط حق التحریرم را؟!...

پس این رفتارها چیست من باید گوشی تلفن همراهم، که ابزار کارم هست را تحویل دهم اما مهمانان اختصاصی شما با گوشی وارد شوند؟!...
باشد قبول گوشی تلفن همراه را تحویل میدهم که اگر سوتی از شما دیدم نادیده بگیرم. تا مخابره نکنم...
تا دیده را ندیده بگیرم

تا باز به جامعه امید و نشاط ببخشم
تا در سطر سطر اخبارم بنویسم هدف این آقا از سفر به این استان فقط و فقط افتتاح پروژه فلان و بهمان بوده است...

تا بنویسم مردم، مدیونید اگر فکر کنید در خلال این سفرها برخی مقاصد و اهداف شخصی آقایان هم رفع و رجوع می شودها...نه هدف از سفر فقط و فقط بردن آن ربانهای

رنگارنگ بوده است...
باشد برای پوشش برنامه ای که در ازای یک شبانه روز از عمرم از ساعت های زندگیم براینان می گذارم در قبال حق التحریر کمی که دریافت میک نم حداقل به من احترام بدهید، عزت بدهید...

برخی آقایان همراه مسئولان که به استان ها و شهرستان ها می آیند چنان دچار غرور هستند و به خبرنگاران استانی نگاه از بالا به پایین دارند که آدم دلش میخواد همه دق و دلی زندگیش را سرشان پیاده کند...

من خبرنگارم ساده لوح نیستم...حرف من اینست آقای مسئول، خانم مسئول حالا که توفیق گرفتن فرمان خدمت به مردم را یافته ای قدری از مطامع شخصی خودت و اطرافیانت کوتاه بیا...

قدری به فکر اصلاح خودت و جامعه باش...
به خدا این همه حرص و طمع، این همه دستبرد به بیت المال عاقبت خوشی نخواهد داشت.

از آن روز بترس که تیتتر رسانه ها افشای پنهان کارهایت باشد.
از آن روز بترس که اگر من خبرنگار رسانه های مجاز اگر به دلیل شرایط کاری و رعایت خطوط قرمز و اخلاق مداری در رسانه ام سوتی هایت را بازگو نکردم، رسانه غیر مجازی از ناکجا آباد تو را زیر ذره بین خود بگیرد، افشاگریت کند، آبرویت بریزد و درنهایت مردم را دچار یاس و ناامیدی کند...

جناب آقای مسئول محترم...جناب آقا و یا خانم دکتر، مهندس و...
برای مردم خدمت کن نگاهت رو به آسمان باشد مطمئن باش خدمت خالصانه، تو را به اوجی خواهد رساند که هیچ کس را یارای پایین کشانیدنت نباشد...

من یک خبرنگارم، بگذار یک بار هم من حرف بزنم هر مرداد، یک سال بزرگتر می شویم دردهایمان هم با ما بزرگتر می شوند

شاید تقدیرنامه هایی که به ما اهدا می شوند، لیخندی به لبهامان بنشانند، اما شادی واقعی را زمانی خواهیم داشت که هر چه در کارتان سرک کشیدیم، چیز پشت پرده ای نیابیم، آنگاه است که خیالمان راحت می شود که همه چیز امن است

آنگاه هست که اگر گشتیم و چیزی نیافتیم دیگر تک تک موهایمان از فرط تاسف سفید نخواهد شد...
برادر و خواهر مسئولم، به کلید واژه مسئول بیشتر بیندیش

تو مسئولی و من یک خبرنگارم...
من یک خبرنگارم، ساده لوح نیستم، نگذارید نوشته هایم مرثیه ای برای خوبی های از دست رفته باشد...

حالا که قرار است برگ های تاریخ به دستان و قلم من نگاهته شود بگذار بهترین نویسنده باشم.





گیلان فردا- شما تا چه اندازه در انتخاب لباس اهل مد هستید؟ اهل برند چطور؟ البته همیشه در اطراف ما برخی از افراد به شیک پوشی معروف هستند و تعدادی هم اگر اهل خرید پوشاک و کفش و لباس گران نباشند حداقل سعی می کنند با بودجه ای که دارند بهترین، زیباترین و شیک ترین لباس را انتخاب کنند. اما این روزها جدا از مد و شیک پوشی موضوع دیگری نیز بین تولیدکنندگان و مصرف کنندگان بیش از پیش به چشم می خورد و آن توجه به برندهای خاص و معروف است. و این کشش به گونه ای است که حتی افراد غیر متمول هم سعی می کنند در این وادی اعلام حضور کرده و با خرید لباس، کفش، کیف و یا ... خود را در جرگه علاقمندان و مصرف کنندگان برندها معرفی کرده و شاید هم به زبان عامیانه پز بدهند. بدون شک در جامعه امروزی نمی توان بدون توجه به نیازها، سلیق متنوع و تاثیر ارتباطات کالاها و اجناسی را تولید کرد و انتظار موفقیت داشت.

شهرزاد اسفرجانی، مشاور ارتباطات و تبلیغات در گفت و گو با گیلان فردا:

مد و لباس آینه ای از آن چیزی است که در جامعه وجود دارد

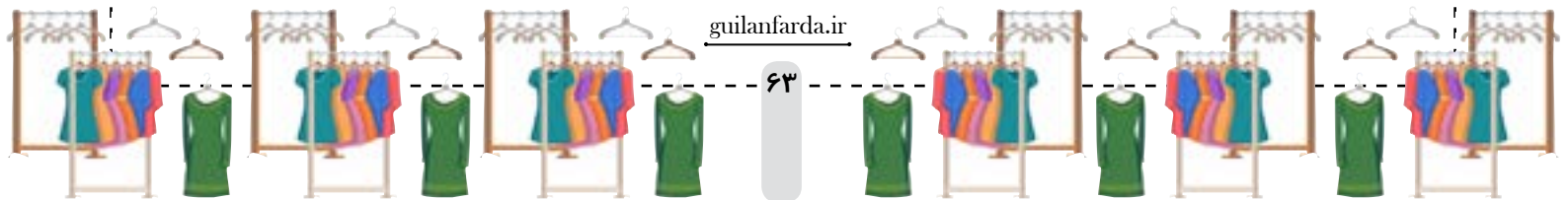


یکی از مشاوران خلاق ارتباطات و تبلیغات معتقد است که امروزه باید ماهرانه بدوزیم و استادانه بفروشیم. چون متدلوژی دنیای امروز عوض شده و اگر زبرساخت فکری مان درست باشد به موفقیت دسترسی پیدا می کنیم. شهرزاد اسفرجانی، مشاور خلاق ارتباطات و تبلیغات با تخصص برنامه ریزی برند، طراحی، بسته بندی و بازاریابی نامی آشنا و مؤثر در بازار حرفه ای و پیچیده ی امروز ایران است. به عنوان خبرنگار روزنامه گیلان امروز و مجله گیلان فردا نظر ایشان را در مورد صنعت مد و لباس و جایگاه این صنعت در کشورمان جويا شدم که در ادامه می خوانید:

قدیم هر چه می دوختیم، می خریدند
وی در خصوص این که آیا اصلا به ساختن برند احتیاج داریم و چرا می گوید: بله، احتیاج داریم چون مردم مثل گذشته فرصت و اعتماد ندارند. بنابراین برای بدست آوردن اعتماد مشتریان باید برند سازی کنیم. قدیم هر چه می دوختیم، می خریدند. اما امروزه باید ماهرانه بدوزیم و استادانه بفروشیم. یعنی چیزی که می دوزیم مطابق با نیاز بازار باشد.
وی در مورد این که کارشناسان داشتن یک برند را یک سرمایه ناملموس به حساب می آورند می گوید: بله، همین طور است.
چون برندها در طول زمان با ایجاد معنی و مفهوم جای خاصی را در ذهن ما بوجود می آورند. یعنی برند احساس درونی افراد از یک موضوع بوده و در واقع می تواند یک سرمایه ناملموس باشد که در دست جا نمی شود ولی در عدد و رقم می گنجد و به حساب می آید. به بیان دیگر برند مجموعه ای از چیزهایی است که دیگران در مورد ما می گویند. پس برند تبدیل کردن یک کالا، یک فرد یا یک جایگاه به گونه ای است که در محیط رقابتی تمایز داده شود. و البته این کار سخت است و باید برای ساختن این مفهوم در تمام عناصر بازاریابی نفوذ کرد.
وی با تاکید بر این که «کیفیت» شرط اصلی برند است اضافه می کند: برنامه برندینگ با تبلیغات فرق می کند، چون برندینگ کلی نگر است. و مد و لباس آینه ای از آن چیزی است که در جامعه وجود دارد. و مد نقش مهمی در زندگی هر کسی دارد چون ابزاری است برای معرفی فرد.
این متخصص برنامه ریزی برند، طراحی، بسته بندی و بازاریابی در پاسخ به این سوال که آیا صاحبان مد و برند به این نکته که کی چی می خرد؟ و چرا؟ توجه خاصی دارند؟ تاکید می کند: بله، فعالان حوزه مد و لباس باید مدام این سوال را از خود بپرسند که «کی چی می خرد؟ و چرا می خرد؟» چون باید با نیاز و آرزوی مخاطب آشنا باشند. چون نوع لباس پوشیدن در جهان تغییر کرده و به همان نسبت سلیقه ها متنوع شده است. به عنوان مثال تمرکز روی فصل ها یا رنگ ها و ارایه پیشنهادات خاص برای شاغلین برخی از حرفه ها و مشاغل و مشتریان حوزه مد و لباس بسیار مهم است...
وی با تاکید بر اهمیت بسته بندی های زیبا و خلاقانه و جدید در حوزه لباس به گیلان فردا می گوید: برند برای مخاطب آرامش ایجاد می کند و صاحبان برندهای بزرگ با دسته بندی درست و همچنین ایجاد اتاق های پرو بزرگ و ویتترین های ساده، شفاف و بزرگ سعی می کنند مشتریانشان را با ارایه تولیدات با کیفیت و همچنین تامین مطلوبیت و رضایتمندی به عنوان مشتریان وفادار حفظ کنند.
اسفرجانی اضافه می کند: در کشور ما هم برندهای خوبی که مشتریان خود را دارند فعال هستند و مشتریان نیز نسبت به استفاده از برندها تمایل نشان می دهند ولی هنوز جای کار در این زمینه بسیار است که صاحبان تولیدی ها و طراحان باید با نیاز سنجی بیشتر و توجه به سلیقه مشتریان و جامعه ی ما گام های خوب و بزرگی در این راستا بردارند که اگر درست و حساب شده عمل کنند با موفقیت و فروش خوب رو به رو خواهند شد.

مجله اجتماعی - فرهنگ گیلان فردا | شماره هفتم - زمستان ۱۳۹۶

برنامه برندینگ
با تبلیغات
فرق می کند





مادران هیچ حقی ندارند

یادداشت هایی از شهلا اصلی

گیلان فردا- وقتی با مردم کوچه و خیابان و با مردم شهر و روستا هم کلام می شوید حس خوبی به شما دست می دهد. فرقی هم نمی کند در تاکسی باشید، در همایش یا در بازار، و یا شنونده صحبت یک دوست و آشنا باشید یا غریبه، چون صادق و صمیمی هستند. خود واقعی شان را نشان می دهند، حتی اگر در مواقع دیگر ماسک بر چهره بزنند در محاوره های جاری روزمره ماسک شان را بر می دارند. بعضی هایشان هنگام صحبت با دیگران به نکات خوب و مهمی اشاره می کنند که اگر من هم بر حسب اتفاق شنونده باشم از آن ها اجازه می گیرم که برخی از نظراتشان را هر چند خیلی کوتاه بنویسم.

شکستن قولنج فیل

می گوید: «در مناسبت ها مدیران و مسئولان طوری حرف می زنند که انگار قولنج فیل را شکسته اند اما سوال اینجاست که با وجود هزاران پروژه ای که هر بار ادعا می شود افتتاح و به بهره برداری رسیده، چرا هنوز اینقدر روستاها و شهرهای ما از کمبود امکانات رنج می برند! می گوید بعضی از پروژه ها در حد روبان زدن به یک شیر آب و یا روشن کردن یک علمک گاز و یا آسفالت یک کیلومتر راه است! می گوید بعضی از پروژه ها از زمان کلنگ زنی تا کنون چندین بار مراسم افتتاحیه داشته اند و البته هنوز هم به بهره برداری نرسیده اند! می گوید بعضی از پروژه ها فقط انجام می شوند که بتوان را نزنید، درست نیست. می گوید: «دیده ام که می گویم!»...



نوبت خدمت کی به ما می رسد

می گوید: «برخی از دست اندرکاران که لذت میز و صندلی را سال ها چشیده اند خیلی زحمت می کشند و مدام در حال خدمت هستند! اصلا آن ها احساس تکلیف می کنند، برای خودشان نیست که به میز چسبیده اند برای تامین معاش نوه و نتیجه و ندیده خود هستند! هر چند وانمود می کنند دلسوز مردم اند! یعنی عاشق خدمت هستند!» می گویم حالا که چنین است خب نوبت خدمت کی به ما می رسد؟! چطور بگوییم که ما احساس تکلیف کرده و عاشق خدمتگذاری هستیم. می گوید: «عاشق خدمت بودن از جانب شما ارزش چندانی ندارد، چون مهم در باند بودن است!»...



آش چی کشک چی

می گوید: «اگر کسی خیلی پیگیر کارش بود و بدقولی و سستی از طرف خودتان بود بهترین کار این است که اصلا زیر همه چیز را بزنید و بگویید «آش چی کشک چی»! کی؟ کجا؟ چه وقت؟ در چنین حالتی طرف باید کلی وقت بگذارد تا اصل ماجرا را یادتان بیورد و این باعث می شود فرصتی برای شما ایجاد شود. در ادامه اگر دوباره پیگیر شد و تلفن کرد، بگویید اصلا زنگی به او زده نشده، اگر پیامک داد و بعد گله کرد که چرا جواب ندادین، بگویید اصلا پیامکی دریافت نکردید و اگر از تلگرام پی ام داد، ادعا کنید چیزی دریافت نکرده اید!! و چند روز بعد هم که پیام را باز کردید و خواندید هیچ جوابی به پیامش ندهید! این طوری مشکل شما رفع می شود و طرف مقابل هم از پیگیری خسته می شود و همه چیز ختم به خیر می شود!»...

پول دار یا قرض دار

می گوید: «همه پولدار شدند شما چرا قرض دار شدید؟؟» می گویم حساب دخل و خرجم را درست نگه نداشتم. پوزخندی می زند و می گوید: «مگر شما دخل هم دارید!!» می گویم منظور همین دخل و خرج چندرغاز است. می گوید: «اشتباه شما همین است. وقتی که شما ریال ریال روی هم می گذاشتید دیگران تومان تومان روی هم گذاشتند! آن ها سپس میلیون میلیون و کمی بعد میلیارد میلیارد روی هم گذاشتند و شما همچنان به واحد ریال وفادار ماندید! شما وام گرفتید و آن ها گفتند این که وام می گیرد لابد وضعش خوب است که می تواند سودهای مرکب اسرائیلی را به بانکداری اسلامی پس بدهد! و شما همچنان خود را به ریال بازهم وفادار نگه داشتید و حالا آن ها پولدار شدند و شما قرض دار!»...



همایش های فرمایشی با موضوعات سفارشی

می گوید: «موضوعات این همایش ها چطور انتخاب می شود؟» می گویم لابد براساس نیاز جامعه. می گوید: «این همایش ها که همه فرمایشی هستند با موضوعات سفارشی.» می گویم آن را دیگر من نمی دانم! می گوید: «تاکنون هیچ پرسیده اید که خروجی این همایش ها چیست؟ کدام مشکل جامعه و مردم را رفع کرده است؟» می گویم این را باید از مدیران و برگزارکنندگان پرسید. اگر به درد من و شما نمی خورد به درد خودشان که می خورد! می گوید: «به نظرم شما خیلی صبور هستید که در چنین همایش هایی با این مقدمه های طولانی، با این چاپلوسی ها، با این سخنرانی که اصلا نمی دانند چند دقیقه باید حرف بزنند، و با این افرادی که فکر می کنند حتما باید بروند پشت تریبون، با این تعداد ده بیست سی نفری که دعوت می کنند تا به روی صحنه بیایند و مثلا یک برگ تقدیرنامه را به کسی بدهند... و شرکت می کنید!» می گویم ولی در برخی از همایش ها صاحبانظران واقعی حضور دارند. می گوید: «به صاحبانظران واقعی احترام می گذارم اما به دارندگان مدارک آیکی نه! چون به نظر من این همایش ها فرصتی برای معرفی خودشان و در معرض دوربین و رسانه و تبلیغات قرار گرفتن خودشان است. مگر نشنیده اید که در سایه آب دادن به برنجزار، علف ها هم سود می برند!» می گویم دلناتن خیلی پر است. می گوید: «شما بهتر از من می دانید که همین همایش های کسالت بار برای برخی ها چه سودهایی دارد!...»

نود و ده درصد

می گوید: «چقدر امکان دارد که این اتفاق بیفتد؟» می گویم نود و ده درصد! می گوید: «چرا منفی حرف می زنید؟» می گویم منفی حرف ندم از روی احتمالات حرف می زنم. می گوید: «از نوع همان احتمالاتی که مدیران پیش بینی می کنند و برعکس در می آید؟» می گویم پیش بینی مدیران را نمی دانم ولی تقریبا مطمئن هستم که به شما نود و ده درصد نه خواهند گفت! می گوید: «حق با شماست، آخر آن ها عادت دارند طرح ها را به عناوین مختلف رد کنند و بعد بگویند به دنبال کارآفرینی هستیم. آنوقت بروید ببینید برای نزدیکان و دوستان خود چه کارهایی می کنند. خب دوره دوره بده بستان است دیگر!»...



مادران هیچ حقی ندارند



می گوید: «مادران هیچ حقی ندارند!» می گویم این دیگر چه حرفی است، بهشت زیر پای مادران است! می گوید: «وقتی می گویم مادران هیچ حقی ندارند قبول کنید!» می گویم می دانم که در جامعه مردسالار در مورد بسیاری از حقوق زنان غفلت شده است، می دانم که می گویند زنان و مردان با هم برابر هستند ولی مردان برابرترند! می دانم که در مورد ارث و دیه مردان برابرترند! می دانم که در مورد تصمیم برای سفر، مردان برابرترند! می دانم که در مورد اجازه جراحی کودکان باز مردان برابرترند! می دانم که مردان در ادارات نسبت به همکار خانم هم تراز خود برابرترند! می دانم که در انتخاب پست ها باز مردان برابرترند! می دانم که خشونت های پنهان و آشکار علیه زنان زیاد است، می دانم که در محاکم حقوقی باز مردان برابرترند!... اما نمی دانم منظور شما از این که مادران هم هیچ حقی ندارند چیست؟! چو جایگاه مادر بودن بسیار فراتر از جایگاه زن بودن است! می گوید: «خب چطور ممکن است که وقتی مادری فرزندش را بزرگ می کند، از شیر جانش به او می دهد، هر لحظه و هر لحظه در غم و شادی کنارش هست و زندگیش می شود فرزندش، و در تمام شئون زندگی مشترک اعم از مادی و معنوی جانفشانی می کند، آنوقت در مهمترین و باشکوترین و زیباترین لحظه زندگی فرزندش وجود مادر الزامی نباشد!...»

خیلی کنجکاو می شوم. می گویم یعنی چه؟؟ می گوید: «مگر نه این که می گویند جشن عقد و ازدواج یکی از مهمترین وقایع زندگی هر شخصی است، مگر نمی گویند آرزوی هر پدر و مادری دیدن جشن عقد و عروسی فرزندانشان است، مگر نمی گویند بهشت زیر پای مادران است، مگر نمی گویند مهر مادری را با هیچ چیز دیگر نمی توان عوض کرد پس چطور است که در زیباترین، باشکوه ترین و مهمترین واقعه زندگی فرزند یعنی زمان عقدش الزامی به حضور مادر نیست!!!» می گویم جل الخالق! مگر می شود؟! می گوید: «وقتی در هنگام عقد فقط به امضای پدر عروس و پدر داماد و امضای دو شاهد احتیاج است به نظر تان منظور چیست!...» می گویم از قدیم گفته اند که اجازه پدر شرط است ولی من فکر می کردم حتما موقع عقد امضای مادر هم نیاز باشد. یعنی اگر شرط واجب هم نباشد شرط کفایی باشد و بنا به حرمت و احترام از مادر هم بخواهند که دفتر عقد فرزندش و چیزی را که در دفترخانه ثبت می شود امضا کند، یعنی حتی اگر امضای مادر ضروری هم نباشد ولی بنا به احترام و حرمت به جایگاه مادری از او خواسته شود که! بدون این که فرصت دهد حرفم را ادامه دهم می گوید: «شما اشتباه فکر می کردید، یادتان باشد که در جامعه مردسالار حرف زیاد زده می شود. حتی به حرمت و احترام جایگاه مادر هم در چنین برهه ای از زندگی فرزندش توجه نمی شود! چون مردان برابرترند و پدران برابرترین!!!...»



آغوشی که هر روز بزرگتر می شود

هر روز ۶ کودک مبتلا به سرطان تحت حمایت محک قرار می گیرند.

در سالی که گذشت با همراهی شما بیش از ۲۰۰۰ کودک جدید تحت حمایت محک قرار گرفتند؛ تنها با تداوم این همراهی است که آغوش محک می تواند به روی همه کودکان مبتلا به سرطان گشوده بماند.

روش های حمایت از کودکان محک:

شماره کارت: ۶۰۳۷-۹۹۱۱-۹۹۵۰-۰۵۹۰



*۷۳۳*۲۳۵۴۰#



۰۲۱-۲۳۵۴۰

تلفن بازدید از محک: ۰۲۱-۲۳۵۰۱۲۱۰

از اینکه به پیام ما توجه می کنید، سپاسگزاریم.



محک

مؤسسه خیریه حمایت از
کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org

فرم اشتراک مجله گیلان فردا

روش اشتراک

لطفاً اشتراک به اضافه هزینه بسنی را به شماره حساب ۰۱۰۱۸۴۴۷۴۳۰۰۵ سببای بانک ملی و یا به شماره کارت سبیا (۶۰۳۷۹۹۷۱۰۸۴۱۲۲۲۳) با شماره حساب بانک سرمایه ۳۷۰۱۸۰۰۰۱۱۳۷۰۵۱۰۰۱ و یا شماره کارت بانک سرمایه ۶۳۹۶۰۷۱۱۰۹۸۰۹۷۰۷ واریز نمایید.

نام و نام خانوادگی.....شغل.....نشانی بسنی.....

کد بسنی ۱۰ رقمی.....تلفن.....همراه.....پست الکترونیکی.....

اشتراک یک ساله

خوانندگان ارجمند چنانچه به همکاری با مجله اجتماعی فرهنگی گیلان

فردا «علاقتمند بودید می توانید مقالات خود را بر ایمان ایمیل فرمایید.

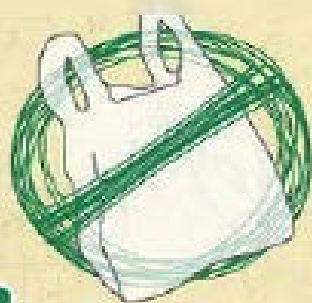
پست الکترونیک: gilanfarda94@gmail.com

لازم به یادآوری است مقالات درج شده در مجله لزوماً دیدگاه گیلان فردا

نبوده و مافنامه گیلان فردا در اصلاح و ویرایش مطالب و مقالات رسالی

آزاد است

میوه شرقی گیلان	میوه خوب	نپه باستانی رودبار	پایتخت سنگال	حشره پارچه خوار سخت	ویتامین B1		نامزد
					ایزار بنایی چیز	پندر گیلان	
دریاچه زابل	جا	خواهر برعکس	↓	↓	↓	↓	↓
		دالی زین قرمز کشور آرونا					معجون معروف ذخیره
					شهر شرق گیلان		↓
					کشور عمان		قصر جنوب حلال رنگ
					مقعر		↓
	نوعی پارچه				سکون		↓



خیلی وقت های شه گفت:

ممنون، کیسه پلاستیکی نمی خوام!

درخواست کیسه پلاستیکی از فروشنده حق شماست

ولی می توانید با امتنا از دریافت آن "با فرهنگ بودن خود" را نشان دهید



خبر و نظر خبر

پیشگیری از تخریب، تصرف و برداشت شن و ماسه و ساخت و ساز در اراضی ملی و منابع طبیعی استان در ایام تعطیلات نوروزی



گیلان فردا- با توجه به فرا رسیدن تعطیلات نوروزی و احتمال سوء استفاده از افراد فرصت طلب اداره کل حفاظت محیط زیست گیلان با مشارکت ادارات مرتبط از جمله جهاد کشاورزی، صنعت و معدن، منابع طبیعی، راه و شهرسازی و شرکت سهامی آب منطقه ای اقدامات مشترکی برگزار می کنند و از تخریب، تصرف و برداشت شن و ماسه و ساخت و ساز در اراضی ملی و منابع طبیعی استان در ایام تعطیلات نوروزی جلوگیری به عمل می آید.

مدیر کل حفاظت محیط زیست گیلان گفت: مقرر شد در این ایام برنامه کشیک حفاظت از انفال و اراضی ملی و منابع طبیعی در کلیه سازمان های ذیربط تهیه و تنظیم شود.

به از روابط عمومی حفاظت محیط زیست گیلان قربا نعلی محمدپور همچنین گفت: منابع طبیعی استان از صدور مجوز قطع و حمل و نقل درختان جنگلی از تاریخ ۲۵ اسفندماه جاری لغایت ۲۰ فروردین سال ۹۷ ممانعت به عمل می آورد. وی افزود: سازمان صنعت ومعدن و تجارت و شرکت آب منطقه ای نیز در فاصله زمانی ۲۵ اسفند جاری لغایت ۲۰ فروردین از هرگونه صدور مجوز برداشت شنو ماسه و حمل آن خودار بیه عمل می آورد.

گشت های جهاد کشاورزی و حفاظت محیط زیست استان و شهرستانها نیز از هرگونه تغییر کاربری اراضی کشاورزی با همکاری نیروی انتظامی و پشتیبانی دادستانهای شهرستان ها جلوگیری به عمل می آورند

اجرای طرح شب های زنده در رشت طی روزهای آتی

گیلان فردا- دکتر مصطفی سالاری با بیان این که شهر رشت اولین شهریست که طرح شب های زنده در آن اجرا می شود، اظهار داشت: دستورات لازم به شهرداری، میراث فرهنگی، اصناف و ناجا برای فراهم سازی مقدمات اجرای این طرح داده شده که طی چند روز آینده اجرایی می شود.

وی گفت: توسعه گردشگری شهری، مدیریت اوقات فراغت شبانه شهروندان، مسافران و گردشگران، ایجاد فرصت های جدید اشتغال پایدار، کمک به شادابی و نشاط مردم، کمک به انسجام خانواده، استفاده از فرصت شب برای دور هم بودن اعضای خانواده در بازارهای شبانه و کمک به کاهش افسردگی، کاهش استرس، کاهش اثرات مخرب تنهایی به ویژه برای دانشجویان و سالمندان از اهداف اجرای این طرح است.

استاندار گیلان با تشریح مزایای طرح شب های زنده در رشت اظهار داشت: خلق و آفرینش فرصت های شغلی جدید در زندگی شبانه و رونق کسب و کار استان گیلان، به کارگیری بخشی از نیروی کار بدون کمترین هزینه سرمایه گذاری توسط دولت و شهرداری ها، افزایش امنیت خاطر مردم، کاهش عوامل ایجاد ناامنی، کاهش سرقت های شبانه و توسعه امنیت برای شهروندان، مسافران و گردشگران از جمله مزایای این طرح است.

به گزارش روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گیلان به گفته دکتر سالاری، دسترسی آسان به بازار فارغ از ترافیک روزانه، کمک به توسعه و رونق گالری های هنری و کمک به جامعه هنرمندان فاقد مکان مورد نیاز برای عرضه آثار و کمک به رونق فروش صنایع دستی، بومی و محصولات محلی به ویژه برای کشاورزان و مرغدارانی که در فصول کاشت، داشت و برداشت محصول فرصت آرایه تولیدات خود به صورت مستقیم را ندارند، از دیگر مزایای اجرای این طرح است.

وی گفت: مکان گزینی و انتخاب محورهای گردشگری برای اجرا و ساماندهی مشاغل، توجه به معماری شبانه و استفاده از قابلیت نور و نورپردازی، تامین روشنایی فضاهای عمومی، بناهای ارزشمند و تاریخی، اماکن عمومی و انتخاب تعدادی از کسبه شهر شب برای اداره و نظارت بر فعالیت و مشاغل از اقدامات اولیه در اجرای این طرح است...

گفتنی است رشت حدود ۷۰۰ هزار نفر جمعیت ثابت دارد که به طور متوسط، این تعداد در طول روز به بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر می رسد.

تخلفات حادثه ساز خط قرمز پلیس است

گیلان فردا- رییس پلیس راهنمایی و رانندگی فرماندهی انتظامی استان گیلان گفت: تخلفات حادثه ساز، خط قرمز پلیس است و برخورد قانونی با این تخلفات در دستور کار قرار دارد. سرهنگ محمدرضا محمدی گفت: طرح استقبال از مسافران نوروزی با اهدای گل و شیرینی و ذبح قربانی، تلاشی برای خدمت رسانی به مسافرانی است که گیلان را به عنوان مقصد برگزیده اند.

وی با بیان این که پلیس برای کمک به مسافران تنها به حضور در معابر بسنده نمی کند، تصریح کرد: با ذبح قربانی برای حفظ سلامت شهروندان، امیدواریم نوروزی کم حادثه را پشت سر بگذاریم.

سرهنگ محمدی با تاکید بر این که پلیس با آغوش باز از مسافران استقبال می کند، خاطرنشان کرد: خط قرمز پلیس تخلفات حادثه ساز است.

به نقل از واحد اطلاع رسانی پلیس گیلان به ایرنا رییس پلیس راهنمایی و رانندگی استان گیلان گفت: به منظور انتظام بخشی ترافیکی و برقراری امنیت در جاده ها در ایام نوروز، یک هزار واحد گشت با شش هزار نیروی پلیس در استان گیلان فعالیت دارند.

طرح گیلان مطهر نیز از ۲۸ اسفندماه تا ۱۳ فروردین ماه با هدف پیشگیری از آسیب های اجتماعی و ناهنجاری های اخلاقی و ترویج امر به معروف و نهی از منکر در قالب برپایی یکصد ایستگاه در نقاط گردشگرپذیر استان نظیر سواحل و تفرجگاه ها با همکاری یک هزار و ۶۰۰ نیروی روحانی، بسیجی و عوامل انتظامی فعال خواهد بود

اجرای طرح "سلامت نوروزی" در گیلان



گیلان فردا- رییس دانشگاه علوم پزشکی گیلان، از تشدید نظارت ها و بازدیدهای روزانه دانشگاه علوم پزشکی از مراکز ارایه خدمات در طول ایام نوروز برای ارایه خدمات مطلوب به شهروندان خبر داد و خاطر نشان کرد: اورژانس ۱۱۵ گیلان نیز جهت ارایه خدمات فوریت های پزشکی، ۵۰ نقطه جاده ای استان را پوشش خواهد داد.

وی با اشاره به وجود بیشترین تلفات جاده ای در محور رشت - لنگرود، افزود: در بازده ماه اول سال جاری ۵۰۴ نفر بر اثر تلفات جاده ای جان خود را در جاده های گیلان از دست داده اند، در این زمینه برای مسیر های پرتردد و حادثه خیز به ویژه لاهیجان، تالش و امامزاده هاشم، تمهیدات لازم برای امدادسانی در نظر گرفته شده است. همچنین، به منظور آموزش، پیشگیری و کاهش تلفات جاده ای، پویش چهارشنبه سوری و نوروز در دانشگاه علوم پزشکی گیلان راه اندازی شده است.

وی گفت: طرح سلامت نوروزی، از ۱۵ اسفند ۹۶ الی ۱۵ فروردین ۹۷ در دانشگاه علوم پزشکی گیلان اجرا می شود و با توجه به افزایش ۱۷ درصدی ورود مسافران به گیلان در سال ۹۶، پیش بینی می شود جهت ارایه خدمات مناسب به شهروندان و مسافرینی که گیلان را به عنوان مقصد گردشگری خود انتخاب کرده اند، نیازمند هماهنگی و همکاری بین بخشی باشیم.

وی افزود: با توجه به احتمال ورود بیش از دو و نیم میلیون مسافر به استان، استفاده از ظرفیت های بخش خصوصی، استقرار ۲۳ ایستگاه سلامت در سطح استان، دایر کردن مراکز شبانه روزی دندانپزشکی و داروخانه های معین برای ارایه خدمات دارویی مناسب، از جمله اقدامات پیش بینی شده است. در این زمینه ۶۳ پایگاه اورژانس ۲۶ مرکز درمانی دولتی و ۸ مرکز درمانی خصوصی، ۱۰۰ مرکز جامع شبانه روزی دولتی و ۴۸ مرکز شبانه روزی خصوصی، آماده خدمت رسانی می باشند.

به نقل از روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی گیلان دکتر یوسف زاده با بیان این که بر اساس آخرین بررسی ها، ۳۴ درصد مصدومین حوادث جاده ای، موتورسوارها و ۲۷ درصد عابرین پیاده بودند، تصریح کرد: در این خصوص باید تمهیدات لازم برای انتقال مناسب مصدومین به مراکز درمانی در نظر گرفته شود

توزیع میوه شب عید در گیلان آغاز شد



گیلان فردا- رییس ستاد تنظیم بازار گیلان با بیان این که در حال حاضر بالغ بر ۵۰۰ تن سیب و ۷۰۰ تن پرتقال تامسون درجه یک در سردخانه های استان گیلان ذخیره سازی شده است گفت: توزیع میوه شب عید در گیلان آغاز شد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم از رشت، علیرضا شعبان نژاد، رییس سازمان جهادکشاورزی استان گیلان با اشاره به این که ستاد تنظیم بازار با توجه به فرا رسیدن ایام نوروز به طور جدی در استان فعالیت می کند اظهار داشت: این ستاد در ایام ویژه و خاص سال ذخیره سازی کالای استان را برعهده دارد.

رییس ستاد تنظیم بازار گیلان با بیان این که در حال حاضر بیش از ۲ هزار و ۷۰۰ تن مرغ در انبارهای گیلان ذخیره سازی شده است بیان کرد: به منظور فرارسیدن ایام نوروز اقلام پرمصرف دیگری چون برنج و شکر در انبارهای استان ذخیره سازی شد

وی با اشاره به این که توزیع میوه شب عید با قیمت گذاری ستاد تنظیم بازار در گیلان آغاز شده است خاطرنشان کرد: بالغ بر ۶۵ مرکز توزیع میوه شب عید در سطح گیلان وجود دارد که همشهریان می توانند برای تهیه میوه به این مراکز مراجعه کنند.

وی قیمت سیب قرمز درجه یک تصویب شده در ستاد تنظیم بازار گیلان را ۳ هزار و ۵۰۰ تومان عنوان کرد و افزود: پرتقال درجه یک تامسون در این ستاد ۲ هزار و ۱۸۰ تومان قیمت گذاری شده است.

رییس ستاد تنظیم بازار استان گیلان با بیان اینکه هیچ مشکلی در تامین کالا و میوه شب عید در استان گیلان وجود ندارد تصریح کرد: نظارت بر قیمت ها، برخورد با گران فروشی و جلوگیری از تخلفات در حوزه تنظیم بازار در این ایام به شدت پیگیری می شود



محمد کاظم شکوهی راد

نقدی بر کتاب " این قافله عمر" از محمد کاظم شکوهی راد:

از قافله قلم

و... و سفرهای بمقصد رسیده و ناتمام و... لزوماً بدون "سوگیری" و با رعایت بی طرفی باشد (چنان که مورخین جانبدار، بدان تاکید می‌ورزند) ضرورت نداشته و حتی اجتناب ناپذیر است. پس به خوبی و با ظرافت، نظرِ راوی در جای جای متن به تناسب حال و مقال و مقام و زمان، قابل دریافت است.

نثر روان و غیرمصنوع، بی تکلف روزنامه نگارانه (ژورنالیستی) وی که با طنز پیوندی درونی و فراساختاری دارد هر دوره از زندگی، رخدادها و تردیدها و ترس‌ها، اضطراب‌ها و ناگزیری‌های راوی را تصویر کرده و مستقیماً به خواننده منتقل کرده و هم حسی و فرایند "این همانی ذهنی" را ایجاد می‌کند.

شکوهی راد، توانسته است به خوبی وضعیت اجتماعی هر محلی که در آن زیسته و معلمی که از او آموخته و یا گریخته! و خصوصاً موقعیت آموزش و پرورش و ساز کارهای اداری و روابط فامیلی و دگرنمایی‌های ناشی از انقلاب و... را ضمن بیان روزمره‌گی‌ها و مقدرات پیشانی نوشت! باز نمایاند به گونه‌ای که جریان سیال ذهن در فضای بینابینی جزء از کل و کل به جزء در نوسان است و برش‌ها و پرش‌های زمان مکانی، موجب گسست در مطالب و دل زدگی مخاطب نمی‌شود.

پرداختن رئالیستی و حتی وسواس برای ثبت واقعیت به جای بیان ساده واقعه و کنش، و توجه به جزئیات رفتار همسفران، دوستان، همکاران، همسر و فامیل، راننده و کمک راننده و مکانیک و ادبی سفر و تن فروشان کشور همسایه... و خوشبختانه به مآخولای رئالیسم منجر نمی‌شود، لکن در جاهایی از متن به اقتضای ضرورت‌های پرهیزگرانه، یا ناخواسته، قطع و به تلمیح یا ارجاع به "امر کلی" با ذکر بیتی شعر یا اشاره گذرا به ضرب المثل، اوسانه و... اکتفا می‌شود.

اگرچه شکوهی راد فروتنانه خود و مآلاً مخاطب را "مزخرف" (ذهن آراسته به چیزهای فریبنده) معرفی کرده و تاکید می‌کند که در متن‌ها! و روایت‌های این خاطرات و اعترافات، از "شعار" دادن پرهیز شده و "قهرمان"ی ندارد، اما بی‌شک هر کس، "قهرمان" بی‌بدیل دالان تنگ زندگی‌ی در نوشته‌ی خود است و در جهان پیرامونی‌ما، زمانی در می‌یابیم که بخشی از رویاهایمان "شعار" بوده‌اند بی‌آنکه خواسته باشیم (و سرنوشت مرا بتی رقم زد/ که دیگرانش می‌پرسیدند...!). و اما در باب "مزخرف" و "عوضی" بودن ما نیز،

(...کاشکی/ کاشکی/ داوری/ داوری)

در کار/ در کار/ اما داوری آن سوی در نشسته است، بی‌ردای شوم قضایان.

ذاتش درایت و انصاف/ اهیتش زمان/

و خاطره ات تاجلودان جاویدان/ در گذرگاه ادوار/ داوری خواهد شد...! " این قافله عمر..."

قاسم بزرگ زاده وکیل پایه یک



برخلاف آنچه برخی قائل به تکرار تاریخ اند، به نظر می‌رسد آنچه تکرار تاریخ تلقی می‌شود، در واقع برجسته کردن شباهت رخدادها و رفتارهاست که بر پایه منطق فازی با بهره‌گیری از دانش عینی و دانش شخصی قابل توصیف و بیان زبان شناختی، صورت می‌گیرد. روایت‌گری، قابلیت و مهارتی است که انسان اجتماعی با آن، مفاهیم علائقی، خواسته‌ها، هشدارها و... را در قالب اندیشه

و زبان، منتقل، و کمیت و کیفیت روابط شخصی، چند جانبه و عمومی را تعیین می‌کند. زندگی نامه نویسی، لزوماً رونویسی و بیان طابق النعل به نعل و حتی مشاهده صرف افکار و احساسات، موقعیتها و رفتارها نیست بلکه تصویرسازی مداخله‌گرانه‌ایست که هدفی را، اگرچه ناخودآگاهانه دنبال می‌کند. تولید محتوا در حوزه تاریخ شفاهی که امروزه از کروئولوژی (گاه نگاری) و تاریخ نویسی پیشی گرفته و مهم تر جلوه می‌کند، کثرت انگاری و نگرش‌های متفاوت از رخداد های مرکب و چند وجهی را موجب شده و زمینه را برای چند بعدی دیدن وقایع، و پرهیز از جزم اندیشی و افزایش مدارا و تحقق جامعه مدنی فراهم می‌کند.

"محمد کاظم شکوهی راد" متولد ۱۳۲۸ شمسی در سررستان شیراز فارس، گیله مریدست که اگرچه غیربومی است ولی در هوای فرهنگ و دغدغه‌های گیلان نفس کشیده و حضور و تاثیر پرشکویی در استان گیلان داشته و به خوبی توانسته است مزیت‌های نسبی و منافع حاصل از مبادله فرهنگی را در حوزه قلم و رسانه حفظ کرده و ارتقاء بخشد.

کتاب " این قافله عمر..." که حاوی گزیده‌ای از خاطرات و بخشی از اعترافات شخصی و اجتماعی اوست، توسط ناشر تهرانی "شرکت هزاره سوم اندیشه" در سالیکه و اسیسین هفته هایش را نفس می‌کشیم، در هزار نسخه و بهای پانزده هزار تومان منتشر شده است.

نوشتن از خود بی‌شباهت به بلند شدن در جمع و رقصیدن نیست. برای اینکه نگویند مرده شور ترکیبش را برد! رقصنده باید "تجزیه"ی مجموعه‌ی حرکاتی که شاکله رقص را تشکیل می‌دهد، توانسته و دانسته باشد.

طنزهای قلم، تلخند و گاه فشارهایی که اثرش نه فقط کاغذ بلکه دل خواننده را ریش می‌کند و تلنگرهای چرت پاره کن از ویژگیهای شکوهی راد است که این بار در قالب آنچه از سرش گذشته و تجربه شخصی و اجتماعی اوست، برخ می‌نماید.

اینکه بیان خاطرات و تجارب شخصی از مجالس تب آلود با اجنه تا عشق‌های کودکانه و پسابلوغ، معرفی دوستان دل‌انگیز مثل زنده یاد عمران صلاحی و شخصیت‌های دل‌اشوب

دکتر محبوبه بلغاری



D . D . S جراح - دندانپزشکی

ن.پ: ۱۳۵۶۹۰

ارائه کلیه خدمات دندانپزشکی
زیبایی، ترمیمی، اورتودنسی
پروتزهای ثابت و متحرک، اطفال



طرف قرارداد با: بانک ها، بیمه ها، نیروهای مسلح

تحقیق ویژه برای دانش آموزان و فرهنگیان **۲۵٪**

با تعیین وقت قبلی

ویزیت و مشاوره رایگان

رشت، فیابان حاجی آباد، جنب درمانگاه بعثت، بن بست طواف، سافتمان مهر، طبقه دوم وامد ۶

۰۱۳ - ۳۳۲۲۵۸۰۸



HOTEL

هتل

SABOURI صبورى

www.sabourihotel.ir

info@sabourihotel.ir

☎ ۰۱۳ ۳۳۳ ۵۵ ۲۶۴ - ۸

📍 ۰۹۲۱ ۶۵۷ ۵۱ ۰۲

گیلان، رشت، خیابان رسالت (صدا و سیما)
رودبارتان، روبروی پارک شهید گلستانی